راهنماى سعادت و خوشبختى

نام نویسنده : عبداللّه صالحى

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## مقدمه

نكاتى در شناخت اجمالى حقّ و باطل :

شكر و سپاس بى منتها، خداوند متعال را كه ما را از امّت مرحومه قرار داد و به صراط مستقيم ولايت اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام هدايت نمود.

و بهترين تحيّت و درود بر پيامبر عاليقدر اسلام و اهل بيت گراميش صلوات اللّه عليهم اجمعين.

و لعن و نفرين فراوان بر دشمنان و مخالفان اهل بيت رسالت، كه در حقيقت دشمنان خدا و قرآن هستند.

توجّه شما خواننده گرامى را به نكاتى چند جلب مى نمايم :

از همان دورانى كه خداوند متعال اوّلين فرد انسان يعنى حضرت آدم، ابوالبشر عليه‌السلام را آفريد، تمام نيازمنديهاى درونى و برونى او را تأ مين نمود، از همان زمان دو نوع جبهه حقّ ظاهرى و باطنى تشكيل گرديد، در جبهه ظاهر، به عنوان حجّت و خليفه الهى يعنى؛ انبياء و اوصياء و... عليهم‌السلام وجبهه باطل يعنى شيطان مغرور و متكبّر در مقابل يك ديگر قد علم كرده و مى كنند.

و در جبهه باطن عقل، اين نيروى هدايتگر درون مرزى و باطنى، انسان را در مقابل هواهاى نفسانى و شهوانى مساعدت مى نمايد.

از همان دوران ابتداء زندگى، جنگ و گريز بين اين دو جبهه آغاز گشت و هر كدام تلاش داشته و دارد تا صاحب خود را به سمت سعادت و خوشبختى و يا شقاوت و بدبختى (در دنيا و آخرت) سوق دهد.

و در هيچ زمانى بين اين دو گروه سازش نبوده و نخواهد بود، زيرا بين بين حقّ و باطل سازش وصلح معنا ندارد، مگر به جهت سياست و تقيّه كه آن هم مشروط به شرايطى مى باشد.

تشخيص حقّ و باطل بر بسيارى از افراد، مشكل و چه بسا غير ممكن مى باشد، چون هر كس در هر موقعيّتى كه باشد، با شعارهاى پوچ وظاهرى فريبنده مدّعى حقّانيّت خود خواهد بود و ديگرى را و بر خلاف و باطل مى شناسد.

ولى آنچه مسلّم و مورد قبول همگان است، اين مطلب است كه حقّ يكى، در يك جهت و در پيروى از يك فرد معيّن ثابت و پايدار خواهد بود، بر خلاف باطل كه ممكن است به شكلهاى گوناگون و در جهت هاى مختلف پديدار گردد.

واهل آن هر روز خود را به شكلى بيارايند و با چهره اى جديد جلوه گرى كنند به همين جهت، باطل هميشه متزلزل و ناپايدار است، امّا حقّ و حقيقت ثابت و مستحكم و پا بر جا باقى خاهد ماند، هر چند تحت فشارها و مشكلات عديده قرار گيرد.

در بين تمامى مذاهب و اديان، تنها آن دين و آئينى بر حقّ و سعادت بخش ‍ است كه از جانب آفريدگار و حكيم عَلَى الا طلاق باشد، چون تنها او آشنا به تمام نيازمنديها و جريانات بشر در جهات مختلف مادّى و معنوى مى باشد.

همچنين براى هدايت و سلامت روانى جامعه، نسبت به هر زمان و هر مكانى رهبرى شايسته انتخاب و معرّفى نموده است.

و با طلوع دين مبين اسلام به رهبرى اشرف مخلوقات و افضل پيامبران، حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، تمام أ ديان و مذاهب، منسوخ و باطل گرديد و تنها دين اسلام جامع، كامل و قابل اجراء در هر عصر و زمان براى تمام جوامع بشرى قرار گرفته است.

و از آنجائى كه شياطين در هر زمان به شكلى در جامعه ظاهر گشته و با ايجاد تفرقه و حزب گرائى تلاش براى مخدوش كردن چهره واقعى حقّ داشته و دارند، تا جائى كه پس از شهادت و رحلت حضرت رسول، امّت اسلامى را به چندين گروه متفرّق ساختند كه به طور مسلّم تمامى آنها بر حقّ و واقعيّت نيستند، بلكه در اين ميان تنها يك فرقه بر حقّ و مابقى همه باطل خواهند بود.

همانطورى كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نيز در يك پيشگوئى مهمّ فرمود:

«سَتَفْتَرِقُ اُمَّتى عَلى ثَلاثَة وَ سَبْعينَ فِرْقَة، فِرْقَةٌ ناجِيَةٌ وَ الْباقى هالِكُونَ». (1).

يعنى به همين زودى امّت من به هفتاد و سه، گروه متفرّق و پراكنده مى شوند كه تنها يك گروه از ايشان بر حقّ و اهل نجات خواهند بود و ما بقى همه باطل و اهل هلاكت و عذاب مى باشند.

و نيز در حديثى ديگر فرمود:

«عَلىُّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلي، يَدُورُ مَعَهُ حَيْثَ مادارَ» (2).

يعنى امام علىّ عليه‌السلام در همه حالات همراه حقّ مى باشد و نيز حقّ و حقّانيّت در همه امور و حركات با آن حضرت خواهد بود و حضرت ملاك و محور و مدار حقّ و حقيقت است.

و در جائى ديگر چنين فرمود:

«عَلىُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرآنُ مَعَ عَلي لَنْ يَفْتَرِقا... » (3).

يعنى امام علىّ عليه‌السلام هميشه همراه قرآن مى باشد و قرآن نيز در همه احوال با آن حضرت و مؤيّد وى است و اين دو از يكديگر جدائى ناپذيرند.

و امام باقر عليه‌السلام ضمن يك حديث قدسى طولانى فرمود:

«... وَ عِزَّتى وَ جَلالى وَ عُلُوّ شَأ نى، لَوْلاكَ وَ لَوْ لا عَلىُّ وَ عِتْرَتُكُمَا الْهادُونَ الْمَهْديُّونَ الرّاشِدُونَ، ما خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النّارَ وَ لاَ الْمَكانَ وَ لاَ الاْءرْضَ وَ لاَ السَّماءَ وَ لاَ الْمَلائِكَةَ... » (4).

خداوند، به عزّت و جلال خود قسم ياد نمود: كه اى محمّد! چنانچه تو و علىّ بن أ بى طالب و اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام كه همگى هدايتگر و هدايت يافته هستيد نمى بوديد، هر گز بهشت و دوزخ و ديگر موجودات را به عرصه وجود در نمى آوردم.

و در راستاى تبعيّت از فرامين الهى اين ستارگان فروزان، حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

«إنّى مُخَلِّفٌ فيكُمُ الثِّقْلَيْنِ: كِتابَ اللّهِ وَ عِتْرَتى أهْلَ بَيْتى فَإنَّهُما لَنْ يَفْتَرِقا حَتّى يَرِدا عَلَىَّ الْحَوْضَ» (5).

يعنى همانا من دو چيز مهمّ و ارزشمند، يكى كتاب خدا قرآن و ديگرى عترت و اهل بيت خود را در ميان شما به عنوان امانت مى گذارم و آن دو از يكديگر جدائى ناپذيرند تا در كنار حوض كوثر بر من وارد شوند.

و در رابطه با اين حديث شريف، امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش ‍ عليهم‌السلام نقل مى فرمايد كه از اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام پيرامون فرمايش پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم : «إنّى مُخَلِّفٌ فيكُمُ الثِّقْلَيْنِ...» سئوال شد؟

در پاسخ فرمود: مقصود، من و حسن و حسين و 9 پيشوا و راهنماى ديگر كه همگى از نسل حسين مى باشند هستيم و دوازدهمين آنها مهدى موعود عليه‌السلام خواهد بود.

و در پايان افزود: ما اهل بيت در همه حالات همراه قرآن و نيز قرآن همراه با ما خواهد بود و هر گز از يكديگر جدائى ناپذيرند تا در روز قيامت بر لب حوض كوثر نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حضور يابيم.

و نيز امام حسن مجتبى عليه‌السلام فرمود: همانا ما اهل بيت رسالت، يكى از آن دو امانت پيامبر خدا هستيم، پيروى از ما همان تبعيّت و پيروى از فرامين قرآن و دستورات الهى خواهد بود (6).

و در اين زمينه احاديث شريفه قدسيّه و روايات معتبره بسيارى از طريق شيعه و سنّى وارد شده است، كه همگى دلالت دارند بر اين كه حقّ و حقيقت در همه جريانات و حالات، تنها با امير المؤمنين امام علىّ و يازده فرزند گراميش عليهم‌السلام مى باشد و ايشان اوصياء و جانشينان بلا فصل نبوّت خواهند بود و نيز مدار و ملاك تشخيص حقّ از باطل قرار گرفته اند.

در نهايت، به اين نتيجه مى رسيم كه تنها پيروان و شيعيان مخلص اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام هستند كه اهل سعادت و نجات در دنيا و آخرت خواهند بود، البتّه به شرط آن كه در جميع مسائل و امور مختلف، در حدّ توان، تابع قولى و عملى ايشان باشند، ان شاء اللّه.

به اميد آنكه خداوند متعال، ما را از پيروان راستين آن بزرگواران محسوب نمايد و توفيق انجام وظيفه و بهره گيرى لازم از چشمه هاى زلال معرفت و انواع جواهرات گرانمايه از اين درياى فيّاض را به ما عطا گرداند.

با توجّه به علاقه افراد جامعه اسلامى خصوصاً قشر جوان به فرهنگ و آئين مبين اسلام و نياز همگان به بهره گيرى از درياى بى كران معارف و علوم حيات بخش اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام، مصمّم شدم تا مجموعه اى از خلاصه حالات چهارده معصوم صلوات اللّه عليهم، همراه با چهل گوهر گرانبها كه مجموعا 560 حديث، در دويست موضوع باشد از منابع متعدد گلچين و تاءليف نموده و در اختيار مشتاقان هدايت و تشنه گان چشمه زلال معرفت و حقيقت قرار گيرد.

به اميد آنكه مورد استفاده و افاده عموم در ابعاد مختلف قرار گيرد؛ «جَعَلَهُ اللّهُ ذُخْراً لى وَ لِوالِدَىٍَّّ وَ لِمَنْ لَهُ عَلَىٍَّّ حَقُّ، لِيَوْمٍ لايَنْفَعُ مالٌ وَ لابَنُونَ»، ان شاء اللّه تعالى.

مؤلّف

## خلاصه حالات اوّلين معصوم آخرين پيامبر، اشرف مخلوقات

آن حضرت پيش از طلوع سپيده صبح روز جمعه يا دوشنبه، هفدهم يا دوازدهم ماه ربيع الاوّل، عام الفيل 55 روز پس از هلاكت اصحاب فيل در شهر مكّه شعب ابى طالب، ختنه شده و خندان به دنيا آمد و جهانى تاريك را به نور مبارك خود روشن نمود.

هنگامى كه رسول خدا از شكم مادر تولّد يافت، دست چپ خود را بر زمين و دست راست به سمت آسمان بلند نمود و چون كلمه توحيد را بر زبان جارى نمود، نورى از دهان مباركش ظاهر گرديد كه تمامى مكّه را روشنائى بخشيد.

نام : محمّد (7)، احمد، محمود، ... صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

كنيه : ابوالقاسم، ابوابراهيم، ابوالطاهر، ابوالطيّب، ابوالمساكين، ابوالدُّرتين، ابوالريحانَتَين، ابوالسِبطَين، ...

لقب : خاتم، رسول اللّه، رسول الرّحمة، رسول الراحة، نبىُّالرّحمة، نبى التّوبة، سراج المنير، مبشّر، مُنذر، امين، وفّى، مزمّل، مدّثر، عالم ماحى، حاشر، شاهد، ...

در تورات : مادماد، در انجيل : فارقليط ملّقب شده است.

پدر آن حضرت، عبداللّه فرزند عبدالمطلب و مادرش آمنه دختر وهب بن عبد مناف بوده است.

حضرت رسول با سى واسطه به حضرت آدم مى رسد، و 9900 سال و چهار ماه و ده روز بعد از وفات حضرت آدم عليه‌السلام متولّد گرديد.

نقش انگشتر: آن حضرت داراى دو انگشتر بود، نقش يكى «لااله الاّ اللّه محمّد رسول اللّه» و ديگرى «صدق اللّه» بود كه به دست راست خود قرار مى داد.

دو ماه بعد از آنكه در رحم مادر قرار گرفت پدرش عبداللّه وفات يافت و دوران شيرخوارگى را توسط حليمه سعديه سپرى نمود.

در سنين چهار يا شش سالگى مادرش آمنه و هشت سالگى جدّش ‍ عبدالمطلب وفات كرد.

در 25 سالگى از طرف خديجه براى تجارت به شام مسافرت نمود و چند ماه پس از بازگشت با وى ازدواج كرد.

در چهل سالگى در 27 رجب به رسالت و نبوّت مبعوث گرديد.

9 سال و هشت ماه بعد از نبوّتش كه دو سال پس از خروج از شِعب باشد، عمويش ابوطالب وفات يافت، و سه روز بعد از آن خديجه در سنين 65 سالگى درگذشت.

در سنين سيزده سالگى به همراه عمويش عمران ابوطالب به شام مسافرت نمود و نزد قبائل و قوافل مورد اعتماد و اطمينان قرار گرفت. بطوريكه لقب امين بر او نهاده شد.

هنگامى كه دعوتش آشكار گرديد مورد اذيّت و آزار مشركان و مخالفان قرار گرفت تا جائى كه گفته اند:

پس از گذشت پنج سال از بعثت در محاصره شديد دشمنان قرار گرفت و به ناچار در محلّى به نام شِعب ابوطالب به همراه ديگر يارانش پناهنده شد و مدّت سه سال با تحمّل سختيها و مشكلات فراوان اقتصادى، اجتماعى، سياسى... بسر برد.

و چون اذيّت و آزار دشمنان و مخالفان بعد از وفات ابوطالب و خديجه شدّت گرفت، روز پنجشنبه اوّل ربيع الاوّل (سيزده سال پس از بعثت) در سنين 53 سالگى به همراه يارانش از مكّه به مدينه مهاجرت نمود و دوازدهم همان ماه هنگام زوال خورشيد وارد مدينه منوّره گرديد و مدّت 10 سال در آن شهر اقامت نمود.

آن حضرت حدود يك سال قبل از هجرت از مكّه به مدينه در بيدارى با جسم و روح به معراج رفت و در مقدارى از شب پس از عروج از مسجد الحرام در مسجدالا قصى فرود آمد و طبق فرمايش امام صادق صلوات اللّه عليه : پيامبراسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله يكصد و بيست مرتبه به معراج رفت و در هر مرتبه خداوند بيش از ديگر فرايض و واجبات، به ولايت امام علىّ و ديگر ائمّه عليهم‌السلام توصيه مى نمود. (8)

در نيمه ماه رجب، سال دوّم هجرت در بين نماز عصر، قبله مسلمان از بيت المقدس به سمت كعبه متحوّل شد. (9)

در مدّت عمر پر بركت آن حضرت بيش از چهارهزار و چهارصد معجزه توسط حضرتش واقع گرديد. (10)

و آنچه كه توسط ديگر پيامبران الهى انجام گرفته بود به وسيله پيامبر اسلام انجام شد و مهمترين معجزه آن حضرت قرآن بود كه تمامى انسانها از مقابله با آن عاجز و ناتوان بوده و هستند.

روز هيجدهم ذى الحجّه، سال نهم هجرى (11) پس از بازگشت از حجّة الوداع در محلّى به نام غديرخم حضرت علىّ بن ابى طالب عليه‌السلام را به عنوان خليفه خود و امام مسلمين در جمع كليّه حُجّاج از طرف خداوند متعال معرّفى و منصوب نمود كه اكثر مفسّرين و تاريخ نويسان اهل سنّت نيز به آن تصريح كرده اند.

حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله چهل و هفت سَرّيه براى جنگ با مخالفان اعزام نمود كه در بيست و شش جنگ مشاركت و فرماندهى داشت و در 9 جنگ مقاتله و جهاد نمود.

و در نهايت بعد از جنگ خيبر توسط زنى يهودى به نام زينب (دختر حارث برادر مرحب) به وسيله زهر در آبگوشت كلّه و پاچه مسموم و مدّتى پس از آن به شهادت رسيد. (12)

در تاريخ وفات حضرت اختلاف است، مشهور آنست كه در 28 ماه صفر، سال دهم هجرت (13) در اثر زهر مسموم و در سن 63 سالگى شهيد گشت.

قبر آن حضرت توسط ابوعبيده جرّاح و زيدبن سُهيل حفر و آماده شد، و جسد مطهّرش توسط امام علىّ عليه‌السلام با كمك عبّاس بن عبدالمطلب و فضل بن عبّاس و اسامه، تجهيز و در خانه شخصى خودش دفن گرديد.

دربان حضرت را امام علىّ بن اءبى طالب عليه‌السلام و أ نس بن مالك و ابورافع گفته اند.

در تعداد زوجات حضرت اختلاف است، مشهور آنستكه حضرت از سنين 25 سالگى ببعد، 16 همسر جهت مصالح اسلام و مسلمين انتخاب نمود كه طبق مشهور (14) تمامى آنها به جز عايشه بيوه بوده اند.

و در موقع شهادت 9 همسر برايش باقى مانده بود.

از خديجه هفت فرزند به نامهاى : قاسم، زينب، امّ كلثوم، رقيّه قبل از بعثت، و طاهر و عبداللّه و فاطمه بعد از بعثت براى حضرت رسول متولّد شد، و از ديگر همسرش (ماريه) يك فرزند به نام ابراهيم بعد از بعثت به دنيا آمد.

در موقع شهادت تنها فرزندى كه برايش به يادگار باقى ماند، حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام بود.

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از حمد، پانزده مرتبه سوره قدر، همچنين در ركوع و پس از ركوع و در هر سجده و بين دو سجده و بعد از سجده دوّم پانزده مرتبه سوره قدر قرائت مى گردد، كه جمعاً 210 مرتبه در هر ركعت بايد خوانده شود، و بعد از سلام نماز تسبيح حضرت زهرا، عليها‌السلام گفته شود.

و سپس حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال تقاضا و درخواست نمايد. (15)

## چهل حديث گهربار، از آخرين پيامبر، اشرف مخلوقات

1 قال رَسُولُ اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

لاتُضَيِّعُواصَلوتَكُمْ، فَإنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلوتَهُ، حُشِرَ مَعَ قارُونَ وَ هامانَ، وَ كانَ حَقّاً عَلىِ اللّهِ اءنْ يُدْخِلَهُ النّارَمَعَ الْمُنافِقينَ. (16)

فرمود: نماز را سبك و ناچيز مشماريد، هر كس نسبت به نمازش بى اعتنا باشد و آنرا سبك و ضايع گرداند همنشين قارون و هامان خواهد گشت و حقّ خداوند است كه او را همراه منافقين در آتش داخل نمايد.

2 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ مَشى إلى مَسْجِدٍ مِنْ مَساجِدِاللّهِ، فَلَهُ بِكُّلِ خُطْوَةٍ خَطاها حَتّى يَرْجِعَ إلى مَنْزِلِهِ، عَشْرُ حَسَناتٍ، وَ مَحى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجاتٍ. (17)

فرمود: هر كس قدمى بسوى يكى از مساجد خداوند بردارد، براى هر قدم ثواب ده حسنه مى باشد تا برگردد به منزل خود، و ده خطا از لغزش هايش پاك مى شود، همچنين در پيشگاه خداوند ده درجه ترفيع مى يابد.

3 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَلْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لاِنْتِظارِ الصَّلوةِ عِبادَةٌ مالَمْ يَحْدُثْ، قيلَ: يا رَسُولَ اللّهِ وَ مَا الْحَدَثُ؟ قالَ: اَلْغِيْيَةُ. (18)

فرمود: نشستن در مسجد جهت انتظار وقت نماز عبادت است تا موقعيكه حدثى از او صادر نگردد.

سئوال شد: يا رسول اللّه، منظور از حدث چيست ؟

فرمود: غيبت و پشت سر ديگران سخن گفتن.

4... بَيْنَما رَسُولُ اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جا لِسٌ فِى الْمَسْجِدِ، إذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقامَ يُصَلّى، فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لاسُجُودَهُ، فَقالَ: نَقَرَ كَنَقْرِ الْغُرابِ، لَئِنْ ماتَ هذا وَ هكَذا صَلوتُهُ لَيَمُوتَنُّ عَلى غَيْرِ ديني. (19)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مسجد نشسته بود كه شخصى وارد مسجد شد و مشغول نماز گشت و ركوع و سجودش را كامل انجام نداد و عجله و شتاب كرد.

حضرت فرمود: كار اين شخص همانند كلاغى است كه منقار بر زمين مى زند، اگر با اين حالت از دنيا برود بر دين من نمرده است.

5 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : يا اءباذَر، اَلدُّنْيا سِجْنُ الْمُؤْمِن وَ جَنَّةُ الْكافِرِ، وَ ما اءصْبَحَ فيها مُؤْمِنٌ إلاّ وَ هُوَ حَزينٌ، وَ كَيْفَ لايَحْزُنُ الْمُؤْمِنُ وَ قَدْ اءوُعَدَهُ اللّهُ اءنَّهُ وارِدٌ جَهَنَّمَ. (20)

فرمود: اى ابوذر، دنيا زندان مؤمن و بهشت كافران است، مؤمن هميشه محزون و غمگين مى باشد، چگونه چنين نباشد و حال آنكه خداوند وعده مجازات و دخول جهنّم را داده است.

6 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : شَرُّالنّاسِ مَنْ باعَ آخِرَتَهُ بِدُنْياهُ، وَ شَرُّ مِنْ ذلِكَ مَنْ باعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيا غَيْرِهِ. (21)

فرمود: بدترين افراد كسى است كه آخرت خود را به دنيايش بفروشد و بدتر از او آن كسى خواهد بود كه آخرت خود را براى دنياى ديگرى بفروشد.

7 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : ثَلاثَةٌ اءخافُهُنَّ عَلى اُمتَّى : اءلضَّلالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَ مُضِلاّتُ الْفِتَنِ، وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. (22)

فرمود: سه چيز است كه از آنها براى امّت خود احساس خطر مى كنم :

1 گمراهى، بعد از آنكه هدايت و معرفت پيدا كرده باشند.

2 گمراهى ها و لغزشهاى به وجود آمده از فتنه ها.

3 مشتهيات شكم، و آرزوهاى نفسانى و شهوت پرستى.

8 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : ثَلاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُها وَ لا تُؤَخَّرُ إلى الاخِرَةِ: عُقُوقُ الْوالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَى النّاسِ، وَ كُفْرُ الاْ حْسانِ. (23)

فرمود : عقاب و مجازات سه دسته از گناهان زود رس مى باشد و به قيامت كشانده نمى شود: ايجاد ناراحتى براى پدر و مادر، ظلم در حقّ مردم، ناسپاسى در مقابل كارهاى نيك ديگران.

9 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : إنَّ اءعْجَزَ النّاسِ مَنْ عَجَزَعَنِ الدُّعاءِ، وَ إنَّ اءبْخَلَ النّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلامِ. (24)

فرمود: عاجز و ناتوان ترين افراد كسى استكه از دعا و مناجات با خداوند ناتوان و محروم باشد، و بخيل ترين اشخاص كسى خواهد بود كه از سلام كردن خوددارى نمايد.

10 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : إذا تَلاقَيْتُمْ فَتَلاقُوا بِالتَّسْليمِ وَ التَّصافُحِ، وَ إذا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِإ لاسْتِغْفارِ. (25)

فرمود: هنگام بر خورد و ملاقات با يكديگر سلام و مصافحه نمائيد و موقع جدا شدن براى همديگر طلب آمرزش كنيد.

11 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : بَكِرُّوا بِالصَّدَّقَةِ، فَإنَّ الْبَلاءَ لايَتَخَطاّها. (26)

فرمود: صبحگاهان حركت و كار خود را با دادن صدقه شروع نمائيد چونكه بلاها و آفت ها را بر طرف مى گرداند.

12 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : يُؤْتَى الرَّجُلُ في قَبْرِهِ بِالْعَذابِ، فَإذا اُتِيَ مِنْ قِبَلِ رَاءسِهِ دَفَعَتْهُ تِلاوَةُ الْقُرْآنِ، وَ إذا اُتِيَ مِنْ قِبَلِ يَدَيْهِ دَفَعَتْهُ الصَّدَقَةُ، وَ إذا اُتِيَ مِنْ قِبَلِ رِجْلَيْهِ دَفَعَهُ مَشْيُهُ إلىَ الْمَسْجِدِ. (27)

فرمود: هنگامى كه بدن مرده را در قبر قرار دهند، چنانچه عذاب از بالاى سر بخواهد وارد شود تلاوت قرآنش مانع عذاب مى گردد و چنانچه از مقابل وارد شود صدقه و كارهاى نيك مانع آن مى باشد.

و چنانچه از پائين پا بخواهد وارد گردد، رفتن به سوى مسجد مانع آن خواهد گشت.

13 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : عَلَيْكُمْ بِمَكارِمِ الاْ خْلاقِ، فَإنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَني بِها، وَ إنَّ مِنْ مَكارِمِ الاْ خْلاقِ: اءنْ يَعْفُوَالرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَ يُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ، وَ يَصِلَ مَنْ قَطَعَهُ، وَ اءنْ يَعُودَ مَنْ لايَعُودُهُ. (28)

فرمود: بر شما باد رعايت مكارم اخلاق، كه خداوند مرا بر آنها مبعوث نمود، و بعضى از آنها عبارتند از:

كسى كه بر تو ظلم كند به جهت غرض شخصى او را ببخش، كسى كه تو را نسبت به چيزى محروم گرداند كمكش نما، شخصى كه با تو قطع دوستى كند رابطه دوستى داشته باش، شخصى كه به ديدار تو نيايد به ديدارش ‍ برو.

14 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ وَجَدَ كَسْرَةً اَوْ تَمْرَةً فَاءكَلَهَا لَمْ يُفارِقْ جَوْفَهُ حَتّى يَغْفِرَاللّهُ لَهُ. (29)

فرمود: هر كس تكّه اى نان يا دانه اى خرما در جائى به بيند، و آنرا بردارد و ميل كند، مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار مى گيرد.

15 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : ما تَواضَعَ اءحَدٌ إلاّ رَفَعَهُ اللّهُ. (30)

فرمود: كسى اظهار تواضع و فروتنى ننمايد مگر آنكه خداوند او را رفعت و عزّت بخشد.

16 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ اءنْظَرَ مُعْسِرا، كانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ. (31)

فرمود: هر كس بدهكار ناتوانى را مهلت دهد براى هر روزش ثواب صدقه در راه خدا ميباشد.

17 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : ما مِنْ هُدْهُدٍ إلاّ وَ في جِناحِهِ مَكْتُوبٌ بِالِسّرْيانيَّةِ «آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَريَّةِ». (32)

فرمود: پرنده اى به نام هدهد وجود ندارد مگر آنكه روى بالهايش به لغت سريانى نوشته شده است : آل محمّد (صلوات اللّه عليهم اجمعين) بهترين مخلوق روى زمين مى باشند.

18 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : يَاءتي عَلىَ النّاسِ زَمانٌ، الصّابِرُ مِنْهُمْ عَلى دينِهِ كَالْق ابِضِ عَلىَ الْجَمَرِ. (33)

فرمود: زمانى بر مردم خواهد آمد كه صبر نمودن در برابر مسائل دين و عمل به دستورات آن همانند در دست گرفتن آتش گداخته است.

19 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : سَيَاءتي زَمانٌ عَلى اُمتَّي يَفِرُّونَ مِنَ الْعُلَماءِ كَما يَفِرُّ الْغَنَمُ مِنَ الذِّئْبِ، إبْتَلاهُمُ اللّهُ بِثَلاثَةِ اءشْياء: الاْوَّلُ: يَرَفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ اءمْوالِهِمْ، وَ الثّاني : سَلَّط اللّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطانا جائِرا، وَ الثّالِثُ: يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيا بِلا إيمانٍ. (34)

فرمود: زمانى بر امّت من خواهد آمد كه مردم از علماء گريزان شوند همانطوريكه گوسفند از گرگ گريزان است، خداوند چنين جامعه اى را به سه نوع عذاب مبتلا مى گرداند:

1 بركت و رحمت خود را از اموال ايشان برمى دارد.

2 حكمفرمائى ظالم و بى مروّت را بر آنها مسلّط مى گرداند.

3 هنگام مرگ و جاندادن، بى ايمان از اين دنيا خواهند رفت.

20 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَلْعالِمُ بَيْنَ الْجُهّالِ كَالْحَىٍّّ بَيْنَ الاْمْواتِ، وَ إنَّ طالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُلَهُ كُلُّ شَي ءٍ حَتّى حيتانِ الْبَحْرِ وَ هَوامُّهُ، وَ سُباعُ الْبَرِّ وَ اءنْعامُهُ،

فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإ نّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ إنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَريضَةٌ عَلى كُلِ مُسْلِمٍ. (35)

فرمود: دانشمندى كه بين گروهى نادان قرار گيرد همانند انسان زنده اى است بين مردگان، و كسى كه در حال تحصيل علم باشد تمام موجودات برايش طلب مغفرت و آمرزش مى كنند، پس علم را فرا گيريد چون علم وسيله قرب و نزديكى شما به خداوند است، و فراگيرى علم بر هر فرد مسلمانى فريضه است.

21 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ زارَ عالِما فَكَاءنَّما زارَني، وَ مَنْ صافَحَ عالِما فَكاءنَّما صافَحَني، وَ مَنْ جالَسَ عالِماً فَكَاءنَّما جالَسَني، وَ مَنْ جالَسَني فِى الدُّنْيا اءجْلَسْتُهُ مَعى يَوْمَ الْقِيامَةِ. (36)

فرمود: هر كس به ديدار و زيارت عالم و دانشمندى برود مثل آنستكه مرا زيارت كرده، هر كه با دانشمندى دست دهد و مصافحه كند مثل آنكه با من مصافحه نموده، هر شخصى هم نشين دانشمندى گردد مثل آنستكه با من مجالست كرده، و هر كه در دنيا با من همنشين شود، در آخرت همنشين من خواهد گشت.

22 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ اَصابَ مِنْ إ مْرَاءةٍ نَظْرَةً حَراما، مَلاَ اللّهُ عَيْنَيْهِ نارا. (37)

فرمود: هر كس نگاه حرامى به زن نامحرمى بيفكند، خداوند چشمهاى او را پر از آتش مى گرداند.

23 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ تَزَوَّجَ إ مْرَاءةً لِمالِها وَ كَّلَهُ اللّهُ إ لَيْهِ، وَ مَنْ تَزَوَّجَها لِجَمالِها رَاءى فيها ما يَكَرَهُ، وَ مَنْ تَزَوَّجَها لِدينِها جَمَعَ اللّهُ لَهُ ذلِكَ. (38)

فرمود: هر كس زنى را به جهت ثروتش ازدواج كند خداوند او رابه همان واگذار مى نمايد، و هر كه با زنى جهت زيبائى و جمالش ازدواج كند خوشى نخواهد ديد، و كسى كه با زنى جهت دين و ايمانش تزويج نمايد خداوند خواسته هاى او را تاءمين مى گرداند.

24 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ قَلَّ طَعامُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ، وَ صَفاقَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعامُهُ سَقُمَ بَدَنُهَ وَ قَساقَلْبُهُ. (39)

فرمود: هر كه خوراكش كمتر باشد بدنش سالم و قلبش با صفا خواهد بود، و هر كس خوراكش زياد باشد امراض جسمى و كدورت، قلبش را فرا خواهد گرفت.

25 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : لاتُشْبِعُوا، فَيُطْفاء نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ. (40)

فرمود: شكم خود را از خوراك سير و پر مگردانيد، چونكه وسيله خاموشى نور عرفان و معرفت در افكار و قلبهايتان مى گردد.

26 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ تَوَلّى عَمَلا وَ هُوَيَعْلَمُ اءنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِاءهْلٍ، فَلْيتُبَّوَءُ مَقْعَدُهُ مِنَ النّارِ. (41)

فرمود: هر كه رياست و مسئوليتى را به پذيرد و ميداند كه أ هليّت آنرا ندارد، در قبر و قيامت جايگاه او پر از آتش خواهد شد.

27 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : إنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعيفِ الَّذي لادينَ لَهُ، فَقيلَ: وَ ما الْمُؤْمِنُ الضَّعيفُ الَّذي لادينَ لَهُ؟

قالَ: اَلذّي لايَنْهى عَنِ الْمُنْكَرِ. (42)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنى را كه ضعيف و بى دين است، سئوال شد:

مؤمن ضعيف و بى دين كيست ؟ پاسخ داد: كسى كه نهى از منكر و جلوگيرى از كارهاى زشت نمى كند.

28 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : صَدَقَةُ السِّرِّ تُطْفِى ءُ الْخَطيئَةَ، كَما تُطْفِى ءُ الماءُ النّارَ، وَ تَدْفَعُ سُبَعْينَ بابا مِنَ الْبَلاءِ. (43)

فرمود: صدقه اى كه محرمانه و پنهانى داده شود سبب پاكى گناهان مى باشد، همانطوريكه آب آتش را خاموش مى كند، همچنين صدقه هفتاد نوع بلا و آفت را بر طرف مى نمايد.

29 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمى مِنَ الطَّعامِ مَخافَةَ الدّاءِ، كَيْفَ لايَحْتمى مِنَ الذُّنُوبِ، مَخافَةَ النّارِ. (44)

فرمود: تعجّب دارم از كسانيكه نسبت به خورد و خوراك خود اهميّت مى دهند تا مبادا مريض شوند و ليكن اهميّتى نسبت به گناهان نمى دهند و باكى از آتش سوزان جهنم ندارند.

30 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : حُبُّ الْجاهِ وَ الْمالِ يُنْبِتُ النِّفاقَ فِى الْقَلْبِ، كَما يُنْبِتُ الْماءُ الْبَقْلَ. (45)

فرمود: علاقه نسبت به رياست و ثروت سبب روئيدن نفاق در قلب و درون خواهد شد، همانطورى كه آب و باران سبب روئيدن سبزيجات مى باشند.

31 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَلْوَلَدُ كَبِدُ المُؤْمِنِ، إنْ ماتَ قَبْلَهُ صارَ شَفيعاً، وَ إنْ ماتَ بَعَدَهُ يَسْتَغْفِرُ اللّهَ، فَيَغْفِرُلَهُ. (46)

فرمود: فرزند براى مؤمن همانند جگر و پاره تن اوست، چنانجه پيش از او بميرد شفيع او مى گردد، اگر بعد از او بميرد برايش استغفار مى كند و خداوند گناهانش را مى آمرزد.

32 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : حَسِّنُوا اءخْلاقَكُمْ، وَ اءلْطِفُوا جيرانَكُمْ، وَ اءكْرِمُوا نِسائَكُمْ، تَدْخُلُوا الْجَنّةَ بِغَيْرِ حِسابٍ. (47)

فرمود: رفتار و اخلاق خود را نكو سازيد، نسبت به همسايگان با ملاطفت و محبّت برخورد نمائيد، زنان و همسران خود را گرامى داريد تا بدون حساب وارد بهشت گرديد.

33 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَلْمَرْءُ عَلى دينِ خَليلِهِ، فَلْيَنْظُر اءحَدُكُمْ مَنْ يُخالِطْ. (48)

فرمود: انسان بر روش و اخلاق دوستش پرورش مى يابد و شناخته مى شود، پس متوجّه باشيد با چه كسى دوست و همنشين مى باشيد.

34 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَلصَّدقَةُ بِعَشْرٍ، وَ الْقَرْضُ بِثَمانِيَةَ عَشَرَ، وَ صِلَةُ الرَّحِمِ بِاءرْبَعَةَ وَ عِشْرينَ. (49)

فرمود: پاداش و ثواب دادنِ صدقه ده برابر آن، ودادن قرض الحسنه هيجده برابر آن، و صله رحم انجام دادن بيست و چهار برابر خواهد بود.

35 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : لايَمْرُضُ مُؤْمِنٌ وَ لامُؤْمِنَةٌ إلاّحَطّ اللّهُ بِهِ خَطاياهُ. (50)

فرمود: هيچ مؤمن و مؤمنه اى مريض نمى گردد مگر آنكه خطاها و لغزش هايش پاك و بخشوده مى شود.

36 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : مَنْ وَقَّرَ ذا شَيْبَةٍ فِى الاْ سْلامِ اءمَّنَهُ اللّهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ. (51)

فرمود: هر كس بزرگسال مسلمانى را گرامى دارد و احترام نمايد، خداوند او را در قيامت از سختيها و مشكلات در اءمان مى دارد.

37 قالَ: صلى‌الله‌عليه‌وآله : كُلُّ عَيْنٍ باكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ إلاّ ثَلاثَ اءعْيُنِ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ، وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللّهِ، وَ عَيْنٌ باتَتْ ساهِرَةً فى سَبيلِ اللّهِ. (52)

فرمود: تمامى چشمها در روز قيامت گريانند، مگر سه دسته :

1 آن چشمى كه به جهت خوف و ترس از عذاب خداوند گريه كرده باشد.

2 چشمى كه از گناهان و موارد خلاف بسته و نگاه نكرده باشد.

3 چشمى كه شبها در عبادت و بندگى خداوند متعال بيدار بوده باشد.

38 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : سادَةُ النّاسِ فِى الدُّنْيا الا سْخِياء، سادَةُ النّاسِ فِى الاخِرَةِ الاْ تْقِياء. (53)

فرمود: سرور و سيّد مردم در دنيا افراد سخاوتمند خواهند بود، و سيّد و سرور انسانها در قيامت پرهيزكاران مى باشند.

39 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : وَ عَظَني جِبْرئيلُ عليه‌السلام : يا مُحَمَّدُ، اءحْبِبْ مَنْ شِئْتَ فَإنَّكَ مُفارِقُهُ، وَ اعْمَلْ ما شِئْتَ فَإنَّكَ مُلاقيهِ. (54)

فرمود: جبرئيل مرا موعظه و نصحيت كرد: با هر كس كه خواهى دوست باش، بالا خره بين تو و او جدائى خواهد افتاد. هر چه خواهى انجام ده، ولى بدان نتيجه و پاداش آنرا خواهى گرفت.

40 قالَ صلى‌الله‌عليه‌وآله : اَوْ صانى رَبّى بِتِسْع : اَوْ صانى بِالاْ خْلاصِ فِى السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَ الْعَدْلِ فِى الرِّضا وَ الْغَضَبِ، وَ الْقَصْدِ فِى الْفَقْرِ وَ الْغِنى، وَ اَنْ اءعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنى، وَ اءعطِيَ مَنْ حَرَمَنى، وَ اءصِلَ مَنْ قَطَعَنى، وَ اَنْ يَكُونَ صُمْتى فِكْراً، وَ مَنْطِقى ذِكْراً، وَ نَظَرى عِبْراً. (55)

فرمود: پروردگار متعال، مرا به 9 چيز سفارش نمود: اخلاص در آشكار و پنهان، دادگرى در خوشنودى و خشم، ميانه روى در نياز و توانمندى، بخشيدن كسى كه در حقّ من ستم روا داشته است، كمك به كسى كه مرا محروم گردانده، ديدار خويشاوندانى كه با من قطع رابطه نموده اند، و اينكه خاموشيم انديشه و سخنم يادآورى خداوند، و نگاهم عبرت و پند باشد.

## خلاصه حالات دوّمين معصوم اميرمؤمنان على عليه‌السلام

حضرتش بنابر مشهور: روز سيزدهم ماه رجب، سى سال بعد از عام الفيل، در شهر مكّه معظّمه، در ميان كعبه الهى به دنيا آمد و با نور طلعتش، جهانى تاريك، را روشنائى بخشيد.

در اوّلين مرحله اى كه حضرت رسول قنداقه اين نوزاد مبارك را از مادرش ‍ تحويل گرفت با زبان فصيح خواند:

«بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم، قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤمِنُونَ الَّذينَ فى صَلوتِهِمْ خاشِعُونَ».

يعنى به نام خداوندى كه بخشنده و مهربان است، آن مؤمنينى كه در هنگام بجا آوردن نماز خاشع باشند رستگار و سعادتمند خواهند بود.

حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله در مقابل به او فرمود: يا علىّ، مؤمنين به وسيله تو رستگار خواهند شد.

نام : علىّ (56) «صلوات اللّه و سلامه عليه».

كنيه : ابوتراب، ابوالا ئمّه، ابوالحسن و....

لقب : اميرالمؤمنين، يعسوب الدّين، يعسوب المؤمنين، قائد الغُرّ المحجّلين، امام المتّقين، سيّد الا وصياء، اسد اللّه، مرتضى، حيدر، أَنزع، قَضْم، وصىّ، ولىّ....

پدر: عمران عبدمناف معروف به ابوطالب.

مادر: فاطمه بنت اسد، نوه هاشم، اوّلين زن هاشميّه اى كه با مرد هاشمى يعنى ابوطالب ازدواج كرد.

و چون در پرورش حضرت رسول دخالت مستقيم داشت، حضرت او را به عنوان مادر خطاب مى نمود.

نسبت امام علىّ بن ابى طالب صلوات اللّه عليه با سى واسطه همانند رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله به حضرت آدم عليه‌السلام مى رسد.

نقش انگشتر: حضرت داراى چهار انگشتر بوده است : يكى عقيق براى نماز، نقش آن : لا إ له الاّ اللّه، عدّة للقائة.

دوّم فيروزه براى جنگ، نقش آن : نصر من اللّه و فتح قريب.

سوّم ياقوت براى قضاوت، نقش آن : اللّه الملك و علىّ عبده.

چهارم حديد صليمى براى ختم و مهر نامه ها، نقش آن : لا إ له الاّ اللّه، محمّد رسول اللّه. (57)

دربان آنحضرت را سلمان فارسى و قنبر گفته اند.

اوّلين مردى كه به نبوّت حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله ايمان آورد، علىّ عليه‌السلام بود، و در هفت سالگى با آن حضرت نماز جماعت خواند.

در تمام جنگهاى زمان حضرت رسول غير از جنگ تبوك مشاركت داشت و بيشترين پيروزيها به دست برومند و تواناى آن حضرت نصيب اسلام و مسلمين گرديد.

طبق نقل ابن عساكر: جنگ بدر توسط امام علىّ عليه‌السلام در 20 سالگى و نيز مكّه توسط حضرتش در 28 سالگى فتح شد.

پس از رحلت حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله جنگهائى بر عليه اسلام و بر عليه آن حضرت توسط منافقين و مخالفين به وقوع پيوست كه مهمّ آنها سه جنگ مى باشد به نامهاى :

جنگ جمل، با ناكثين، به سركردگى عايشه و طلحه و زبير، در ماه جمادى الثّانى، سال 36 هجرى شمسى. (58)

جنگ صفّين، با مارقين به سركردگى معاويه، در ماه ذى الحجّه، سال 36 هجرى شمسى. (59)

جنگ نهروان، با قاسطين، به سركردگى خوارج، در سال 38 هجرى شمسى (60) واقع شد كه 40000 نفر بودند، با نصايح حضرت 12000 نفر آنها توبه كردند و 9 نفرشان گريختند.

و بقيه آنها كشته شدند، و از مسلمين نيز 9 نفر شهيد گشتند.

و بطور كلّى آن حضرت هفتاد و دو مرتبه جنگ و مبارزه با مخالفان و دشمنان داشته است. (61)

حضرت در مناسبتهاى مكرّر و مختلف توسط پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله به عنوان اوّلين جانشين و خليفه تعيين و معرّفى گرديد.

و در نهايت پس از حجّة الوداع، روز هيجدهم ذى الحجّه، سال نهم قمرى (62) در محلّى به نام غدير خم، بين مكّه و مدينه به طور رسمى مطرح و منصوب شد.

ولى به عللى، خلافت ظاهرى به دست ديگران افتاد تا سال 35 هجرى كه مردم پس از قتل عثمان با حضرت علىّ عليه‌السلام بيعت كردند و پنج سال بطول انجاميد.

امام علىّ عليه‌السلام در تمام دوران عمر پربركتش، در جميع علوم و فنون آشنا و مسلّط بود.

معجزات و كرامات بى شمارى از آن امام مظلوم، (چه در زمان حيات و چه پس از آن) واقع و صادر گرديد، كه اكثر دانشمندان شيعه و سنّى و بلكه ديگر مذاهب در كتابهاى مختلف خود آورده اند.

آن حضرت در إ جراى حقّ و عدالت و قانون، و طرفدارى و حمايت از مظلومان و محرومان، همچنين مبارزه با بى عدالتى و ظالمان و چپاولگران قاطع و سختگير بود.

و احاديث بسيارى در شاءن و عظمت آن امام مظلوم وارد شده است كه علاقمندان به كتابهاى مربوطه رجوع نمايند.

در مدّت عمر آن حضرت اختلاف است ولى مشهور 63 سال گفته اند.

33 سال همزمان با پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله، 10 سال قبل از بعثت، 13 سال در مكّه، 10 سال در مدينه - و سى سال هم پس از رحلت آنحضرت با تحمّل سختى ها و مصائب جانكاه بسر برد.

مدّت امامت و خلافت واقعى كه بلافاصله پس از رحلت حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله شروع شد سى سال بطول انجاميد.

و خلافت ظاهرى و واقعى كه پس از قتل عثمان شروع گرديد پنج سال بوده است.

در تعداد فرزندان آن حضرت بين محدّثين و مُورّخين اختلاف است، أعيان الشيعه ج 1 ص 327، تعداد اولاد امام علىّ عليه‌السلام را 33 نفر پسر و دختر نام برده است.

شهادت و محلّ دفن : حضرت در سال چهلم هجرى (63) صبح جمعه، نوزدهم ماه رمضان، در محراب عبادت مسجد كوفه يكى از چهار مسجد معروف و عظيم القدر توسط عبدالرحمن بن ملجم مرادى و ترغيب زنى به نام قطّامه، به وسيله شمشير زهراگين ترور شد. و شب 21 همان ماه به فيض ‍ شهادت نايل گرديد.

و در نجف اشرف كنار حضرت آدم و نوح عليهم‌السلام دفن گرديد، و قبر آن حضرت توسط حضرت نوح عليه‌السلام تهيه و آماده گرديده بود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ميسّر نگردد به كس اين سعادت |  | به كعبه ولادت به مسجد شهادت |

نماز آنحضرت چهار ركعت است : در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود. (64)

و بعد از سلام نماز تسبيح حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام، و سپس ‍ خواسته هاى مشروع خود را از درگاه خداوند تقاضا نمايد.

## چهل حديث گهربار، از اميرمؤمنان على عليه‌السلام

41 قالَ الاْ مامُ علىٍّّ بن أبي طالِب، أميرُ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ:

إغْتَنِمُوا الدُّعاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَواطِنَ: عِنْدَ قِرائَةِ الْقُرْآنِ، وَ عِنْدَ الاْذانِ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَ عِنْدَ الْتِقاءِ الصَفَّيْنِ لِلشَّهادَةِ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ، فَاِنَّهُ لَيْسَ لَها حِجابٌ دوُنَ الْعَرْشِ. (65)

فرمود: پنج موقع را براى دعا و حاجت خواستن غنيمت شماريد:

موقع تلاوت قرآن، موقع اذان، موقع بارش باران، موقع جنگ و جهاد فى سبيل اللّه موقع ناراحتى و آه كشيدن مظلوم.

در چنين موقعيتها مانعى براى استجابت دعا نيست.

42 قالَ عليه‌السلام : اَلْعِلْمُ وِراثَةٌ كَريمَةٌ، وَ الاْ دَبُ حُلَلٌ حِسانٌ، وَ الْفِكْرَةُ مِرآةٌ صافِيَةٌ، وَ الاْ عْتِذارُ مُنْذِرٌ ناصِحٌ، وَ كَفى بِكَ اءَدَباً تَرْكُكَ ما كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ. (66)

فرمود: علم ارثيه اى با ارزش، و ادب زيورى نيكو، و انديشه آئينه اى صاف، و پوزش خواستن، هشدار دهنده اى دلسوز خواهد بود.

و براى با اءدب بودنت همين بس كه آنچه براى خود دوست ندارى، در حقّ ديگران روا نداشته باش.

43 قالَ عليه‌السلام : اَلْحَقُّ جَديدٌ وَ إنْ طالَتِ الاْ يّامُ، وَ الْباطِلُ مَخْذُولٌ وَ إنْ نَصَرَهُ اءقْواماً. (67)

فرمود: حقّ و حقيقت در تمام حالات جديد و تازه است گرچه مدّتى بر آن گذشته باشد.

و باطل هميشه پست و بى اءساس است گرچه افراد بسيارى از آن حمايت كنند.

44 قالَ عليه‌السلام : اَلدُّنْيا تُطْلَبُ لِثَلاثَةِ اءشْياء: اَلْغِنى، وَ الْعِزِّ، وَ الرّاحَةِ، فَمَنْ زَهِدَ فيها عَزَّ، وَ مَنْ قَنَعَ إسْتَغْنى، وَ مَنْ قَلَّ سَعْيُهُ إسْتَراحَ. (68)

فرمود: دنيا و اموال آن براى سه هدف دنبال مى شود: بى نيازى، عزّت و شوكت، آسايش و آسوده بودن.

هر كه زاهد باشد، عزيز و با شخصيّت است، هر كه قانع باشد بى نياز و غنى گردد، هر كه كمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد هميشه آسوده و در آسايش است.

45 قالَ عليه‌السلام : لَوْ لاَ الدّينُ وَ التُّقى، لَكُنْتُ اءدْهَى الْعَرَبِ. (69)

فرمود: چنانچه ديندار و با تقوا نمى بود، هر آينه سياستمدار ترين افراد بودم ولى دين و تقوا مانع سياست بازى مى شود.

46 قالَ عليه‌السلام : اَلْمُلُوكُ حُكّامٌ عَلَى النّاسِ، وَ الْعِلْمُ حاكِمٌ عَلَيْهِمْ، وَ حَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ اءنْ تَخْشَى اللّهَ، وَ حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ اءنْ تَعْجِبَ بِعِلْمِكَ. (70)

فرمود: ملوك بر مردم حاكم هستند و علم بر تمامى ايشان حاكم خواهد بود، تو را در علم كافى است كه از خداوند ترسناك باشى.

به دانش وعلم خود باليدن، بهترين نشانه نادانى است.

47 قالَ عليه‌السلام : ما مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمٍ إلاّ قالَ لَهُ ذلِكَ الْيَوْمُ: يَابْنَ آدَم اءنَا يَوُمٌ جَديدُ وَ اءناَ عَلَيْكَ شَهيدٌ.

فَقُلْ فيَّ خَيْراً، وَ اعْمَلْ فيَّ خَيْرَا، اءشْهَدُ لَكَ بِهِ فِى الْقِيامَةِ، فَإنَّكَ لَنْ تَرانى بَعْدَهُ اءبَداً. (71)

فرمود: هر روزى كه بر انسان وارد شود، گويد: من روز جديدى هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد مى باشم.

سعى كن سخن خوب و مفيد بگوئى، كار خوب و نيك انجام دهى.

من در روز قيامت شاهد اعمال و گفتار تو خواهم بود.

و بدان امروز كه پايان يابد ديگر مرا نخواهى ديد و قابل جبران نيست.

48 قالَ عليه‌السلام : فِى الْمَرَضِ يُصيبُ الصَبيَّ، كَفّارَةٌ لِوالِدَيْهِ. (72)

فرمود: چنانچه كودك مريض شود، كفّاره گناهان پدر و مادرش مى باشد.

49 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الزَّبيبَ لِشِدَّةِ الْقَلْبِ، وَ يُذْهِبُ بِالْمَرَضِ، وَ يُطْفِى ءُ الْحَرارَةَ، وَ يُطيبُ النَّفْسَ. (73)

فرمود: خوردن مويز كشمش سياه قلب را تقويت، مرضها را برطرف، و حرارت بدن را خاموش، و روان را پاك مى گرداند.

50 قالَ عليه‌السلام : أ طْعِمُوا صِبْيانَكُمُ الرُّمانَ، فَإنَّهُ اَسْرَعُ لاِ لْسِنَتِهِمْ. (74)

فرمود: به كودكان خود اءنار بخورانيد تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود.

51 قالَ عليه‌السلام : اءطْرِقُوا اءهاليكُمْ فى كُلِّ لَيْلَةِ جُمْعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفاكِهَةِ، كَيْ يَفْرَحُوا بِالْجُمْعَةِ. (75)

فرمود: در هر شب جمعه همراه با مقدارى ميوه يا شيرينى، ... بر اهل منزل و خانواده خود وارد شويد تا موجب شادمانى آنها در جمعه گردد.

52 قالَ عليه‌السلام : كُلُوا ما يَسْقُطُ مِنَ الْخوانِ فَإنَّهُ شِفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ بِإ ذْنِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ اَرادَ اءنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ. (76)

فرمود: آنچه اطراف ظرف غذا و سفره مى ريزد جمع كنيد و بخوريد، كه همانا هر كس آنها را به قصد شفا ميل نمايد، شفاى تمام دردهاى او خواهد شد.

53 قالَ عليه‌السلام :لا ينبعى للعبد ان يثق بخصلتين : العافية و الغناء، بَيْنا تَراهُ مُعافاً اِذْ سَقُمَ، وَ بَيْنا تَراهُ غنيّاً إذِا افْتَقَرَ. (77)

سزاوار نيست كه بنده خدا در دوران زندگى به دو خصوصيّت اعتماد كند و دلبسته باشد: يكى عافيت و تندرستى و ديگرى ثروت و بى نيازى است.

گر چه بسا در حال صحّت و سلامتى مى باشد ولى ناگهان انواع مريضى ها بر او عارض مى گردد و يا آنكه در مو قعيّت و امكانات خوبى است، ناگهان فقير و بيچاره مى شود، پس بدانيم كه دنيا و تمام امكانات آن بى ارزش و بى وفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفيد و سودبخش مى باشد.

54 قالَ عليه‌السلام : لِلْمُرائى ثَلاثُ عَلاماتٍ: يَكْسِلُ إذا كانَ وَحْدَهُ، وَ يَنْشطُ إذا كانَ فِى النّاسِ، وَ يَزيدُ فِى الْعَمَلِ إذا اءثْنى عَلَيْهِ، وَ يَنْقُصُ إذا ذُمَّ. (78)

فرمود: براى رياكار سه نشانه است : در تنهائى كسل و بى حال، در بين مردم سرحال و بانشاط مى باشد.

هنگامى كه او را تمجيد و تعريف كنند خوب و زياد كار مى كند و اگر انتقاد شود سُستى و كم كارى مى كند.

55 قالَ عليه‌السلام : اَوْحَى اللّهُ تَبارَكَ وَ تَعالى إلى نَبيٍّ مِنَ الاْ نْبياءِ: قُلْ لِقَوْمِكَ لا يَلْبِسُوا لِباسَ أعْدائى، وَ لا يَطْعَمُوا مَطاعِمَ أعْدائى، وَ لا يَتَشَكَّلُوا بِمَشاكِلِ اءعْدائى، فَيَكُونُوا أعْدائى. (79)

فرمود: خداوند تبارك و تعالى بر يكى از پيامبرانش وحى فرستاد : به امّت خود بگو:

لباس دشمنان مرا نپوشند و غذاى دشمنان مرا، ميل نكنند و هم شكل دشمنان من نگردند، و گرنه ايشان هم دشمن من خواهند بود.

56 قالَ عليه‌السلام : اَلْعُقُولُ أئِمَّةُ الا فْكارِ، وَ الاْ فْكارُ أئِمَّةُ الْقُلُوبِ، وَ الْقُلُوبُ أئِمَّةُ الْحَواسِّ، وَ الْحَواسُّ أئِمَّةُ الاْ عْضاءِ. (80)

فرمود: عقل هر انسانى پيشواى فكر و انديشه اوست، و فكر پيشواى قلب و درون او خواهد بود، و قلب پيشواى حواس پنجگانه مى باشد، و حواس ‍ پيشواى تمامى اعضاء و جوارح است.

57 قالَ عليه‌السلام : تَفَضَّلْ عَلى مَنْ شِئْتَ فَاءنْتَ اءميرُهُ، وَ اسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ فَاءنْتَ نَظيرُهُ، وَ افْتَقِرْ إلى مَنْ شِئْتَ فَاءنْتَ أسيرُهُ. (81)

فرمود: بر هر كه خواهى نيكى واحسان نما، تا رئيس و سرور او گردى. و از هر كه خواهى بى نيازى جوى تا همانند او باشى.

و خود را نيازمند هر كه خواهى بدان و از او تقاضاى كمك نما تا اسير او گردى.

58 قالَ عليه‌السلام : اءعَزُّ الْعِزِّ الْعِلْمُ، لاِ نَّ بِهِ مَعْرِفَةُ الْمَعادِ وَ الْمَعاشِ، وَ أ ذَلُّ الذُّلِّ الْجَهْلُ، لاِ نَّ صاحِبَهُ اءصَمُّ، اءبْكَمٌ، اءعْمى، حِيْرانٌ. (82)

فرمود: عزيز ترين عزّتها علم و كمال است، چونكه معاد و معاش انسان به وسيله آن شناخته و تاءمين مى شود.

و پست ترين ذلّتها جهل و نادانى است، زيرا كه صاحبش هميشه در كرى و لالى و كورى مى باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود.

59 قالَ عليه‌السلام : جُلُوسُ ساعَةٍ عِنْدَ الْعُلَماءِ اءحَبُّ إلَى اللّهِ مِنْ عِبادَةِ اءلْفِ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إلَى الْعالِمِ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِنْ إ عْتِكافِ سَنَةٍ فى بَيْتِ اللّهِ، وَ زيارَةُ الْعُلَماءِ أحَبُّ إلَى اللّهِ تَعالى مِنْ سَبْعينَ طَوافاً حَوْلَ الْبَيْتِ، وَ اءفْضَلُ مِنْ سَبْعينَ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَ رَفَعَ اللّهُ تَعالى لَهُ سَبْعينَ دَرَجَةً، وَ أنْزَلَ اللّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلائِكَةُ: اءنَّ الْجَنَّةَ وَ جَبَتْ لَهُ. (83)

فرمود: يك ساعت در محضر علماء نشستن كه انسان را به مبدء و معاد آشنا سازند از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوتر خواهد بود.

توجّه و نگاه به عالِم از إ عتكاف يك سال عبادت مستحبّى در خانه خدا بهتر است.

زيارت و ديدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف كعبه محبوتر خواهد بود، و نيز افضل از هفتاد حجّ و عمره قبول شده مى باشد.

همچنين خداوند او را هفتاد مرحله ترفيع درجه مى دهد و رحمت و بركت خود را بر او نازل مى گرداند، و ملائكه شهادت مى دهند بر اينكه او اهل بهشت است.

60 قالَ عليه‌السلام : يَابْنَ آدَم، لاتَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذى لَمْ يَاءتِكَ عَلى يَوْمِكَ الَّذى أ نْتَ فيهِ، فَإنْ يَكُونُ بَقِيَ مِنْ اءجَلِكَ، فَإنَّ اللّهَ فيهِ يَرْزُقُكَ. (84)

فرمود: اى فرزند آدم، غُصّه رزق و آذوقه آن روزى كه در پيش دارى و هنوز نيامده است نخور، زيرا چنانچه زنده بمانى و عمرت باقى باشد خداوند متعال روزى آن روز را هم مى رساند.

61 قالَ عليه‌السلام : قَدْرُ الرَّجُلِ عَلى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ شُجاعَتُهُ عَلى قَدْرِ نَفَقَتِهِ، وَ صِداقَتُهُ عَلى قَدْرِ مُرُوَّتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلى قَدْرِ غِيْرَتِهِ. (85)

فرمود: ارزش هر انسانى به قدرهمّت اوست، و شجاعت و توان هر شخصى به مقدار گذشت و إ حسان اوست، و درستكارى و صداقت او به قدر جوانمردى اوست، و پاكدامنى و عفّت هر فرد به اندازه غيرت او خواهد بود.

62 قالَ عليه‌السلام : مَنْ شَرِبَ مِنْ سُؤْرِ اءخيهِ تَبَرُّكا بِهِ، خَلَقَ اللّهُ بَيْنَهُما مَلِكاً يَسْتَغْفِرُ لَهُما حَتّى تَقُومَ السّاعَةُ. (86)

فرمود: كسى كه دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرّك ميل نمايد، خداوند متعال ملكى را ماءمور مى گرداند تا براى آن دو نفر طلب آمرزش و مغفرت نمايد.

63 قالَ عليه‌السلام : لاتُؤْوُا التُّرابَ خَلْفَ الْبابِ، فَإنَّهُ مَاءوَى الشَّيْطانِ. (87)

فرمود: خاكرو به ها را پشت درها، و گوشه و كنار ساختمان جمع و رها نكنيد، چونكه محلّ تجمّع و زادگاه شياطين انواع ميكروبها و آفات خواهد شد.

64 قالَ عليه‌السلام : عَجِبْتُ لاِ بْنِ آدَمٍ، أ وَّلُهُ نُطْفَةٌ، وَ آخِرُهُ جيفَةٌ، وَ هُوَ قائِمٌ بَيْنَهُما وِعاءٌ لِلْغائِطِ، ثُمُّ يَتَكَبَّرُ. (88)

فرمود: تعجبّ دارم از كسى كه اوّلش قطره اى آب ترش شده و عاقبتش ‍ لاشه اى گنديده خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با اينحال تكبّر و بزرگ منشى هم مى نمايد.

65 قالَ عليه‌السلام : إ يّاكُمْ وَ الدِّيْن، فَإنَّهُ هَمُّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلُّ بِالنَّهارِ. (89)

فرمود: از گرفتن نسيه و قرض خود را برهانيد، چونكه سبب غم و اندوه شبانه و ذلّت و خوارى در روز خواهد گشت.

66 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الْعالِمَ الْكاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ اءنْتَنُ اءهْلِ الْقِيامَةِ، تَلْعَنُهُ كُلُّ دابَّةٍ مِنْ دَوابِّ الاْ رْضِ الصِّغارِ. (90)

فرمود: آن عالم و دانشمندى كه علم خود را در بيان حقايق براى ديگران كتمان كند، روز قيامت با بدترين بوها محشور مى شود و مورد نفرت و نفرين تمام موجودات قرار مى گيرد.

67 قالَ عليه‌السلام : يا كُمَيْلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلى كُلِّ حالٍ، وَوادِدِ الْمُتَّقينَ، وَاهْجُرِ الفاسِقينَ، وَجانِبِ المُنافِقينَ، وَلاتُصاحِبِ الخائِنينَ. (91)

فرمود: در هر حالتى حقّ را بگو و مدافع آن باش، دوستى و معاشرت با پرهيز گاران را ادامه ده، و از فاسقين و معصيت كاران كناره گيرى كن، و از منافقان دورى و فرار كن، و با خيانتكاران همراهى و همنشينى منما.

68 قالَ عليه‌السلام : فى وَصيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عليه‌السلام : سَلْ عَنِ الرَّفي قِ قَبْلَ الطَّريقِ، وَعَنِ الْجارِ قَبْلَ الدّارِ. (92)

ضمن سفارشى به فرزندش امام حسن عليه‌السلام فرمود:

پيش از آنكه به خواهى مسافرت بروى، رفيق مناسب راه را جوياباش، و پيش از آنكه منزلى را تهيّه كنى همسايگان را بررسى كن كه چگونه هستند.

69 قالَ عليه‌السلام : اِعْجابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلَيلٌ عَلى ضَعْفِ عَقْلِهِ. (93)

فرمود: باليدن و فخر كردن انسان به خودش، دليل و نشانه كم عقلى او مى باشد.

70 قالَ عليه‌السلام : اءيُّهَا النّاسُ، إِيّاكُمْ وُحُبُّ الدُّنْيا، فَإِنَّها رَاءْسُ كُلِّ خَطيئَةٍ، وَبابُ كُلِّ بَليَّةٍ، وَداعى كُلِّ رَزِيَّةٍ. (94)

فرمود: اى گروه مردم، نسبت به محبّت و علاقه به دنيا مواظب باشيد، چون كه علاقه و محبّت به دنيا اساس هر خطا و انحرافى است، و دروازه هر بلا و گرفتارى است، و آورنده و نزديك كننده هر فتنه و آشوبى است، و كشاننده هر مصيبت و مشكلى است.

71 قالَ عليه‌السلام : السُّكْرُ اءرْبَعُ السُّكْراتِ: سُكْرُ الشَّرابِ، وَسُكْرُ الْمالِ، وَسُكْرُ النَّوْمِ، وَسُكْرُ الْمُلْكِ. (95)

فرمود: مستى در چهار چيز است : مستى از شراب ( و خمر)، مستى مال و ثروت، مستى خواب، مستى رياست و مقام.

72 قالَ عليه‌السلام : اءللِّسانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِّيَ عَنْهُ عَقَرَ. (96)

فرمود: زبان همچون درّنده اى است كه اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختى به جسم و ايمان) خواهد زد.

73 قالَ عليه‌السلام : يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظّالِمِ اءشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (97)

فرمود: روز داد خواهى مظلوم بر عليه ظالم سخت تر است از روزى كه ظالم ستم بر مظلوم مى كند.

74 قالَ عليه‌السلام : فِى الْقُرْآنِ نَبَاءُ ما قَبْلِكُمْ، وَخَبَرُ ما بَعْدِكُمْ، وَحُكْمُ ما بَيْنِكُمْ. (98)

فرمود: قرآن احوال گذشتگان، و أ خبار آينده را در بردارد، و شرح وظايف شما را بيان كرده است.

75 قالَ عليه‌السلام : نَزَلَ الْقُرْآنُ اءثْلاثا، ثُلْثٌ فينا وَفى عَدُوِّنا، وَثُلْثٌ سُنَنٌ وَ اءمْثالٌ، وَثُلْثٌ فَرائِض ‍ وَاءحْكامٌ. (99)

فرمود: نزول قرآن بر سه قسمت است : يك قسمت آن درباره اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام و دشمنان و مخالفان ايشان، و قسمتى ديگر آن اخلاقيّات و ضرب المثلها، و قسمت سوّم در بيان واجبات و احكام إ لهى مى باشد.

76 قالَ عليه‌السلام : اءلْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فى تَعَبٍ، وَالنّاسُ مِنْهُ فى راحَةٍ. (100)

فرمود: مؤمن آن كسى است كه خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بيندازد و ديگران از او در أ منيت و آسايش باشند.

77 قالَ عليه‌السلام : كَتَبَ اللّهُ الْجِهادَ عَلَى الرِّجالِ وَالنِّساءِ، فَجِهادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مالِهِ وَنَفْسِهِ حَتّى يُقْتَلَ فى سَبيلِ اللّه، وَجِهادُ الْمَرْئَةِ اءنْ تَصْبِرَ عَلى ماتَرى مِنْ اءذى زَوْجِها وَغِيْرَتِهِ. (101)

فرمود: خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است.

پس جهاد مرد آن است كه از مال و جانش بگذرد تا جائى كه در راه خدا كشته و شهيد شود.

و جهاد زن آن است كه در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غيرت و جوانمردى او صبر نمايد.

78 قالَ عليه‌السلام : فى تَقَلُّبِ الاْ حْوالِ عُلِمَ جَواهِرُ الرِّجالِ. (102)

فرمود: در تغيير و دگرگونى حالات و حوادث، فطرت و حقيقت اشخاص ‍ شناخته مى شود.

79 قالَ عليه‌السلام : إ نّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلا حِسابَ، وَغَدا حِسابٌ وَلا عَمَل. (103)

فرمود: امروز زحمت و فعاليّت بدون حساب است و فرداى قيامت حساب و بررسى اعمال و دريافت پاداش است.

80 قالَ عليه‌السلام : إ تَّقُوا مَعَاصِيَ اللّهِ فِى الْخَلَواتِ فَإنَّ الشّاهِدَ هُوَ الْحاكِم. (104)

فرمود: دورى و اجتناب كنيد از معصيتهاى إ لهى، حتّى در پنهانى، پس به درستى كه خداوند شاهد اعمال و نيّات است و نيز او حاكم و قاضى و خواهد بود.

## خلاصه حالات سوّمين معصوم حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام

ولادت با سعادت آن بانوى نمونه و مجلّله بنابر مشهور: روز جمعه بيستم ماه جمادى الثّانى، سال پنجم بعثت، سه سال پس از جريان معراج، در شهر مكّه واقع شد و جهان ظلمانى را به نور مقدّس خود روشن نمود.

چون آن حضرت به دنيا آمد چند نفر از زنان بهشتى با ظرفهائى از آب كوثر حضور يافته و او را غسل دادند.

پس از آن نوزاد لب به سخن گشود و اظهار داشت :

«اءشهد اءن لا إ له إلاّ اللّه، و اءنّ اءبي رسول اللّه سيّد الا نبياء، و اءنّ بعلى سيّد الا وصياء، و وُلدى سادة الا سباط»

سپس نام يكايك زنان حاضر را به زبان آورد و به هر يك سلام كرد.

نام : فاطمه، زهراء (105) عليها‌السلام يوم ولدت و يوم تبعث حيّا -.

كنيه : اُمّ اءبيها، اُمّ الا ئمّة، اُمّ الحسنين و...

لقب : سيّدة نساء العالمين، بضعة الرّسول، بتول، صدّيقة، راضية، مرضيّة، مباركة، طاهرة، مطهّرة، عذراء، زكيّة، محدّثة، صفيّة، سيّدة، عابدة، مظلومة، حكيمة، حليمة، تقيّة، حبيبة، كاظمة، رئؤ وفة و...

و هر يك از لقبها اشاره به بعضى از كمالات و صفات حسنه مخصوص آن حضرت خواهد بود.

پدر: حضرت محمّد پيامبر عظيم القدر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله.

مادر: خديجه دختر خُويلد، اوّلين زنى كه ايمان آورد و همراه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نماز جماعت خواند.

و تمام ثروت خود را كه يكى از ثروتمندان مهمّ بوده است براى ترويج اسلام در اختيار همسرش حضرت رسول قرار داد.

خادمه آن حضرت فضّه بود كه خود داراى فضائل و مناقبى است از آنجمله اينكه حافظ تمام قرآن بود.

نقش انگشتر حضرت : «اءمِنَ الْمُتوسِّلُونَ» بوده است.

حضرت زهراء عليها‌السلام كوچكترين فرزند خانواده خود و تنها يادگار براى حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله بود.

آن حضرت بسيار مورد احترام خاصّ پدرش رسول گرامى اسلام قرار مى گرفت و حتّى بارها هنگام ورود فاطمه زهراء، حضرت رسول جلوى پايش بلند مى شد و پيشانى او را مى بوسيد و مى فرمود:

فاطمه از من است و من از اويم، پدرش فدايش باد، هر كه فاطمه را خوشحال نمايد مرا خوشحال كرده، و هر كه او را ناراحت نمايد مرا ناراحت كرده است و...

در بسيارى از روايات آمده است بر اينكه حضرت زهراء عليها‌السلام، در طول مدّت عمر پر بركت خود، هيچ موقع خون حيض و خون نفاس ‍ مشاهده ننمود.

و بر خلاف ديگر زنها هميشه پاك و پاكيزه بود و به همين جهت آن حضرت را طاهره و مطهّره گفته اند.

در مورد زمان ازدواج حضرت زهراء عليها‌السلام اختلاف است :

مشهور آن است كه در سنين ده سالگى به ازدواج اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام در آمد.

و در ماه مبارك رمضان نامزدى و خطبه نكاح واقع شد.

و در ماه ذى الحجّه عروسى انجام گرفت.

در سنين هشت سالگى از مكّه معظّمه به سوى مدينه منوّره مهاجرت نمود.

در مدّت عمر آن حضرت بين تاريخ نويسان و راويان حديث اختلاف است ولى مشهور بين 18 تا 25 سال گفته اند.

همچنين در اينكه چند روز پس از شهادت پدر باقى بود، در كتابهاى تاريخ و حديث ما بين چهل روز تا شش ماه آمده است.

و معروف بين 75 روز و يا 95 روز مى باشد.

و مشهور سيزدهم جمادى الاوّلى و يا سوّم جمادى الثّانى، سال دهم هجرى قمرى را گفته اند. (106)

علّت رحلت و شهادت آن مظلومه تاريخ، مصيبتها و شكنجه هاى دردناكى بوده است كه پس از رحلت پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله از سوى افراد معلوم الحال بر آن حضرت وارد آمدند و تاريخ آنها را ثبت نموده است.

به طوريكه حضرت را پس از پدرش خندان و شادمان نديدند بلكه مرتّب گريان و ناراحت بود تا مرحله اى كه يكى از چهار گريه كننده گان عالَم به حساب آمده است.

در اسلام، آن حضرت اوّلين كسى بود كه برايش توسط اءسماء بنت عُميس با تقاضاى خود حضرت، تابوت ساخته شد، براى آنكه حتّى پس از وفاتش ‍ حجم بدن مقدّسش مورد ديد افراد قرار نگيرد.

مراسم غسل و كفن و دفن، همچنين نماز بر حضرت توسط همسرش امام علىّ عليه‌السلام و بعضى از نزديكان خاصّ، (شبانه) انجام گرفت.

و محلّ قبر آن حضرت تا هنگام ظهور امام زمان عجّل اللّه تعالى فرجه الشريف مخفى و پنهان بوده و مى باشد.

حضرت داراى سه فرزند پسر بنامهاى : حسن، حسين، محسن و دو دختر بنامهاى : زينب، امّ كلثوم بوده است.

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در ركعت اوّل پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه سوره قدر، و در ركعت دوّم صد مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود.

و پس از سلام نماز تسبيح حضرت و سپس صد مرتبه صلوات بر پيغمبر و آلش عليهم‌السلام فرستاده مى شود.

بعد از آن حوايج و خواسته هاى مشروع خود را از درگاه خداوند متعال در خواست مى نمايد. (107)

## چهل حديث گهربار از حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام

81 قالَتْ فاطِمَةُ الزَّهْراء عليها‌السلام :

نَحْنُ وَسيلَتُهُ فى خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فى غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ اءنْبى ائِهِ. (108)

فرمود: ما اءهل بيت پيامبر وسيله ارتباط خداوند با خلق او هستيم، ما برگزيدگان پاك و مقدّس پروردگار مى باشيم، ما حجّت و راهنما خواهيم بود و ما وارثان پيامبران الهى هستيم.

82 قالَتْ عليها‌السلام : وَهُوَ الا مامُ الرَبّانى، وَالْهِيْكَلُ النُّورانى، قُطْبُ الا قْطابِ، وَسُلالَةُ الاْ طْيابِ، النّاطِقُ بِالصَّوابِ، نُقْطَةُ دائِرَةِ الا مامَةِ. (109)

در تعريف امام علىّ عليه‌السلام فرمود : او پيشوائى الهى و ربّانى است، تجسّم نور و روشنائى است، مركز توجّه تمامى موجودات و عارفان است، فرزندى پاك از خانواده پاكان مى باشد، گوينده اى حقّگو و هدايتگر است، او مركز و محور امامت و رهبريّت است.

83 قالَتْ عليها‌السلام : اءبَوا هِذِهِ الاْ مَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلىُّ، يُقْيمانِ اءودَّهُمْ، وَ يُنْقِذانِ مِنَ الْعَذابِ الدّائِمِ إنْ اءطاعُوهُما، وَ يُبيحانِهِمُ النَّعيمَ الدّائم إنْ واقَفُوهُما. (110)

فرمود: حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله و علىّ عليه‌السلام، والِدَين اين امّت هستند، چنانچه از آن دو پيروى كنند آنها را از عذاب هميشگى نجات مى دهند و از نعمت هاى وافر بهشتى بهره مندشان مى سازند.

84 قالَتْ عليها‌السلام : مَنْ اءصْعَدَ إلىَ اللّهِ خالِصَ عِبادَتِهِ، اءهْبَطَ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ اءفْضَلَ مَصْلِحَتِهِ. (111)

فرمود: هر كس عبادات و كارهاى خود را خالصانه براى خدا انجام دهد، خداوند بهترين مصلحتها و بركات خود را براى او تقدير مى نمايد.

85 قالَتْ عليها‌السلام : إنَّ السَّعيدَ كُلُّ السَّعيدِ، حَقُّ السَّعيدِ مَنْ اءحَبَّ عَليّا فى حَياتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ. (112)

فرمود: همانا حقيقت و واقعيّت تمام سعادتها و رستگاريها در دوستى علىّ عليه‌السلام در زمان حيات و پس از رحلتش خواهدبود

86 قالَتْ عليها‌السلام : إ لهى وَ سَيِّدى، اءسْئَلُكَ بِالَّذينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بِبُكاءِ وَلَدَيَّ فى مُفارِقَتى اءَنْ تَغْفِرَ لِعُصاةِ شيعَتى، وَشيعَةِ ذُرّيتَى. (113)

فرمود: خداوندا، به حقّ اولياء و مقرّبانى كه آنها را برگزيده اى، و به گريه فرزندانم پس از مرگ و جدائى من با ايشان، از تو مى خواهم گناه خطاكاران شيعيان و پيروان ما را به بخشى.

87 قالَتْ عليها‌السلام : شيعَتُنا مِنْ خِيارِ اءهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحِبّينا وَ مَوالى اَوْليائِنا وَ مُعادى اءعْدائِنا وَ الْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ، لَنا. (114)

فرمود: شيعيان و پيروان ما، و همچنين دوستداران اولياء ما و آنانكه دشمن دشمنان ما باشند، نيز آنهائيكه با قلب و زبان تسليم ما هستند بهترين افراد بهشتيان خواهند بود.

88 قالَتْ عليها‌السلام : وَاللّهِ يَابْنَ الْخَطّابِ لَوْلا إنّى اءكْرَهُ اءنْ يُصيبَ الْبَلاءُ مَنْ لاذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتَ اءنّى سَاءُقْسِمُ عَلَى اللّهِ ثُمَّ اءجِدُهُ سَريعُ الاْ جابَةِ. (115)

خطاب به عمر بن خطّاب فرمود:

سوگند به خداوند، اگر نمى ترسيدم كه عذاب الهى بر بى گناهان نيز نازل گردد، متوجّه مى شدى كه خدا را قسم مى دادم و نفرين مى كردم.

و مى ديدى چگونه دعايم سريع مستجاب مى گرديد.

89 قالَتْ عليها‌السلام : وَاللّهِ، لاكَلَّمْتُكَ اءبَدا، وَاللّهِ لاَ دْعُوَنَّ اللّهَ عَلَيْكَ فى كُلِّ صَلوةٍ. (116)

پس از ماجراى هجوم به خانه حضرت، خطاب به ابوبكر كرد و فرمود:

به خدا سوگند، ديگر با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا، در هر نمازى تو را نفرين خواهم كرد.

90 قالَتْ عليها‌السلام : إنّى اءُشْهِدُاللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ، اءنَّكُما اُسْخَطْتُمانى، وَ ما رَضيتُمانى، وَ لَئِنْ لَقيتُ النَبِيَّ لا شْكُوَنَّكُما إ لَيْهِ. (117)

هنگامى كه ابوبكر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود:

خدا و ملائكه را گواه مى گيرم كه شما مرا خشمناك كرده و آزرده ايد، و مرا راضى نكرديد، و چنانچه رسول خدا را ملاقات كنم شكايت شما دو نفر را خواهم كرد.

91 قالَتْ عليها‌السلام : لاتُصَلّى عَلَيَّ اُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَاللّهِ وَ عَهْدَ اءبى رَسُولِ اللّهِ فى اءميرالْمُؤ منينَ عَليّ، وَ ظَلَمُوا لى حَقىّ، وَاءخَذُوا إ رْثى، وَخَرقُوا صَحيفَتى اللّتى كَتَبها لى اءبى بِمُلْكِ فَدَك. (118)

فرمود: افراديكه عهد خدا و پيامبر خدا را درباره اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام شكستند، و در حقّ من ظلم كرده و ارثيه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدك پاره كردند، نبايد بر جنازه من نماز بگذارند.

92 قالَتْ عليها‌السلام : إ لَيْكُمْ عَنّي، فَلا عُذْرَ بَعْدَ غَديرِكُمْ، وَالاَْمْرُ بعد تقْصيركُمْ، هَلْ تَرَكَ اءبى يَوْمَ غَديرِ خُمّ لاِ حَدٍ عَدْوٌ. (119)

خطاب به مهاجرين و انصار كرد و فرمود:

از من دور شويد و مرا به حال خود رها كنيد، با آن همه بى تفاوتى و سهل انگاريهايتان، عذرى براى شما باقى نمانده است.

آيا پدرم در روز غدير خم براى كسى جاى عذرى باقى گذاشت ؟

93 قالت عليها‌السلام: جَعَلَ اللّهُ الاْيمانَ تَطْهيرا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلاةَ تَنْزيها لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ، وَالزَّكاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِماءً فِى الرِّزقِ، وَالصِّيامَ تَثْبيتا لِلاْ خْلاصِ، وَالْحَّجَ تَشْييدا لِلدّينِ (120)

فرمود: خداوند سبحان، ايمان و اعتقاد را براى طهارت از شرك و نجات از گمراهيها و شقاوتها قرار داد.

و نماز را براى خضوع و فروتنى و پاكى از هر نوع تكّبر، مقرّر نمود.

و زكات (و خمس) را براى تزكيه نفس و توسعه روزى تعيين نمود.

و روزه را براى استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست.

و حجّ را براى استحكام اءساس شريعت و بناء دين اسلام واجب نمود.

94 قالَتْ عليها‌السلام : يا اءبَالْحَسَنِ، إنَّ رَسُولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهِدَ إلَىَّ وَ حَدَّثَنى أ نّى اَوَّلُ اءهْلِهِ لُحُوقا بِهِ وَلا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لاِ مْرِاللّهِ تَعالى وَارْضَ بِقَضائِهِ. (121)

فرمود: اى ابا الحسن همسرم، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اوّل كسى هستم از اهل بيتش كه به او ملحق مى شوم و چاره اى از آن نيست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدّرات الهى خوشنود باش.

95 قالَتْ عليها‌السلام : مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ اَوْ عَلَيَّ ثَلاثَةَ اءيّامٍ اءوْجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّةَ، قُلْتُ لَها: فى حَياتِهِ وَ حَياتِكِ؟

قالَتْ: نعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنا. (122)

فرمود: هر كه بر پدرم رسولخدا و بر من به مدّت سه روز سلام كند خداوند بهشت را براى او واجب مى گرداند، چه در زمان حيات و يا پس از مرگ ما باشد.

96 قالَتْ عليها‌السلام : ما صَنَعَ اءبُوالْحَسَنِ إلاّ ما كانَ يَنْبَغى لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا ما اللّهُ حَسْيبُهُمْ وَطالِبُهُمْ. (123)

فرمود: آنچه را امام علىّ عليه‌السلام نسبت به دفن رسول خدا و جريان بيعت انجام داد، وظيفه الهى او بوده است، و آنچه را ديگران انجام دادند خداوند آنها را محاسبه و مجازات مى نمايد.

97 قالَتْ عليها‌السلام : خَيْرٌ لِلِنّساءِ اءنْ لايَرَيْنَ الرِّجالَ وَلايَراهُنَّ الرِّجالُ. (124)

فرمود: بهترين چيز براى حفظ شخصيت زن آن است كه مردى را نبيند و نيز مورد مشاهده مردان قرار نگيرد.

98 قالَتْ عليها‌السلام : اءوُصيكَ يا اءبَالْحَسنِ اءنْ لاتَنْسانى، وَ تَزُورَنى بَعْدَ مَماتى. (125)

ضمن وصيّتى به همسرش اظهار داشت : مرا پس از مرگم فراموش نكنى.

و به زيارت و ديدار من بر سر قبرم بيائى.

99 قالَتْ عليها‌السلام : إنّى قَدِاسْتَقْبَحْتُ ما يُصْنَعُ بِالنِّساءِ، إ نّهُ يُطْرَحُ عَلىَ الْمَرْئَةِ الثَّوبَ فَيَصِفُها لِمَنْ رَاءى، فَلا تَحْمِلينى عَلى سَريرٍ ظاهِرٍ، اُسْتُرينى، سَتَرَكِ اللّهُ مِنَ النّارِ. (126)

در آخرين روزهاى عمر پر بركتش ضمن وصيّتى به اسماء فرمود: من بسيار زشت و زننده مى دانم كه جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه اى روى بدنش تشييع مى كنند.

و افرادى اندام و حجم بدن او را مشاهده كرده و براى ديگران تعريف مى نمايند.

مرا بر تخت و بلانكاردى كه اطرافش پوشيده نيست و مانع مشاهده ديگران نباشد قرار مده بلكه مرا با پوشش كامل تشييع كن -، خداوند تو را از آتش ‍ جهنّم مستور و محفوظ نمايد.

100 قالَتْ عليها‌السلام :.... إنْ لَمْ يَكُنْ يَرانى فَإنّى اءراهُ، وَ هُوَ يَشُمُّ الريح. (127)

مرد نابينائى وارد منزل شد و حضرت زهراء عليها‌السلام پنهان گشت، وقتى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله علّت آن را جويا شد؟

در پاسخ پدر اظهار داشت : اگر آن نابينا مرا نمى بيند، من او را مى بينم، ديگر آنكه مرد حسّاس است و بوى زن را استشمام مى كند.

101 قالَتْ عليها‌السلام : أ صْبَحْتُ وَ اللّهِ عاتِقَةً لِدُنْياكُمْ، قالِيَةً لِرِجالِكُمْ. (128)

بعد از جريان غصب فدك و احتجاج حضرت، بعضى از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وى را جويا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنيا را آزاد كردم و هيچ علاقه اى به آن ندارم، همچنين اميدى به مردان شما نخواهم داشت.

102 قالَتْ عليها‌السلام : إنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِما اءمَرْناكَ وَ تَنْتَهى عَمّا زَجَرْناكَ عَنْهُ، قَاءنْتَ مِنْ شيعَتِنا، وَ إلاّ فَلا. (129)

فرمود: اگر آنچه را كه ما اهلبيت دستور داده ايم عمل كنى و از آنچه نهى كرده ايم خوددارى نمائى، تو از شيعيان ما هستى وگرنه، خير.

103 قالَتْ عليها‌السلام : حُبِّبَ إ لَيَّ مِنْ دُنْياكُمْ ثَلاثٌ: تِلاوَةُ كِتابِ اللّهِ، وَالنَّظَرُ فى وَجْهِ رَسُولِ اللّهِ، وَالاْ نْفاقُ فى سَبيلِ اللّهِ.

فرمود: سه چيز از دنيا براى من دوست داشتنى است : تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و كمك به نيازمندان در راه خدا.

104 قالَتْ عليها‌السلام : اءُوصيكَ اولاً اءنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدى بِإ بْنَةِ اُخْتى اءمامَةَ، فَإنَّها تَكُونُ لِوُلْدى مِثْلى، فَإنَّ الرِّجالَ لابُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّساءِ. (130)

در آخرين لحظات عمرش به همسر خود چنين سفارش نمود:

پس از من با دختر خواهرم اءمامه ازدواج نما، چونكه او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متديّن است.

همانا مردان در هر حال نيازمند به زن مى باشند.

105 قالَتْ عليها‌السلام : اءلْزِمْ رِجْلَها، فَإنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اءقْدامِها. (131)

فرمود: هميشه در خدمت مادر و پاى بند او باش، چون بهشت زير پاى مادران است.

106 قالَتْ عليها‌السلام : ما يَصَنَعُ الصّائِمُ بِصِيامِهِ إذا لَمْ يَصُنْ لِسانُهُ وَ سَمْعُهُ وَ بَصَرُهُ وَ جَوارِحهُ. (132)

فرمود: روزه دارى كه زبان و گوش و چشم و ديگر اعضاء و جوارح خود را كنترل ننمايد هيچ سودى از روزه خود نمى برد.

107 قالَتْ عليها‌السلام : اَلْبُشْرى فى وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصاحِبهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرى فى وَجْهِ الْمُعانِدِ يَقى صاحِبَهُ عَذابَ النّارِ. (133)

فرمود: تبسّم و شادمانى در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتيجه تبسّم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ايمنى از عذاب خواهد بود.

108 قالَتْ عليها‌السلام : لايَلُومَنَّ امْرُءٌ إلاّ نَفْسَهُ، يَبيتُ وَ فى يَدِهِ ريحُ غَمَرٍ. (134)

فرمود: كسى كه پس از خوردن غذا دستهاى خود را نشويد دستهايش آلوده باشد، چنانچه ناراحتى برايش بوجود آيد كسى جز خودش را سرزنش ‍ نكند.

109 قالَتْ عليها‌السلام : اصْعَدْ عَلَى السَّطْحِ، فَإنْ رَأ يْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلّى لِلْغُرُوبِ فَأ عْلِمْنى حَتّى أ دْعُو. (135)

روز جمعه نزديك غروب آفتاب به غلام خود مى فرمود: بالاى پشت بام برو، هر موقع نصف خورشيد غروب كرد مرا خبر كن تا براى خود و ديگران دعا كنم.

110 قالَتْ عليها‌السلام : إنَّ اللّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعا وَلايُبالى. (136)

فرمود: همانا خداوند متعال تمامى گناهان بندگانش را مى آمرزد و از كسى باكى نخواهد داشت.

111 قالَتْ عليها‌السلام : الْجارُ ثُمَّ الدّارُ. (137)

فرمود: اوّل بايد در فكر مشكلات و آسايش همسايه و نزديكان بود و سپس ‍ در فكر خويشتن بودن.

112 قالَتْ عليها‌السلام: الرَّجُلُ اُحَقُّ بِصَدْرِ دابَّتِهِ، وَ صَدْرِ فِراشِهِ، وَالصَّلاةِ فى مَنْزِلِهِ إ لا الاْ مامَ يَجْتَمِعُ النّاسُ عَلَيْهِ. (138)

فرمود: هر شخصى نسبت به مركب سوارى، و فرش منزل خود و برگزارى نماز در آن از ديگرى در اءُلويّت است مگر آنكه ديگرى امام جماعت باشد و بخواهد نماز جماعت را إ قامه نمايد نباشد.

113 قالَتْ عليها‌السلام: يا اءبَة، ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النّاسِ عُراةً يَوْمَ الْقيامَةِ، واسَوْاء تاهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ. (139)

اظهار داشت : اى پدر، من به ياد روز قيامت افتادم كه مردم چگونه در پيشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ايستاد و فرياد رسى ندارد، جز اعمال و علاقه ايشان نسبت به اهل بيت عليهم‌السلام.

114 قالَتْ عليها‌السلام: إذا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، اءشْفَعُ عُصاةَ اءُمَّةِ النَّبىَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. (140)

فرمود: هنگامى كه در روز قيامت برانگيخته و محشور شوم، خطاكاران امّت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله، را شفاعت مى نمايم.

115 قالَتْ عليها‌السلام : فَاءكْثِرْ مِنْ تِلاوَةِ الْقُرآنِ، وَالدُّعاءِ، فَإنَّها ساعَةٌ يَحْتاجُ الْمَيِّتُ فيها إلى اءُنْسِ الاْ حْياءِ. (141)

ضمن وصيّتى به امام علىّ عليه‌السلام :

پس از آنكه مرا دفن كردى، برايم قرآن را بسيار تلاوت نما، و برايم دعا كن، چونكه ميّت در چنان موقعيّتى بيش از هر چيز نيازمند به دعا و قرآن خواهد بود و بهترين مونس برايش مى باشد.

116 قالَتْ عليها‌السلام : يا اءبَا الحَسَن، إنّى لا سْتَحى مِنْ إ لهى اءنْ اءكَلِّفَ نَفْسَكَ مالاتَقْدِرُ عَلَيْهِ. (142)

خطاب به همسرش اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام كرد: من از خداى خود شرم دارم كه از تو چيزى را در خواست نمايم و تو توان تهيه آنرا نداشته باشى.

117 قالَتْ عليها‌السلام : خابَتْ اءمَّةٌ قَتَلَتْ إ بْنُ بِنْتِ نَبِيِّها. (143)

فرمود: رستگار و سعادتمند نخواهند شد آن گروهى كه فرزند پيامبر خود را به قتل رسانند.

118 قالت عليها‌السلام:... وَ النَّهْىَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزيها عَنِ الرِّجْسِ، وَاجْتِنابَ الْقَذْفِ حِجابا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السِّرْقَةِ ايجابا لِلْعِّفَةِ. (144)

فرمود: خداوند متعال منع و نهى از شرابخوارى را جهت پاكى جامعه از زشتيها و جنايتها.

و دورى از تهمتها و نسبتهاى ناروا را مانع از غضب و نفرين قرار داد.

و دزدى نكردن، موجب پاكى جامعه و پاكدامنى افراد مى گردد.

119 قالت عليها‌السلام: وَ حَرَّمَ [اللّه ] الشِّرْكَ إ خْلاصا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللّه حَقَّ تُقاتِهِ، وَ لا تَمُوتُّنَ إلاّ وَ اءنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اءطيعُوا اللّه فيما اءمَرَكُمْ بِهِ، وَ نَهاكُمْ عَنْهُ، فَاِنّهُ، إنَّما يَخْشَى اللّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءِ. (145)

و خداوند سبحان شرك را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آنكه همگان تن به ربوبيّت او در دهند و به سعادت نائل آيند. پس آن طورى كه شايسته است بايد تقواى الهى داشته باشيد و كارى كنيد تا با اعتقاد به دين اسلام از دنيا برويد.

بنابراين بايد اطاعت و پيروى كنيد از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده يا از آن نهى كرده است، زيرا كه تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خداى سبحان خوف و وحشت خواهند داشت.

120 قالَتْ عليها‌السلام : اءمّاوَاللّهِ، لَوْتَرَكُوا الْحَقَّ عَلى اءهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبيّه، لَمّا اخْتَلَفَ فِى اللّهِ اثْنانِ، وَلَوَرِثَها سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَخَلْفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتّى يَقُومَ قائِمُنا، التّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِالسَّلام. (146)

فرمود: به خدا سوگند، اگر حقّ يعنى خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند. و از عترت و اهل بيت پيامبر صلوات اللّه عليهم پيروى و متابعت كرده بودند.

و حتّى دو نفر هم با يكديگر درباره خدا و دين اختلاف نمى كردند. و مقام خلافت و امامت توسط افراد شايسته يكى پس از ديگرى منتقل مى گرديد و در نهايت تحويل قائم آل محمّد عجّل اللّه فرجه الشريف، و صلوات اللّه عليهم اجمعين مى گرديد كه او از فرزندان حسين عليه‌السلام مى باشد.

## خلاصه حالات چهارمين معصوم دوّمين امام حضرت امام حسن مجتبى عليه‌السلام

آن حضرت روز سه شنبه يا پنجشنبه، پانزدهم ماه رمضان، سال سوّم هجرى (147) در شهر مدينه منوّره ديده به جهان گشود.

نام : «حسن» (148)، در تورات «شُبّر» ودر انجيل «طاب» مى باشد صَلوات اللّهِ وَسَلامُه عَلَيْه، يَومَ وُلِدَ وَيَوْم اسْتُشْهِدَ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيّا.

كنيه : ابو محمّد و...

لقب : مجتبى، طيّب، سيّد، ولىّ، تقىّ، حجّت، سبط، قائم، وزير، اءمين و...

نقش انگشتر حضرت را «الْعِزّةُ لِلّهِ» گفته اند.

دربان و پيش خدمت : دو نفر افتخار دربانى حضرت را كسب كردند، يكى به نام سفينه غلام رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله، و ديگرى به نام قيس بن عبد الرحمن بوده است.

حضرت در حالتى به دنيا آمد كه مادرش حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام دوازده ساله بود (149).

پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله در هفتمين روز ولادت اين نوزاد عزيز دو گوسفند عقيقه نمود، و موى سرش را تراشيد و هم و زن آن نقره به فقير صدقه داد.

امام حسن مجتبى عليه‌السلام 25 مرتبه پياده براى انجام مراسم حجّ و زيارت خانه خدا، به مكّه رفت.

و در دو مرحله تمامى ثروت و اموال خود را بين فقراء و تهيدستان تقسيم نمود.

حضرت در تمام دوران عمر پربركت خود مبارزات مختلفى بر عليه كفر و ظلم و بيدادگرى داشته است.

و در زمان زعامت وامامت خود موضعگريهاى گوناگونى را در برابر دستگاه حاكمه معاويه بنى اميّه داشت.

وليكن بيشتر دوستان و اصحاب دنيا پرست به آن حضرت خيانت كردند و برخورد منافقانه داشتند.

و در نهايت چون تنهاماند واز طرفى هسته اسلام در معرض خطر قرار گرفت، نا چار اقدام به صلح با معاويه نمود.

و طبق آنچه گفته اند: حدود شش ماه واندى پس از امامتش بين حضرت و معاويه صلح نامه اى به نفع اسلام و مسلمين امضاء گرديد.

اوّلين روز امامت آن حضرت، جمعه 21 ماه رمضان، سال چهلم هجرى (150) بوده است كه مردم باحضرت بيعت كردند و حدود 10 سال امامتش بطول انجاميد.

آن حضرت مدّت هفت سال و شش ماه در حيات جدّش، و حدود هشت سال همزمان بامادرش، و 37 سال در كنار پدرش زندگى نمود.

و سپس قريب 10 سال امامت و رهبريّت اسلام و مسلمانها را بر عهده داشت كه شش ماه و پنج روز آن در دوران صلح بود.

و در مجموع مدّت عمر پربركت آن حضرت را 47 تا 50 سال گفته اند.

حضرت مجتبى صلوات اللّه عليه، توسط همسرش جُعده دختر أ شعث بن قيس كندى، به دستور و تزوير معاويه مسموم گرديد.

و چهل روز پس از آن يعنى روز پنجشنبه 28 ماه صفر مابين سال 50 تا 53 هجرى به فيض شهادت نايل گرديد.

امام حسن مجتبى عليه‌السلام هنگام وصيّت به برادرش امام حسين سلام اللّه عليه، اظهار داشت : مبادا در تشييع و تدفين جنازه ام خونى ريخته شود.

هنگامى كه خواستند جسد مطهّر آن امام مظلوم را كنار جدّش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دفن كنند.

عدّه اى به سر كردگى عايشه، مسلّحانه هجوم آوردند و از ورود جنازه به محوّطه حرم حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله جلوگيرى نمودند و جنازه و تشييع كنندگان را تير باران كردند.

بر اساس وصيّت حضرت، به ناچار جنازه آن امام مظلوم را كه چندين تير به آن اصابت كرده بود، به سمت بقيع حركت دادند و در آنجا دفن نمودند.

مرحوم سيّد محسن اءمين تعداد پانزده دختر و هشت پسر براى امام حسن مجتبى عليه‌السلام بيان نموده است، گرچه بعضى از محدّثين ومؤرّخين تمامى فرزندان آن حضرت را پانزده نفر دختر و پسر گفته اند.

نماز حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، بيست و پنج مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود (151).

و بعد از سلام نماز، تسبيح حضرت زهرا عليها‌السلام.

پس از آن، خواسته ها و حوايج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال، در خواست نمايد كه انشاء اللّه برآورده خواهد شد.

## چهل حديث گهربار، از حضرت امام حسن مجتبى عليه‌السلام

قالَ الا مامُ الْحَسَنُ الْمُجتبى عليه الصلوة السّلام :

121 مَنْ عَبَدَ اللّهَ، عبَّدَ اللّهُ لَهُ كُلَّ شَىْءٍ (152)

فرمود: هر كسى كه خداوند را عبادت واطاعت كند، خداى متعال همه چيزها را مطيع او گرداند.

122 قالَ الا مامُ عليه‌السلام : وَنَحْنُ رَيْحانَتا رَسُولِ اللّهِ، وَسَيِّدا شَبابِ اءهْلِ الْجَنّةِ، فَلَعَنَ اللّهُ مَنْ يَتَقَدَّمُ، اَوْ يُقَدِّمُ عَلَيْنا اَحَدا: (153)

به دنباله وصيّتش در حضور جمعى از اءصحاب فرمود: وما دو نفر يعنى حضرت و برادرش امام حسين عليهما‌السلام ريحانه رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله و دو سرور جوانان اهل بهشت هستيم، پس خدا لعنت كند كسى را كه بر ما پيشقدم باشد يا ديگرى را بر ما مقدّم دارد.

123 قالَ عليه‌السلام : وَ إ نّ حُبَّنا لَيُساقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنى آدَم، كَمايُسا قِطُ الرّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ (154)

فرمود: همانا محبّت و دوستى با ما (اهلبيت رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله) سبب ريزش گناهان از نامه اعمال مى شود، همانطورى كه وزش باد برگ درختان را مى ريزد.

124 قالَ عليه‌السلام : لَقَدْ فارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالاْ مْسِ لَمْ يَسبِقْهُ الاْ وَّلُونَ، وَلايُدْرِكُهُ اءَلاَّْخِرُونَ. (155)

پس از شهادت پدرش اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام، در جمع اصحاب فرمود:

شخصى از ميان شماها رفت كه در گذشته مانند او نيامده است، و كسى در آينده نمى تواند هم تراز او قرار گيرد.

125 قالَ عليه‌السلام : مَنْ قَرَءَ الْقُرْآنَ كانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجابَةٌ، إمّا مُعَجَّلةٌ وَإمّا مُؤ جَلَّةٌ (156).

فرمود: كسى كه قرآن را با دقّت قرائت نمايد، در پايان آن اگر مصلحت باشد دعايش سريع مستجاب خواهد شد و اگر مصلحت نباشد در آينده مستجاب مى گردد.

126 قالَ عليه‌السلام : إ نّ هذَا الْقُرْآنَ فيهِ مَصابيحُ النُّورِ وَشِفاءُ الصُّدُورِ. (157)

فرمود: همانا در اين قرآن چراغهاى هدايت به سوى نور و سعادت موجود است و اين قرآن شفاى دلها و سينه ها است.

127 قالَ عليه‌السلام : مَنَ صَلّى، فَجَلَسَ فى مُصَلاّه إلى طُلُوعِ الشّمسِ كانَ لَهُ سَتْرا مِنَ النّارِ. (158)

فرمود: هر كه نماز صبح را به خواند و در جايگاه خود بنشيند تا خورشيد طلوع كند، برايش پوششى از آتش خواهد بود.

128 قالَ عليه‌السلام :إنَّ اللّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضانَ مِضْمارا لِخَلْقِهِ، فَيَسْتَبِقُونَ فيهِ بِطاعَتِهِ إِلى مَرْضاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا، وَقَصَّرُوا آخَرُونَ فَخابُوا. (159)

فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را براى بندگان خود وسيله و ابزارى قرار داد.

پس عدّه اى در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودى الهى از يكديگر سبقت خواهند گرفت و گروهى از روى بى توجّهى و سهل انگارى خسارت و ضرر مى نمايند.

129 قالَ عليه‌السلام : مَنْ اءدامَ الاْ خْتِلافَ إلَى الْمَسْجِدِ اءصابَ إ حْدى ثَمانٍ: آيَةً مُحْكَمَةً، اءَخاً مُسْتَفادا، وَعِلْما مُسْتَطْرَفا، وَرَحْمَةً مُنْتَظِرَةً، وَكَلِمَةً تَدُلُّةُ عَلَى الْهُدى، اَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدى ء، وَتَرْكَ الذُّنُوبِ حَياءً اَوْ خَشْيَةً. (160)

فرمود: هر كس جايگاه عبادات خود را در مسجد قرار دهد يكى از هشت فايده شاملش مى گردد: برهان ونشانه اى براى معرفت -، دوست و برادرى سودمند، دانش واطلاعاتى جامع، رحمت و محبّت عمومى، سخن و مطلبى كه او را هدايتگر باشد، توفيق إ جبارى در ترك گناه به جهت شرم از مردم و يا به جهت ترس از عقاب.

130 قالَ عليه‌السلام : مَنْ أ كْثَرَ مُجالِسَة الْعُلَماءِ اءطْلَقَ عِقالَ لِسانِهِ، وَ فَتَقَ مَراتِقَ ذِهْنِهِ، وَ سَرَّ ما وَجَدَ مِنَ الزِّيادَةِ فى نَفْسِهِ، وَكانَتْ لَهْ وَلايَةٌ لِما يَعْلَمُ، وَ إ فادَةٌ لِما تَعَلَّمَ. (161)

فرمود: هر كه با علماء بسيار مجالست نمايد، سخنش و بيانش در بيان حقايق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و انديشه اش باز و توسعه مى يابد و بر معلوماتش افزوده مى گردد و به سادگى مى تواند ديگران را هدايت نمايد.

131 قالَ عليه‌السلام : تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإنْ لَمْ تَسْتَطيعُوا حِفْظَهُ فَاكْتُبُوهُ وَ ضَعُوهُ فى بُيُوتِكُمْ. (162)

فرمود: علم و دانش را از هر طريقى فراگيريد، و چنانچه نتوانستيد آنرا در حافظه خود نگه داريد، ثبت كنيد و بنويسيد و در منازل خود در جاى مطمئن قرار دهيد.

132 قالَ عليه‌السلام : مَنْ عَرَفَ اللّهَ اءحَبَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيا زَهِدَ فيها. (163)

فرمود: هركس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و كسى كه دنيا را بشناسد آن را رها خواهد كرد.

133 قالَ عليه‌السلام : هَلاكُ الْمَرْءِ فى ثَلاثٍ: اَلْكِبْرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبْرُ هَلاكُ الدّينِ،، وَبِهِ لُعِنَ إ بْليسُ. وَالْحِرْصُ عَدُوّ النَّفْسِ، وَبِهِ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رائِدُ السُّوءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قابيلُ هابيلَ. (164)

هلاكت و نابودى دين و ايمان هر شخص در سه چيز است : تكبّر، حرص، حسد.

تكبّر سبب نابودى دين و ايمان شخص مى باشد و به وسيله تكبّر شيطان با آن همه عبادت ملعون گرديد.

حرص و طمع دشمن شخصيّت انسان است، همانطورى كه حضرت آدم عليه‌السلام به وسيله آن از بهشت خارج شد.

حسد سبب همه خلافها و زشتيها است و به همان جهت قابيل برادر خود هابيل را به قتل رساند.

134 قالَ عليه‌السلام : بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ اءرْبَعُ اءصابِع، ما رَاءَيْتَ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بِاءُذُنَيْكَ باطِلاً كَثيرا. (165)

فرمود: بين حقّ و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه را با چشم خود ببينى حقّ است و آنچه را شنيدى يا برايت نقل كردند چه بسا باطل باشد.

135 قالَ عليه‌السلام : اءلْعارُ اءهْوَنُ مِنَ النّارِ. (166)

فرمود: سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسانتر است از معصيت و گناهى كه موجب آتش جهنّم شود.

136 قالَ عليه‌السلام : إذا لَقى اءحَدُكُمْ اءخاهُ فَلْ يُقَبِّلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ. (167)

فرمود: وقتى انسان برادر مؤمن و دوست خود را ملاقات نمود، بايد پيشانى و سجده گاه او را ببوسد.

137 قالَ عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثا، وَلَيْسَ بِتارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ آجالَكُمْ، وَقَسَّمَ بَيْنَكُمْ مَعائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذى لُبٍّ مَنْزِلَتَهُ، واءنَّ ماقَدَرَ لَهُ اءصابَهُ، وَما صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصيبَهُ. (168)

فرمود: خداوند شما انسانها را بيهوده و بدون غرض نيافريده و شما را آزاد، رها نكرده است.

لحظات آخر عمر هر يك معيّن و ثبت مى باشد، نياز منديها و روزى هركس ‍ سهميّه بندى و تقسيم شده است تا آنكه موقعيّت و منزلت شعور و درك اشخاص شناخته گردد.

138 قالَ عليه‌السلام : مَنَ لَبِسَ ثَوْبَ الشُّهْرَةِ، كَساهُ اللّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثَوْبا مِنَ النّارِ (169).

فرمود: هركس لباس شهرت وانگشت نما، از جهت رنگ، دوخت و... به پوشد، روز قيامت خداوند، او را لباس آتشين خواهد پوشاند.

139 سُئِلَ عليه‌السلام : عَنِ الْبُخْلِ؟ فَقالَ: هُوَ اءنْ يَرىَ الرَّجُلُ ما اءنْفَقَهُ تَلَفا، وَما اءمْسَكَهُ شَرَفا. (170)

از حضرت پيرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود:

معناى آن چنين است كه انسان آنچه را به ديگرى كمك و انفاق كند فكر نمايد كه از دست داده و تلف شده است. و آنچه را ذخيره كرده و نگه داشته است خيال كند برايش باقى مى ماند و موجب شخصيّت و شرافت او خواهد بود.

140 قال عليه‌السلام : تَرْكُ الزِّنا، وَكَنْسُ الْفَناء، وَغَسْلُ الاْ ناء مَجْلِبَةٌ لِلْغِناء: (171)

فرمود: انجام ندادن زنا، جاروب و نظافت كردن راهرو و درب منزل، و شستن ظروف سبب رفاه و بى نيازى مى گردد.

141 قال عليه‌السلام :السِّياسَةُ اءنْ تَرْعى حُقُوقَ اللّهِ، وَحُقُوقَ الاْ حْياءِ، وَحُقُوقَ الاْمْواتِ. (172)

فرمود: مفهوم و معناى سياست آن است كه حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعايت كنى.

142 قال عليه‌السلام : ما تَشاوَرَ قَوْمٌ إلاّ هُدُوا إلى رُشْدِهِمْ. (173)

فرمود: هيچ گروهى در كارهاى اجتماعى، سياسى، اقتصادى، فرهنگى و... با يكديگر مشورت نكرده اند مگر آنكه به رشد فكرى و عملى و... رسيده اند.

143 قال عليه‌السلام : اَلْخَيْرُ الَذّى لا شَرَّفيهِ: اءلشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ، وَالصّبْرُ عَلَى النّازِلَةِ: (174)

فرمود: آن خوبى كه شرّ و آفتى در آن نباشد شكر در مقابل نعمتها و صبر و شكيبائى در برابر سختى ها است.

144 قال عليه‌السلام : يَابْنَ آدَمٍ، لَمْ تَزَلْ فى هَدْمِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ اُمِّكَ، فَخُذْ مِمّا فى يَدَيْكَ لِما بَيْنَ يَدَيْكَ. (175)

فرمود: اى فرزند آدم از موقعى كه به دنيا آمده اى در حال گذراندن عمرت هستى، پس از آنچه دارى براى آينده ات (قبر و قيامت) ذخيره نما.

145 قال عليه‌السلام : إنَّ مَنْ خَوَفَّكَ حَتّى تَبْلُغَ الاْ مْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنْكَ حَتّى تَلْتَقِى الْخَوْفَ. (176)

فرمود: همانا كسى تو را در برابر عيبها و كم بودها هشدار دهد تا آگاه و بيدار شوى، بهتر است از آن كسى كه فقط تو را تعريف و تمجيد كند تا بر عيبهايت افزوده گردد.

146 قال عليه‌السلام : القَريبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَالْبَعيدُ مَنْ باعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإنْ قَرُبُ نَسَبُهُ. (177)

فرمود : بهترين دوست نزديك به انسان آن كسى است كه در تمام حالات دلسوز و با محبّت باشد گرچه خويشاوندى نزديك نداشته باشد.

و بيگانه ترين افراد كسى است كه از محبّت و دلسوزى بعيد باشد گر چه از نزديك ترين خويشاوندان باشد.

147 وَسُئِلَ عَنِ الْمُرُوَّةِ؟ فَقالَ عليه‌السلام : شُحُّ الرَّجُلِ عَلى دينِهِ، وَإ صْلاحُهُ مالَهُ، وَقِيامُهُ بِالْحُقُوقِ. (178)

از حضرت سلام اللّه عليه پيرامون مُروّت و جوانمردى سئوال شد، فرمود:

جوانمرد كسى است كه در نگهدارى دين و عمل به آن تلاش نمايد، در اصلاح اموال و ثروت خود همّت گمارد، و در رعايت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.

148 قال عليه‌السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فى مَاءكُولِهِ كَيْفَ لايُفَكِّرُ فى مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ ما يُؤْذى هِ، وَيُوَدِّعُ صَدْرَهُ ما يُرْديهِ. (179)

فرمود: تعجّب مى كنم از كسى كه در فكر خوراك وتغذيه جسم و بدن هست ولى درباره تغذيه معنوى روحى خود نمى انديشد، پس از غذاهاى فاسد شده و خراب دورى مى كند.

و عقل و قلب و روح خود را كارى ندارد هر چه و هر مطلب و برنامه اى به هر شكل ونوعى باشد استفاده مى كند.

149 قال عليه‌السلام : غَسْلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعامِ يُنْفِى الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِى الْهَمَّ. (180)

فرمود: شستن دستها قبل از طعام فقر و تنگدسى را مى زدايد و بعد از آن ناراحتى ها و آفات را از بين مى برد.

150 قال عليه‌السلام : حُسْنُ السئوال نِصْفُ الْعِلْمِ. (181)

فرمود: كسى كه عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است كه نصف علم ها را فرا گرفته باشد.

151 قال عليه‌السلام : إ نّ الْحِلْمَ زينَةٌ، وَالْوَفاءَ مُرُوَّةٌ، وَالْعَجَلةَ سَفَهٌ. (182)

فرمود: صبر و شكيبائى زينت شخص، وفاى به عهد علامت جوانمردى، و عجله و شتابزدگى (در كارها بدون انديشه) دليل بى خردى مى باشد.

152 قال عليه‌السلام : مَنِ اسْتَخَفَّ بِإْخوانِهِ فَسَدَتْ مُرُوَّتُهُ. (183)

فرمود: كسى كه دوستان و برادرانش را سبك شمارد و نسبت به آنها بى اعتناء باشد، مروّت و جوانمرديش فاسد گشته است.

153 قال عليه‌السلام : إ نّما يَجْزى الْعِبادُ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَلى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (184)

فرمود: همانا در روز قيامت بندگان به مقدار عقل و درك و شعورشان مجازات مى شوند.

154 قال عليه‌السلام :إنَّ النّاسَ عَبيدُ الْمالِ، وَالدّينُ لَعِبُ عَلى اءلْسِنَتِهِمْ، يُحيطوُنَهُ مادَرَتْ بِهِ مَعايِشُهُمْ، فَإذا مُحِّصَ لِلاْ بْتِلاءِ قَلَّ الدَّيّانُونَ. (185)

فرمود: همانا مردم اسير و بنده دنيا و اموال آن هستند، و دين را وسيله رسيدن به اءهداف خود قرار داده اند و به هر نوعى كه زندگى آنها تاءمين شود حركت مى كنند. بنابر اين هنگامى كه در بوته آزمايش درآيند، دينداران اندك خواهند شد.

155 قال عليه‌السلام : اءلْمِزاحُ يَاءْكُلُ الْهَيْبَةَ، وَقَدْ اءكْثَرَ مِنَ الْهَيْبَةِ الصّامِت : (186)

فرمود: مزاح و شوخى هاى زياد و بيجا شخصيّت و وقار انسان را از بين مى برد، و چه بسا افراد ساكت داراى شخصيّت و وقار عظيمى باشند.

156 قال عليه‌السلام : اءللُؤْمُ اءنْ لا تَشْكُرِ النِّعْمَةَ. (187)

فرمود: از علائم پستى شخص، شكر نكردن از ولى نعمت است.

157 قال عليه‌السلام : لَقَضاءُ حاجَةِ اءخٍ لى فِى اللّهِ اءحَبُّ مِنْ إ عْتِكافِ شَهْرٍ. (188)

فرمود: هر آينه برآوردن حاجت و رفع مشكل برادرم، از يك ماه اعتكاف، در مسجد و عبادت مستحبّى نزد من بهتر و محبوبتر است.

158 قال عليه‌السلام : إنَّ الدُّنْيا فى حَلالِها حِسابٌ، وَفى حَرامِهاعِقابٌ، وَفِى الشُّبَهاتِ عِتابٌ، فَاءنْزِلِ الدُّنْيا بِمَنْزَلَةِ الميتَةِ، خُذْمِنْهامايَكْفيكَ. (189)

فرمود: چيزهاى دنيا اگر حلال باشد حساب و بررسى مى شود و اگر از حرام به دست آيد عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختى و ناراحتى خواهد داشت.

پس بايد دنيا (و موجوداتش) را همچون ميته و مردارى به شناسى كه به مقدار نياز و اضطرار از آن استفاده كنى.

159 قال عليه‌السلام : وَاعْمَلْ لِدُنْياكَ كَاءنَّكَ تَعيشُ اءبَدا، وَاعمَلْ لاَِّخِرَتِكَ كَاءنّكَ تَمُوتُ غدَا. (190)

فرمود: در دنيا چنان برنامه ريزى كن از نظر اقتصاد و صرفه جوئى و... مثل آنكه مى خواهى هميشه دوام داشته باشى، و نسبت به آخرت به نوعى حركت و كار كن مثل اينكه فردا خواهى مُرد.

160 قال عليه‌السلام : اءكْيَسُ الْكَيِّسِ التُّقى، وَ اءحْمَقُ الْحُمْقِ الْفُجُورَ، الْكَريمُ هُوَ التَّبَرُّعُ قَبْلَ السئوال. (191)

فرمود: زيركترين و هوشيارترين افراد، شخص با تقوا و پرهيزكار مى باشد. اءحمق و نادان ترين افراد، كسى است كه تبه كار و اهل معصيت باشد. گرامى ترين افراد و با شخصيّت، آن كسى است كه به نيازمندان پيش اظهار نياز، كمك نمايد.

## خلاصه حالات پنجمين معصوم سوّمين امام ابا عبداللّه الحسين عليه‌السلام

آن حضرت روز پنجشنبه يا سه شنبه و بنابر مشهور سوّم شعبان، سال چهارم هجرى (192) سالى كه در آن جنگ خندق واقع شددر شهر مدينه منوّره ديده به جهان گشود.

ولادت آن حضرت ده ماه و بيست روز بعد از برادرش امام حسن مجتبى عليه‌السلام رخ داد و شش ماهه به دنيا آمد. (193)

نام : حسين (صلوات اللّه و سلامه عليه). (194)

كنيه : ابوعبداللّه، ابوعلى، ابوالشّهداء، ابوالا حرار، ابوالضّيم و...

أ لقاب : سيّد، مظلوم، رشيد، عطشان، طيّب، وفيّ، زكيّ، مبارك، قتيل، شهيد، سبط، سعيد و...

پدر: امام علىّبن ابى طالب، اميرالمؤمنين (صلوات اللّه و سلامه عليه).

مادر: فاطمه زهراء عليها‌السلام.

نقش انگشتر: (اِنَّ اللّه بالغ امره)، (لااله الاّاللّه عدّة للقاءاللّه) بوده است.

آن حضرت مدّت شش سال و چند ماه در حيات جدّش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله، هفت سال و چند ماه در حيات مادرش فاطمه زهراء عليها‌السلام، 37 سال در حيات پدرش اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام، چهل و هفت سال همزمان با برادرش امام حسن مجتبى عليه‌السلام زندگى و عمر خود را سپرى نمود و جمعا عمر با بركت آن حضرت را بين 57 تا 58 سال گفته اند.

فرزندان حضرت طبق مشهور هفت فرزند پسر و دختر بوده است.

امامت : حضرت در سنّ 47 سالگى پس از شهادت برادرش امام حسن مجتبى عليه‌السلام، روز جمعه، 28 ماه صفر، سال پنجاهم هجرى قمرى (195) به منصب امامت نائل آمد

و حدود يازده سال در زمان حكومت معاويه و فرزندش يزيد امامت و رهبريّت جامعه اسلامى را به عهده داشت.

حضرت شب يكشنبه، 28 رجب، سال 60 هجرى از مدينه به سمت مكّه خارج شد و جمعه سوّم شعبان همان سال وارد مكّه گرديد.

و چون عدّه اى به سركردگى عمروبن سعيد از طرف يزيد به قصد آشوب و كشتار و پايمال نمودن خون حضرت اباعبداللّه الحسين عليه‌السلام وارد مكّه شده بودند، به ناچار حضرت روز هشتم ذى الحجّه روز ترويه پس از انجام سعى بين صفا و مروه كه روز سه شنبه باشد به سوى عراق حركت نمود.

و روز چهارشنبه يا پنجشنبه دوّم محرّم الحرام، سال 61 قمرى (196) وارد سرزمين كربلاى پربلا گرديد.

كيفيّت شهادت : به دستور يزيدبن معاويه و لشكركشى عبيداللّه بن زياد و فرماندهى عمربن سعد توسط شمربن ذى الجوشن و خولى بن يزيد و سنان بن انس لعنة اللّه عليهم اجمعين با وضعيّتى فجيع و دلخراش در حال تشنگى و غربت به قتل و شهادت رسيد.

زمان شهادت : روز عاشوراى محرّم الحرام سال 61 قمرى بعد از نماز عصر واقع گرديد.

محلّ دفن : در كربلا، ضلع غربى فرات، در قتلگاه، توسط امام سجّاد عليه‌السلام و يارى بنى اسد بدون غسل و كفن دفن گرديد.

ثواب زيارت : از حضرت صادق جعفربن محمد ( عليهما‌السلام) وارد شده است : هر كس حسين عليه‌السلام را با معرفت زيارت كند خداوند ثواب هزار حجّ مقبول و نيز هزار عمره مقبوله در نامه اعمالش ثبت مى نمايد و گناهانش بخشيده مى شود (197) غير از حقّالنّاس و....

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از سوره حمد، بيست و پنج مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود.

و بعد از سلام نماز، تسبيح حضرت زهرا عليها‌السلام و پس از آن تقاضا و درخواست حوايج مشروعه از درگاه خداوند متعال كه انشاءاللّه برآورده خواهد شد.

## چهل حديث گهربار، از سالار شهيدان اباعبداللّه الحسين عليه‌السلام

قالَ الاْ مامُ اءبُوعَبْدِاللّهِالْحُسَيْن، صَلَواتُاللّهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ :

161 إنَّ قَوْما عَبَدُو اللّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ التُّجارِ، وَإنَّ قَوْما عَبَدُوا اللّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ الْعَبْيدِ، وَإنَّ قَوْما عَبَدُوا اللّهَ شُكْرا فَتِلْكَ عِبادَةٌ الْاءحْرارِ، وَهِيَ اءفْضَلُ الْعِبادَةِ. (198)

فرمود : همانا، عدّه اى خداوند متعال را جهت طمع و آرزوى بهشت عبادت مى كنند كه آن يك معامله و تجارت خواهد بود.

و عدّه اى ديگر از روى ترس خداوند را عبادت و ستايش مى كنند كه همانند عبادت و اطاعت نوكر از أ رباب باشد.

و طائفه اى هم به عنوان شكر و سپاس از روى معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستايش مى نمايند.

و اين نوع عبادت آزادگان است كه بهترين عبادات خواهد بود.

162 قالَ عليه‌السلام : إِنَّ اءجْوَدَ النّاسِ مَنْ اءعْطى مَنْ لا يَرْجُوهُ، وَ إنَّ اءعْفَى النّاسِ مَنْ عَفى عَنْ قُدْرَةٍ، وَ إنَّ اءَوْصَلَ النّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ. (199)

فرمود : همانا سخاوتمندترين مردم آن كسى است كه كمك نمايد به كسى كه اميدى به وى نداشته است.

و بخشنده ترين افراد آن شخصى است كه نسبت به ظلم ديگرى با آنكه توان انتقام دارد گذشت نمايد.

صله كننده ترين مردم و ديد و بازديد كننده نسبت به خويشان آن كسى ست كه صله نمايد با كسى كه با او قطع رابطه كرده است.

163 قيلَ: مَا الْفَضْلُ؟ قالَ عَلَيْهِالسَّلامَ: مُلْكُ اللِّسانِ، وَ بَذْلُ الاْ حْسانِ، قيلَ: فَمَا النَّقْصُ؟ قالَ: التَّكَلُّفُ لِما لا يُعنيكَ. (200)

از حضرت سؤال شد كرامت و فضيلت در چيست ؟ در پاسخ فرمود: كنترل و در اختيار داشتن زبان و سخاوت داشتن، سئوال شد نقص انسان در چيست ؟ فرمود: خود را وا داشتن بر آنچه كه مفيد و سودمند نباشد.

164 قالَ عليه‌السلام : النّاسُ عَبيدُالدُّنْيا، وَالدّينُ لَعِبٌ عَلى اءلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ ما دارَتْ بِهِ مَعائِشَهُمْ، فَإذا مُحِصُّوا بِالْبَلاء قَلَّ الدَّيّانُونَ. (201)

فرمود : افراد جامعه بنده و تابع دنيا هستند، و مذهب بازيچه زبانشان گرديده است و براى إ مرار معاش خود، دين را محور قرار داده اند و سنگ اسلام بسينه مى زنند.

پس اگر بلائى همانند خطر مقام و رياست، جان، مال، فرزند، موقعيّت، ... انسان را تهديد كند خواهى ديد كه دينداران واقعى كمياب خواهند شد.

165 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الْمُؤْمِنَ لايُسى ءُ وَلايَعْتَذِرُ، وَالْمُنافِقُ كُلَّ يَوْمٍ يُسى ءُ وَيَعْتَذِرُ. (202)

ضمن فرمايشى فرمود : همانا شخص مؤمن خلاف و كار زشت انجام نمى دهد و عذرخواهى هم نمى كند.

ولى فرد منافق هر روز مرتكب خلاف و كارهاى زشت مى گردد و هميشه عذرخواهى مى نمايد.

166 قالَ عليه‌السلام : إ عْمَلْ عَمَلَ رَجُلٍ يَعْلَمُ اءنّه ماءخُوذٌ بِالْاءجْرامِ، مُجْزىٍ بِالْإ حْسانِ. (203)

فرمود : كارها و اءمور خود را همانند كسى تنظيم كن و انجام ده كه مى داند و مطمئن است كه در صورت خلاف تحت تعقيب قرار مى گيرد و مجازات خواهد شد.

و در صورتى كه كارهايش صحيح باشد پاداش خواهد گرفت.

167 قالَ عليه‌السلام : عِباداللّهِ لاتَشْتَغِلُوا بِالدُّنْيا، فَإنَّ الْقَبْرَ بَيْتُالْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَلاتَغْعُلُوا. (204)

فرمود : اى بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنيا و تجمّلات آن قرار ندهيد كه همانا قبر خانه اى است كه تنها عمل صالح - در آن مفيد و نجات بخش مى باشد، پس مواظب باشيد كه غفلت نكنيد.

168 قالَ عليه‌السلام : لاتَقُولَنَّ فى اءخيكَ الْمُؤ مِنْ إذا تَوارى عَنْكَ إلاّمِثْلَ م اتُحِبُّ اءنْ يَقُولَ فيكَ إذا تَوارَيْتَ عَنْهُ. (205)

فرمود : سخنى كه ناراحت كننده باشد پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آنكه دوست داشته باشى كه همان سخن پشت سر خودت گفته شود.

169 قالَ عليه‌السلام : يا بُنَىٍَّّ إ يّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لايَجِدْ عَلَيْكَ ناصِرا إلاّ اللّهَ. (206)

فرمود : مواظب باش از ظلم و آزار رساندن نسبت به كسى كه ياورى غير از خداوند متعال ندارد.

170 قالَ عليه‌السلام : إ نّي لااءري الْمَوْتَ إلاّ سَعادَة، وَلاَالْحَياةَ مَعَ الظّالِمينَ إلاّ بَرَما. (207)

فرمود: به درستى كه من از مرگ نمى هراسم و آن را جز سعادت نمى بينم.

و همچنين زندگى با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ مى شناسم.

171 قالَ عليه‌السلام : مَنْ لَبِسَ ثَوْبا يُشْهِرُهُ كَساهُاللّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثَوْبا مِنَ النّارِ. (208)

فرمود: هر كس لباس شهرت و انگشت نما بپوشد، خداوند او را در روز قيامت لباسى از آتش خواهد پوشانيد.

172 قالَ عليه‌السلام : اءنَا قَتيلُ الْعَبَرَةِ، لايَذْكُرُنى مُؤْمِنٌ إلاّ اِسْتَعْبَرَ. (209)

فرمود : من كشته شده دسيسه ها و عبرتها هستم، مؤمنى مرا ياد نمى كند مگر آن كه مورد عبرت و آگاهى قرار خواهد گرفت.

173 قالَ عليه‌السلام : لَوْ شَتَمَنى رَجُلٌ فى هذِهِ الْاءُذُنِ، وَ اءَوْفى إلى الْيُمْنى، وَاعْتَذَرَ لى فى الْاءُخْرى لَقَبِلْتُ ذلِكَ مِنْهُ، وَ ذلِكَ اءَنَّ اءَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِالسّلام حَدَّثَنى اءَنَّهُ سَمِعَ جَدّى رَسُولَ اللّهِ صلّى اللّه عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : لايَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذرَ مِنْ مُحِقٍّ اءَوْ مُبْطِلٍ. (210)

فرمود: چنانچه با گوش خود بشنوم كه شخصى مرا دشنام مى دهد و سپس ‍ معذرت خواهى او را بفهمم، از او مى پذيرم و گذشت مى نمايم، چون كه پدرم اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام از جدّم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روايت نمود:

كسى كه پوزش و عذرخواهى ديگران را نپذيرد، بر حوض كوثر وارد نخواهد شد.

174 قيلَ لِلْحُسَيْنِ بن علىّ عليه‌السلام : مَنْ اءعْظَمُ النّاسِ قَدْرا؟

قالَ: مَنْ لَمْ يُبالِ الدُّنْيا فى يَدَيْ مَنْ كانَتْ. (211)

از حضرت سؤال شد : با شخصيّت ترين افراد چه كسى است ؟

در جواب فرمود : آن كسى است كه نسبت به دنيا بى اهميّت باشد.

175 قالَ عليه‌السلام : مَنْ عَبَدَاللّهَ حَقَّ عِبادَتِهِ، آتاهُ اللّهُ فَوْقَ اءمانيهِ وَكِفايَتِهِ. (212)

فرمود : هر كس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، بطور حقيقت عبادت و پرستش نمايد.

خداى متعال او را به بهترين آرزوهايش مى رساند و امور زندگيش را تاءمين مى نمايد.

176 قالَ عليه‌السلام : احْذَرُوا كَثْرَةَ الْحَلْفِ، فِإنَّهُ يَحْلِفُ الرَّجُلُ لِعَلَلٍ اءرَبَعَ : إ مّا لِمَهانَةٍ يَجِدُها في نَفْسِهِ، تَحُثُّهُ عَلى الضَّراعَةِ إلى تَصْديقِ النّاسِ إ يّاهُ. وَ إمّا لِعَىٍّ في الْمَنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الاْ يْمانَ حَشْوا وَصِلَةً لِكَلامِهِ. وَ إمّا لِتُهْمَةٍ عَرَفَها مِنَ النّاسِ لَهُ، فَيَرى اءَنَّهُمْ لايَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إلاّ بِالْيَمينِ. وَ إمّا لاِ رْسالِهِ لِسانَهُ مِنْ غَيْرِ تَثْبيتٍ. (213)

فرمود : خود را از قسم و سوگند برهانيد كه همانا انسان به جهت يكى از چهار علّت سوگند ياد مى كند :

در خود احساس سستى و كمبود دارد بطورى كه مردم به او بى اعتماد شده اند، پس براى جلب توجّه مردم كه او را تصديق و تاءييد كنند، سوگند مى خورد.

و يا آنكه گفتارش معيوب و بدور از حقيقت است، و مى خواهد با سوگند، سخن خود را تقويت و جبران كند.

و يا در بين مردم متّهم است به دروغ و بى اعتمادى پس مى خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نمايد.

و يا آنكه سخنان و گفتارش متزلزل است هر زمان به نوعى سخن مى گويد و زبانش به سوگند عادت كرده است.

177 قالَ عليه‌السلام : اءيُّما إ ثْنَيْنِ جَرى بَيْنَهُما كَلامٌ، فَطَلِبَ اءَحَدُهُما رِضَى الاَّْخَرِ، كانَ سابِقَهُ إلىَ الْجَنّةِ. (214)

فرمود : چنانچه دو نفر با يكديگر نزاع و اختلاف نمايند و يكى از آن دو نفر، در صلح و آشتى پيشقدم شود، همان شخص سبقت گيرنده جلوتر از ديگرى به بهشت وارد مى شود.

178 قالَ عليه‌السلام : وَاعْلَمُوا إنَّ حَوائِجَ النّاسِ إ لَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللّه عَلَيْكُمْ، فَلا تَميلُوا النِّعَمَ فَتَحَوَّلَ نَقِما. (215)

فرمود : توجّه داشته باشيد كه احتياج و مراجعه مردم به شما از نعمتهاى الهى است، بنابراين سعى كنيد كه نعمتها پايمال و ضايع نگردد و مواظب باشيد كه نعمتها به نقمت و گرفتارى تبديل نگردد.

179 قالَ عليه‌السلام : يَابْنَ آدَم، اُذْكُرْ مَصْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَي اللّهِ، تَشْهَدُ جَوارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزِلُّ فيهِ الْاءقْدام. (216)

فرمود : اى فرزند آدم، بياد آور لحظات مرگ و خوابگاه خود را در قبر، همچنين بياد آور كه در پيشگاه خداوند قرار خواهى گرفت و اعضاء و جوارحت بر عليه تو شهادت خواهند داد، در آن روزى كه قدمها لرزان و لغزان مى باشد.

180 قالَ عليه‌السلام : مُجالَسَةُ اءهْلِ الدِّناءَةِ شَرُّ، وَ مُجالَسَةُ اءهْلِ الْفِسْقِ ريبَةٌ. (217)

فرمود : همنشينى با اشخاص پست و رذل سبب شرّ خواهد گشت، و نيز همنشينى و مجالست با معصيت كاران موجب شكّ و بدبينى خواهد شد.

181 قالَ عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ خَلَقَ الدُّنْيا لِلْبَلاءِ، وَ خَلَقَ اءهْلَها لِلْفَناءِ. (218)

فرمود : بدرستى كه خداوند متعال دنيا و اموال آن را براى آزمايش افراد آفريده است.

و همچنين موجودات دنيا را جهت فناء و انتقال از اين دنيا به جهانى ديگر آفريده است.

182 قالَ عليه‌السلام : لايَاءمَنُ يوم الْقِيامَةِ إلاّ مَنْ قَدْ خافَاللّهَ في الدُّنْيا. (219)

فرمود : كسى در روز قيامت از شدائد و اءحوال آن در اءمان نمى باشد، مگر آنكه در دنيا از خداوند متعال ترس داشته باشد و اهل گناه و معصيت نگردد.

183 قالَ عليه‌السلام : لِكُلِّ داءٍ دَواءٌ، وَ دَواءُ الذُّنُوبِ الا سْتِغْفارِ. (220)

فرمود : براى هر غم و دردى درمان و دوائى است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند مى باشد.

184 قالَ عليه‌السلام : مَنْ قَرَءَ آيَةً مِنْ كِتابِاللّه عَزَّ وَ جَلَّ فى صَلاتِهِ قائِما، يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِاءةَ حَسَنَة. (221)

فرمود : هر كس آيه اى از قرآن را در نمازش تلاوت نمايد، خداوند متعال در مقابل هر حرفى از آن يكصد حسنه در نامه اعمالش ثبت مى نمايد.

185 قالَ عليه‌السلام : سَبْعَةُ اءشْياءٍ لَمْ تُخْلَقْ فى رَحِمٍ : فَاءوّلُها آدَمُ ( عليه‌السلام)، ثُمَّ حَوّاء، وَالْغُرابُ، وَ كَبْشُ إ بْراهيم ( عليه‌السلام)، وَ ناقَةُ اللّهِ، وَعَصا مُوسى ( عليه‌السلام)، وَ الطَّيْرُ الَّذى خَلَقَهُ عيسىَ بْنِ مَرْيَم (عليهماالسّلام ). (222)

ضمن جواب سؤالهاى پادشاه روم، فرمود : آن هفت موجودى كه بدون خلقت در رحم مادر، آفريده شده اند، عبارتند از :

حضرت آدم عليه‌السلام و همسرش حوّاء.

و كلاغى كه براى راهنمائى دفن هابيل آمد.

و گوسفندى كه براى قربانى به جاى حضرت اسماعيل آمد.

و شترى كه خداوند براى پيامبرش حضرت صالح فرستاد.

و عصاى حضرت موسى عليه‌السلام.

و هفتمين موجود آن پرنده اى بود كه توسّط حضرت عيسى ( عليه‌السلام) آفريده شد.

186 قالَ عليه‌السلام : إنَّ اَعْمالَ هذِهِ الاُْمَّةِ ما مِنْ صَباحٍ إلاّ و تُعْرَضُ عَلَى اللّهِ تَعالى. (223)

فرمود : همانا نامه كردار و اءعمال اين امّت، در هر صبحگاه بر خداوند متعال عرضه خواهد شد.

187 قالَ عليه‌السلام : إجْتَنِبُو االْغِشْيانَ في اللَّيْلَةِ الَّتى تُريدُون فيها السَّفَرَ، فإنَّ مَنْ فَعَلَ ذلِكَ، ثُمَّ رُزِقَ وَلَدٌ كانَ جَوّالَةً. (224)

فرمود : در آن شبى كه قصد مسافرت داريد، با همسر خود زناشوئى نكنيد، كه چنانچه عمل زناشوئى انجام گردد و در آن زمان فرزندى منعقد شود، بسيار متحرّك و افكارش مغشوش مى باشد.

188 قالَ عليه‌السلام : الرّكْنُ الْيَماني بابٌ مِنْ اءبْوابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعْهُ مُنْذُ فَتَحَهُ، وَإنَّ ما بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ الا سْوَد وَالْيَماني - مَلِكٌ يُدْعى هُجَيْرٌ، يُؤَمِّنُ عَلى دُعاءِ الْمُؤْمِنينَ. (225)

فرمود : رُكن يمانى كعبه الهى دربى از دربهاى بهشت است و ما بين ركن يمانى و حجرالا سود ملك و فرشته اى است كه براى استجابت دعاى مؤمنين آمّين مى گويد.

189 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الْغِنى وَاْلِعزَّ خَرَجا يَجُولانِ، فَلَقيا التَّوَكُلَّ فَاسْتَوْطَنا. (226)

فرمود : عزّت و بى نيازى هر دو شتاب زده به دنبال پناهگاهى مى دويدند، چون به توكّل برخورد كردند، آرامش پيدا نموده و آن را پناهگاه خود قرار دادند.

190 قالَ عليه‌السلام : مَنْ نَفَّسَ كُرْبَةَ مُؤْمِنٍ، فَرَّجَ اللّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيا والْآخِرَةِ. (227)

فرمود: هر كس گره اى از مشكلات مؤمنى باز كند و مشگلش را برطرف نمايد.

خداوند متعال مشكلات دنيا و آخرت او را اصلاح مى نمايد.

191 قالَ عليه‌السلام : مَنْ والانا فَلِجَدّى صلى‌الله‌عليه‌وآله والى، وَمَنْ عادانا فَلِجَدّى صلى‌الله‌عليه‌وآله عادى. (228)

فرمود : هر كه ما را دوست بدارد و پيرو ما باشد، پس دوستى و محبّتش به جهت جدّم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى باشد.

و هر كس با ما دشمن و كينه توز باشد، پس دشمنى و مخالفت او به جهت جدّم رسول خدا خواهد بود.

192 قالَ عليه‌السلام : يَابْنَ آدَمَ، اءُذْكُرْ مَصارِعَ آبائِكَ وَ اءبْنائِكَ، كَيْفَ كانُوا، وَ حَيْثُ حَلّوُا، وَ كَاءَنَّكَ عَنْ قَليلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ. (229)

فرمود : اى فرزند آدم، بيادآور آن لحظاتى را كه پدران و فرزندان و دوستان تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آنها در چه وضعيّت و موقعيّتى بودند و سرانجام به كجا منتهى شدند و كجا رفتند.

و بينديش كه تو نيز همانند آنها به ايشان خواهى پيوست پس مواظب اعمال و رفتار خود باش.

193 قالَ عليه‌السلام : يَاابْنَ آدَمَ، إنَّما اءنْتَ اءيّامٌ، كُلَّما مَضى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ. (230)

فرمود : اى فرزند آدم، بدرستى كه تو مجموعه اى از زمانها و روزگار هستى، هر آنچه از آن بگذرد، بعضى از تو فانى و سپرى گشته است بنابر اين لحظات عمرت را غنيمت شمار كه جبران ناپذير است.

194 قالَ عليه‌السلام : مَنْ حاوَلَ أ مْراً بِمَعْصِيَةِ اللّهِ كانَ أ فْوَتُ لِما يَرْجُو وَ أ سْرَعُ لِمَجيى ء لِما يَحْذَرُ. (231)

فرمود: هر كس از روى نافرمانى و معصيت خداوند كارى را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سريعتر از دست مى دهد و به آنچه هراسناك و بيمناك مى باشد مبتلا مى گردد.

195 قالَ عليه‌السلام : الْبُكاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللّه نَجاتٌ مِنَ الّنارِ وَ قالَ: بُكاءُ الْعُيُونِ، وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللّهِ. (232)

فرمود: گريان بودن به جهت ترس از عذاب خداوند، سبب نجات از آتش ‍ دوزخ خواهد بود. و فرمود: گريان بودن چشم و خشيت داشتن دلها يكى از نشانه هاى رحمت الهى براى بنده است.

196 قالَ عليه‌السلام : لايَكْمِلُ الْعَقْلُ إلاّ بِاتّباعِ الْحَقِّ. (233)

فرمود : بينش و عقل و درك انسان تكميل نمى گردد مگر آن كه اءهل حقّ و صداقت باشد و از حقايق تبعيّت و پيروى كند.

197 قالَ عليه‌السلام : اءَهْلَكَ النّاسَ إ ثْنانِ : خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ. (234)

فرمود : دو چيز مردم را هلاك و بيچاره گردانده است :

يكى ترس از اين كه مبادا در آينده فقير و نيازمند ديگران گردند.

و ديگرى فخر كردن در مسائل مختلف و مباهات بر ديگران است.

198 قالَ عليه‌السلام : مَنْ عَرَفَ حَقَّ اءَبَوَيْهِ الاْ فْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلىٍّ، و اءطاعَهُما، قيلَ لَهُ : تَبَحْبَحْ فى اءيِّ الْجِنانِ شِئْتَ. (235)

فرمود : هر شخصى كه حقّ والدينش محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله، و علىّ عليه‌السلام را كه با شرافت و با فضيلت ترين انسانها هستند، بشناسد و در تمام امور زندگى از ايشان تبعيّت و اطاعت كند. در قيامت به او خطاب مى شود:

هر قسمتى از بهشت را كه خواستار باشى مى توانى انتخاب كنى و در آن وارد شوى.

199 قالَ عليه‌السلام : مَنْ طَلَبَ رِضَى اللّهِ بِسَخَطِ النّاسِ كَفاهُ اللّه اُمُورَ النّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النّاسِ بِسَخَطِاللّهِ وَ كَّلَهُ اللّهُ إلَى النّاسِ. (236)

فرمود : هر كس رضايت و خوشنودى خداوند را در اءمور زندگى طلب نمايد گرچه همه افراد از او رنجيده شوند، خداوند مهمّات و مشكلات او را كفايت خواهد نمود.

و كسى كه رضايت و خوشنودى مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و غضب پروردگار باشد، خداوند اءمور اين شخص را به مردم واگذار مى كند.

200 قالَ عليه‌السلام : إنَّ شيعَتَنا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غَلٍّ وَ دَغَل. (237)

فرمود : شيعيان و پيروان ما أ هل بيت رسالت آن كسانى هستند كه اءفكار و درون آنها از هر گونه حيله و نيرنگ و عوام فريبى سلامت و تهى باشد.

## خلاصه حالات ششمين معصوم چهارمين امام زين العابدين على بن الحسين عليه‌السلام

آن حضرت روز جمعه يا پنجشنبه، 15 جمادى الثانى يا 23 شعبان، سال 36 يا 38 هجرى (238)، در مدينه منوّره تولّد يافت.

نام : علىّ (239) صلوات اللّه وسلامه عليه.

كنيه : اءبو الحسن، اءبو محمّد، اءبو القاسم و...

لقب : سجّاد، زين العابدين، زين الصّالحين، مجتهد، سيّد العابدين، سيّد السّاجدين، ذو الثّفنات، ابن الخِيَرَتَيْن، عابد، زاهد، خاشع، بكّاء، اءمين و...

نقش انگشتر: وَما تَوْفيقى إلاّ بِاللّه، الْحَمْدُ لِلّهِ العَلِيِّ، إنَّ اللّهَ بَالِغُ اءَمْرِهِ، الْعِزَّةُ لِلّهِ.

دربان : اءبو خالد كابلى، اءبو جبله، يحيى بن اءمّ طويل.

پدر: امام اءبو عبد اللّه الحسين، سيّد الشهداء، عليه الصّلاة والسّلام.

مادر: معروف به شهر بانو، شاهزاده ايرانى، دختر يزدجرد آخرين پادشاه فارس، كه در زمان عمر به اسارت مسلمين درآمد و امام علىّ عليه‌السلام از فروش ‍ او مانع شد و فرمود:

او شريف زاده است آزادش بگذاريد تا از مسلمين هر كه را بخواهد با او ازدواج نمايد و مهريه اش از بيت المال پرداخت شود.

او با انتخاب خود حسين عليه‌السلام را برگزيد كه پس از ازدواج با او، امام سجّاد عليه‌السلام از او تولّد يافت.

حضرت در صحرا وصحنه كربلاء حضور داشت و مصائب سخت و دلخراشى را متحمّل شد، عمر آن حضرت را در آن لحظات بين 22 تا 24 سال گفته اند و نسل شجره مباركه بنى الزّهراء توسط امام سجّاد عليه‌السلام تكثير و منتشر گرديد.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسين عليه‌السلام مبارزات گوناگونى عليه دستگاه بنى اميّه داشت و به شيوه هاى مختلفى در فرصتهاى مناسب، در هوشيارى بخشيدن جامعه نسبت به دستگاه ظالم لحظه اى سكوت و آرامش نداشت، از طريق سخنرانى، تشكيل جلسات دعا و مناجات، گريه و اظهار مظلوميت وتظلّم، و...

آن حضرت يكى از چهار نفر گريه كننده عالَم شمرده شده است كه پس از جريان كربلاء مرتّب در هر فرصت مناسبى بر مظلوميت پدرش امام حسين عليه‌السلام و يارانش و افشاى جنايات دستگاه بنى اميّه مى گريست.

آن حضرت مدّت دو سال و چند ماه در حيات جدّش امام علىّ اءمير المؤمنين عليه‌السلام، و حدود دوازده سال در حيات عمويش امام حسن مجتبى عليه‌السلام، و 23 يا 24 سال با پدرش امام حسين عليه‌السلام، و حدود 35 سال امامت و رهبريّت جامعه اسلامى را بر عهده داشت كه جمعا عمر آن حضرت را حدود 58 سال گفته اند.

آن حضرت روز دهم محرّم الحرام، سال 61 هجرى پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنين 23 يا 24 سالگى به منصب امامت نائل آمد و تا 12 يا 25 محرّم سال 94 يا 95 هجرى امامتش به طول انجاميد كه جمعا حدود 35 سال امامت و رهبريّت جامعه را برعهده داشته است.

شهادت : روز شنبه، دوازدهم يا بيست و پنجم محرّم، سال 94 يا 95 هجرى قمرى (240)، به وسيله زهر توسّط هشام بن عبد الملك مروان مسموم و به درجه رفيعه شهادت نائل آمد.

محلّ دفن : آن حضرت در قبرستان بقيع كنار عمويش امام حسن مجتبى عليهما‌السلام دفن گرديد.

تعداد فرزندان : مرحوم سيّد محسن امين تعداد پانزده پسر و چهار دختر براى حضرتش نام برده است.

خلفاء هم عصر آن حضرت : معاوية بن يزيد، يزيد بن معاويه، مروان بن حكم، عبد الملك بن مروان، وليد بن عبد الملك، هشام بن عبدالملك.

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه آية الكرسى يا سوره توحيد خوانده مى شود.

و بعد از سلام نماز تسبيح حضرت و پس از آن تقاضا و درخواست حوايج مشروعه از خداوند منّان. (241)

## چهل حديث گهربار، از امام زين العابدين عليه‌السلام

201 قال الا مامُ علىّ بن الحسين، زين العابدين عليه‌السلام :

ثَلاثٌ مَنْ كُنَّ فيهِ مِنَ الْمُؤ مِنينَ كانَ في كَنَفِ اللّهِ، وَاءظَلَّهُ اللّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ في ظِلِّ عَرْشِهِ، وَآمَنَهُ مِنْ فَزَعِ الْيَوْمِ الاْ كْبَرِ:

مَنْ اءَعْطى النّاسَ مِنْ نَفْسِهِ ما هُوَ سائِلهُم لِنَفْسِهِ، و رَجُلٌ لَمْ يَقْدِمْ يَدا وَرِجْلاً حَتّى يَعْلَمَ اءَنَّهُ فى طاعَةِ اللّهِ قَدِمَها اءَوْ فى مَعْصِيَتِهِ، وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِبَْاءخاهَ بِعَيْبٍ حَتّى يَتْرُكَ ذلكَ الْعِيْبَ مِنْ نَفْسِهِ. (242)

فرمود: سه حالت وخصلت در هر يك از مؤمنين باشد در پناه خداوند خواهد بود و روز قيامت در سايه رحمت عرش الهى مى باشد و از سختيها و شدايد صحراى محشر در اءمان است.

اوّل آنكه در كارگشائى و كمك به نيازمندان و درخواست كنندگان دريغ ننمايد.

دوّم آنكه قبل از هر نوع حركتى بينديشد كه كارى را كه مى خواهد انجام دهد يا هر سخنى را كه مى خواهد بگويد آيا رضايت و خوشنودى خداوند در آنست يا مورد غضب و سخط او مى باشد.

سوّم قبل از عيب جوئى و بازگوئى عيب ديگران، سعى كند عيبهاى خود را برطرف نمايد.

202 قال عليه‌السلام : ثَلاثٌ مُنْجِياتٌ لِلْمُؤْمِن : كَفُّ لِسانِهِ عَنِ النّاسِ وَاغتِيابِهِمْ، وَإ شْغالُهُ نَفْسَهُ بِما يَنْفَعُهُ لاَِّخِرَتِهِ وَدُنْياهُ، وَطُولُ الْبُكاءِ عَلى خَطيئَتِهِ. (243)

فرمود: سه چيز موجب نجات انسان خواهد بود: بازداشت زبان از بدگوئى و غيبت مردم، خود را مشغول بكارهائى كردن كه براى آخرت و دنيايش ‍ مفيد باشد.

و هميشه بر خطاها و اشتباهات خود گريان و ناراحت باشد.

203 قال عليه‌السلام : اءرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فيهِ كَمُلَ إ سْلامُهُ، وَمَحَصَتْ ذُنُوبُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ وَهُوَ عَنْهُ راضٍ: وِقاءٌ لِلّهِ بِما يَجْعَلُ عَلى نَفْسِهِ لِلنّاس، وَصِدْقُ لِسانِه مَعَ النّاسِ، وَالاْ سْتحْياء مِنْ كُلِّ قَبِى حٍ عِنْدَ اللّهِ وَعِنْدَ النّاسِ، وَحَسُنَ خُلْقُهُ مَعَ اءهْلِهِ. (244)

فرمود: هر كس داراى چهار خصلت باشد، ايمانش كامل، گناهانش بخشوده خواهد بود، و در حالتى خداوند را ملاقات مى كند كه از او راضى و خوشنود است :

1 خصلت خود نگهدارى وتقواى الهى به طورى كه بتواند بدون توقّع و چشم داشتى، نسبت به مردم خدمت نمايد.

2 راستگوئى و صداقت نسبت به مردم در تمام موارد زندگى.

3 حيا و پاكدامنى نسبت به تمام زشتيهاى شرعى و عرفى.

4 خوش اخلاق وخوش برخوردى با اءهل و عيال خود.

204 قال عليه‌السلام : يَا ابْنَ آدَم، إنَّكَ لاتَزالُ بَخَيْرٍ ما دامَ لَكَ واعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَما كانَتْ الْمُحاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَما كانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعارا. (245)

فرمود: اى فرزند آدم، تا آن زمانى كه در درون خود واعظ و نصيحت كننده اى دلسوز داشته باشى، و در تمام اءمور بررسى و محاسبه كارهايت را اهميّت دهى، و در تمام حالات از عذاب الهى ترس و خوف داشته باشى.

در خير و سعادت خواهى بود.

205 قال عليه‌السلام : وَاءمّا حَقُّ بَطْنِكَ فَاءنْ لاتَجْعَلْهُ وِعاءً لِقَليلٍ مِنَ الْحَرامِ وَلا لِكَثيرٍ، وَاءنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِى الْحَلالِ. (246)

فرمود: حقّى كه شكم بر تو دارد اين است كه آن را ظرف چيزهاى حرام چه كم و چه زياد قرار ندهى و بلكه در چيزهاى حلال هم صرفه جوئى كنى و به مقدار نياز استفاده نمائى.

206 قال عليه‌السلام : مَنِ اشْتاقَ إلى الْجَنَّةِ سارَعَ إلى الْحَسَناتِ وَسَلاعَنِ الشَّهَواتِ، وَمَنْ اءشْفَقَ مِنَ النارِ بادَرَ بِالتَّوْبَةِ إلى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَراجَعَ عَنِ الْمَحارِمِ. (247)

فرمود: كسى كه مشتاق بهشت باشد در انجام كارهاى نيك سرعت مى نمايد و شهوات را زير پا مى گذارد و هر كس از آتش قيامت هراسناك باشد به درگاه خداوند توبه مى كند واز گناهان دورى مى نمايد.

207 قال عليه‌السلام : طَلَبُ الْحَوائِجِ إلىَ النّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَياةِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْحَياءِ، وَاسْتَخِفافٌ بِالْوَقارِ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحاضِرِ، وَقِلَّةُ طَلَبِ الْحَوائِجِ مِنَ النّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحاضِر. (248)

فرمود: دست نياز به سوى مردم دراز كردن، سبب ذلّت و خوارى در زندگى و در معاشرت خواهد بود.

و نيز موجب از بين رفتن حياء و ناچيز شدن شخصيت خواهد گشت بطوريكه هميشه احساس نياز و تنگدستى نمايد.

و هرچه كمتر به مردم رو بيندازد و كمتر درخواست كمك نمايد بيشتر احساس خودكفائى و بى نيازى خواهد داشت.

208 قال عليه‌السلام : اَلْخَيْرُ كُلُّهُ صِيانَةُ الاْ نْسانِ نَفْسَهُ. (249)

فرمود: سعادت و خوشبختى انسان در حفظ و كنترل اعضاء و جوارح خود از هرگونه كار زشت و خلاف است.

209 قال عليه‌السلام : سادَةُ النّاسِ فى الدُّنْيا الاَسْخِياء، وَسادَةُ الناسِ في الا خِرَةِ الاْ تْقياءِ. (250)

فرمود: در اين دنيا سرور مردان سخاوتمندان هستند، ولى در قيامت سيّد و سرور مردان، پرهيزكاران خواهند بود.

210 قال عليه‌السلام : مَنْ زَوَّجَ لِلّهِ، وَوَصَلَ الرَّحِمَ تَوَّجَهُ اللّهُ بِتاجِ الْمَلَكِ يَوْمَ الْقِيامَةِ. (251)

فرمود: هر كس براى رضا و خوشنودى خداوند ازدواج نمايد و با خويشان خود صله رحم نمايد، خداوند او را در قيامت مفتخر و سربلند مى گرداند.

211 قال عليه‌السلام : إنَّ اءفْضَلَ الْجِهادِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ. (252)

فرمود: با فضيلترين ومهمترين مجاهدتها عفيف نگه داشتن شكم و عورت است از چيزهاى حرام و شبهه ناك -.

212 قال عليه‌السلام : مَنْ زارَ اءخاهُ فى اللّهِ طَلَبا لاِ نْجازِ مَوْعُودِ اللّهِ، شَيَّعَهُ سَبْعُونَ اءلْفَ مَلَكٍ، وَهَتَفَ بِهِ هاتِفٌ مِنْ خَلْفٍ اءلاطِبْتَ وَطابَتْ لَكَ الْجَنَّةَ، فَإذا صافَحَهُ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ. (253)

فرمود: هر كس به ديدار دوست و برادر خود رود و براى رضاى خداوند او را زيارت نمايد به اميد آنكه به وعده هاى الهى برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراه و مشايعت خواهند كرد، همچنين مورد خطاب قرار مى گيرد كه از آلودگيها پاك شدى و بهشت گوارايت باد.

پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه كند مورد رحمت قرار خواهد گرفت.

213 قال عليه‌السلام : إنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمينِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ إلى يَس ارِكَ فَاعْتَذَرَ إ لَيْكَ فَاقْبَلْ مِنْهُ. (254)

فرمود: چنانچه شخصى تو را بدگويى كند، و سپس برگردد و پوزش طلبد، عذر خواهى و پوزش او را پذيرا باش.

214 قال عليه‌السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمى مِنَ الطَّعامِ لِمَضَرَّتِهِ، كَيْفَ لايَحْتَمى مِنَ الذَّنْبِ لِمَعَرَّتِهِ. (255)

فرمود: تعجّب دارم از كسى كه نسبت به تشخيص خوب و بد خوراكش ‍ اهتمام مى ورزد كه مبادا ضررى به او برسد، چگونه نسبت به گناهان و ديگر كارهايش اهميّت نمى دهد، ونسبت به مفاسد دنيائى، آخرتى روحى، فكرى، اخلاقى و... بى تفاوت است.

215 قال عليه‌السلام : مَنْ اءطْعَمَ مُؤْمِنا مِنْ جُوعٍ اءطْعَمَهُ اللّهُ مِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقى مُؤْمِنا مِنْ ظَمَاءٍ سَقاهُ اللّهُ مِنَ الرَّحيقِ الْمَحْتُومِ، وَمَنْ كَسا مُؤْمِنا كَساهُ اللّهُ مِنَ الثّيابِ الاْ خْضَرِ. (256)

فرمود: هر كس مؤمن گرسنه اى را طعام دهد خداوند او را از ميوه هاى بهشت اطعام مى نمايد، و هر كه تشنه اى را آب دهد خداوند از چشمه گواراى بهشتى سيرآبش مى گرداند، و هر كس برهنه اى را لباس بپوشاند خداوند او را از لباس سبز بهشتى كه بهترين نوع و رنگ مى باشد خواهد پوشاند.

216 قال عليه‌السلام : إنَّ دينَ اللّهِ لايُصابُ بِالْعُقُولَ النّاقِصَةِ، وَالاَّْراءِ الْباطِلَةِ، وَالْمَقاييسِ الْفاسِدَةِ، وَلايُصابَ إلاّ بِالتَّسْليمِ، فَمَنْ سَلَّمَ لَنا سَلِمَ، ومَنِ اهْتَدى بِنا هُدِىَ، وَمَنْ دانَ بِالْقِياسِ وَالرَّاءْىِ هَلَكَ. (257)

فرمود: به وسيله عقل ناقص و نظريه هاى باطل، و مقايسات فاسد و بى اءساس نمى توان احكام و مسائل دين را بدست آورد. بنابر اين تنها وسيله رسيدن به احكام واقعى دين تسليم محض مى باشد، پس هر كس در مقابل ما اهل بيت تسليم باشد از هر انحرافى در اءمان است و هركه به وسيله ما هدايت يابد خوشبخت خواهد بود.

و شخصى كه با قياس و نظريات شخصى خود به خواهد دين اسلام را دريابد هلاك مى گردد.

217 قال عليه‌السلام : الدُّنْيا سِنَةٌ، وَالاَّْخِرَةُ يَقْظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُما اءضْغاثُ اءحْلامِ. (258)

فرمود: دنيا همچون نيمه خواب (چرت) است و آخرت بيدارى مى باشد و ما در اين ميان رهگذر، بين خواب و بيدارى به سير مى بريم.

218 قال عليه‌السلام : مِنْ سَعادَةِ الْمَرْءِ اءنْ يَكُونَ مَتْجَرُّةُ فى بَلادِهِ، وَيَكُونَ خُلَطاؤُهُ صالِحينَ، وَتَكُونَ لَهُ اءوْلادٌ يَسْتَعينُ بِهِمْ. (259)

فرمود: از سعادت مرد آن است كه در شهر خود كسب و تجارت نمايد و شريكان و مشتريانش افرادى صالح و نيكوكار باشند، و نيز داراى فرزندانى باشد كه كمك حال او باشند.

219 قال عليه‌السلام : آياتُ الْقُرْآنِ خَزائِنُ الْعِلْمِ، كُلَّما فُتِحَتْ خَزانَةٌ، فَيَنْبَغى لَكَ اءنْ تَنْظُرَ ما فيها. (260)

فرمود آيه هاى قرآن هر كدام آن خزينه علوم خداوند است، هر آيه و خزينه اى را كه مشغول خواندن مى شوى در آن دقّت نظر كن كه چه در مى يابى.

220 قال عليه‌السلام : مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّة لَمْ يَمُتْ حَتّى يَرى رَسُولَ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ، وَيَرَى مَنْزِلَهُ فى الْجَنَّةِ. (261)

فرمود: هركه قرآن را در مكّه مكرّمه ختم كند نمى ميرد مگر آنكه حضرت رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله و نيز جايگاه خود را در بهشت رؤ يت مى نمايد.

221 قال عليه‌السلام : يا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحِجَّ اسْتَبْشَرُوا بِالْحاجِّ إذا قَدِمُوا فَصافِحُوهُمْ وَعَظِّمُوهُمْ، فَإنَّ ذلِكَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ تُشارِكُوهُمْ فى الاْ جْرِ. (262)

فرمود: شماهائى كه به مكّه نرفته ايد و در مراسم حجّ شركت نكرده ايد، بشارت باد شما ها را به آن حاجيانى كه بر مى گردند، با آنها ديدار و مصافحه كنيد تا در پاداش و ثواب حجّ آنها شريك باشيد.

222 قال عليه‌السلام : الرِّضا بِمَكْرُوهِ الْقَضاءِ، مِنْ اءعْلى دَرَجاتِ الْيَقينِ. (263)

شادمانى و راضى بودن به سخت ترين مقدّرات الهى از عاليترين مراتب ايمان و يقين خواهد بود.

223 قال عليه‌السلام : ما مِنْ جُرْعَةٍ اءَحَبُّ إلى اللّهِ مِنْ جُرْعَتَيْنِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ رَدَّها مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، اءَوْ جُرْعَةُ مُصيبَةٍ رَدَّها مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ. (264)

فرمود: نزد خداوند متعال حالتى محبوبترر از يكى دو حالت نيست :

حالت غضب وغيظى كه مؤمن با بردبارى و حلم از آن بگذرد. حالت بلا ومصيبتى كه مؤمن آن را با شكيبائى و صبر بگذارند.

224 قال عليه‌السلام : مَنْ رَمَى النّاسَ بِما فيهِمْ رَمَوْهُ بِما لَيْسَ فيِهِ. (265)

فرمود: هر كس مردم را عيب جوئى كند و عيوب آنان را بازگو نمايد و سرزنش كند، ديگران او را متهّم به غير واقعيّات مى كنند.

225 قال عليه‌السلام : مُجالِسَةُ الصَّالِحيِنَ داعِيَةٌ إلى الصَّلاحِ، وَآدابُ الْعُلَماءِ زِيادَةٌ فِى الْعَقْلِ. (266)

فرمود: هم نشينى با صالحان انسان را به سوى صلاح و خير مى كشاند، معاشرت و هم صحبت شدن با علماء، سبب افزايش شعور و بينش مى باشد.

226 قال عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزينٍ، وَيُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ. (267)

فرمود: همانا خداوند دوست دارد هر قلب حزين و غمگينى را (كه در فكر نجات و سعادت خود باشد) و هر بنده شكر گذارى را دوست دارد.

227 قال عليه‌السلام : إنَّ لِسانَ ابْنَ آدَمٍ يَشْرُفُ عَلى جَميعِ جَوارِحِهِكُلَّ صَباحٍ فَيَقُولُ: كَيْفَ اءصْبَحْتُمْ؟

فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إنْ تَرَكْتَنا، إنَّما نُثابُ وَنُعاقِبُ بِكَ. (268)

فرمود: هر روز صبحگاهان زبان انسان بر تمام اعضاء و جوارحش وارد مى شود و مى گويد: چگونه ايد؟ و در چه وضعيّتى هستيد؟

جواب دهند: اگر تو ما را رها كنى خوب و آسوده هستيم، چون كه ما به وسيله تو مورد ثواب و عقاب قرار مى گيريم.

228 قال عليه‌السلام : ما تَعِبَ اءوْلِياءُ اللّهُ فِى الدُّنْيا لِلْدُّنْيا، بَلْ تَعِبُوا فِى الدُّنْيا لِلاَّْخِرَةِ. (269)

فرمود: دوستان و اءولياء خدا در فعاليتهاى دنيوى خود را براى دنيا به زحمت نمى اندازند وخود را خسته نمى كنند بلكه براى آخرت زحمت مى كشند.

229 قال عليه‌السلام : لَوْ يَعْلَمُ النّاسُ ما فِى طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْبِسَفْكِ الْمِهَجِ وَخَوْضِ اللُّجَجِ. (270)

فرمود: چنانچه مردم منافع و فضايل تحصيل علوم را مى دانستند هر آينه آن را تحصيل مى كردند گرچه با ريختن خون و يا فرو رفتن زير آبها در گردابهاى خطرناك باشد.

230 قال عليه‌السلام : لَوِ اجْتَمَعَ اءهْلُ السّماءِ وَالاْ رْضِ اءنْ يَصِفُوا اللّهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ يَقْدِرُوا. (271)

فرمود: اگر تمام اهل آسمان و زمين جمع شوند بر اينكه بخواهند خداوند متعال را توصيف و تعريف كنند، نمى توانند به عظمت و قدرت او پى ببرند.

231 قال عليه‌السلام : ما مِنْ شَيْى ءٍ اءحبُّ إلى اللّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ، وَما شَيْى ءٍ اءَحَبُّ إلى اللّهِ مِنْ اءنْ يُسْاءلَ. (272)

فرمود: بعد از معرفت به خداوند چيزى محبوب تر از دور نگه داشتن شكم وعورت از آلودگيها وهوسرانيها وگناهان نيست، و نيز محبوبترين كارها نزد خداوند مناجات و درخواست نيازمنديها به درگاهش خواهد بود.

232 قال عليه‌السلام : إ بْنَ آدَم إنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَىِ اللّهِ جَلّ وَعَزّ، فَاءعِدَّ لَهُ جَوابا. (273)

فرمود: اى فرزند آدم (اى انسان تو) خواهى مُرد و سپس محشور مى شوى و در پيشگاه خداوند احضار خواهى شد، پس جوابى (قانع كننده و صحيح در مقابل سؤالها) مهيّا و آماده كن.

233 قال عليه‌السلام : نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِى وَجْهِ اءخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبادَة. (274)

فرمود: نظر كردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از روى علاقه ومحبّت عبادت است.

234 إ يّاكَ وَمُصاحِبَةُ الْفاسِقِ، فَإ نّهُ بايِعُكَ بِاءكْلَةٍ اءَوْ اءقَلّ مِنْ ذالكَ وَإ يّاكَ وَمُصاحِبَةُ الْقاطِعِ لِرَحِمِهِ فَإنّى وَجَدْتُهُ مَلْعُونا فى كِتابِ اللّهِ. (275)

فرمود: برحذر باش از دوستى و همراهى با فاسق چون كه او به يك لقمه نان و چه بسا كمتر از آن هم، تو را مى فروشد. و مواظب باش از دوستى و صحبت با كسى كه قاطع صله رحم مى باشد چون كه او را در كتاب خدا ملعون يافتم.

235 قال عليه‌السلام : اءشَدُّ ساعاتِ ابْنِ آدَم ثَلاثُ ساعاتٍ: السّاعَةُ الَّتى يُعايِنُ فيها مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسّاعَةُ الَّتى يَقُومُ فيها مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتى يَقِفُ فى ها بَيْنَ يَدَيِ اللّه تَبارَكَ وَتَعالى، فَإمّا الْجَنَّةِ وَإمّا إلَى النّارِ. (276)

فرمود: مشكلترين و سخت ترين لحظات و ساعات دورانها براى انسان، سه مرحله است :

1 آن موقعى است كه عزرائيل بر بالين انسان مى آيد و مى خواهد جان او را برگيرد.

2 آن هنگامى خواهد بود كه از درون قبر زنده مى شود و در صحراى محشر به پا مى خيزد.

3 آن زمانى كه در پيشگاه خداوند متعال جهت حساب و كتاب و بررسى اعمال قرار مى گيرد و نمى داند راهى بهشت و نعمتهاى جاويد مى شود و يا راهى دوزخ و عذاب دردناك خواهد شد.

236 قال عليه‌السلام : إذا قامَ قائِمُنا اءذْهَبَ اللّهُ عَزَوَجَلّ عَنْ شيعَتِنا الْعاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كُزُبُرِ الْحَديدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ اءرْبَعينَ رَجُلاً. (277)

فرمود: هنگامى كه قائم ما ( حضرت حجّت، روحى له الفداء وعجّ) قيام و خروج نمايد خداوند بلا و آفت را از شيعيان و پيروان ما برمى دارد ودلهاى ايشان را همانند قطعه آهن محكم مى نمايد، و نيرو و قوّت هر يك از ايشان به مقدار نيروى چهل نفر ديگران خواهد بود.

237 قال عليه‌السلام : عَجَبا كُلّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدارِ الْفَناءِ وَتَرَكَ دارَ الْبقاء. (278)

فرمود: بسيار عجيب است از كسانى كه براى اين دنياى زودگذر و فانى كار مى كنند و خون دل مى خورند ولى آخرت را كه باقى و ابدى است رها و فراموش كرده اند.

238 قال عليه‌السلام : رَاءْيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدِ اجْتَمَعَ فِى قَطْعِ الطَّمَعِ عِمّا فِى اءيْدِى النّاسِ. (279)

فرمود: تمام خيرات و خوبيهاى دنيا و آخرت را در چشم پوشى و قطع طمع از زندگى و اموال ديگران مى بينم (يعنى قناعت داشتن).

239 قال عليه‌السلام : مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ اءكْمَلَ فى هِ، كانَ هَلاكُهُ مِنْ اءيْسَرِ ما فيهِ. (280)

فرمود: كسى كه بينش و عقل خود را به كمال نرساند و در رُكود فكرى بسر برد به سادگى در هلاكت و گمراهى و سقوط قرار خواهد گرفت.

240 قال عليه‌السلام : إنَّ الْمَعْرِفَةَ، وَكَمالَ دينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلامِ فيما لايُغْنيهِ، وَقِلَّةُ يُرائِهِ وَحِلْمِهِ وَصَبْرِهِ وَحُسْنِ خَلْقِهِ. (281)

فرمود: همانا معرفت و كمال دين مسلمان در گرو رها كردن سخنان و حرفهائى است كه به حال او و ديگران سودى ندارد.

همچنين از رياء و خودنمائى دور جستن و در برابر مشكلات زندگى بردبار و شكيبا بودن و نيز داراى اخلاق پسنديده و نيك سيرت بودن است.

## خلاصه حالات هفتمين معصوم پنجمين امام حضرت امام محمّد باقر عليه‌السلام

آن حضرت بنا بر مشهور، روز جمعه يا دوشنبه، سوّم ماه صفر، يا اوّل ماه رجب، سال 57 (282) هجرى قمرى در مدينه منوّره ديده به جهان گشود.

نام : محمد، صلوات اللّه و سلامه عليه. (283)

كنيه : أ بو جعفر، أ بو جعفر اوّل (284).

لقب : باقر، شاكر، هادى، باقر العلوم، امين، شبيه و...

پدر: امام سجّاد، زين العابدين، علىّ بن الحسين عليه‌السلام.

مادر: فاطمه دختر امام حسن مجتبى عليه‌السلام.

نقش انگشتر: رَبِّ لاتَذَرْنيهَ فَرْداً، العِزَّةُ لِلّهِ، القُوَّةُ لِلّهِ جَميعا.

دربان : جابر ين يزيد جُعفى

حضرت اوّلين امام و خليفه اى بود كه توانست با استفاده از جوّ حاكم بر جامعه زمانش يعنى شروع درگيرى بنى العباس و بنى اميّه حدّاكثر استفاده و بهره را برگيرد و با تشكيل كلاسها و جلسات مختلف احكام و حقايق اسلام و تفسير قرآن را نشر دهد، وعلوم و معارف الهى را براى جوامع بشرى شكافته و تشريح نمايد.

بر همين اساس يكى از لقبهاى مشهور آن حضرت باقر العلوم يعنى شكافنده علوم و فنون مى باشد.

امام باقر عليه‌السلام در سنين دو يا چهار سالگى در صحراى كربلا حضور داشت.

حضرت در هر جمعه يك دينار صدقه مى داد و مى فرمود: دادن صدقه در روز جمعه چند برابر ديگر روزها پاداش دارد.

هر موقع مشكلى براى حضرت پيش مى آمد خانواده خود را جمع مى نمود و در جمع آنها دعا مى كرد و آنها آمّين مى گفتند.

آن حضرت حدود چهار سال با جدّش امام حسين عليه‌السلام و 38 سال همزمان در حيات پدرش امام سجّاد عليه‌السلام، و سپس حدود 19 سال امامت و زعامت جامعه اسلامى را برعهده داشت كه روى هم 57 سال عمر با بركت آن حضرت را گفته اند.

آن حضرت روز 12 يا 25 محرّم سال 94، يا 95 پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنين 38 سالگى به منصب امامت نائل آمد و تا 7 ربيع الا وّل يا ذى الحجّة، سال 114 به طول انجاميد.

شهادت : روز دوشنبه هفتم ربيع الا وّل يا ذى الحجّة، سال 114 هجرى قمرى (285) به دستور هشام بن عبد الملك به وسيله زهر توسط ابراهيم بن وليد استاندار مدينه، مسموم و به درجه رفيع شهادت نائل آمد.

محلّ دفن : آن حضرت در قبرستان بقيع كنار پدر و عمويش دفن گرديد.

فرزندان : حضرت داراى هفت فرزند پسر و دو دختر بوده است.

پادشاهان و خلفاء هم عصر امامتش : وليد بن عبد الملك، سليمان بن عبد الملك، عمر بن عبد العزيز، يزيد بن عبد الملك، هشام بن عبد الملك، وليد بن يزيد بن عبد الملك، يزيد بن وليد بن عبد الملك، ابراهيم بن وليد بن عبد الملك.

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت حمد، صد مرتبه «شهد اللّه» گفته مى شود: و بعد از آن كه سلام نماز پايان يافت، تسبيح حضرت زهراء عليها‌السلام گفته مى شود.

و سپس تقاضا و در خواست حوائج مشروعه از خداوند متعال انجام گردد كه انشاء اللّه برآورده خواهد شد. (286)

## چهل حديث گهربار، از حضرت امام محمّد باقر عليه‌السلام

241 قالَ الا مامُ اءبو جَعْفَر محمّد بنِ عليّ باقرُ العلومِ عليه‌السلام :

لَوِاجْتَمَعَ اءهْلُ السَّماءِ وَالْاءرْضِ اءنْ يَصِفُوا اللّهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ يَقْدِرُوا. (287)

فرمود: چنانچه تمامى اهل آسمان و زمين گرد هم آيند و بخواهند خداوند متعال را در جهت عظمت و جلال توصيف كنند، قادر نيستند.

242 قال عليه‌السلام : إنَّ اءفضَلَ الْاءعْمالِ عِنْدَاللّهِ ما عَمِلَ بِالسُّنَّةِ وَ إنْ قَلَّ. (288)

فرمود: همانا با فضيلت ترين عملها در پيشگاه خداوند متعال آن عملى است كه طبق سنّت پيامبر و اءهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام و دستور قرآن قرار گيرد، گرچه اءندك و ناچيز باشد.

243 قال عليه‌السلام : مَنْ ثَبَتَ عَلى وِلايَتِنا فِي غَيْبَةِ قائِمِنا، اءعْطاهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ اَجْرَ اءلْفَ شَهيدٍ مِنْ شُهَداءِ بَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ. (289)

فرمود: كسى كه در زمان غيبت امام زمان (عجّل اللّه فرجه الشّريف) بر ايمان و ولايت ما اهل بيت عصمت و طهارت پابرجا و ثابت بماند، خداوند متعال پاداش و ثواب هزار شهيد از شهداى جنگ بدر و حنين به او عطا مى فرمايد.

244 قال عليه‌السلام : لَوْ أ نَّ الْإ مامَ رُفِعَ مِنَ الْاءرْضِ ساعَةً، لَماجَتْ بِاءهْلِها كَما يَمُوجُ الْبَحْرُ بِاءهْلِهِ. (290)

فرمود: اگر امام و حجّت خدا لحظه اى از روى زمين و از بين افراد جامعه برداشته شود، زمين اهل خود را در خود مى بلعد و فرو مى برد همانطورى كه دريا چيزهاى خود را در خود مى بلعد.

245 قال عليه‌السلام : إنَّ جَميعَ دَوابِّ الْاءرْضِ لَتُصَلّي عَلى طالِبِ الْعِلْمِ حَتّى الْحيتانِ في الْبَحْرِ. (291)

فرمود: به درستى كه تمام موجودات و جانوران زمين و بلكه ماهيان دريا براى تحصيل كنندگان علوم اسلامى و معارف الهى تحيّت و درود مى فرستند.

246 قال عليه‌السلام : لَوْ اءُوتيتُ بِشابٍّ مِنْ شَبابِ الشّيعَةِ لايَتْفَقَّهُ فِي الدّينِ، لَاءَوجَعْتُهُ. (292)

فرمود: اگر جوانى از جوانان شيعه را نزد من بياورند كه در مسائل دين و زندگى آشنا نباشد، او را تنبيه و شكنجه خواهم كرد (تا به دنبال تحصيل مسائل دين برود).

247 قال عليه‌السلام : مَنْ اءفْتَى النّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدىً، لَعَنَتْهُ مَلائِكَةُ الرَّحْمَةِ و مَلائِكَةُ الْعَذابِ، وَلَحِقَهُ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِفَتْياهُ. (293)

فرمود: هر كس درباره مسائل دين فتوا و نظريه اى دهد كه بدون علم و اطّلاع باشد، ملائكه رحمت و ملائكه عذاب او را لعن و نفرين مى كنند و گناه عمل كننده اگر خلاف باشد بر عهده گوينده است.

248 قال عليه‌السلام : الصَّلاةُ عَمُودُالدّينِ، مَثَلُها كَمَثَلِ عَمُودِالْفِسْطاطِ، إذا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الاءَوْتادُ وَالْاءَطْناب، وَ إذا مالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَ تَدٌ وَلاطَنَبٌ. (294)

فرمود: نماز ستون دين است و مثالش همانند تيرك و ستون خيمه اى مى باشد كه چنانچه محكم و استوار باشد ميخها و طنابهاى اطراف آن پا بر جا خواهد بود ولى اگر ستون سُست يا كج باشد ميخها و طنابهاى اطراف آن نمى تواند پابرجا باشد.

249 قال عليه‌السلام : لاتَتَهاوَنْ بَصَلاتِكَ، فَإنَّ النَّبيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله قالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنّى مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلاتِهِ، لَيْسَ مِنّى، مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً لايَرِدُ عَلَىٍّّ الْحَوْضَ، لاوَاللّهِ. (295)

فرمود: نسبت به نماز بى اعتنا مباش و آن را سبك و ناچيز مشمار، همانا كه پيامبر خدا هنگام وفات خود فرمود:

هر كس نماز را سبك شمارد و يا مسكرات بنوشد از امّت من نيست و بر حوض كوثر وارد نخواهد شد.

250 قال عليه‌السلام : بُنِيَ الْإ سْلامُ عَلى خَمْسَةِ اءشْياءٍ: عَلَى الصَّلاةِ، وَ الزَّكاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوِلايَةِ، وَلَمْ يُنادِ بِشَيْى ءٍ مِثْلُ ما نُودِىٍَّ لِلْوِلايَةِ. (296)

فرمود: دين مبين اسلام بر پنج پايه و اساس استوار است : نماز، زكات، خمس، حجّ، روزه، ولايت اهل بيت عصمت و طهارت عليهم‌السلام، سپس افزود: آن مقدارى كه نسبت به ولايت سفارش شده است نسبت به هيچ كدام تاءكيد نگرديده است و ولايت اساس و محور تمام اعمال خواهد بود.

251 قال عليه‌السلام : مَنْ دَعَااللّهَ بِنا اءفْلَحَ، وَمَنْ دَعاهُ بِغَيْرِنا هَلَكَ وَاسْتَهْلَكَ. (297)

فرمود: هر كه خداوند را به وسيله ما بخواند و ما را واسطه قرار دهد رستگار و موفّق خواهد شد.

و كسى كه غير از ما اهل بيت عصمت و طهارت را وسيله گرداند نااميد و هلاك خواهد گشت.

252 قال عليه‌السلام : الاءعْمالُ تُضاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأ كْثِرِوا فيها مِنَ الصَّلاةِ وَالصَّدَقَةِ والدُّعاءِ. (298)

فرمود: پاداش اعمال بد يا خوب در روز جمعه دو برابر ديگر روزها است، پس سعى نمائيد در اين روز نماز و صدقه و دعا بسيار انجام دهيد.

253 قال عليه‌السلام : مَنْ طَلَبَ الدُّنْيا اسْتِعْفافا عَنِ النّاسِ، وَسَعْيا عَلى اءهْلِهِ، وَتَعَطُّفا عَلى جارِهِ، لَقَى اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَالْبَدْرِ. (299)

فرمود: هر كس دنيا را به جهت يكى از سه حالت طلب كند: بى نيازى از مردم، آسايش و رفاه خانواده و عائله اش، كمك و رسيدگى به همسايه اش.

روز قيامت در حالتى محشور مى گردد و به ملاقات خداوند متعال وارد مى شود كه صورتش همچون ماه شب چهارده نورانى است.

254 قال عليه‌السلام : ثَلاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللّهُ لِاءحَدٍ فيهِنَّ رُخْصَةً: اءداءُ الْاءمانَةِ إلَى الْبِرِّ وَالْفاجِرِ، وَالْوَفاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبِّرِ وَالْفاجِرِ، وَ بِرُّ الْوالِدَيْنِ بِرَّيْنِ كانا اَوْ فاجِرَيْنِ. (300)

فرمود: خداوند سبحان در سه چيز رخصت قرار نداده است :

اءمانت را سالم تحويل صاحبش دادن، خواه آنكه صاحبش آدم خوبى باشد يا فاجر.

وفاى به عهد نسبت به هر شخصى خوب باشد يا بد.

نيكى و احسان به پدر و مادر خوب باشند يا بد.

255 قال عليه‌السلام : إنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتاقُ إلى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ، اَوْ يَاءخُذُ مِنْهُ الْقَذى. (301)

فرمود: همانا بهشت و حورالعين در انتظار افرادى است كه در نظافت و تميز كردن مسجد سعى و تلاش نمايند.

256 قال عليه‌السلام : إنَّما يَبْتَلِى الْمُؤ مِنُ فِى الدُّنْيا عَلى قَدْرِ دينِهِ. (302)

فرمود: همانا مؤمن در اين دنيا هر مقدارى كه دين و ايمان داشته باشد بهمان اندازه مورد امتحان و آزمايش قرار مى گيرد.

257 قال عليه‌السلام : لايَكُونُ الْعَبْدُ عابِدا لِلّهِ حَقَّ عِبادَتِهِ حَتّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحينَئِذٍ يَقُولُ: هذا خالِصٌ لى، فَيَقْبِلُهُ بِكَرَمِهِ. (303)

فرمود: كسى به بندگى و ستايش گر حقيقى در برابر خداوند نمى رسد مگر آنكه از تمام افراد قطع اميد كند و تنها اميدش خداى يكتا باشد.

در يك چنين حالتى خداوند گويد: اين عمل خالصانه براى من است و آن را مورد قبول و عنايت خود قرار مى دهد.

258 قال عليه‌السلام : اُقْسِمُ بِاللّهِ وَ هُوَ حَقُّ، مافَتَحَ رَجُلٌ عَلى نَفْسِهِ بابَ الْمَسْاءلَةِ إلاّ فَتَحَ اللّهُ عَلَيْهِ بابَ فَقْرٍ. (304)

فرمود: سوگند به خدائى كه بر حقّ است، چنانچه شخصى در موردى تقاضاى خود را به يكى از همنوعان خود بگويد و بدون توجّه به خداوند متعال درخواست كمك نمايد، خداوند درى از درهاى فقر و تنگدستى را بر او بگشايد.

259 قال عليه‌السلام : مَنْ قَضى مُسْلِما حاجَتَهُ، فالَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ثَوابُكَ عَلَىٍَّّ وَلا اَرْضى لَكَ ثَوابا دُونَ الْجَنَّةِ. (305)

فرمود: هر كس حاجتى را براى مسلمانى برآورده كند و گره از مشگلش ‍ بگشايد، خداوند متعال به او خطاب كند:

ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غير از بهشت چيز ديگرى لايق تو نخواهد بود.

260 قال عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اءُوْحى إلى شُعَيْبِ النَّبي عليه‌السلام : إنّى مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ اءلْفٍ، اءرْبَعينَ اءلْفا مِنْ شِرارِهِمْ وَ سِتّينَ اءلْفا من خِيارِهِمْ.

فقال : يارَبَّ هؤُلاءِ الْاءشْرار، فَما بالُ الْاءخْيار؟ فَاءوحى اللّهُ إ لَيْهِ: إنَّهُمْ داهَنُوا اءهْلَ الْمَعاصى وَ لَمْ يَغْضِبُوا لِغَضَبي. (306)

فرمود: همانا خداوند متعال، براى حضرت شعيب عليه‌السلام وحى فرستاد:

من از قوم تو يكصد هزار نفر را عذاب و هلاك مى نمايم كه شصت هزار نفر ايشان اءشرار و چهل هزار نفر ديگرشان از خوبان و عبادت كنندگان خواهند بود.

حضرت شعيب عليه‌السلام سؤال نمود: اءشرار كه مستحقّ عذاب هستند ولى خوبان را چرا عذاب مى نمائى ؟

خداوند وحى نمود: به جهت آنكه اين افراد نسبت به گناهكاران بى تفاوت بوده و با ايشان سازش مى كردند.

261 قال عليه‌السلام : مَنْ اءطْعَمَ مُؤْمِنا، اءطْعَمَهُ اللّهُ مِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ. (307)

فرمود: هر كس مؤمنى را طعام دهد، خداوند از ميوه هاى بهشتى روزى او گرداند.

262 قال عليه‌السلام : مَنْ حَمَلَ اءخاهُ عَلى رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ إلَى الْمَوْقِفِ عَلى ناقَةِ مِنْ نَوْقِ الْجَنَّةِ يُباهى بِهِ الْمَلائِكَةَ. (308)

فرمود: كسى كه برادرش را (و هر كس كه در مسير راه بدون وسيله است) سوار وسيله نقليه خود كند و حتّى الا مكان او را به مقصد برساند خداوند متعال او را در قيامت سوار شترى از شترهاى بهشتى مى گرداند كه سريع او را به مقصد برساند و از شدايد و سختيهاى محشر در اءمان گردد.

و در ضمن ملائكه به وجود او مباهات و افتخار مى كنند.

263 قال عليه‌السلام : إذا دَخَلَ اءحَدُكُمْ عَلى اءخيهِ فى رَحْلِهِ، فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَاءمُرُهُ صاحِبُ الرَّحْلِ، فَإنَّ صاحِبَ الْبَيْتِ اءعْرَفُ بِعَوْرة بَيْتِهِ مِنَ الدّاخِلِ عَلَيْهِ. (309)

فرمود: هنگامى به منزل يكى از برادران و دوستانتان وارد شديد، هر كجا به شما گفت بنشينيد بپذيريد و همانجا بنشينيد، چونكه صاحب منزل بيش از ديگران به اءسرار منزل خود آشنا و آگاه است.

264 قال عليه‌السلام : اَلْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتّانينَ الْمشّائينَ بِالنَّميمَةِ. (310)

فرمود: بهشت و نعمتهاى حياتبخش آن براى اشخاص فتنه گر و سخن چين آشوب طلب، حرام است.

265 قال عليه‌السلام : إ نّا نَاءمُرُ صِبْيانَنا بِالصَّلاةِ إذا كانُوا بَنى خَمْسَ سِنين، فَمُرُوا صِبْيانَكُمْ إذا كانوا بَنى سَبْعَ سِنين. (311)

فرمود: ما اءهل بيت عصمت و طهارت كودكان خود را از دوران پنج سالگى به انجام نماز دستور مى دهيم، ولى شما دوستان و پيروان ما فرزندان خود را از سنين هفت سالگى وادار به نماز نمائيد.

266 قال عليه‌السلام : مَنْ حَمَلَ جَنازَةً مِنْ اَرْبَع جَوانِبِها، غَفَرَ اللّهُ لَهُ اَرْبَعينَ كَبيرَةً. (312)

فرمود: هر كس جنازه اى را تشييع نمايد و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل كند، خداوند چهل گناه از گناهان كبيره اش را مى آمرزد.

267 قال عليه‌السلام : خَفِاللّهَ تَعالى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَاسْتَحْي مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. (313)

فرمود: بترس از خداوند متعال به جهت قدرت بى منتهايش كه از جهات مختلف بر تو دارد، و از خداوند شرم و حيا كن در انجام گناهان به جهت آنكه از هر چيزى به تو نزديكتر است.

268 قال عليه‌السلام : الْحِكْمَةُ ضالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُ ماوَجَدَ اءحَدُكُمْ ضالَّتَهُ فَلْيَاءخُذْها. (314)

فرمود: دانش و حكمت گمشده ارزشمندى است براى مؤمن كه هر كجا و نزد هر كس يافت شود بايد آنرا دريافت نمايد.

269 قال عليه‌السلام : فِي الْمِلْحِ شَفاءٌ مِنْ سَبْعينَ داء، ثُمَّ قالَ: لَوْ يَعْلَمُ النّاسُ ما فِى الْمِلْحِ ما تَداوَوا إلاّ بِهِ. (315)

فرمود: نمك شفابخش و درمان كننده هفتاد نوع مرض و درد خواهد بود و افزود: چنانچه مردم خواصّ نمك را مى شناختند به چيزى غير از نمك مداوا و درمان نمى كردند.

270 قال عليه‌السلام :إنَّالْمُؤ مِنَ إذا صافَحَ الْمُؤ مِنَ تَفَرَّقا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. (316)

فرمود: همانا مؤمنى كه با برادر مؤمنش ديدار و مصافحه نمايد، گناهانشان ريخته مى شود و بدون گناه از يكديگر جدا خواهند شد.

271 قال عليه‌السلام : مَثَلُ الْحَريصِ عَلَى الدُّنْيا مَثَلُ ذَرْوَةِالْقَزِّ، كُلَّما ازْدادَتْ عَلى نَفْسِها لَفّا كانَ اءبْعَدُ مِنَ الْخُرُوجِ حَتّى تَمُوتَ غَمّا. (317)

فرمود: تمثيل افراد حريص به مال و زيورآلات دنيا همانند كرم ابريشمى است كه هر چه اطراف خود بچرخد و بيشتر فعاليّت كند و تارهاى ابريشم را به دور خود به پيچد، خارج شدنش از بين آن تارها سخت تر گردد و چه بسا غيرممكن مى شود تا جائى كه چاره اى جز مرگ نداشته باشد.

272 قال عليه‌السلام : إنَّالْمُؤْمِنَ اءخُ الْمُؤ مِنِ لايَشْتِمُهُ، وَلايُحَرِّمُهُ، وَلايُسيئىُ بِهِ الظَّنَّ. (318)

فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، بايد او را دشنام ندهد و سرزنش و بدگوئى نكند، و او را از خوبيها محروم نگرداند، و نسبت به او بدگمان نباشد.

273 قال عليه‌السلام : اَلْكَمالُ كُلُّ الْكَمالِ، التَّفَقُّهُ فِى الدّينِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النائِبَةِ، وَ تَقْديرُالْمَعيشَةِ. (319)

فرمود: تمام كمالات (معنوى و مادّى انسان) در فقاهت و شناخت دقيق و صحيح، مسائل دين است، و صبر و شكيبائى در مقابل ناملايمات، و نيز زندگى را با تدبّر و مديريّت برنامه ريزى كردن.

274 قال عليه‌السلام : صِلِةُالْاءرْحامِ تُزَكّي االْاءعْمالَ، وَ تُنْمِى الاءمْوالَ، وَ تَدْفَعُ الْبَلْوى، وَ تُيَسِّرُالْحِسابَ، وَتُنْسِى ءُ فِى الْاءجَلِ. (320)

فرمود: صله رحم نمودن (پنج فايده دارد:) موجب تزكيه اعمال و عبادات مى شود، سبب رشد و بركت در اموال مى گردد، بلاها و گرفتاريها را دفع و بر طرف مى نمايد، حساب (قبر و قيامت) را آسان مى گرداند، مرگ و اءجل (معلّق) را تاءخير مى اندازد.

275 قال عليه‌السلام : فَضْلُ صَلاةِالْجَماعَةِ عَلى صَلاةِالرَّجُلِ فَرْدا خَمْساً وَ عِشْرينَ دَرَجَةً فِى الْجَنَّةِ. (321)

فرمود: فضيلت و برترى نماز جماعت بر نماز فرادا و تنهائى، بيست و پنج درجه از مقامات بهشتى است.

276 قال عليه‌السلام : وَ اءمَّاالْمُنْجِيات : فَخَوْفُ اللّهِ فِى السِّرَ وَالْعَلانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِى الْغِنى وَالْفَقْرِ، وَ كَلِمَةُالْعَدْلِ فِى الرِّضا وَالسَّخَطِ. (322)

فرمود: از اسباب نجات، ترس از خدا در خفاء و آشكارا است، رعايت اقتصاد و صرفه جوئى در تمام حالات بى نيازى و نيازمندى، نيز رعايت انصاف و گفتن سخن حقّ و عدالت در همه حالتهاى خوشى و ناراحتى.

277 قال عليه‌السلام : لاتَنالُ وَلايَتُنا إلاّ بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ. (323)

فرمود: ولايت و شفاعت ما شامل نمى شود مگر افرادى را كه داراى عمل صالح و نيز پرهيز از گناه داشته باشند.

278 قال عليه‌السلام : إنَّ اءعْمالَ الْعِبادِ تُعْرَضُ عَلى نَبيِّكُمْ كُلَّ عَشيَّةِ خَميسٍ، فَلْيَسْتَحى اءحَدُكُمْ اءنْ يُعْرِضَ عَلى نَبيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبيح. (324)

فرمود: همانا تمام كارها و حركات بندگان در هر شب جمعه بر پيغمبر اسلام عرضه مى گردد، پس حياء كنيد از اينكه عمل زشت شما را نزد پيغمبرتان ارائه دهند.

279 قال عليه‌السلام : مَنْ عَلَّمَ بابَ هُدىً فَلَهُ مِثْلُ اءجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلايَنْقُصُ اُولئِكَ مِنْ اءجُورِهِمْ. (325)

فرمود: هر كس راه هدايت و سعادتى را بگشايد و يا به ديگران تعليم دهد، اءجر و پاداش او همانند كسى است كه به آن كار خير عمل كرده باشد بدون آنكه از پاداش عمل كنندگان كسر شود.

280 قال عليه‌السلام : اَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِالْبِرِّ: كِتْمانُ الْحاجَةِ، وَ كِتْمانُ الصَّدَقَةِ، وَ كِتْمانُ الْوَجَعِ، وَ كِتْمانُ الْمُصيبَةِ. (326)

فرمود: چهار حالت از كنزهاى نيك و پسنديده است : پوشاندن نياز و حاجت خود را از ديگران، دادن صدقه و كمك به افراد بطور مخفيانه و محرمانه، درد و مشكلات و ناراحتيها را تحمّل كردن، هنگام مصيبت و حوادث، جزع و داد و فرياد نكردن.

## خلاصه حالات هشتمين معصوم ششمين امام حضرت امام جعفر صادق عليه‌السلام

آن حضرت هنگام طلوع سپيده صبح، روز جمعه يا دوشنبه، 17 ربيع الا وّل يا اوّل رجب، سال 80 يا 83 هجرى قمرى (327) در مدينه منوّره ديده به جهان گشود.

نام : جعفر (328)، صلوات اللّه و سلامه عليه.

كنيه : ابوعبداللّه، ابواسماعيل، ابوموسى، ابواسحاق.

لقب : صادق، صابر، فاضل، طاهر، شيخ، صادق آل محمّد، باقى، منجى، كامل، كافل، عالم و...

پدر: امام محمدباقر، باقر علم الاوّلين والآخرين عليه‌السلام.

مادر: فاطمه، معروف به امّ فروه، دختر قاسم پسر محمدبن ابى بكر.

نقش انگشتر: اللّهُ وَليّى وَ عِصْمَتى مِنْ خَلْقِهِ، اللّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْى ءٍ، اءنْتَ ثِقَتى فَاعْصِمْنى مِنْ خَلْقِكَ، ماشاءَاللّهُ لاقُوَّةَ إلاّ باللّهِ.

دربان : مفضّل بن عمر است و بعضى محمدبن سنان نيز را گفته اند.

حضرت در سنين 34 سالگى روز دوشنبه هفتم ذى الحجّه يا ربيع الا وّل در سال 114 هجرى پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت رسيد و حدود 34 سال امامت و هدايت جامعه را به عهده داشت.

امام جعفر صادق عليه‌السلام پس از پدر بزرگوارش در موقعيّت حسّاسى قرار گرفته بود چون دولت بنى العبّاس تازه روى كار آمده بود و تنها تلاش آنها استحكام و ثبات پايه هاى حكومت خود بود و ناچار بودند كه افكار عموم مخصوصا سادات بنى الزّهراء را به خود جلب و جذب نمايند.

بر همين اساس امام عليه‌السلام به نحو اءحسن از موقعيّت موجود استفاده نموده و با تشكيل جلسات مختلف در رشته هاى گوناگون علوم و فنون، ابعاد مختلف اسلام و معارف الهى را تبيين و تشريح نمود.

طبق گفته مورّخين و محدّثين بيش از دوازده هزار شاگرد از اقشار مختلف در جلسات درس آن حضرت شركت و در علوم و فنون مختلف از درياى بى كران علوم حضرتش بهره مى گرفتند.

و چهار صد جلد كتاب از جوابها و مطالب آن حضرت نوشته شده است كه به عنوان اصول اءربعمائة معروف مى باشد.

و بر همين اساس شيعه به عنوان مذهب جعفرى معروف گرديد.

آن حضرت مدّت 15 سال و چند روزى همزمان با جدّ بزرگوارش امام سجّاد عليه‌السلام و 19 سال پس از آن با پدرش حضرت باقرالعلوم عليه‌السلام، و سپس ‍ مدّت 34 سال امامت و زعامت جامعه را بر عهده داشت كه روى هم عمر پربركت حضرت را 68 سال گفته اند.

شهادت آن حضرت بنا بر مشهور روز دوشنبه، 25 شوّال، سال 148 قمرى (329) در مدينه منوّره مى باشد.

محلّ دفن آن حضرت در مدينه منوّره، قبرستان بقيع، كنار عمو و جدّ و پدر بزرگوارش مى باشد.

فرزندان امام صادق عليه‌السلام را تعداد شش پسر و چهار دختر گفته اند.

خلفاء و سلاطين هم عصر حضرت : پنج نفر از بنى اميّه به نامهاى : هشام بن عبدالملك، وليدبن يزيدبن عبدالملك، يزيدبن وليدبن عبدالملك، ابراهيم بن وليد، مروان حمار، و دو نفر از بنى العبّاس به نام : سفّاح و منصور عبّاسى بوده اند.

نماز آن حضرت چهار ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه خوانده مى شود: سبحان اللّه والحمدللّه ولاإ له إلاّاللّه واللّه اكبر (330).

بعد از آنكه سلام نماز پايان يافت تسبيح حضرت زهراء عليها‌السلام گفته مى شود و سپس حوايج مشروعه از خداوند متعال درخواست گردد كه انشاءاللّه برآورده مى شود.

## چهل حديث گهربار، از امام جعفر صادق عليه‌السلام

قالَ الا مامُ أ بُوعَبْدِاللّه، جَعْفَرُ بنُ محمّد الصّادقُ عليه‌السلام :

281 حَديثي حَديثُ اءبى، وَ حَديثُ اءبى حَديثُ جَدى، وَ حَديثُ جَدّى حَديثُ الْحُسَيْنِ، وَ حَديثُ الْحُسَيْنِ حَديثُ الْحَسَنِ، وَ حَديثُ الْحَسَنِ حَديثُ اءميرِالْمُؤْمِنينَ، وَ حَديثُ اءميرَالْمُؤْمِنينَ حَديثُ رَسُولِ اللّهِ صلّى اللّه عليه وآله وسلّم، وَ حَديثُ رَسُولِ اللّهِ قَوْلُ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (331)

فرمود: سخن و حديث من همانند سخن پدرم مى باشد، و سخن پدرم همچون سخن جدّم، و سخن جدّم نيز مانند سخن حسين و سخن او با سخن حسن يكى است و سخن حسن همانند سخن اميرالمؤ منين علىّ و كلام او از كلام رسول خدا مى باشد كه سخن رسول اللّه به نقل از سخن خداوند متعال خواهد بود.

282 قالَ عليه‌السلام : مَنْ حَفِظَ مِنْ شيعَتِنا اءرْبَعينَ حَديثا بَعَثَهُ اللّهُ يَوْمَ الْقيامَةِ عالِما فَقيها، وَلَمْ يُعَذِّبْهُ. (332)

فرمود: هر كس از شيعيان ما چهل حديث را حفظ كند و به آنها عمل نمايد -، خداوند او را دانشمندى فقيه در قيامت محشور مى گرداند و او را عذاب نمى گرداند.

283 قالَ عليه‌السلام : قَضاءُ حاجَةِالْمُؤْمِنِ اءفْضَلُ مِنْ اءلْفِ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلةٍ بِمَناسِكِها، وَ عِتْقِ اءلْفِ رَقَبَةٍ لِوَجْهِا للّهِ، وَ حِمْلانِ اءلْفِ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ بِسَرْجِها وَ لَحْمِها. (333)

فرمود: برآوردن حوائج و نيازمنديهاى مؤمن از هزار حجّ مقبول و آزادى هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهّز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

284 قالَ عليه‌السلام : اءَوَّلُ ما يُحاسِبُ بِهِ الْعَبْدُالصَّلاةَ، فَإنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سائِرُ عَمَلِهِ، وَ إذا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سائِرُ عَمَلِهِ. (334)

فرمود: اوّلين محاسبه انسان در پيشگاه خداوند پيرامون نماز است، پس اگر نمازش قبول شود بقيه عبادات و اعمالش نيز پذيرفته مى گردد و گرنه مردود خواهد شد.

285 قالَ عليه‌السلام : إذا فَشَتْ اءرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ اءرْبَعَةٌ: إذا فَشا الزِّنا كَثُرَتْ الزَّلازِلُ، وَ إذا اءمْسَكْتِ الزَّكاةِ هَلَكَتِ الْماشِيَةُ، وَ إذا جارَ الْحُكّامُ فِى الْقَضاءِ اءمْسَكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّماءِ، وَ إذا ظَفَرَتِ الذِّمَةُ نُصِرُ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمينَ. (335)

فرمود: هنگامى كه چهار چيز در جامعه شايع و رايج گردد چهار نوع بلا پديد آيد: چنانچه زنا رايج گردد زلزله و مرگ ناگهانى فراوان شود، چنانچه زكات و خمس اموال پرداخت نشود حيوانات اهلى نابود شود، و اگر حاكمان جامعه و قُضات ستم نمايند باران رحمت خداوند نمى بارد، و اگر اهل ذمّه تقويت شوند مشركين بر مسلمين پيروز آيند.

286 قالَ عليه‌السلام : مَنْ عابَ اءخاهُ بِعَيْبٍ فَهُوَ مِنْ اءهْلِ النّارِ. (336)

فرمود: هر كس برادر ايمانى خود را برچسبى بزند و او را متّهم كند از اهل آتش خواهد بود.

287 قالَ عليه‌السلام : الصُّمْتُ كَنْزٌ وافِرٌ، وَ زينُ الْحِلْمِ، وَ سَتْرُ الْجاهِلِ. (337)

فرمود: سكوت همانند گنجى پربهاء است، سكوت زينت بخش حلم و بردبارى است، سكوت سرپوشى بر آبروى شخص نادان و جاهل خواهد بود.

288 قالَ عليه‌السلام : إ صْحَبْ مَنْ تَتَزَّيَّنُ بِهِ، وَلاتَصْحَبْ مَنْ يَتَزَّيَنُ لَكَ. (338)

فرمود: با كسى دوستى و رفت و آمد كن كه موجب عزّت و سربلندى تو باشد، و با كسى كه مى خواهد از تو بهره ببرد و خودنمائى مى كند همدم مباش.

289 قالَ عليه‌السلام : كَمالُ الْمُؤْمِنِ فى ثَلاثَ خِصالٍ: الْفِقْهُ فى دينِهِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النّائِبَةِ، وَالتَّقْديرُ فِى الْمَعيشَةِ. (339)

فرمود: شخصيّت و كمال مؤمن در سه خصلت است : آشنا بودن به مسائل و احكام دين، صبر در مقابل شدايد و ناملايمات، زندگى او همراه با حساب و كتاب و برنامه ريزى دقيق.

290 قالَ عليه‌السلام : عَلَيْكُمْ بِإ تْيانِ الْمَساجِدِ، فَإنَّها بُيُوتُ اللّهِ فِى الْاءَرْضِ، و مَنْ اءتاها مُتطَهَّرا طَهَّرَهُ اللّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ، وَ كَتَبَ مِنْ زُوّارِهِ. (340)

فرمود: بر شما باد به دخول در مساجد، چونكه آنها خانه خداوند بر روى زمين است و هر كسى كه با طهارت وارد آن شود خداوند او را از گناهان تطهير مى نمايد و همانند زيارت كنندگانش محسوب مى شوند.

291 قالَ عليه‌السلام : مَن قالَ بَعْدَ صَلوةِالصُّبْحِ قَبْلَ اءنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ الْعَلىٍّّ الْعَظيمِ» يُعيدُها سَبْعَ مَرّاتٍ، دَفَعَ اللّهُ عَنْهُ سَبْعينَ نَوْعا مِنْ أ نْواعِ الْبَلاءِ، اءهْوَنُهَاالْجُذامُ وَالْبَرَصُ. (341)

فرمود: هر كسى بعد از نماز صبح پيش از آنكه سخنى مطرح كند، هفت مرتبه بگويد: «بسم اللّه الرّحمن الرّحيم، و لاحول ولاقوّة إلاّ باللّه العليّ العظيم» خداوند متعال هفتاد نوع بلا از او دور گرداند كه ساده ترين آنها مرض پيسى و جذام باشد.

292 قالَ عليه‌السلام : مَنْ تَوَضَّا وَ تَمَنْدَلَ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ مَنْ تَوَضَّا وَلَمْ يَتَمَنْدَلْ حَتىّ يَجُفَّ وُضُوئُهُ، كُتِبَ لَهُ ثَلاثُونَ حَسَنَةً. (342)

فرمود: هر كس وضو بگيرد و با حوله خشك نمايد يك حسنه دارد و چنانچه خشك نكند سى حسنه خواهد داشت.

293 قالَ عليه‌السلام : لَإ فْطارُكَ فى مَنْزِلِ اءخيكَ اءفْضَلُ مِنْ صِيامِكَ سَبْعينَ ضِعْفا. (343)

فرمود: اگر افطارى روزه ات را در منزل برادرت انجام دهى ثوابش هفتاد برابر اصل روزه است.

294 قالَ عليه‌السلام : إذا اءفْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْماءِ الْفاتِرِ نَقى كَبَدُهُ، وَ غَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ، وَ قَوّى الْبَصَرَ وَالْحَدَقَ. (344)

فرمود: چنانچه روزه را با آب جوش افطار نمايد كبدش پاك و سالم باقى مى ماند، و قلبش از كدورتها تميز و نور چشمش قوى و روشن مى گردد.

295 قالَ عليه‌السلام : مَنْ قَرَءَالْقُرْآنَ فِى الْمَصْحَفِ مَتَّعَ بِبَصَرِهِ، وَ خَفَّفَ عَلى والِدَيْهِ وَ إنْ كانا كافِرَيْنِ. (345)

فرمود: هر كه قرآن را از روى آن بخواند بر روشنائى چشمش افزوده گردد و گناهان پدر و مادرش سبك شود گرچه كافر باشند.

296 قالَ عليه‌السلام : مَنْ قَرَءَ «قُلْ هُوَاللّهُ اءحَدٌ» مَرَّةً واحِدَةً فَكَاءنَّما قَرَءَ ثُلْثَ الْقُرآنِ وَ ثُلْثَ التُّوراةِ وَ ثُلْثَ الْإنْجيلِ وَ ثُلْثَ الزَّبُورِ. (346)

فرمود: هر كه يك مرتبه سوره توحيد را بخواند همانند كسى است كه يك سوّم قرآن و تورات و انجيل و زبور را خوانده باشد.

297 قالَ عليه‌السلام : إنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمّا، فَإذا اءتَيْتُمْ بِها فَامسّوهَاالْماء، وَاغْمِسُوها فِى الْماءِ. (347)

فرمود: هر نوع ميوه و ثمره اى مسموم و آغشته به ميكربها است، هر گاه خواستيد از آنها استفاده كنيد با آب بشوئيد.

278 قالَ عليه‌السلام : عَلَيْكُمْ بِالشَّلْجَمِ، فَكُلُوهُ وَاءديمُوا اءكْلَهُ، وَاكْتُمُوهُ إلاّ عَنْ اءهْلِهِ، فَما مِنْ اءحَدٍ إلاّ وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُذامِ، فَاءذيبُوهُ بِاءكْلِهِ. (348)

فرمود: شلغم را اهميّت دهيد و مرتّب آن را ميل نمائيد و آن را به مخالفين معرّفى نكنيد، شلغم رگ جذام را قطع و نابود مى سازد.

279 قالَ عليه‌السلام : يُسْتَجابُ الدُّعاءُ فى اءرْبَعَةِ مَواطِنَ: فِى الْوِتْرِ، وَ بَعْدَ الْفَجْرِ، وَ بَعْدَالظُّهْرِ، وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ. (349)

فرمود: در چهار وقت دعا مستجاب خواهد شد: هنگام نماز وِتر، بعد از نماز صبح، بعد از نماز ظهر، بعد از نماز مغرب.

300 قالَ عليه‌السلام : مَنْ دَعا لِعَشْرَةٍ مِنْ إ خْوانِهِ الْمَوْتى لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ اءوْجَبَ اللّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. (350)

فرمود: هر كه در شب جمعه براى ده نفر از دوستان مؤمن خود كه از دنيا رفته اند دعا و طلب مغفرت نمايد، اهل بهشت قرار خواهد گرفت.

301 قالَ عليه‌السلام : مِشْطُ الرَّاءسِ يَذْهَبُ بِالْوَباءِ، وَ مِشْطُ اللِّحْيَةِ يُشَدِّدُ الاءضْراسَ. (351)

فرمود: شانه كردن موى سر موجب نابودى وبا و مانع ريزش مو مى گردد، و شانه كردن ريش و محاسن ريشه دندانها را محكم مى نمايد.

302 قالَ عليه‌السلام اءيُّما مُؤْمِنٍ سَئَلَ اءخاهُ الْمُؤْمِنَ حاجَةً وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلى قَضائِها فَرَدَّهُ عَنْها، سَلَّطَ اللّهُ عَلَيْهِ شُجاعا فى قَبْرِهِ، يَنْهَشُ مِنْ اءصابِعِهِ. (352)

فرمود: چنانچه مؤمنى از برادر ايمانيش حاجتى را طلب كند و او بتواند خواسته اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش يك افعى بر او مسلّط گرداند كه هر لحظه او را آزار رساند.

303 قالَ عليه‌السلام : وَلَدٌ واحِدٌ يَقْدِمُهُ الرَّجُلُ، اءفْضَلُ مِنْ سَبْعينَ يَبْقُونَ بَعْدَهُ، شاكينَ فِى السِّلاحِ مَعَ الْقائِمِ (عَجَّلَ اللّهُ تَعالى فَرَجَهُ الشَّريف). (353)

فرمود: اگر انسانى يكى از فرزندانش را پيش از خود به عالم آخرت بفرستد بهتر از آنست كه چندين فرزند بجاى گذارد و در ركاب امام زمان عليه‌السلام با دشمن مبارزه كنند.

304 قالَ عليه‌السلام : إذا بَلَغَكَ عَنْ اءخيكَ شَيْى ءٌ فَقالَ: لَمْ اءقُلْهُ فَاقْبَلْ مِنْهُ، فَإنَّ ذلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ. وَ قالَ عليه‌السلام : إذا بَلَغَكَ عَنْ اءخيكَ شَيْى ءٌ وَ شَهِدَ اءرْبَعُونَ اءنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقالَ: لَمْ اءقُلْهُ، فَاقْبَلْ مِنْهُ. (354)

فرمود: چنانچه شنيدى كه برادرت يا دوستت چيزى بر عليه تو گفته است و او تكذيب كرد قبول كن. همچنين فرمود: اگر چيزى را از برادرت بر عليه خودت شنيدى و نيز چهل نفر شهادت دادند، ولى او تكذيب كرد و گفت : من نگفته ام، حرف او را بپذير.

305 قالَ عليه‌السلام : لايَكْمِلُ إ يمانُ الْعَبْدِ حَتّى تَكُونَ فيهِ أ رْبَعُ خِصالٍ: يَحْسُنَ خُلْقُهُ، وَيَسْتَخِفَّ نَفْسَهُ، وَيُمْسِكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجَ الْفَضْلَ مِنْ مالِهِ. (355)

فرمود: ايمان انسان كامل نميگردد مگر آنكه چهار خصلت در او باشد: اخلاقش نيكو باشد، نفس خود را سبك شمارد، كنترل سخن داشته باشد، از اضافى ثروتش حقّ اللّه، حقّ النّاس را بپردازد.

306 قالَ عليه‌السلام : داوُوا مَرْضاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا اءبْوابَ الْبَلايا بِالْإ سْتِغْفارِ. (356)

فرمود: مريضان خود را به وسيله پرداخت صدقه مداوا و معالجه نمائيد، و بلاها و مشكلات را با استغفار و توبه دفع كنيد.

307 قالَ عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَواتِ الْخَمْسِ فى اءفْضَلِ السّاعاتِ، فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعاءِ فى إ دْبارِ الصَّلَواتِ. (357)

فرمود: خداوند متعال پنج نماز در بهترين اوقات را بر شما واجب گرداند، پس سعى كنيد حوايج و خواسته هاى خود را پس از هر نماز با خداوند مطرح و درخواست كنيد.

308 قالَ عليه‌السلام : كُلُوا ما يَقَعُ مِنَ الْمائِدَةِ فِى الْحَضَرِ، فَإنَّ فيهِ شِفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ، وَلا تَاءكُلُوا مايَقَعُ مِنْها فِى الصَّحارى. (358)

فرمود: هنگام خوردن غذا در منزل، آنچه اطراف سفره و ظرف مى ريزد جمع كنيد و ميل نمائيد كه در آنها شفاى دردهاى درونى است، ولى چنانچه در بيابان سفره انداختيد اضافه هاى آن را رها كنيد براى جانوران.

309 قالَ عليه‌السلام : اءرْبَعَةٌ مِنْ اءخْلاقِ الاْ نْبياءِ: الْبِرُّ، وَالسَّخاءُ، وَالصَّبْرُ عَلَى النّائِبَةِ، وَالْقِيامُ بِحَقِّ الْمُؤ مِنِ. (359)

فرمود: چهار چيز از اخلاق پسنديده پيغمبران الهى است : نيكى، سخاوت، صبر و شكيبائى در مصائب و مشكلات، اجراء حقّ و عدالت بين مؤمنين.

310 قالَ عليه‌السلام : إ مْتَحِنُوا شيعتَنا عِنْدَ ثَلاثٍ: عِنْدَ مَواقيتِ الصَّلاةِ كَيْفَ مُحافِظَتُهُمْ عَلَيْها، وَ عِنْدَ أ سْرارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَها عِنْدَ عَدُوِّنا، وَ إلى أ مْوالِهِمْ كَيْفَ مُواساتُهُمْ لِإ خْوانِهِمْ فيها. (360)

فرمود: شيعيان و دوستان ما را در 3 مورد آزمايش نمائيد:

1 مواقع نماز، چگونه رعايت آن را مى نمايند، 2 اسرار يكديگر را چگونه فاش و يا نگهدارى مى كنند، 3 نسبت به اموال و ثروتشان چگونه به ديگران رسيدگى مى كنند و حقوق خود را مى پردازند.

311 قالَ عليه‌السلام : مَنْ مَلِكَ نَفْسَهُ إذا رَغِبَ، وَ إذا رَهِبَ، وَ إ ذَااشْتَهى، وإذا غَضِبَ وَ إذا رَضِىَ، حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ. (361)

فرمود: هر كه در چهار موقع مالك نفس خود باشد:

هنگام رفاه و توسعه زندگى، هنگام سختى و تنگدستى، هنگام اشتهاء و آرزو، هنگام خشم و غضب. خداوند متعال آتش را بر جسم او حرام مى گرداند.

312 قالَ عليه‌السلام : إنَّ النَّهارَ إذا جاءَ قالَ: يَابْنَ آدَم، اءعْجِلْ فى يَوْمِكَ هذا خَيْرا، اءشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقيامَةِ، فَإنّى لَمْ آتِكَ فيما مَضى وَلاآتيكَ فيما بَقِىَ، فَإذا جاءَاللَّيْلُ قالَ مِثْلُ ذلِكَ. (362)

فرمود: هنگامى كه روز فرا رسد گويد: تا مى توانى در اين روز از كارهاى خير انجام ده كه من در قيامت در پيشگاه خداوند شهادت مى دهم و بدان كه من قبلا در اختيار تو نبودم و در آينده نيز پيش تو باقى نخواهم ماند. همچنين هنگامى كه شب فرارسد چنين زبان حالى را خواهد داشت.

313 قالَ عليه‌السلام : لاخَيْرَ فِى الدُّنْيا إلاّ لِرَجُلَيْنِ: رَجَلٌ يَزْدادُ فى كُلِّ يَوْمٍ إ حْسانا، وَ رَجُلٌ يَتَدارَكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَ اءنّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللّه لَوْسَجَدَ حَتّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ ما قَبِلَ اللّهُ مِنْهُ إلاّ بِوِلايَتِنا اءهْلِ الْبَيْتِ. (363)

فرمود: خير و خوبى در دنيا وجود ندارد مگر براى دو دسته :

اوّل آنانكه سعى نمايند در هر روز نسبت به گذشته كار بهترى انجام دهند.

دوّم آنانكه نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشيمان و سرافكنده گردند و توبه نمايند، و توبه كسى پذيرفته نيست مگر آنكه معتقد به ولايت ما اهل بيت عصمت و طهارت باشد.

314 قالَ عليه‌السلام : من ماتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عارِفا بِحَقِّنا عُتِقَ مِنَ النّارِ وَ كُتِبَ لَهُ بَرائَةٌ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ. (364)

فرمود: هر كس روز جمعه بميرد و عارف به حقّ ما اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم‌السلام) باشد از آتش دوزخ آزاد مى گردد، و نيز از عذاب شب اوّل قبر در اءمان خواهد بود.

315 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلاةَاللَّيْلِ، إنَّ الْعَمَلَ السَّيِئُى اءسْرَعُ فى صاحِبِهِ مِنَ السَّكينِ فِى اللَّحْمِ. (365)

فرمود: چه بسا شخصى به وسيله انجام گناهى از نماز شب محروم گردد، همانا تأثیر گناه در روان انسان سريعتر از تأثیر چاقو در گوشت است.

316 قالَ عليه‌السلام : لاتَتَخَلَّلَوُا بِعُودِالرِّيْحانِ وَلابِقَضَيْبِ الرُّمانِ، فَإنَّهُما يُهَيِّجانِ عَرَقَ الْجُذامِ. (366)

فرمود: به وسيله چوب ريحان و چوب انار دندانهاى خود را خلال نكنيد، چونكه تحريك كننده عوامل مرض جذام و پيسى مى باشد.

317 قالَ عليه‌السلام : تَقْليمُ الْاءطْفارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤ مِنُ مِنَ الْجُذامِ وَالْبَرَصِ وَالْعِمى، وَ إنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحَكِّها حَكّا. وَ قالَ عليه‌السلام : اءخْذُ الشّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إلَى الْجُمُعَةِ اءمانٌ مِنَ الْجُذامِ. (367)

فرمود: كوتاه كردن ناخنها در روز جمعه موجب سلامتى از جذام و پيسى و ضعف بينائى چشم خواهد شد و اگر امكان كوتاه كردن آن نباشد سر آنها را بتراش.

و فرمود: كوتاه كردن سبيل در هر جمعه سبب ايمنى از مرض جذام مى شود.

318 قالَ عليه‌السلام : إذا اءوَيْتَ إلى فِراشِكَ فَانْظُرْ ماسَلَكْتَ فى بَطْنِكَ، وَ ما كَسَبْتَ فى يَوْمِكَ، وَاذْكُرْ اءنَّكَ مَيِّتٌ، وَ اءنَّ لَكَ مَعادا. (368)

فرمود: در آن هنگامى كه وارد رختخواب خود مى شوى، با خود بينديش كه در آن روز چه نوع خوراكيها و آشاميدنيها از چه راهى به دست آورده اى و ميل نموده اى.

و در آن روز چه چيزهائى را چگونه و از چه راهى كسب و تحصيل كرده اى.

و در هر حال متوجّه باش كه مرگ تو را مى ربايد و سپس در صحراى محشر جهت بررسى گفتار و كردارت حاضر خواهى شد.

319 قالَ عليه‌السلام : إنَّ لِلّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إ ثْنى عَشَرَ اءلْفَ عالَم، كُلُّ عالَمٍ مِنْهُمْ اءكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمواتٍ وَ سَبْعِ اءرَضينَ، ما تَرى عالَمٌ مِنْهُمْ إ نّ لِلّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عالَما غَيْرُهُمْ وَ اءنَاالْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ. (369)

فرمود: همانا خداوند متعال دوازده هزار جهان آفريده است كه هر يك از آنها نسبت به آسمانها و زمينهاى هفتگانه بزرگتر خواهد بود و من و ديگر ائمّه دوازده گانه از طرف خداوند بر همه آنها حجّت و راهنما هستيم.

320 قالَ عليه‌السلام : حَديثٌ فى حَلالٍ وَ حَرامٍ تَاءخُذُهُ مِنْ صادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيا وَ ما فيها مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ. (370)

فرمود: سخنى را درباره مسائل حلال و حرام و احكام دين از مؤمنى دريافت كنى بهتر و ارزشمندتر است از تمام دنيا و ثروتهاى آن.

## خلاصه حالات نهمين معصوم هفتمين امام حضرت امام موسى بن جعفر عليه‌السلام

آن حضرت روز يكشنبه، هفتم ماه صفر، سال 128 هجرى قمرى (371) در حال بازگشت از مكّه معظّمه در روستائى به نام أ بواء - بين مكّه و مدينه ديده به جهان گشود.

نام : موسى (372) صلوات اللّه و سلامه عليه.

كنيه : ابوالحسن، ابوالحسن اوّل، ابوالحسن ماضى، ابوابراهيم، ابوعلىّ، ابواسماعيل، ابواسحق و...

لقب : عبدصالح، كاظم، باب الحوائج، صابر، رجل، امين، عالم، زاهر، صالح، شيخ، وفىّ، نفس زكيّه، زين المجتهدين و...

نقش انگشتر: حَسْبِيَاللّهُ، المُلْكُ لِلّهِ وَحَدَهُ

پدر: امام جعفر، صادق آل محمّد عليه‌السلام

مادر: حميده مصفّاة اندلسى، دختر صاعد بربرى

دربان : محمدبن فضل، مفضّل بن عمر

حضرت روز دوشنبه 25 شوّال، سال 148 هجرى قمرى پس از شهادت پدر بزرگوارش، در بيست سالگى منصب امامت و رهبريت جامعه اسلامى را به عهده گرفت و تا سال 183 هجرى قمرى امامت آن حضرت بطول انجاميد.

آن حضرت مدّت بيست سال و بنابر نقلى 19 سال همزمان با پدر بزرگوارش و مدّت 35 سال پس از آن ادامه حيات داد كه جمعا 55 سال طبق مشهور عمرى با بركت و پر از مشقّت را سپرى نمود گرچه بعضى عمر آن حضرت را تا 58 سال گفته اند.

علّت زندانى شدن آن حضرت را طبق آنچه گفته اند چنين است :

در سالى هارون الرّشيد به سفر حجّ رفت و در كنار قبر حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله جمعى از بنى هاشم و از آن جمله امام موسى كاظم عليه‌السلام جهت زيارت قبر آن حضرت حضور داشتند.

هنگامى كه هارون الرّشيد نزديك قبر مطهّر رسيد گفت : السّلام عليك يا رسول اللّه، يابنى عمّى، يعنى سلام بر تو اى پسر عمويم.

در همين حال امام كاظم عليه‌السلام نزديك قبر آمد و اظهار داشت : السلام عليك يا أ بة، يعنى سلام بر تو اى پدرم.

هارون با چنين صحنه اى چهره خود را درهم كشيد و با گرفتن كينه و عداوت آن حضرت را بر دل، تصميم بر تحقير و قتل حضرت را گرفت.

اضافه بر آن سخن چينان دنياپرست و رياست طلب كه در هر زمان بوده و هستند از موقعيّت سوءاستفاده كرده و در هر فرصت مناسبى بر عليه آن حضرت نزد هارون بدگوئى و سخن چينى نموده و او را بر عليه حضرت تحريك مى كردند.

تا آنكه به بغداد مراجعت كرد و دستور جلب آن حضرت را صادر و در بصره زندانى گرداند.

و چون امام عليه‌السلام مدّتى را در زندان بصره سپرى نمود، به بغداد منتقل شد و در زندانى مخوف و وحشتناك با شكنجه هاى مختلف جسمى و روحى محبوس گرديد.

در مدت زندان حضرت بين مؤرّخين اختلاف است.

بنابر مشهور: حضرت توسط سندى بن شاهك، به دستور هارون مسموم و در روز جمعه 25 رجب، سال 183 هجرى قمرى (373) در زندان بغداد به شهادت رسيد و در قبرستان بنى هاشم كاظمين دفن گرديد.

فرزندان : مرحوم سيّدمحسن امين تعداد 18 پسر و 19 دختر از فرزندان امام كاظم عليه‌السلام را نام برده است.

و بعضى ديگر گفته اند: آن حضرت داراى 37 دختر و 23 پسر بوده است.

دوران امامت آن حضرت همزمان بود با حكومت منصور دوانيقى، محمدمهدى عبّاسى، هادى عبّاسى، هارون الرّشيد.

نماز آن حضرت : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت حمد، دوازده مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود.

و پس از سلام نماز، تسبيح حضرت زهراء عليها السلام گفته خواهد شد و سپس ‍ حوائج و خواسته هاى مشروع از درگاه خداوند متعال خواسته مى شود كه انشاءاللّه برآورده مى گردد. (374)

## چهل حديث گهربار، از امام موسى بن جعفر عليه‌السلام

قالَ الا مام موسى بن جعفرالكاظم عليه‌السلام :

321 وَجَدْتُ عِلْمَ النّاسِ فى اءرْبَعٍ: اءَوَّلُها اءنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثّانِيَةُ اءنْ تَعْرِفَ ما صُنِعَ بِكَ، وَالثّالِثَةُ اءنْ تَعْرِفَ ما اءرادَ بِكَ، وَالرّبِعَةُ اءنْ تَعْرِفَ ما يُخْرِجُكَ عَنْ دينِكَ. (375)

فرمود: تمام علوم جامعه را در چهار مورد شناسائى كردم :

اوّلين آنها اينكه پروردگار و آفريدگار خود را بشناسى و نسبت به او شناخت پيدا كنى.

دوّم اينكه بفهمى كه از براى وجود تو و نيز براى بقاء حيات تو چه كارها و تلاشهائى صورت گرفته است.

سوّم بشناسى كه براى چه آفريده شده اى و منظور از خلقت تو چيست.

چهارم اينكه معرفت پيدا كنى نسبت به آن چيزهائى كه سبب مى شود از دين و اعتقادات خود منحرف شوى، يعنى سبب و راه خوشبختى و بدبختى خود را بشناسى و چشم و گوش بسته حركت نكنى.

322 قال عليه‌السلام : رَحِمَ اللّهُ عَبْدا تَفَقَّهَ، عَرِفَ النّاسَ وَلايَعْرِفُونَهُ. (376)

فرمود: خداوند متعال رحمت كند آن بنده اى را كه در مسائل دينى و اجتماعى و سياسى و... فقيه و عالم باشد و نسبت به مردم شناخت پيدا كند گرچه مردم او را نشناسند و قدر و منزلت او را ندانند.

323 قالَ عليه‌السلام : ما قَسَّمَ بَيْنَ الْعِبادِ اءفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ، نَوْمُ الْعاقِلِ اءفْضَلُ مِنْ سَهْرِالْجاهِلِ. (377)

فرمود: چيزى با فضيلت تر و بهتر از عقل بين بندگان توزيع نشده است، تا جائى كه خواب عاقل هوشمند افضل از شب زنده دارى جاهل بى خرد است.

324 قالَ عليه‌السلام : الدُّنيا سِجْنُ الْمُؤمِنِ، وَالْقَبْرُ حِصْنُهُ، وَالْجَنَّةُ مَاءواهُ. (378)

فرمود: دنيا همچون زندانى است براى مؤمن و قبر قلعه و منزلگاه موقّت او است و بهشت جايگاهش خواهد بود.

325 قالَ عليه‌السلام : بِئْسَ الْعَبْدُ يَكُونُ ذاوَجْهَيْنِ وَ ذالِسانَيْنِ. (379)

فرمود: بد شخصى است آنكه داراى دو چهره و دو زبان مى باشد، (در پيش ‍ رو چيزى مى گويد و پشت سر چيز ديگر).

326 قالَ عليه‌السلام : اَلْمَغْبُونُ مَنْ غَبِنَ عُمْرُهُ ساعَةً. (380)

فرمود: خسارت ديده و ورشكسته كسى است كه عمر خود را هر چند به مقدار يك ساعت هم كه باشد بيهوده تلف كرده باشد.

327 قال عليه‌السلام : مَنِ اسْتَشارَ لَمْ يَعْدِمْ عِنْدَ الصَّوابِ مادِحا، وَ عِنْدَالْخَطاءِ عاذِرا. (381)

فرمود: كسى كه در امور زندگى خود با اهل معرفت مشورت كند، چنانچه درست و صحيح عمل كرده باشد مورد تعريف و تمجيد قرار مى گيرد و اگر خطا و اشتباه كند عذرش پذيرفته است.

328 قالَ عليه‌السلام : مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ واعِظٌ تَمَكَّنَ مِنْهُ عَدُوُّهُ يعني الشّيطان. (382)

فرمود: هر كسى عقل و تدبيرش را مورد استفاده قرار ندهد، دشمنش يعنى شياطين إ نسى و جنّى و نيز هواهاى نفسانى به راحتى او را مى فريبند و منحرف مى شود.

329 قالَ عليه‌السلام : لايَخْلُواالْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ: سِواكٍ، وَمِشْطٍ، و سَجّادَةٍ، وَ سَبْحَةٍ فيها اءرْبَعٌ وَ ثَلاثُونَ حَبَّة، وَ خاتَمُ عَقيقٍ. (383)

فرمود: مؤمن بايد هميشه پنج چيز همراه خود داشته باشد: مسواك، شانه، مهر و جانماز، تسبيح براى ذكر گفتن انگشتر عقيق به دست راست در حال نماز و دعا و....

330 قالَ عليه‌السلام : لاتَدْخُلُواالْحَمّامَ علىّ الرّيقِ، وَلاتَدْخُلُوهُ حَتّى تُطْعِمُوا شَيْئا. (384)

فرمود: بعد از صبحانه بدون فاصله حمّام نرويد، همچنين سعى شود با معده خالى داخل حمّام نرويد و حتّى الا مكان قبل از رفتن به حمّام قدرى غذا بخوريد.

331 قالَ عليه‌السلام : اِيّاكَ وَالْمِزاحَ، فَاِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إ يمانِكَ، وَيَسْتَخِفُّ مُرُوَّتِكَ. (385)

فرمود: برحذر باش از شوخى و مزاح بى جا چون كه نور ايمان را از بين مى برد و جوانمردى و آبرو را سبك و بى اهميّت مى كند.

332 قالَ عليه‌السلام : اَلْلَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَالسَّمَكُ يُذيبُ الْجَسَدَ. (386)

فرمود: خوردن گوشت موجب روئيدن گوشت در بدن و فربهى آن مى گردد، ولى خوردن ماهى گوشت بدن را آب و جسم را لاغر مى كند.

333 قالَ عليه‌السلام : مَنْ صَدَقَ لِسانُهُ زَكى عَمَلُهُ، وَ مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زيدَ فى رِزْقِهِ، وَ مَنْ حَسُنَ بِرُّهُ بِإ خْوانِهِ وَ أ هْلِهِ مُدَّ فى عُمْرهِ. (387)

فرمود: هر كه زبانش صادق باشد اعمالش پاك مى باشد، هر كه فكر و نيّتش ‍ نيك باشد توسعه در روزيش خواهد بود، هر كه به دوستان و آشنايانش ‍ نيكى و احسان كند عمرش طولانى خواهد شد.

334 قالَ عليه‌السلام : اِذا ماتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلائِكَةُ وَ بُقاعُ الاَْرضِ. (388)

فرمود: زمانى كه دانشمند مؤمنى وفات يابد و بميرد، ملائكه براى او گريه مى كنند.

335 قالَ عليه‌السلام : اءلْمُؤْمِنُ مَثَلُ كَفَتَّىِ الْميزانِ كُلَّما زيدَ فى ايمانِهِ زيدَ فى بَلائِهِ. (389)

فرمود: مثال مؤمن همانند دو كفّه ترازو است كه هر چه ايمانش افزوده شود بلاها و آزمايشاتش بيشتر مى گردد.

336 قالَ عليه‌السلام : مَنْ اَرادَ اءنْ يَكُونَ اءقْوىَ النّاسِ فَلْ يَتَوَكَّلْ علىّ اللّهَ. (390)

فرمود: هر كس بخواهد (در هر جهتى) قوى ترينِ مردم باشد بايد در همه اءمور توكّل بر خداوند سبحان نمايد.

337 قالَ عليه‌السلام : اءداءُالاْ مانَةِ وَالصِّدقُ يَجْلِبانِ الرِّزْقَ، وَالْخِيانَةُ وَالْكِذْبُ يَجْلِبانِ الْفَقْرَ وَالنِّفاقَ. (391)

فرمود: امانت دارى و راستگوئى هر دو موجب توسعه روزى مى شوند، و ليكن خيانت در امانت و دروغگوئى موجب فلاكت و بيچارگى و سبب تيرگى دل مى گردد.

338 قالَ عليه‌السلام : اءبْلِغْ خَيْرا وَ قُلْ خَيْرا وَلاتَكُنْ إ مَّعَة. (392)

فرمود: نسبت به هم نوع خود خير و نيكى داشته باش، و سخن خوب و مفيد بگو، و خود را بى تفاوت و بى مسئوليت قرار مده.

339 قالَ عليه‌السلام : تَفَقَّهُوا فى دينِ اللّهِ، فَاِنَّ الْفِقْهَ مِفْتاحُ الْبَصيرَةِ، وَ تَمامُ الْعِبادَةِ، وَ السَّبَبُ اِلى مَنازِلِ الرَفيعَةِ وَالرُّتَبِ الْجَليلَةِ فِى الدّينِ وَالدّنيا. (393)

فرمود: مسائل و احكام اعتقادى و عملى دين را فرا گيريد چون كه شناخت احكام و معرفت نسبت به دستورات خداوند كليد بينائى و بينش و انديشه مى باشد و موجب تماميّت كمال عبادات و اعمال خواهد بود، و راه به سوى مقامات و منازل بلند مرتبه در دنيا و آخرت است.

340 قالَ عليه‌السلام : فَضْلُ الْفَقيهِ عَلَى العابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَواكِبِ. (394)

فرمود: ارزش و فضيلت فقيه بر عابد همانند فضيلت خورشيد بر ستاره ها است.

341 قال عليه‌السلام : عَظِّمِ العالِمَ لِعِلْمِهِ وَدَعْ مُنازَعَتَهُ، وَ صَغِّرِالْجاهِلَ لِجَهْلِهِ وَلاتَطْرُدْهُ وَلكِنْ قَرِّبْهُ وَ عَلِّمْهُ. (395)

فرمود: عالم را به جهت عملش تعظيم و احترام كن و با او منازعه منما، و اعتنائى به جاهل مكن ولى طردش هم نگردان، بلكه او را جذب نما و آنچه نمى داند تعليمش ده.

342 قالَ عليه‌السلام : صَلوةُ النّوافِلِ قُرْبانٌ اِلَى اللّهِ لِكُلِّ مُؤ مِنٍ. (396)

فرمود: انجام نمازهاى مستحبّى، هر مؤمنى را به خداوند متعال نزديك مى نمايد.

343 قالَ عليه‌السلام : مَثَلُ الدّنيا مَثَلُ الْحَيَّةِ، مَسُّها لَيِّنٌ وَ فى جَوْفِهَا السَّمُّ الْقاتِلِ، يَحْذَرُهَاالرِّجالُ ذَوِى الْعُقُولِ وَ يَهْوى اِلَيْهَاالصِّبْيانُ بِاءيْديهِمْ. (397)

فرمود: مثل دنيا همانند مار است كه پوست ظاهر آن نرم و لطيف و خوشرنگ مى باشد، ولى درون آن سمّ كشنده است كه مردان عاقل و هشيار از آن گريزانند، ولى بچه صفتان و بولهوسان به سوى آن عشق مى ورزند.

344 قالَ عليه‌السلام : مَثَلُ الدُّنيا مَثَلُ ماءِالْبَحْرِ كُلَّما شَرِبَ مِنْهُ الْعطْشانُ اِزْدادَ عَطَشا حَتّى يَقْتُلَهُ. (398)

فرمود: مثل دنيا (و اموال و زيورآلات و تجمّلات آن) همانند آب دريا است كه انسان تشنه هر چه از آن بياشامد بيشتر تشنه مى شود و آنقدر ميل مى كند تا هلاك شود.

345 قالَ عليه‌السلام : لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ اِلاّ لِلزَّوْجَةِ وَالْوَلَدِ الصَّغيرِ. (399)

فرمود: بوسيدن لبها و دهان براى يكديگر در هر حالتى جايز نيست مگر براى همسر و يا فرزند كوچك.

346 قالَ عليه‌السلام : مَنْ نَظَرَ بِرَاءيْهِ هَلَكَ، وَ مَنْ تَرَكَ اءهْلَ بَيْتِ نَبيِّهِ ضَلَّ، وَمَنْ تَرَكَ كِتابَ اللّهِ وَ قَوْلَ نَبيِّهِ كَفَرَ. (400)

فرمود: هر كس به راءى و سليقه خود اهميّت دهد و در مسائل دين به آن عمل كند هلاك مى شود، و هر كس اهل بيت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را رها كند گمراه مى گردد، و هر كس قرآن و سنّت رسول خدا را ترك كند كافر مى باشد.

347 قالَ عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ لَيُبْغِضُالْعَبْدَ النَّوّامَ، إنَّ اللّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَالْفارِغَ. (401)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد بنده اى را كه زياد بخوابد، همانا خداوند دشمن دارد بنده اى را كه بيكار باشد.

348 قالَ عليه‌السلام : التَّواضُعَ: اءنْ تُعْطى النّاسَ ما تُحِبُّ اءنْ تُعْطاهُ. (402)

فرمود: تواضع و فروتنى آنست كه آنچه دوست دارى ديگران درباره تو انجام دهند تو هم همان را درباره ديگران انجام دهى.

349 قالَ عليه‌السلام : يُسْتَحَبُّ غَرامَةَ الْغُلامِ فى صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَليما فى كِبَرِهِ وَ يَنْبَغى لِلرَّجُلِ اءنْ يُوَسِّعُ عَلى عَيالِهِ لِئَلاّ يَتَمَنَّوْا مَوْتَهَ. (403)

فرمود: بهتر است پسر را در دوران كودكى بكارهاى مختلف و سخت وادار نمائى تا در بزرگى حليم و بردبار باشد. و بهتر است مرد نسبت به اهل منزل خود دست و دل باز باشد و در حدّ توان رفع نياز كند تا آرزوى مرگش را ننمايند.

350 قالَ عليه‌السلام : لَيْسَ مِنّا مَنْ لَمْ يُحاسِبْ نَفْسَهُ فى كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنا إ سْتَزادَ اللّهَ، وَ إنْ عَمِلَ سَيِّئا إ سْتَغْفَرَاللّهَ وَ تابَ اِلَيْهِ. (404)

فرمود: از شيعيان و دوستان ما نيست كسى كه هر روز محاسبه نفس و بررسى اعمال خود را نداشته باشد كه چنانچه اعمال و نيّاتش خوب بوده سعى كند بر آنها بيفزايد، و اگر زشت و ناپسند بوده است از خداوند طلب مغفرت و آمرزش كند و جبران نمايد.

351 قالَ عليه‌السلام : لِكُلِّ شَيْئٍى دَليلٌ وَ دَليلُ الْعاقِلِ التَّفَكُّر. (405)

فرمود: براى هر چيزى دليل و راهنمائى است و راهنماى شخص عاقل تفكّر و انديشه مى باشد.

352 قالَ عليه‌السلام : ما فِى الْميزانِ شَيْئٌى اءثْقَلُ مِنَ الصَّلاةِ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ. (406)

فرمود: نيست چيزى و عملى سنگينتر در ميزان از ذكر صلوات بر محمّد و اهل بيتش (صلوات اللّه عليهم اجمعين).

353 قالَ عليه‌السلام : قَليلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعاقِلِ مَقْبُولٌ مُضاعَفٌ وَ كَثيرُالْعَمَلِ مِنْ اءهْلِ الْهَوى وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ. (407)

فرمود: اعمال شخص عاقل مقبول است هر چند كم و ناچيز باشد چند برابر اءجر خواهد داشت، ولى شخص نادان و هوسران گرچه زياد كار و خدمت و عبادت كند پذيرفته نخواهد بود.

354 قالَ عليه‌السلام : وَشَعْرُالْجَسَدِ إذا طالَ قَطَعَ ماءَ الصُّلْبِ، وَاءرْخىَ الْمَفاصِلَ، وَ وَرَّثَ الضَّعْفَ وَالسِلَّ، وَ إنَّ النُّورَةَ تَزيدُ فِى ماءِالصُّلْبِ، وَ تُقَوّى الْبَدَنَ، وَتَزيدُ فى شَحْمِ الْكُلْيَتَيْنِ، وَ تَسْمِنُ الْبَدَنَ. (408)

فرمود: موهاى بدن زير بغل و اطراف عورت چنانچه بلند شود سبب قطع و كمبود آب كمر، و سستى مفاصل استخوان و سبب ضعف و مرض سلّ خواهد شد، استعمال نوره موجب تقويت تمامى آنها خواهد بود.

355 قالَ عليه‌السلام : ثَلاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إلَى الخَضْرَةِ، وَالنَّظَرُ إ لَى الْماءِالْجارى، وَالنَّظَرُ إلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. (409)

فرمود: سه چيز بر نورانيّت چشم مى افزايد: نگاه بر سبزه، نگاه بر آب جارى، نگاه به صورت زيبا.

356 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الاْءرْضَ لاتَخُلُو مِنْ حُجَّةٍ، وَ اءنَاوَاللّهِ ذلِكَ الْحُجَّةُ. (410)

فرمود: همانا زمين در هيچ موقعيّتى خالى از حجّت خدا نيست و به خدا سوگند كه من خليفه و حجّت خداوند هستم.

357 قالَ عليه‌السلام : سُرْعَةُالْمَشْىِ تَذْهَبُ بِبَهاءِالْمُؤْمِنِ. (411)

فرمود: با سرعت و شتاب راه رفتن بهاء و موقعيّت مؤمن را مى كاهد.

358 قالَ عليه‌السلام : إنَّما اءمِرْتُمْ اءنْ تَسْئَلُوا، وَلَيْسَ عَلَيْنَاالْجَوابُ، إنَّما ذلِكَ إ لَيْنا. (412)

فرمود: شماها ماءمور شده ايد كه از ما اهل بيت رسول اللّه سؤال كنيد، و ليكن جواب و پاسخ آنها بر ما واجب نيست بلكه اگر مصلحت بود پاسخ مى دهيم وگرنه ساكت مى باشيم.

359 قالَ عليه‌السلام : ماذِئْبانِ ضارِيانِ فى غَنَمٍ قَدْ غابَ عَنْهُ رُعاؤُها، بِاءضَرٍّ فى دينِ مُسْلِمٍ مِنْ حُبِّ الرِّياسَةِ. (413)

فرمود: خطر و ضرر علاقه به رياست براى مسلمان بيش از آنست كه دو گرگ درنده به گله گوسفندى كه چوپان ندارند حمله كنند.

360 قالَ عليه‌السلام : الا يمانُ فَوْقَ الاْ سْلامِ بِدَرَجَةٍ، وَالتَّقْوى فَوْقَ الا يمانِ بِدَرَجَةٍ، وَ الْيَقينُ فَوْقَ التَّقْوى بِدَرَجَةٍ، وَ ما قُسِّمَ فِى النّاسِ شَيْئٌى اءقَلُّ مِنَ الْيَقينِ. (414)

فرمود: ايمان به يك درجه از اسلام بالاتر است، تقوى نيز يك درجه از ايمان بالاتر، يقين يك درجه از تقوى بالاتر و برتر مى باشد و درجه اى كمتر از مرحله يقين در بين مردم ثمربخش نخواهد بود.

## خلاصه حالات دهمين معصوم هشتمين امام حضرت امام على بن موسى الرضا عليه‌السلام

آن حضرت روز جمعه يا پنجشنبه، 11 ذى القعدة، سال 148 (415) هجرى قمرى، يكسال پس از شهادت امام صادق عليه‌السلام در مدينه منوّره ديده بجهان گشود.

نام : علىّ صلوات اللّه و سلامه عليه (416)

كنيه : ابوالحسن ثانى، ابوعلى و...

القاب : رضا، صابر، زكىّ، وفىّ، ولىّ، رضىّ، ضامن، غريب، نورالهدى، سراج اللّه، غيظ المحدّثين و...

پدر: امام موسى كاظم، باب الحوائج إلى اللّه عليه‌السلام.

مادر: شقراء، معروف به خيزران، امّ البنين، و بعضى گفته اند: نجمه بوده است.

نقش انگشتر: حَسْبىَاللّهُ، ماشاءَاللّهُ وَلاقُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ، وَليىّ اللّهُ.

دربان : محمدبن فرات، محمدبن راشد را گفته اند.

مدّت امامت : بنابر مشهور، روز جمعه، 25 رجب، سال 183 هجرى پس از شهادت پدر مظلومش بلافاصله مسئوليت رهبرى جامعه و امامت را بعهده گرفت و تا سال 203 يا 206 رهبريّت و امامتش بطول انجاميد.

مدّت عمر: در طول عمر آن حضرت بين 49 تا 57 سال اختلاف است و بر همين مبنا در مقدار و مدّت همزيستى با پدر بزرگوارش و نيز در مدّت حيات پس از پدرش اختلاف مى باشد، گرچه گفته اند كه آن حضرت 29 سال و دو ماه در حيات پدر خود بوده است.

و در سال 200 هجرى به خراسان توسط ماءمون احضار گرديد.

در علّت آمدن امام رضا عليه‌السلام به خراسان بين مؤرّخين اختلاف است، ولى مى توان از مجموع استفاده نمود براينكه : چون هارون الرّشيد به هلاكت رسيد، بغداد و حوالى آن در اختيار اءمين، و خراسان با حوالى آن تحت حكومت ماءمون بود.

پس از گذشت مدّتى كوتاه بين دو برادر اختلاف و جنگ رونق گرفت و امين كشته شد.

و ماءمون جهت استحكام قدرت خود چنان ابراز داشت كه از علاقمندان خاندان علىّ بن ابى طالب و سادات بنى الزهراء مى باشد.

در سال 200 هجرى نامه اى به مدينه فرستاد تا حضرت علىّ بن موسى الرّضا عليه‌السلام را از راه بصره اهواز از غير مسير شهر قم به خراسان منتقل گردانند.

و چون حضرت كاملا نسبت به افكار و دسيسه هاى ماءمون آگاه بود، هنگامى كه به شهر مَرْوْ رسيد و ماءمون پيشنهاد بيعت و خلافت را داد نپذيرفت و دو ماه بطور مرتّب با شيوه هاى گوناگونى اصرار و در نهايت حضرت را تهديد به قتل كرد.

به همين جهت مجبور گرديد ولايتعهدى را تحت شرائطى بپذيرد و پنجشنبه پنجم ماه رمضان سال 201 بيعت انجام گرفت مشروط بر آنكه در هيچ كارى از حكومت دخالت ننمايد.

و در نهايت پس از آنكه ماءمون به هدف خود رسيد و از هر جهت حكومت خود را ثابت و استوار يافت، شخصا تصميم قتل حضرت رضا عليه‌السلام را گرفت و به وسيله انگور زهرآلود آن امام مظلوم و غريب را مسموم و شهيد كرد.

شهادت : بنابر مشهور بين تاريخ ‌نويسان روز جمعه يا دوشنبه آخر ماه صفر در سال 203 يا 206 قمرى (417) به وسيله زهر مسموم و در سناباد خراسان شهيد و به عالم بقاء رحلت نمود و در منزل حميدبن قحطبه كنار قبر هارون الرّشيد دفن گرديد.

فرزندان : عدّه اى گفته اند حضرت داراى پنج پسر و يك دختر به نام فاطمه بوده، ولى اكثر بر اين عقيده اند كه حضرت بيش از يك پسر به نام ابوجعفر محمدجواد عليه‌السلام نداشته است.

خلفاء هم عصر آن حضرت : امامت حضرت مصادف با حكومت هارون الرّشيد، فرزندش امين، عمويش ابراهيم، دوّمين فرزندش محمّد، سوّمين فرزندش عبداللّه ملقّب به ماءمون عبّاسى گرديد.

نماز آن حضرت : شش ركعت است در هر ركعتى پس از حمد، ده مرتبه «هل اءتى عَلَى الا نْسانِ حينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئا مَذْكُورا» خوانده مى شود (418).

و بعد از آخرين سلام، تسبيح حضرت زهراء عليها السلام را بگويد و حاجت خود را از درگاه خداوند متعال مسئلت نمايد كه انشاء اللّه برآورده خواهد شد.

## چهل حديث گهربار، از على بن موسى الرضا عليه‌السلام

قال الامام علىّ بن موسى الرّضا عليه‌السلام :

361 مَنْ زارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام بِشَطِّ الْفُراتِ، كانَ كَمَنْ زارَاللّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ. (419)

فرمود: هر مؤمنى كه قبر امام حسين عليه‌السلام را كنار شطّ فرات در كربلاء زيارت كند همانند كسى است كه خداوند متعال را برفراز عرش زيارت كرده باشد.

362 كَتَبَ عليه‌السلام : اءبْلِغْ شيعَتى : إنَّ زِيارَتى تَعْدِلُ عِنْدَاللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اءلْفَ حِجَّةٍ، فَقُلْتُ لِاءبى جَعْفَرٍ عليه‌السلام : اءلْفُ حَجَّةٍ؟! قالَ: إ ى وَاللّهُ، وَ اءلْفُ اءلْفِ حَجَّةٍ، لِمَنْ زارَهُ عارِفا بِحَقِّهِ. (420)

به يكى از دوستانش نوشت : به ديگر دوستان و علاقمندان ما بگو: نواب زيارت قبر من معادل است با يك هزار حجّ.

راوى گويد: به امام جواد عليه‌السلام عرض كردم : هزار حجّ براى ثواب زيارت پدرت مى باشد؟!

فرمود: بلى، هر كه پدرم را با معرفت در حقّش زيارت نمايد، هزار هزار يعنى يك مليون حجّ ثواب زيارتش مى باشد.

363 قالَ عليه‌السلام : اءوَّلُ ما يُحاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلاةَ، فَإنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلاةُ صَحَّ ماسِواها، وَ إنْ رُدَّتْ رُدَّ ماسِواها. (421)

فرمود: اوّلين عملى كه از انسان مورد محاسبه و بررسى قرار مى گيرد نماز است، چنانچه صحيح و مقبول واقع شود، بقيه اعمال و عبادات نيز قبول مى گردد وگرنه مردود خواهد شد.

364 قالَ عليه‌السلام : لِلصَّلاةِ اءرْبَعَةُ آلاف بابٌ. (422)

فرمود: نماز داراى چهارهزار جزء و شرط مى باشد.

365 قالَ عليه‌السلام : الصَّلاةُ قُرْبانُ كُلِّ تَقىٍّ. (423)

فرمود: نماز هر شخص با تقوا و پرهيزكارى را به خداوند متعال نزديك كننده است.

366 قالَ عليه‌السلام : يُؤْخَذُالْغُلامُ بِالصَّلاةِ وَهُوَابْنُ سَبْعَ سِنينَ. (424)

فرمود: پسران بايد در سنين هفت سالگى به نماز وادار شوند.

367 قال عليه‌السلام : فَرَضَ اللّهُ عَلَى النِّساءِ فِى الْوُضُوءِ اءنْ تَبْدَءَالْمَرْئَةُ بِباطِنِ ذِراعِها وَالرَّجُلُ بِظاهِرِالذِّراعِ. (425)

فرمود: خداوند در وضو بر زنان لازم دانسته است كه از جلوى آرنج آب بريزند و مردان از پشت آرنج، (اين عمل از نظر فتواى مراجع تقليد مستحبّ مى باشد).

368 قالَ عليه‌السلام : رَحِمَ اللّهُ عَبْدا اءحْيا اءمْرَنا، قيلَ: كَيْفَ يُحْيى اءمْرَكُمْ؟

قالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنا وَيُعَلِّمُها النّاسَ. (426)

فرمود: رحمت خدا بر كسى باد كه اءمر ما را زنده نمايد.

سؤال شد: چگونه ؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فراگيرد و به ديگران بياموزد.

369 قالَ عليه‌السلام : لَتَاءمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، اَوْلَيَسْتِعْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرارُكُمْ فَيَدْعُو خِياُكُمْ فَلا يُسْتَجابُ لَهُمْ. (427)

فرمود: بايد هر يك از شماها امر بمعروف و نهى از منكر نمائيد، وگرنه شرورترين افراد بر شما تسلّط يافته و آنچه دعا و نفرين كنيد مستجاب نخواهد شد.

370 قالَ عليه‌السلام : مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلى مايُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلَيَكْثُرُ مِنْ الصَّلَواتِ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإنَّها تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْما. (428)

فرمود: كسى كه توان جبران نابودى گناهانش را ندارد، زياد بر حضرت محمد و اهل بيتش صلوات و درود فرستد تا گناهانش - كه حقّ النّاس ‍ نباشد محو و نابود گردد.

371 قالَ عليه‌السلام : الصَّلوةُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَاللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ التَّسْبيحَ وَالتَّهْليلَ وَالتَّكْبيرَ. (429)

فرمود: فرستادن صلوات بر محمّد و اهل بيتش (صلوات اللّه عليهم اجمعين) در پيشگاه خداوند پاداش «سبحان اللّه، لاإ له إلاّاللّه، اللّه اكبر» را دارد.

372 قالَ عليه‌السلام : لَوْخَلَتِ الْاءرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَساخَتْ بِاءهْلِها. (430)

فرمود: چنانچه زمين لحظه اى خالى از حجّت خداوند باشد، اهل خود را در خود فرو مى برد.

373 قال عليه‌السلام : عَلَيْكُمْ بِسِلاحِ الْاءنْبياءِ، فَقيلَ لَهُ: وَ ما سِلاحُ الْاءنْبِياءِ يَابْنَ رَسُولِ اللّه ؟ فَقالَ عليه‌السلام : الدُّعاءُ. (431)

فرمود: بر شما باد به كارگيرى سلاح پيامبران، به حضرت گفته شد: سلاح پيغمبران چيست ؟ در جواب فرمود: توجّه به خداوند داشتن و از او كمك خواستن و دعا كردن.

374 قال عليه‌السلام : صاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوْسِعَةُ عَلى عَى الِهِ. (432)

فرمود: هر كه به هر مقدار در توانش مى باشد بايد براى اهل منزل خود انفاق و خرج كند.

375 قالَ عليه‌السلام : المَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَلِلْكافِرِ تَعْذيبٌ وَ لَعْنَةٌ، وَ إ نَّ الْمَرَضَ لايَزالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتّى لايَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. (433)

فرمود: مريضى براى مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش مى باشد و براى كافر عذاب و لعنت خواهد بود.

سپس افزود: مريضى هميشه همراه مؤمن است تا آنكه از گناهانش چيزى باقى نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد.

376 قالَ عليه‌السلام : إ ذَااكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلايَدَعْ اءنْ يَاءكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئا، فَإنَّهُ اءهْدَءُ لِنَوْمِهِ، وَ اءطْيَبُ لِلنَّكْهَةِ. (434)

فرمود: وقتى كه مرد به مرحله پيرى و كهولت سنّ برسد، حتما هنگام شب قبل از خوابيدن مقدارى غذا تناول كند كه براى آسودگى خواب مفيد است، همچنين براى همخوابى و زناشوئى سودمند خواهد بود.

377 قالَ عليه‌السلام : مَنِ اسْتَفادَ اءخا فِى اللّهِ فَقَدِاسْتَفادَ بَيْتا فِى الْجَنَّةِ. (435)

فرمود: كسى كه به برادرش يا دوستش فائده اى برساند خانه اى در بهشت فائده برده است.

378 قال عليه‌السلام : لايُجْمَعُ الْمالُ إلاّ بِخَمْسَ خِصالٍ: بِبُخْلٍ شَديدٍ، وَ اءمَلٍ طَويلٍ، وَ حِرصٍ غالِبٍ، وَ قَطيعَةِ الرَّحِمِ، وَ إ يثارِ الدُّنْيا عَلَى الْآخِرَةِ. (436)

فرمود: ثروت انباشته نمى گردد مگر با يكى از پنج راه :

بخيل بودن، آرزوى طول و دراز داشتن، حريص بر دنيابودن، قطع صله رحم كردن، آخرت را فداى دنيا كردن.

379 قال عليه‌السلام : لَوْ اءنَّ النّاسَ قَصَّرَوا فِى الطَّعامِ، لاَسْتَقامَتْ اءبْدانُهُمْ. (437)

فرمود: چنانچه مردم خوراك خود را كم كنند و پرخورى ننمايند، بدنهاى آنها دچار امراض مختلف نمى شود.

380 قالَ عليه‌السلام : مَنْ خَرَجَ فى حاجَةٍ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِماءِالْوَرْدِ لَمْ يَرْهَقْ وَجْهُهُ قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ. (438)

فرمود: هر كه هنگام خروج از منزل براى حوايج زندگى خود، صورت خود را با گلاب خوشبو نمايد، ذلّت و خوارى دچارش نخواهد شد.

381 قالَ عليه‌السلام : إنَّ فِى الْهِنْدُباءِ شِفاءٌ مِنْ اءلْفِ داءٍ، ما مِنْ داءٍ فى جَوْفِ الْإنْسانِ إلاّ قَمَعهُ الْهِنْدُباءُ. (439)

فرمود: گياه كاسنى شفاى هزار نوع درد و مرض است، كاسنى هر نوع مرضى را در درون انسان ريشه كن مى نمايد.

382 قالَ عليه‌السلام : السَّخيُّ يَاءكُلُ طَعامَ النّاسِ لِيَاءكُلُوا مِنْ طَعامِهِ، وَالْبَخيلُ لايَاءكُلُ طَعامَ النّاسِ لِكَيْلايَاءكُلُوا مِنْ طَعامِهِ. (440)

فرمود: افراد سخاوتمند از خوراك ديگران استفاده مى كنند تا ديگران هم از امكانات ايشان بهره گيرند و استفاده كنند و ليكن افراد بخيل از غذاى ديگران نمى خورند تا آنها هم از غذاى ايشان نخورند.

383 قالَ عليه‌السلام : شيعَتُناالمُسَّلِمُونَ لِاءَمْرِنا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنا، الْمُخالِفُونَ لِاءعْدائِنا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذلِكَ فَلَيْسَ مِنّا. (441)

فرمود: شيعيان ما كسانى هستند كه تسليم امر و نهى ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگى در عمل و گفتار خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر كه چنين نباشد از ما نيست.

384 قال عليه‌السلام : مَنْ تَذَكَّرَ مُصابَنا، فَبَكى وَ اءبْكى لَمْ تَبْكِ عَيَنُهُ يَوْمَ تَبْكِى الْعُيُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسا يُحْيى فيهِ اءمْرُنا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ. (442)

فرمود: هر كه مصائب ما اهل بيت عصمت و طهارت را يادآور شود و گريه كند يا ديگرى را بگرياند، روزى كه همه گريان باشند او نخواهد گريست، و هر كه در مجلسى بنشيند كه علوم و فضائل ما گفته شود هميشه زنده دل خواهد بود.

385 قال عليه‌السلام : الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعينَ حَسَنَةٍ، وَالْمُذيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ. (443)

فرمود: مخفى انجام دادن و پوشانيدن حسنه و كار نيك معادل هفتاد حسنه است، و آشكار ساختن گناه و خطا يكنوع رذالت و پستى است، پوشاندن و آشكار نكردن خطا و گناه موجب آمرزش آن خواهد بود.

386 إنَّهُ سُئِلَ مَالْعَقْلُ؟ فَقالَ عليه‌السلام : التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ، وَ مُداهَنَةُ الْاءعْداءِ، وَ مُداراةُالْاءصْدِقاءِ. (444)

از امام رضا عليه‌السلام سؤال شد كه عقل و هوشيارى چگونه است ؟

حضرت در جواب فرمود: تحمّل مشكلات و ناملايمات، درك حركات دشمن و مدارا كردن با دوستان مى باشد كه اختلاف نظرها سبب فتنه و آشوب نشود.

387 قال عليه‌السلام : مابَعَثَ اللّهُ نَبيّا إلاّ بِتَحْريمِ الْخَمْرِ، وَ اءنْ يَقِرَّ بِاءنَّ اللّهَ يَفْعَلُ مايَشاءُ. (445)

فرمود: خداوند هيچ پيغمبرى را نفرستاده است مگر آنكه در شريعت او شراب و مُسكرات حرام بوده است، همچنين هر يك از پيامبران معتقد بودند كه خداوند هر آنچه را اراده كند انجام مى دهد.

388 قالَ عليه‌السلام : لاتَتْرُكُوا الطّيبَ فى كُلِّ يَوْمٍ، فَإنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ، فَإنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَفى كُلِّ جُمْعَةٍ. (446)

فرمود: سعى نمائيد هر روز عطر استفاده نمائيد و اگر نتوانستيد يك روز در ميان، و اگر نتوانستيد پس هر جمعه خود را معطّر و خوشبو گردانيد (با رعايت شرائط زمان و مكان).

389 قالَ عليه‌السلام : إذا كَذِبَ الْوُلاةُ حُبِسَ الْمَطَرُ، وَ إذا جارَالسُّلْطانُ هانَتِ الدَّوْلَةِ، وَ إذا حُبِسَتِ الزَّكاةُ ماتَتِ الْمَواشى. (447)

فرمود: هرگاه واليان و مسئولان حكومت دروغ گويند باران نمى بارد، و اگر رئيس حكومت ظلم و ستم نمايد پايه هاى حكومتش سست و ضعيف مى گردد، و چنانچه مردم زكات و خمس مالشان را نپردازند چهارپايان مى ميرند.

390 قالَ عليه‌السلام : الْمَلائِكَةُ تُقَسِّمُ اءرْزاقَ بَنى آدَمِ ما بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إلى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نامَ فيما بَيْنَهُما نامَ عَنْ رِزْقِهِ. (448)

فرمود: ما بين طلوع سپيده صبح تا طلوع خورشيد ملائكه الهى ارزاق انسانها را سهميه بندى مى نمايند، هر كس در اين زمان بخوابد محروم خواهد شد.

391 قالَ عليه‌السلام : مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَاللّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ. (449)

فرمود: هر كس مشكلى از مؤمنى را بر طرف نمايد و او را خوشحال سازد، خداوند او را روز قيامت خوشحال و راضى مى گرداند.

392 قالَ عليه‌السلام : إ نّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إذا رَاءيْناهُ بِحَقيقَةِ الا يمانِ وَ بِحَقيقَةِ النِّفاقِ. (450)

فرمود: همانا ما اهل بيت عصمت و طهارت چنانچه شخصى را بنگريم، ايمان و اعتقاد او را مى شناسيم كه اعتقادات درونى و افكار او چگونه است.

393 قال عليه‌السلام : لايَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنا إلاّ اءنْ يَكُونَ فيهِ ثَلاثُ خِصالٍ: سُنَّةٌ مِنَاللّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَليّهِ، اءمَّاالسَّنَّةُ مِنَ اللّهِ فَكِتْمانُ السِّرِّ، اءمَّاالسُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ مُداراةُالنّاسِ، اَمَّاالسُّنَّةُ مِنْ وَليِّهِ فَالصَّبْرُ عَلَى النائِبَةِ. (451)

فرمود: مؤمن حقيقت ايمان را درك نمى كند مگر آنكه 3 خصلت در او باشد:

خصلتى از خداوند كه كتمان اسرار افراد باشد، خصلتى از پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله كه مدارا با مردم باشد، خصلتى از وليّى خدا كه صبر و شكيبائى در مقابل شدائد و سختى ها باشد.

394 قال عليه‌السلام : إنَّ الصُّمْتَ بابٌ مِنْ اءبْوابِ الْحِكْمَةِ، يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إنَّهُ دَليلٌ عَلى كُلِّ خَيْرٍ. (452)

فرمود: همانا سكوت و خاموشى وسيله اى از راههاى حكمت است، سكوت موجب محبّت و علاقه مى گردد، سكوت راهنمائى براى كسب خيرات مى باشد.

395 قالَ عليه‌السلام : مِنَ السُّنَّةِالتَّزْويجُ بِاللَّيْلِ، لِاءنَّ اللّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنا، وَالنِّساءُ إنَّماهُنَّ سَكَنٌ. (453)

فرمود: بهترين وقت براى تزويج و زناشوئى شب است كه خداوند متعال شب را وسيله آرامش و سكون قرار داده، همچنين زنان آرامبخش و تسكين دهنده خواهند بود.

396 قال عليه‌السلام :ما مِنْ عَبْدٍ زارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ، فَقَرَأ عَلَيْهِ «إ نّا أ نْزَلْناهُ فى لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرّاتٍ، إلاّ غَفَرَ اللّهُ لَهُ وَلِصاحِبِ الْقَبْرِ. (454)

فرمود: هر بنده اى از بندگان خداوند بر قبر مؤمنى جهت زيارت حضور يابد و هفت مرتبه سوره مباركه إ نّا أ نزلناه را بخواند، خداوند متعال گناهان او و صاحب قبر را مورد بخشش و آمرزش قرار مى دهد.

397 قالَ عليه‌السلام : الْاءخُ الْاءكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْاءَبِ. (455)

فرمود: برادر بزرگ جانشين و جايگزين پدر خواهد بود.

398 قالَ عليه‌السلام : انَّما تَغْضِبُ للّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَلاتَغْضِبْ لَهُ بِاءكْثَرِ مِمّا غَضِبَ عَلى نَفْسِهِ. (456)

فرمود: چنانچه در موردى خواستى غضب كنى و براى خدا برخورد نمائى، پس متوجّه باش كه در جهت و محدوده رضايت و خوشنودى خداوند، غضب و خشم خود را اعمال كنى.

399 قالَ عليه‌السلام : خَيْرُالْاءعْمالِ الْحَرْثُ، تَزْرَعُهُ فَيَاءكُلُ مِنْهُ الْبِرَّ وَالْفاجِرَ، اءمَّاالْبِرَّ فَما اءكَلَ مِنْ شَيْى ءٍ إ سْتَغْفَرَ لَكَ، وَ اءمَّاالْفاجِرَ فَما اءكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْى ءٍ لَعَنَهُ، وَ يَاءكُلُ مِنهُ الْبَهائِمَ وَالطَّيْرَ. (457)

فرمود: بهترين كارها، شغل كشاورزى است، چونكه در نتيجه كشت و تلاش، همه انسانهاى خوب و بد از آن استفاده مى كنند.

امّا استفاده خوبان سبب آمرزش گناهان مى باشد، ولى استفاده افراد فاسد و فاسق موجب لعن ايشان خواهد شد، همچنين تمام پرنده ها و چرندگان از تلاش و نتيجه كشت بهره مند خواهند شد.

400 قالَ عليه‌السلام : مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فى حَوائِجِهِ يَوْمَ عاشُوراء، قَضَى اللّهُ لَهُ حَوائجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. (458)

فرمود: هر كس روز عاشوراى امام حسين عليه‌السلام دنبال كار و كسب نرود (و مشغول عزادارى و حزن و اندوه گردد) خداوند متعال خواسته ها و حوائج دنيا و آخرت او را برآورده مى نمايد.

## خلاصه حالات يازدهمين معصوم نهمين امام حضرت امام جواد الائمه عليه‌السلام

آن حضرت طبق مشهور، شب جمعه دهم ماه رجب سال 195 هجرى قمرى (459) در مدينه منوّره ديده به جهان گشود.

نام : محمّد (460) صلوات اللّه و سلامه عليه.

كنيه : ابوجعفر ثانى، ابُوعلى.

لقب : جواد، قانع، مرتضى، نجيب، تقى، منتخب، هادى القضاة، سيّدالهداة، مصباح المتهجّدين، جوادالائمّه و...

پدر: امام علىّ بن موسى الرّضا، مُغيث الشّيعة والزّوّار عليه‌السلام.

مادر: به چند نام و لقب معروف است : درّه، سبيكه، ريحانه، خيزران و... از خانواده ماريه قبطى.

نقش انگشتر: نِعْمَ الْقادِرُاللّهُ.

دربان : عمربن فرات، عثمان بن سعيد سمّان.

هنگامى كه حضرت جواد عليه‌السلام در سنين پانزده ماهگى رسيد بعضى از مخالفان بر عليه حضرت جوسازى كردند و گفتند: اين كودك فرزند حضرت علىّ بن موسى الرّضا عليه‌السلام نيست.

به همين جهت حضرت در همان سنين كودكى در جمع بسيارى از بزرگان و شعراء، ضمن معرّفى خود، خطبه اى بسيار بليغ و فصيح ايراد نمود كه تمام حضّار و شنوندگان در حيرت و تعجّب قرار گرفتند و حضرت تمام شُبهه ها و جوسازى ها را برطرف نمود و آن خطبه در آن مجلس يكى از معجزات حضرت محسوب شد.

پس از آنكه حضرت رضا عليه‌السلام توسط ماءمورين مسموم و به شهادت رسيد و مردم مخصوصا سادات بنى الزّهراء نسبت به جنايت خليفه آگاه شدند، ماءمون از خطرات احتمالى بيمناك شد و امام جواد عليه‌السلام را از مدينه احضار و در بغداد كنار كاخ خود منزلى برايش تهيّه كرد تا از هر جهت تحت نظر باشد.

و در ضمن جلب توجّه عامّه مردم شود چون در ظاهر امام را مورد احترام و تكريم قرار مى داد.

پس از گذشت مدّتى، جهت تداوم سياست عوام فريبانه خود و نجات از خطرات احتمالى، دخترش امّ الفضل را به ازدواج آن حضرت درآورد تا هم جلب توجّه افكار عموم را نموده و هم تمام موارد زندگى و حركات آن حضرت را در كنترل خود درآورد بطورى كه هر لحظه كوچكترين اتفاقى رخ مى داد بلافاصله توسط ماءمورين از آن آگاه مى گشت آنهم با تحريفات مختلف و به عبارت ديگر يك كلاغ چهل كلاغ شدن -.

و چندين مرحله به جهت گزارشات كذب و بى مورد جاسوسان و مخصوصا همسر حضرت امّ الفضل، آن امام مظلوم مورد شكنجه هاى روحى و جسمى قرار گرفت.

و طبق روايت علىّ بن ابراهيم، مردم از اقشار و طبقات مختلف بر حضرت جواد عليه‌السلام وارد مى شدند و پيرامون مسائل و فنون مختلف سئوال مى كردند.

و حتّى در دوران ده سالگى در يك مجلس سى هزار مسئله از حضرت سئوال شد و در همان مجلس جواب تمامى آن مسائل را داد.

مدّت امامت : بنابر مشهور آن حضرت در روز جمعه يا دوشنبه آخر ماه صفر، سال 203 يا 206 هجرى قمرى پس از شهادت مظلومانه پدر بزرگوارش به منصب والاى امامت و خلافت نائل آمد و حدود هيجده سال امامت و رهبرى جامعه را بر عهده داشت.

مدّت عمر: حضرت مدّت هشت يا هفت سال و چهار ماه در حيات پدر بزرگوارش و پس از شهادت و رحلت پدر نيز حدود هيجده سال به عنوان رهبر و امام مسلمين، هدايتگرى جامعه را عهده دار بود، بنابراين عمر آن حضرت را حدود 25 سال گفته اند.

شهادت : بنا بر مشهور، روز سه شنبه پنجم ماه ذى الحجّه، سال 220 (461) در زمان حكومت معتصم و به دستور او در بغداد به وسيله زهر توسط همسرش امّ الفضل مسموم و به شهادت رسيد و در قبرستان بنى هاشم كنار قبر جدّش امام كاظم عليه‌السلام دفن گرديد.

فرزند: طبق آنچه مؤرّخين آورده اند: حضرت داراى دو فرزند پسر و سه دختر بوده است.

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت همزمان با حكومت ماءمون عبّاسى و معتصم مصادف گرديد.

نماز امام جواد عليه‌السلام : چهار ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، چهار مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود.

و پس از آخرين سلام و ذكر تسبيح حضرت زهرا عليها السلام صد مرتبه گفته مى شود: اللّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد. (462) و سپس نيازها و حوائج شرعيه خود را از خداوند متعال طلب مى نمايد.

## چهل حديث گهربار، از حضرت امام جواد عليه‌السلام

401 قالَ الا مام اءبوجعفر، محمّدالجواد عليه‌السلام :

الْمُؤ مِنُ يَحْتاجُ إلى ثَلاثَ خِصالٍ: تَوْفيقٍ مِنَ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ واعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ. (463)

فرمود: مؤمن در هر حال نيازمند به سه خصلت است :

توفيق از طرف خداوند متعال، واعظى از درون خود، قبول و پذيرش ‍ نصيحت كسى كه او را نصيحت نمايد.

402 قالَ عليه‌السلام : مُلاقاةُالْإ خوانِ نَشْرَةٌ، وَ تَلْقيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إنْ كانَ نَزْرا قَليلا. (464)

فرمود: ديدار و هم صحبت شدن با دوستان خوب موجب شادمانى و افزايش بينش و روشنائى افكار خواهد بود گرچه اندك باشد.

403 قال عليه‌السلام : إ يّاكَ وَ مُصاحَبَةُالشَّريرِ، فَإنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُولِ، يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبَحُ اءثَرُهُ. (465)

فرمود: مواظب باش از مصاحبت و دوستى با افراد شرور، چونكه همانند شمشير زهرآلود، برّاق است كه ظاهرش زيبا و اثراتش زشت و خطرناك خواهد بود.

404 قالَ عليه‌السلام : إنَّ بَيْنَ جَبَلَيْ طُوسٍ قَبْضَةٌ قُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَها كانَ آمِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ مِنَ النّار. (466)

فرمود: همانا بين دو سمت شهر طوس قطعه اى مى باشد كه از بهشت گرفته شده است، هر كه داخل آن شود و با معرفت زيارت كند -، روز قيامت از آتش در اءمان خواهد بود.

405 قال عليه‌السلام : كَيْفَ يُضيعُ مَنِ اللّهُ كافِلُهُ، وَكَيْفَ يَنْجُو مَنِ اللّه طالِبُهُ، وَ مَنِ انْقَطَعَ إلى غَيْرِاللّهِ وَ كَّلَهُ اللّهُ إ لَيْهِ. (467)

فرمود: چگونه گمراه و درمانده خواهد شد كسى كه خداوند سَرپرست و متكفّل اوست.

چطور نجات مى يابد كسى كه خداوند طالبش مى باشد.

هر كه از خدا قطع اميد كند و به غير او پناهنده شود، خداوند او را به همان شخص واگذار مى كند.

406 قالَ عليه‌السلام : مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوارِدَ اءعْيَتْهُ الْمَصادِرُ. (468)

فرمود: هر كس موقعيّت شناس نباشد، جريانات او را مى ربايد و هلاك خواهد شد.

407 قال عليه‌السلام : مَنْ عَتَبَ مِنْ غَيْرِارْتِيابٍ اءعْتَبَ مِنْ غَيْرِاسْتِعْتابٍ. (469)

فرمود: ديگران را بدون علّت و دليل سرزنش كردن، سبب ناراحتى و خشم خواهد گشت، در حالتى كه رضايت آنان را نيز كسب نخواهد كرد.

408 قالَ عليه‌السلام : أ فْضَلُ الْعِبادَةِ الاْ خْلاصُ. (470)

فرمود: با فضيلتترين و ارزشمندترين عبادتها آنست كه خالص و بدون ريا باشد.

409 قالَ عليه‌السلام : يَخْفى عَلَى النّاسِ وِلادَتُهَ، وَ يَغيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَ تَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ، وَ هُوَ سَمّيُ رَسُولِ اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله، وَ كُنّيهِ. (471)

فرمود: زمان ولادت امام زمان بر مردم زمانش مخفى است، و شخصش از شناخت افراد غايب و پنهان است.

و حرام است كه آن حضرت را نام ببرند، و او همنام و هم كنيه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى باشد.

410 قال عليه‌السلام : عِزُّالْمُؤْمِنِ غِناه عَنِ النّاسِ. (472)

فرمود: عزّت و شخصيّت مؤمن در بى نيازى و طمع نداشتن به مال و زندگى ديگران است.

411 قال عليه‌السلام : مَنْ أ صْغى إلى ناطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإنْ كانَ النّاطِقُ عَنِ اللّهِ فَقَدْ عَبَدَاللّهَ، وَ إنْ كانَ النّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسانِ إ بليس فَقَدْ عَبَدَ إ بليسَ. (473)

فرمود: هر كس به شخصى سخنران علاقمند و متمايل باشد، بنده اوست، پس چنانچه سخنور براى خدا و از احكام و معارف - خدا سخن بگويد، بنده خداست، و اگر از زبان شيطان و هوى و هوس و ماديات سخن بگويد، بنده شيطان خواهد بود.

412 قال عليه‌السلام : لا يَضُرُّكَ سَخَطُ مَنْ رِضاهُ الْجَوْرُ. (474)

فرمود: كسى كه طالب رضايت خداوند متعال باشد، دشمنى ستمگران او را ضرر و زيانى نمى رساند.

413 قال عليه‌السلام : مَنْ خَطَبَ إ لَيْكُمْ فَرَضيتُمْ دينَهُ وَ أ مانَتَهُ فَزَوِّجُوهُ، إلاّ تَفْعَلُوهُ تَكْنُ فِتْنَةٌ فِى الاْ رْضِ وَ فَسادٌ كَبيرْ. (475)

فرمود: هر كه به خواستگارى دختر شما آيد و به تقوا و تديّن و امانتدارى او مطمئن باشيد با او موافقت كنيد وگرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگى خواهيد شد.

414 قالَ عليه‌السلام : لَوْسَكَتَ الْجاهِلُ مَااخْتَلَفَ النّاسُ. (476)

فرمود: چنانچه افراد جاهل و بى تجربه ساكت باشند مردم دچار اختلافات و تشنّجات نمى شوند.

415 قال عليه‌السلام : مَنِ اسْتَحْسَنَ قَبيحا كانَ شَريكا فيهِ. (477)

فرمود: هر كه كار زشتى را تحسين كند، در عقاب آن شريك مى باشد.

416 قالَ عليه‌السلام : مَنِ انْقادَ إلَى الطُّمَاءنينَةِ قَبْلَ الْخِيَرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ وَالْعاقِبَةِ الْمُغْضِبَةِ. (478)

فرمود: هر كس مطيع و پذيراى (كارى، فرمانى، حركتى و... ) شود بدون تفّكر و اطمينان نسبت به جوانب آن، خود را در معرض سقوط و هلاكت قرار داده و نتيجه اى جز خشم و عصابنيّت نصيبش نخواهد شد.

417 قال عليه‌السلام : مَنِ اسْتَغْنى بِاللّهِ إ فْتَقَرَالنّاسُ إ لَيْهِ، وَمَنِ اتَّقَى اللّهَ اءحَبَّهُ النّاسُ وَ إنْ كَرِهُوا. (479)

فرمود: هر كه خود را به وسيله خداوند بى نياز بداند مردم محتاج او خواهند شد و هر كه تقواى الهى را پيشه خود كند مورد محبّت مردم قرار مى گيرد گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند.

418 قال عليه‌السلام : عَلَّمَ رَسُولُ اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عَلّيا عليه‌السلام اءلْفَ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ مِنْها اءلْفَ كَلِمَةٍ. (480)

فرمود: حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله، يكهزار كلمه به اميرالمؤمنين علىّ عليه‌السلام تعليم نمود كه از هر كلمه اى هزار باب علم و مسأ له فرعى باز مى شود.

419 قال عليه‌السلام : مَنْ زارَ قَبْرَ اءخيهِ الْمُؤْمِنِ، فَجَلَسَ عِنْدَ قَبْرِهِ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَءَ: «إ نّااءنْزَلْناهُ فى لَيْلَةِالْقَدْرِ» سَبْعَ مَرّاتٍ، اءمِنَ مِنَ الْفَزَعَ الاءكْبَرِ. (481)

فرمود: هر كس بالين قبر مؤمنى حضور يابد و رو به قبله بنشيند و دست خود را روى قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره مباركه «إ نّااءنزلناه» را بخواند از شدايد و سختيهاى صحراى محشر در اءمان قرار مى گيرد.

420 قال عليه‌السلام : نِعْمَةٌ لاتُشْكَرُ كَسِيَّئَةٍ لاتُغْفَرُ. (482)

فرمود: خدمت و نعمتى كه مورد شكر و سپاس قرار نگيرد همانند خطائى است كه غيرقابل بخشش باشد.

421 قالَ عليه‌السلام : مَوْتُ الاْ نْسانِ بِالذُّنُوبِ اءكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِاالاَْجَلِ، وَ حَياتُهُ بِالْبِرِّ اءكْثَرُ مِنْ حَياتِهِ بِالْعُمْرِ. (483)

فرمود: فرارسيدن مرگ انسانها به جهت معصيت و گناه بيشتر است تا مرگ طبيعى و عادى، همچنين حيات و زندگى لذّت بخش به وسيله نيكى و إ حسان به ديگران بيشتر است از عمر بى نتيجه.

422 قالَ عليه‌السلام : لَنْ يَسْتَكْمِلَ الْعَبْدُ حَقيقَةَالاْ يمانِ حَتّى يُؤْثِرَ دينَهُ عَلى شَهْوَتِهِ، وَلَنْ يُهْلِكَ حَتّى يُؤْثِرَ شَهْوَتَهُ عَلى دينِهِ. (484)

فرمود: بنده اى حقيقت ايمان را نمى يابد مگر آنكه دين و احكام الهى را در همه جهات بر تمايلات و هواهاى نفسانى خود مقدّم دارد.

و كسى هلاك و بدبخت نمى گردد مگر آنكه هواها و خواسته هاى نفسانى خود را بر احكام إ لهى مقدّم نمايد.

423 قال عليه‌السلام : عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ، فَإنَّ طَلَبَهُ فَريضَةٌ وَالْبَحْثَ عَنْهُ نافِلَةٌ، وَ هُوَ صِلَةُ بَيْنَ الاْ خْوانِ، وَ دَليلٌ عَلَى الْمُرُوَّةِ، وَ تُحْفَةٌ فِى الْمَجالِسِ، وَ صاحِبٌ فِى السَّفَرِ، وَ اءُنْسٌ فِى الْغُرْبَةِ. (485)

فرمود: بر شما باد به تحصيل علم و معرفت، چون فراگيرى آن واجب و بحث پيرامون آن مستحبّ و پرفائده است.

علم وسيله كمك به دوستان و برادران است، دليل و نشانه مروّت و جوانمردى است، هديه و سرگرمى در مجالس است، همدم و رفيق انسان در مسافرت است.

و اءنيس و مونس انسان در تنهائى خواهد بود.

424 قال عليه‌السلام : خَفْضُ الْجَناحِ زينَةُالْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الاْ دَبِ زينَةُالْعَقْلِ، وَبَسْطُ الْوَجْهِ زينَةُالْحِلْمِ. (486)

فرمود: تواضع و فروتنى زينت بخش علم و دانش است، اءدب داشتن و اخلاق نيك زينت بخش عقل مى باشد، خوشروئى با افراد زينت بخش ‍ حلم و بردبارى است.

425 قال عليه‌السلام : تَوَسَّدِالصَّبْرَ، وَاعْتَنِقِ الْفَقْرَ، وَارْفَضِ الشَّهَواتِ، وَ خالِفِ الْهَوى، وَ اعْلَمْ إنَّكَ لَنْ تَخْلُو مِنْ عَيْنِ اللّهِ، فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ. (487)

فرمود: در امور زندگى، صبر را تكيه گاه، فقر و تنگدستى را همنشين خود قرار ده، هواهاى نفسانى را زيرپا بگذار و مخالفت كن.

و بدان كه هيچگاه از ديدگاه خداوند پنهان و مخفى نخواهى شد، پس ‍ مواظب باش كه در چه حالتى خواهى بود.

426 قال عليه‌السلام : مَنْ اءتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تُدْخِلْهُ وَحْشَةُ الْقَبْرِ. (488)

فرمود: هر كس ركوع نمازش را به طور كامل و صحيح انجام دهد، وحشت قبر بر او وارد نخواهد شد.

427 قال عليه‌السلام : الْخُشُوعُ زينَةُالصَّلاةِ، وَ تَرْكُ مالايُعْنى زينَةُالْوَرَعِ. (489)

فرمود: خشوع و خضوع زينت بخش نماز خواهد بود، رها كردن آنچه (براى دين و دنيا و آخرت) سودمند نباشد زينت بخش ورع و تقواى انسان مى باشد.

428 قال عليه‌السلام : الاْ مْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقانِ مِنْ خَلْقِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَمْن نَصَرَهُما اءعَزَّهُ اللّهُ، وَمَنْ خَذَلَهُما خَذَلَهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. (490)

فرمود: امر به معروف و نهى از منكر دو مخلوق الهى است، هر كه آنها را يارى و اجراء كند مورد نصرت و رحمت خداوند قرار مى گيرد و هر كه آنها را ترك و ذليل گرداند مورد خذلان و عقاب خدا قرار مى گيرد.

429 قال عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَخْتارُ مِنْ مالِ الْمُؤْمِنِ وَ مِنْ وُلْدِهِ اءنْفُسَهُ لِيَاءجُرَهُ عَلى ذلِكَ. (491)

فرمود: همانا خداوند متعال بهترين و عزيزترين ثروت و فرزند مؤمن را مى گيرد (و هلاك و نابود مى گرداند، چون دنيا و متعلّقات آن بى ارزش ‍ است) تا در قيامت پاداش عظيمى عطايش نمايد.

430 قال له رجل : اءُوصِنى بَوَصِيَّةٍ جامِعَةٍ مُخْتَصَرَةٍ؟

فَقال عليه‌السلام : صُنْ نَفْسَكَ عَنْ عارِالْعاجِلَةِ وَ نار الْآجِلَةِ. (492)

شخصى از حضرت تقاضاى موعظه و نصيحت كرد؟

امام عليه‌السلام فرمود: اءعضاء و جوارح ظاهرى و باطنى خود را از ذلّت و ننگ سريع و زودرس، همچنين از آتش و عذاب آينده، محفوظدار.

431 قال عليه‌السلام : فَسادُالاءخْلاقِ بِمُعاشَرَةِالسُّفَهاءِ، وَ صَلاحُ الاءخلاقِ بِمُنافَسَةِ الْعُقَلاءِ. (493)

فرمود: معاشرت و همنشينى با بى خردان و افراد لااُبالى سبب فساد و تباهى اخلاق خواهد شد.

و معاشرت و رفاقت با خردمندان هوشيار، موجب رشد و كمال اخلاق مى باشد.

432 قالَ عليه‌السلام : الاءدَبُ عِنْدَالنّاسِ النُّطْقُ بِالْمُسْتَحْسَناتِ لاغَيْرُ، وَ هذا لايَعْتَدُّ بِهِ مالَمْ يُوصِلْ بِها إلى رِضاءِاللّهِ سُبْحانَهُ، وَالْجَنَّةِ، وَالْاءدَبُ هُوَ اءدَبُ الشَّريعَةِ، فَتَاءدَّبُوا بِها تَكُونُوا اءُدَباءَ حَقّا. (494)

فرمود: مفهوم و معناى ادب از نظر مردم، تنها خوب سخن گفتن است كه ركيك و سبك نباشد، وليكن اين نظريّه قابل توجّه نيست تا مادامى كه انسان را به خداوند متعال و بهشت نزديك نگرداند.

بنابراين ادب يعنى رعايت احكام و مسائل دين اسلام، پس با عمل كردن به دستورات الهى و ائمّه عليهم‌السلام، ادب خود را آشكار سازيد.

433 قال عليه‌السلام : ثَلاثُ خِصالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الاْ نْصافُ فِى الْمُعاشَرَةِ، وَالْمُواساةُ فِى الشِّدِّةِ، وَالاْ نْطِواعُ وَالرُّجُوعُ إلى قَلْبٍ سَليمٍ. (495)

فرمود: سه خصلت جلب محبّت مى كند: انصاف در معاشرت با مردم، همدردى در مشكلات آنها، همراه و همدم شدن با معنويات.

434 قال عليه‌السلام : التَّوْبَةُ عَلى اءرْبَعُ دَعائِمْ: نَدْمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفارٌ بِالّلِسانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوارِحِ، وَ عَزْمٌ اءنْ لايَعُودَ. (496)

فرمود: شرايط پذيرش تو به چهار چيز است : پشيمانى قلبى، استغفار با زبان، جبران كردن گناه نسبت به همان گناه، حقّ اللّه و يا حقّالنّاس، تصميم جدّى بر اينكه ديگر مرتكب آن گناه نشود.

435 قال عليه‌السلام : ثَلاثٌ مِنْ عَمَلِ الْاءبْرارِ: إ قامَةُالْفَرائِض، وَاجْتِنابُ الْمَحارِم، واحْتِراسٌ مِنَ الْغَفْلَةِ فِى الدّين. (497)

فرمود: سه چيز همانند كار نيكان است : انجام واجبات الهى، ترك و دورى از گناهان، مواظبت و رعايت مسائل و احكام دين.

436 قال عليه‌السلام : مَنْ رَضِىَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللّهُ وَ مَلائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتّى يَقُومَ، مِنَ التَّواضُعِ السَّلامُ عَلى كُلِّ مَنْ تَمَّرُ بِهِ. (498)

فرمود: كسى كه متكبّر نباشد و موقع ورود به مجلس هر كجا جائى بود بنشيند تا زمانى كه حركت نكرده باشد خدا و ملائكه هايش بر او درود و رحمت مى فرستند.

از علائم و نشانه هاى تواضع و فروتنى آنست كه به هر شخصى مرور نمودى سلام كنى.

437 قال عليه‌السلام : مَنْ زارَ قَبْرَ عَمَّتى بِقُمْ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. (499)

فرمود: هر كس قبر عمّه ام حضرت معصومه عليها‌السلام را با علاقه و معرفت در قم زيارت كند، أ هل بهشت خواهد بود.

438 قال عليه‌السلام : اَلْمَرَضُ لااءجْرَ فيهِ وَ لكِنَّهُ لايَدَعُ عَلَى الْعَبْدِ ذَنْبا اِلاّ حَطَّهُ. (500)

فرمود: در مريضى پاداشى نيست و ليكن گناهان بنده خدا را از بين مى برد و پاك مى گرداند.

439 قال عليه‌السلام : اَكْرِمْ كُلَّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَذْكُرُنا اَوْ يَسْتَحِلَّ مَوَدَّتَنا، ثُمَّ لَيْسَ عَلَيْكَ صادِقا اَوْ كاذِبا، اِنّما لَكَ نيَّتُكَ وَ عَلَيْهِ كِذْبُه. (501)

فرمود: هر كه ما اهل بيت عصمت و طهارت را ياد آورد يا با ما اظهار دوستى كند او را اكرام و احترام نما، و كارى نداشته باش براينكه راست يا دروغ مى گويد، به نيّت و مقصود خود خواهى رسيد و او هم (اگر دروغ بگويد) ضرر دروغ خود را خواهد ديد.

440 قال عليه‌السلام : القَصْدُ إلَى اللّهِ تَعالى بِالْقُلُوبِ أ بْلَغُ مِنْ إ تْعابِ الْجَوارِحِ بإ لاْ عْمالِ. (502)

فرمود: توكّل و اعتقاد قلبى به خداوند متعال در حلّ مشكلات امور مختلف كار سازتر است تا كار و تلاش خستگى ناپذير.

## خلاصه حالات دوازدهمين معصوم دهمين امام حضرت امام هادى عليه‌السلام

آن حضرت طبق مشهور، سه شنبه در دوّمين روز ماه رجب، سال 212 هجرى قمرى، (503) در قريه اى به نام صريا سه فرسخى شهر مدينه منوّره ديده به جهان گشود. (504)

نام : علىّ (505)صلوات اللّه و سلامه عليه.

كنيه : ابوالحسن، ابوالحسن الثالث.

لقب : هادى، ناصح، متوكّل، نقى، مرتضى، عالم، طاهر، طيّب، عسكرى، أ مين، ابن الرضاو...

پدر: امام محمّد، جواد الائمّة عليهم‌السلام.

مادر: سمانه، از اهالى مغرب، و معروف به سيّده بوده است.

دربان : عثمان بن سعيد عمرى.

نقش انگشتر: «اللّهُ رَبّي وَ هُوَ عِصْمَتي مِنْ خَلْقِه».

مدّت عمر: حضرت سلام اللّه عليه مدّت شش سال و پنج ماه در حيات پدر بزرگوارش، و پس از شهادت وى مدّت 33 سال و 9 ماه رهبريّت و امامت جامعه را بر عهده داشت، روى هم عمر پر بركت آن حضرت را حدود 41 سال و چند ماه گفته اند كه بيست سال و چند ماه در شهر سامراء تحت نظر حكومت عبّاسى به طور إ جبار إ قامت داشت.

مدّت امامت : بنا بر آنچه بين مؤرّخين و محدّثين مشهور است : حضرت روز سه شنبه پنجم ماه ذى الحجّة سال 220 هجرى پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت نائل آمد و حدود 33 سال و 9 ماه امامت و هدايت جامعه را عهده دار بود.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش مرتّب در اذيّت و آزار دستگاه ظلم و جور خلفاء بنى العبّاس و مخالفين قرار گرفت، و اكثر مدّت امامت خود را يا در زندان و يا تحت نظر جاسوسان و مأ موران حكومتى سپرى نمود و اگر هم بر حسب ظاهر آزاد مى شد، غير مستقيم رفت و آمد حضرت و افراد را به حضور ايشان تحت كنترل شديد قرار مى دادند.

امّا براى آنكه افكار عمومى خدشه دار نگردد به طور رياكارانه در ظاهر و در موقعيّتهائى معيّن حضرت را احترام و تعظيم مى كردند، ولى بهر حال آن كينه و خباثت و سخن چينى افراد حضرت را به حال خود نگذاشت و به وسيله زهر مسموم و شهيد گرديد.

و به همين جهات سياسى و حكومتى، امام عليه‌السلام كمتر توانست مسائل دين را در امور مختلف مطرح و يا جلسات درس تشكيل دهد، لهذا سخنان حضرت نسبت به پدران بزرگوارش از هر جهت كمتر در بين كتب تاريخ و حديث ديده مى شود و همين براى مظلوميّت حضرت كافى است كه دفن جسد مطهرّش در خانه شخصى خود حضرت انجام گرفته است.

شهادت : همچنين در تاريخ روز و ماه، شهادت آن امام مظلوم اختلاف است ولى مشهور گفته اند: روز سوّم ماه رجب، سال 254 هجرى قمرى (506) مى باشد كه در زمان حكومت معتصم به وسيله زهر مسموم و به شهادت رسيد و در شهر سامراء، در منزل شخصى خود حضرت دفن گرديد.

فرزند: حضرت داراى چهار فرزند پسر و يك دختر بوده است.

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت مصادف شد با حكومت معتصم، واثق، متوكّل، منتصر، مستعين، معتّز، معتمد.

نماز امام هادى عليه‌السلام : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، هفتاد مرتبه سوره توحيد خوانده مى شود. (507)

و پس از آخرين سلام، تسبيح حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام گفته شود و سپس ‍ حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال طلب نمايد.

## چهل حديث گهربار، از حضرت امام هادى عليه‌السلام

قال الا مام علىّ الهادي صلوات اللّه و سلامه عليه :

441 مَن اتَّقىَ اللّهَ يُتَّقى، وَمَنْ اءطاعَ اللّهَ يُطاعُ، وَ مَنْ اءطاعَ الْخالِقَ لَمْ يُبالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقين، وَمَنْ اءسْخَطَ الْخالِقَ فَقَمِنٌ اءنْ يَحِلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقينَ. (508)

فرمود: كسى كه تصميم گيرد رعايت تقواى الهى نمايد با تقوى و پرهيزكار خواهد شد، همچنين هر كس اطاعت از دستورات الهى كند خواسته هايش ‍ برآورده مى گردد.

و هر شخصى كه اطاعت از خالق نمايد باكى از دشمنى و عداوت انسانها نخواهد داشت، و چنانچه خداى متعال را با معصيت و نافرمانى خود به غضب درآورد نيز مورد خشم انسانها قرار مى گيرد.

442 قالَ عليه‌السلام : مَنْ اءنِسَ بِاللّهِ اسْتَوحَشَ مِنَ النّاسِ، وَعَلامَةُ الْاءنْسِ بِاللّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النّاسِ. (509)

فرمود: كسى كه با خداوند متعال مونس باشد و او را اءنيس خود بداند، از مردم احساس وحشت مى كند.

و علامت و نشانه اءنس با خداوند وحشت از مردم است يعنى از غير خدا نهراسيدن و از مردم احتياط و دورى كردن.

443 قالَ عليه‌السلام :السَّهَرَ اءُلَذُّالْمَنامِ، وَالْجُوعُ يَزيدُ فى طيبِ الطَّعامِ. (510)

فرمود: شب زنده دارى خواب بعد از آنرا لذيذ مى گرداند و گرسنگى در خوشمزگى طعام مى افزايد يعنى هر چه انسان كمتر بخوابد بيشتر از خواب لذت مى برد و هر چه كم خوراك باشد مزّه غذا گواراتر خواهد بود.

444 قالَ عليه‌السلام : لا تَطْلُبِ الصَّفا مِمَّنْ كَدِرَتَ عَلَيْهِ، وَلاَ النُّصْحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سُوءَ ظَنِّكَ إ لَيْهِ، فَإنَّما قَلْبُ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ. (511)

فرمود: از كسى كه نسبت به او كدورت و كينه دارى صميّميت و محبّت مجوى، همچنين كسى كه نسبت به او بدگمان هستى نصيحت و موعظه طلب نكن، چونكه قلب ديگران همانند قلب خودت مى باشد.

445 قالَ عليه‌السلام : الْحَسَدُ ما حِقُ الْحَسَناتِ، وَالزَّهْوُ جالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صارِفٌ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ داعٍ إلَى الْغَمْطِ وَالْجَهْلِ، وَالبُخْلُ اءذَمُّ الاءخْلاقِ، وَالطَّمَعَ سَجيَّةٌ سَيِّئَةٌ. (512)

فرمود: حالت حسد موجب نابودى ارزش و ثواب حسنات مى گردد. تكبّر و خودخواهى جذب كننده دشمنى و عداوت افراد مى باشد.

عُجب و خودبينى مانع تحصيل علم خواهد بود و در نتيجه شخص را در پستى و نادانى نگه مى دارد.

بخيل بودن بدترين اخلاق است، طَمَع خصلتى ناپسند و زشت خواهد بود.

446 قالَ عليه‌السلام : مُلاقاةُ الاْ خْوانِ نَشْرَةٌ، وَتَلْقيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إنْ كانَ نَزْراً قَليلاً. (513)

فرمود: ملاقات و ديدار با دوستان و برادران موجب صفاى دل و نورانيّت آن مى گردد و سبب شكوفائى عقل و درايت خواهد گشت گرچه در مدّت زمانى كوتاه انجام پذيرد.

447 قالَ عليه‌السلام : الدُّنْيا سُوقٌ رَبِحَ فيها قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ. (514)

فرمود: دنيا همانند بازارى است كه عدّه اى در آن براى آخرت سود مى برند و عدّه اى ديگر ضرر و خسارت متحمّل مى شوند.

448 قالَ عليه‌السلام : النّاسُ فِى الدُّنْيا وَ فِى الاَّْخِرَةِ بِالاْ عْمالِ. (515)

فرمود: مردم در دنيا به وسيله ثروت و تجمّلات شهرت مى يابند ولى در آخرت به وسيله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد.

449 قالَ عليه‌السلام : مُخالَطَةُ الاْ شْرارِ تَدُلُّ عَلى شِرارِ مَنْ تُخالِطُهُمْ. (516)

فرمود: همنشين شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستى و شرارت تو خواهد بود.

450 قالَ عليه‌السلام : أ هْلُ قُمْ وَ أ هْلُ آبَةِ مَغْفُورٌلَهُمْ، لِزيارَتِهِمْ لِجَدّى عَل ىٍّّ ابْنِ مُوسَى الرِّضا عليه‌السلام بِطُوس، اءلا وَ مَنْ زارَهُ فَأ صابَهُ فى طَرى قِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّماءِ حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ. (517)

فرمود: اءهالى قم و اءهالى آبه يكى از روستاهاى حوالى ساوه آمرزيده هستند به جهت آنكه جدّم حضرت امام رضا عليه‌السلام را در شهر طوس زيارت مى كنند.

و سپس حضرت افزود: هر كه جدّم امام رضا عليه‌السلام را زيارت كند و در مسير راه صدمه و سختى تحمّل كند خداوند آتش را بر بدن او حرام مى گرداند.

451 عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ السَّكيتْ، قالَ: سَاءلْتُ أ بَاالْحَسَنِ الْهادي عليه‌السلام: ما بالُ الْقُرْآنِ لا يَزْدادُ عَلَى النَّشْرِ وَالدَّرْسِ إلاّ غَضاضَة ؟

قالَ عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ تَعالى لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمانٍ دُونَ زَمانٍ، وَلالِناسٍ دُونَ ناسٍ، فَهُوَ فى كُلِّ زَمانٍ جَديدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضُّ إلى يَوْمِ الْقِيامَةِ. (518)

يكى از اصحاب حضرت به نام ابن سِكيّت گويد: از امام هادى عليه‌السلام سئوال كردم : چرا قرآن ازدياد نمى يابد و كهنه و مندرس نمى شود، بلكه هميشه حالتى تازه و جديد در آن وجود دارد؟

امام عليه‌السلام فرمود: چونكه خداوند متعال قرآن را براى زمان خاصّى و يا طايفه اى مخصوص قرار نداده است بلكه براى تمام دورانها و تمامى اقشار مردم فرستاده است، به همين جهت هميشه حالت جديد و تازه اى دارد و براى جوامع بشرى تا روز قيامت قابل عمل و اجراء مى باشد.

452 قالَ عليه‌السلام : الْغَضَبُ عَلى مَنْ لا تَمْلِكُ عَجْزٌ، وَ عَلى مَنْ تَمْلِكَ لُؤْمٌ. (519)

فرمود: غضب و تندى در مقابل آنكه توان مقابله با او را ندارى، علامت عجز و ناتوانى است، ولى در مقابل كسى كه توان مقابله و رو در روئى او را دارى علامت پستى و رذالت است.

453 قالَ عليه‌السلام : يَاْتى عُلَماءُ شيعَتِنا الْقَوّامُونَ بِضُعَفاءِ مُحِبّينا وَ اءهْلِ وَلايَتِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ، وَالاْ نْوارُ تَسْطَعُ مِنْ تيجانِهِمْ. (520)

فرمود: علماء و دانشمندانى كه به فرياد دوستان و پيروان ما برسند و از آنها رفع مشكل نمايند، روز قيامت در حالى محشور مى شوند كه تاج درخشانى بر سر دارند و نور از آنها مى درخشد.

454 قالَ عليه‌السلام لِبَعْضِ قَهارِمَتِهِ: اسْتَثْكِرُوا لَنا مِنَ الْباذِنْجانِ، فَإنَّهُ حارُّ فى وَقْتِ الْحَرارَةِ، بارِدٌ فى وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِى الاْ وقاتِ كُلِّها، جَيِّدٌ عَلى كلِّ حالٍ. (521)

به بعضى از غلامان خود فرمود: بيشتر براى ما بادمجان پخت نمائيد كه در فصل گرما، گرم و در فصل سرما، سرد است.

و در تمام دوران سال معتدل مى باشد و در هر حالتى مفيد است.

455 قالَ عليه‌السلام : التَّسْريحُ بِمِشْطِ الْعاجِ يَنْبُتُ الشَّعْرَ فِى الرَّأ سِ، وَ يَطْرُدُ الدُّودَ مِنَ الدِّماغِ، وَ يُطْفِى ءُ الْمِرارَ، وَ يَتَّقِى اللِّثةَ وَ الْعَمُورَ. (522)

فرمود: شانه كردن موها به وسيله شانه عاج سبب روئيدن و افزايش موى سر مى باشد، همچنين سبب نابودى كرم هاى درون سر و مُخ خواهد شد و موجب سلامتى فكّ و لثه ها مى گردد.

456 قالَ عليه‌السلام : اُذكُرْ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ اءهْلِكَ لا طَبيبٌ يَمْنَعُكَ، وَ لا حَبيبٌ يَنْفَعُكَ. (523)

فرمود: بياد آور و فراموش نكن آن حالت و موقعى را كه در ميان جمع اعضاء خانواده و آشنايان قرار مى گيرى و لحظات آخر عمرت سپرى مى شود و هيچ پزشكى و دوستى و ثروتى نمى تواند تو را از آن حالت نجات دهد.

457 قالَ عليه‌السلام : إنَّ الْحَرامَ لايَنْمي، وَإنْ نَمى لا يُبارَكُ فيهِ، وَما اءَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ، وَ ما خَلَّفَهُ كانَ زادَهُ إلَى النّارِ. (524)

فرمود: همانا پول و ديگر اموال حرام رشد و نموّ ندارد و اگر هم احياناً رشد كند و زياد شود بركتى نخواهد داشت و با خوشى مصرف نمى گردد.

و آنچه را از اموال حرام انفاق و كمك كرده باشد اءجر و پاداشى برايش ‍ نيست و هر مقدارى كه براى بعد از خود بهر عنوان باقى گذارد معاقب مى گردد.

458 قالَ عليه‌السلام : اَلْحِكْمَةُ لا تَنْجَعُ فِى الطِّباعِ الْفاسِدَةِ. (525)

فرمود: حكمت اثرى در دلها و قلبهاى فاسد نمى گذارد.

459 قالَ عليه‌السلام : مَنْ رَضِىَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السّاخِطُونَ عَلَيْهِ. (526)

فرمود: هر كه از خود راضى باشد بدگويان او زياد خواهند شد.

460 قالَ عليه‌السلام : اَلْمُصيبَةُ لِلصّابِرِ واحِدَةٌ وَ لِلْجازِعِ اِثْنَتان. (527)

فرمود: مصيبتى كه بر كسى وارد شود و صبر و تحمّل نمايد تنها يك ناراحتى است ولى اگر فرياد و جزع كند دو ناراحتى خواهد داشت.

461 قالَ عليه‌السلام : اِنّ لِلّهِ بُقاعاً يُحِبُّ اءنْ يُدْعى فيها فَيَسْتَجيبُ لِمَنْ دَعاهُ، وَالْحيرُ مِنْها. (528)

فرمود: براى خداوند بقعه ها و مكانهائى است كه دوست دارد در آنها خدا خوانده شود تا آنكه دعاها را مستجاب گرداند كه يكى از آن بُقْعه ها حائر و حرم امام حسين عليه‌السلام خواهد بود.

462 قالَ عليه‌السلام : اِنّ اللّهَ هُوَ الْمُثيبُ وَالْمُعاقِبُ وَالْمُجازى بِالاَْعْمالِ عاجِلاً وَآجِلاً. (529)

فرمود: همانا تنها كسى كه ثواب مى دهد و عقاب مى كند، خداوند خواهد بود كه كارها را بلافاصله يا در آينده پاداش مى دهد.

463 قالَ عليه‌السلام : مَنْ هانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلا تَاءمَنْ شَرَّهُ. (530)

فرمود: هر كس به خويشتن اهانت كند و كنترل نفس نداشته باشد خود را از شرّ او در امان ندان.

464 قالَ عليه‌السلام : اَلتَّواضُعُ اءنْ تُعْطِى النّاسَ ما تُحِبُّ اءنْ تُعْطاهُ. (531)

فرمود: تواضع و فروتنى چنان است كه با مردم چنان كنى كه دوست دارى با تو آن كنند.

465 قالَ عليه‌السلام : اِنّ الْجِسْمَ مُحْدَثٌ وَاللّهُ مُحْدِثُهُ وَ مُجَسِّمُهُ. (532)

فرمود: همانا اجسام جديد و پديده هستند و خداوند متعال به وجود آورنده و تجسّم بخش آنها است.

466 قالَ عليه‌السلام : لَمْ يَزَلِ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَيْى ءٌ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الاَْشْياءَ بَديعاً، وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ اءحْسَنَ الاْ سْماء. (533)

فرمود: خداوند از أ زل تنها بود و چيزى با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفريده، و بهترين نامها را براى خود برگزيد.

467 قالَ عليه‌السلام : اِذا قامَ الْقائِمُ يَقْضى بَيْنَ النّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضاءِ داوُد عليه‌السلام وَ لا يَسْئَلُ الْبَيِّنَةَ. (534)

فرمود: زمانى كه حضرت حجّت (عجّ) قيام نمايد به علم خود در بين مردم قضاوت مى كند همانند حضرت داود عليه‌السلام، و از دليل و شاهد سئوال نمى فرمايد.

468 قالَ عليه‌السلام : مَنْ اَطاعَ الْخالِقَ لَمْ يُبالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقينَ. (535)

فرمود: هر كس مطيع و پيرو خدا باشد از قهر و كارشكنى ديگران باكى نخواهد داشت.

469 قالَ عليه‌السلام : اَلْعِلْمُ وَراثَةٌ كَريمَةٌ، وَالاْ دَبُ حُلَلٌ حِسانٌ، وَالْفِكْرَةُ مِرْآتٌ صافَيةٌ. (536)

فرمود: علم و دانش بهترين يادبود براى انتقال به ديگران است، اءدب زيباترين نيكى ها است و فكر و انديشه آئينه صاف و تزيين كننده اعمال و برنامه ها است.

470 قالَ عليه‌السلام : اِنّ اللّهَ اِذا اَرادَ بِعَبْدٍ خَيْراً اِذا عُوتِبَ قَبِلَ. (537)

فرمود: همانا اگر خداوند براى بنده اى خوبى بخواهد و در منگنه آزمايش ‍ قرار گيرد، رنج و مشقّتهايش را قبول مى نمايد.

471 قالَ عليه‌السلام : لا تُخَيِّبْ راجيكَ فَيَمْقَتُكَ اللّهُ وَ يُعاديكَ. (538)

فرمود: كسى كه به تو اميد بسته است نااميدش مگردان، وگرنه مورد غضب خداوند قرار خواهى گرفت.

472 قالَ عليه‌السلام : مَا اسْتَراحَ ذُو الْحِرْصِ. (539)

فرمود: شخص طمّاع و حريص نسبت به اموال و تجمّلات دنيا هيچگاه آسايش و استراحت نخواهد داشت.

473 قالَ عليه‌السلام : الْعِتابُ مِفْتاحُ التَّقالى، وَالْعِتابُ خَيْرٌ مِنَ الْحِقْدِ. (540)

فرمود: (مواظب باش كه) عتاب و پرخاش گرى مقدّمه و كليد غضب مى باشد، ولى در هر حال عتاب نسبت به كينه و دشمنى درونى بهتر است (چون كينه ضررهاى خطرناكترى را در بردارد).

474 قالَ عليه‌السلام : الْغِنى قِلَّةُ تَمَنّيكَ، وَالرّضا بِما يَكْفيكَ، وَ الْفَقْرُ شَرهُ النّفْسِ وَ شِدَّةُ الْقُنُوطِ، وَ الدِّقَّةُ إ تّباعُ الْيَسيرِ وَالنَّظَرُ فِى الْحَقيرِ. (541)

فرمود: بى نيازى و توانگرى در آن است كه كمتر آرزو و توقّع باشد و به آنچه موجود و حاضر است راضى و قانع گردى، وليكن فقر و تهيدستى در آن موقعى است كه آرزوهاى نفسانى اهميّت داده شود، امّا دقّت و توجّه به مسائل اهميّت دادن به امكانات موجود و مصرف و استفاده صحيح از آنها است گر چه ناچيز و كم باشد.

475 قالَ عليه‌السلام : الاْ مامُ بَعْدى الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقائِمُ الَّذى يَمْلاُْ الاْءرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً. (542)

فرمود: امام و خليفه بعد از من (فرزندم) حسن و بعد از او فرزندش مهدى موعود عليهما‌السلام مى باشد كه زمين را پر از عدل و داد مى نمايد همانطورى كه پر از ظلم و ستم گشته باشد.

476 قالَ عليه‌السلام : إذا كانَ زَمانُ الْعَدْلِ فيهِ أ غْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرامٌ أ نْ نَظُنَّ بِأ حَدٍ سُوءاً حَتّى يُعْلَمَ ذالِكَ مِنْهُ. (543)

فرمود: در آن زمانى كه عدالت اجتماعى حاكم و غالب بر تباهى باشد، نبايد به شخصى بد گمان بود مگر آن كه يقين و معلوم باشد.

477 قالَ عليه‌السلام : إنَّ لِشيعَتِنا بِوِلايَتِنا لَعِصْمَةٌ، لَوْ سَلَكُوا بِها فى لُجَّةِ الْبِحارِ الْغامِرَةِ. (544)

فرمود: همانا ولايت ما اهل بيت براى شيعيان و دوستانمان پناهگاه أ منى مى باشد كه چنانچه در همه امور به آن تمسّك جويند بر تمام مشكلات (مادّى و معنوى) فايق آيند.

478 قالَ عليه‌السلام : يا داوُدُ لَوْ قُلْتَ اءنَّ تارِكُ التَّقيَّةِ كَتارِكِ الصَّلاةِ لَكُنْتَ صادِقاً. (545)

به يكى از اصحابش به نام داود صرّمى فرمود: اگر قائل شوى كه تارك تقيّه همانند تارك نماز است صادق خواهى بود.

479 قالَ عليه‌السلام : سَأ لْتُهُ عَنِ الْحِلْمِ؟ هُوَ أ نْ تَمْلِكَ نَفْسَكَ وَ تَكْظِمَ غَيْظَكَ، وَ لا يَكُونُ ذلِكَ إلاّ مَعَ الْقُدْرَةِ. (546)

يكى از اصحاب از آن حضرت پيرامون معناى حلم سئوال نمود، در پاسخ فرمود: اينكه در هر حال مالك نفس خود باشى و خشم خود را فرو برى و خاموش كنى و اين تحمّل و بردبارى در حالتى باشد كه توان مقابله با شخصى را داشته باشى.

480 قالَ عليه‌السلام : اِنّ اللّهَ جَعَلَ الدّنيا دارَ بَلْوى وَالاْخِرَةَ دارَ عُقْبى، وَ جَعَلَ بَلْوى الدّنيا لِثوابِ الاْخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوابَ الاْخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدّنيا عِوَضاً. (547)

فرمود: همانا خداوند دنيا را جايگاه بلاها و امتحانات و مشكلات قرار داد، و آخرت را جايگاه نتيجه گيرى زحمات، پس بلاها و زحمات و سختى هاى دنيا را وسيله رسيدن به مقامات آخرت قرار داد و أ جر و پاداش عطا مى فرمايد.

## خلاصه حالات سيزدهمين معصوم يازدهمين امام حضرت امام حسن عسكرى عليه‌السلام

ولادت با سعادت آن حضرت طبق مشهور در روز دوشنبه يا جمعه، هشتم ربيع الثانى، سال 232 هجرى قمرى (548) در شهر مدينه منوّره واقع شده است كه در آن هنگام پدر بزرگوارش طبق نقلى در سنين 26 سالگى بوده است.

نام : حسن (549) صلوات اللّه و سلامه عليه.

كنيه : ابومحمّد.

لقب : عسكرى، صامت، هادى، زكىّ، تقىّ، رفيق، خالص، سراج، ابن الرضا، سراج بنى هاشم و...

پدر: امام علىّ هادى، فقيه أ هل البيت، صلوات اللّه عليهم أ جمعين.

مادر: سه اسم براى مادر حضرت گفته شده اند: سوسن، حديث، سليل، مُكنّى به امّ ولد، او از زنهاى عارف و صالح بوده است.

نقش انگشتر: «سُبْحانَ مَنْ لَهُ مَقاليدُ السَّمواتِ والاْ رْضِ»، «إنَّ اللّهَ شَهيدٌ».

دربان : عثمان بن سعيد عَمرى و پسرش محمّد بن عثمان عَمرى.

امام حسن عسكرى عليه‌السلام همچون پدر بزرگوارش در موقعيّتى حسّاس و خطرناك بلكه شديدتر قرار داشت، مخصوصاً كه بنا بود آخرين حجّت خداوند متعال و دوازدهمين خليفه بر حقّ رسول گرامى اسلام، يعنى مهدى موعود عجّل اللّه فرجه الشّريف از نسل او به دنيا آيد.

به همين جهت حكومت وقت تمام مأ مورين خود را (از زن و مرد) به شكلهاى مختلفى بسيج كرده بود تا تمام حركات حضرت را كنترل و زير نظر داشته باشند.

ولى براى آنكه افكار عمومى خدشه دار نشود، بر اساس سياست حيله گرانه خلفاء بنى العبّاس، در موقعيّتهاى خاصّى به طور رياكارانه حضرت را مورد نوعى احترام قرار مى دادند كه در نهايت به جهت عقده ها و كينه هاى درونى خود، آن حضرت را به وسيله زهر مسموم و شهيد كردند.

و چون عمر شريف آن حضرت يا در زندان و با بازداشتگاه و تحت نظر مأ مورين، سپرى گرديد و تمام رفت و آمدهاى حضرت را در كنترل خود داشتند، كلمات و فرمايشات آن حضرت همچون پدر بزرگوارش، نسبت به ديگر ائمّه عليهم‌السلام در كُتب تاريخ و حديث كمتر به چشم مى خورد.

مدّت إ مامت : بنا بر مشهور، روز سوّم ماه رجب، سال 254 هجرى قمرى پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و ولايت نائل آمد و حدود پنج سال و هشت ماه امامت و هدايت جامعه را عهده دار بود.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت 23 سال در حيات پدر بزرگوارش، همچنين پنج سال و هشت ماه پس از شهادت پدر، ادامه حيات نمود و در مجموع حدود 29 سال عمر پربركت آن حضرت را گفته اند.

شهادت : همچنين در روز شهادت آن حضرت بين مورّخين و محدّثين اختلاف است ولى مشهور گفته اند: شهادت آن حضرت روز جمعه، پس از نماز صبح، هشتم ربيع الاوّل، سال 260 هجرى قمرى (550) واقع شده است.

حضرت سلام اللّه عليه در زمان حكومت معتمد عبّاسى به وسيله زهر توسط معتمد مسموم و پس از شهادت در منزل خودش كنار پدر بزرگوارش ‍ امام علىّ هادى عليه‌السلام دفن گرديد.

فرزندان : آن حضرت هنگام شهادت تنها داراى يك فرزند پسر بوده است كه همنام و هم كنيه با پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله مى باشد.

خلفاء: امامت آن حضرت با حكومت معتّز، مهتدى، معتمد مصادف شده است.

نماز امام حسن عسكرى عليه‌السلام : دو ركعت است، در هر ركعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه سوره توحيد خوانده شود (551) و پس از آخرين سلام، تسبيحات حضرت زهراء عليها‌السلام گفته شود و سپس نيازها و حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال درخواست نمايد.

## چهل حديث گهربار، از حضرت امام حسن عسكرى عليه‌السلام

481 قالَ الا مامُ أ بُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرى صَلَواتُ اللّهِ و سَلامُهُ عَلَيْهِ:

إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وَ تَعالى بَيَّنَ حُجَّتَهُ مِنْ سائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَىْءٍ، وَ يُعْطِيَهُ اللُّغاتِ، وَمَعْرِفَةُ الاْ نْسابِ وَالاَّْجالِ وَالْحَوادِثِ، وَلَوْلا ذلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقٌ. (552)

فرمود: همانا خداوند متعال حجّت و خليفه خود را براى بندگانش الگو و دليلى روشن قرار داد، همچنين خداوند حجّت خود را ممتاز گرداند و به تمام لغتها و اصطلاحات قبائل و اقوام آشنا ساخت.

و او أ نساب همه را مى شناسد و از نهايت عمر انسانها و موجودات و نيز جريات و حادثه ها آگاهى كامل دارد و چنانچه اين امتياز وجود نمى داشت، بين حجّت خدا و بين ديگران فرقى نبود.

482 قال عليه‌السلام : عَلامَةُ الاْ يمانِ خَمْسٌ: التَّخَتُّمُ بِالْيَمينِ، وَ صَلاةُ إ حْدى وَ خَمْسينَ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم، وَالتَّعْفيرُ لِلْجَبين، وَ زِيارَةُ الاْ رْبَعينَ. (553)

فرمود: علامت و نشانه ايمان پنج چيز است : انگشتر به دست راست داشتن، خواندن پنجاه و يك ركعت نماز واجب و مستحبّ، بلند خواندن «بسم اللّه الرّحمن الرّحيم» در نماز ظهر و عصر پيشانى را در حال سجده روى خاك نهادن، زيارت أ ربعين امام حسين عليه‌السلام انجام دادن.

483 قال عليه‌السلام : لَيْسَتِ الْعِبادُةُ كَثْرَةُ الصّيامِ وَالصَّلاةِ، وَ إنَّمَا الْعِبادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكَّرِ في أ مْرِ اللّهِ. (554)

فرمود: عبادت در زياد انجام دادن نماز و روزه نيست، بلكه عبادت بايد در - ضمن تفكّر و انديشه در قدرت بى منتهاى خداوند در امور مختلف باشد.

484 قال عليه‌السلام : خَصْلَتانِ لَيْسَ فَوْقَهُما شَىٍّْءٌ: الاْ يمانُ بِاللّهِ، وَنَفْعُ الاْ خْوانِ. (555)

فرمود: دو خصلت و حالتى كه والاتر از آن چيز ديگرى نمى باشد عبارتند از: ايمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنايان.

485 قال عليه‌السلام : قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً، مُؤْمِنُهُمْ وَ مُحالِفُهُمْ، أ مَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسِطُ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَ أ مَّا الْمُخالِفُونَ فَيُكَلِمُهُمْ بِالْمُداراةِ لاِجْتِذابِهِمْ إلَى الاْ يِمانِ. (556)

فرمود: با دوست و دشمن خوش گفتار و خوش برخورد باشيد، امّا با دوستان مؤمن به عنوان يك وظيفه كه بايد هميشه نسبت به يكديگر با چهره اى شاداب برخورد نمايند، امّا نسبت به مخافلين به جهت مدارا و جذب به اسلام و احكام آن.

486 قال عليه‌السلام : إنَّ مُداراةَ أَعْداءِ اللّهِ مِنْ أ فْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلى نَفْسِهِ و إ خْوانِهِ. (557)

فرمود: مدارا و سازش با دشمنان خدا و دشمنان أ هل بيت عليهم‌السلام در حال تقيّه بهتر است از هر نوع صدقه اى كه انسان براى خود بپردازد.

487 قال عليه‌السلام : اللِّحاقُ بِمَنْ تَرْجُو خَيْرٌ مِنَ المُقامِ مَعَ مَنْ لا تَأْمَنُ شَرَّهُ. (558)

فرمود: تداوم دوستى و معاشرت با كسى كه احتمال دارد سودى برايت داشته باشد، بهتر است از كسى كه محتمل است شرّجانى، مالى، دينى و... برايت داشته باشد.

488 قال عليه‌السلام : إ يّاكَ وَ الاِْ ذاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّئاسَةِ، فَاِنّهُما يَدْعُوانِ اِلَى الْهَلَكَةِ. (559)

فرمود: مواظب باش از اينكه بخواهى شايعه و سخن پراكنى نمائى و يا اينكه بخواهى دنبال مقام و رياست باشى و تشنه آن گردى چون كه هر دوى آنها انسان را هلاك خواهند كرد.

489 قال عليه‌السلام : حُسْنُ الصُّورَةِ جَمالٌ ظاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمالٌ باطِنٌ. (560)

فرمود: نكوئى شكل و قيافه يك نوع زيبائى و جمال ظاهر انسان مى باشد و نكو بودن عقل و درايت يك نوع زيبائى و جمال درونى انسان خواهد بود.

490 قال عليه‌السلام : مَنْ وَعَظَ أ خاهُ سِرّاً فَقَدْ زانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلانِيَةً فَقَدْ شانَهُ. (561)

فرمود: هر كس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه كند، او را زينت بخشيده است و چنانچه نصيحت علنى و آشكار باشد سبب ننگ و تضعيف او گشته است.

491 قال عليه‌السلام : مَنْ لَمْ يَتَّقِ وُجُوهَ النّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللّهَ. (562)

فرمود: كسى كه در مقابل مردم بى باك باشد و رعايت مسائل اخلاقى و حقوقى مردم را نكند، تقواى الهى را نيز رعايت نمى كند.

492 قال عليه‌السلام : ما أ قْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أ نْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ. (563)

فرمود: قبيح ترين و زشت ترين حالت و خصلت براى مؤمن آن حالتى است كه داراى آرزوئى باشد كه سبب ذلّت و خوارى او گردد.

493 قال عليه‌السلام : خَيْرُ إ خْوانِكَ مَنْ نَسَبَ ذَنْبَكَ إ لَيْهْ. (564)

فرمود: بهترين دوست و برادر آن فردى است كه خطاهاى تو را به عهده گيرد و خود را مقصّر بداند.

494 قال عليه‌السلام : ما تَرَكَ الْحَقَّ عَزيزٌ إلاّ ذَلَّ، وَلا أ خَذَ بِهِ ذَليلٌ إلاّ عَزَّ. (565)

فرمود: حقّ و حقيقت را هيچ صاحب مقام و عزيزى ترك و رها نكرد مگر آنكه ذليل و خوار گرديد، همچنين هيچ شخصى حقّ را به اجراء در نياورد مگر آنكه عزيز و سربلند شده است.

495 قال عليه‌السلام : مِنَ الْفَواقِرِ الّتى تَقْصِمُ الظَّهْرَ جارٌ إنْ رأ ى حَسَنَةً أ طْفَأ ها وَ إنْ رَأ ى سَيِّئَةً أ فْشاها. (566)

فرمود: يكى از مصائب و ناراحتيهاى كمرشكن همسايه اى است كه اگر به او احسان و خدمتى شود آنرا پنهان و مخفى مى دارد و اگر ناراحتى و اذيّتى متوجّه اش گردد آنرا علنى و آشكار سازد.

496 قال عليه‌السلام لِشيعَتِهِ: أ وُصيكُمْ بِتَقْوَى اللّهِ وَالْوَرَعِ فى دينِكُمْ وَالاْ جْتِهادِ لِلّهِ، وَ صِدْقٍ الْحَديثِ، وَأ داءِ الاْ مانَةِ إلى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بِرٍّ أ وْ فاجِرٍ، وَ طُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوارِ. (567)

به شيعيان و دوستان خود فرمود: تقواى الهى را پيشه كنيد و در امور دين ورع داشته باشيد، در تقرّب به خداوند كوشا باشيد و در صحبتها صداقت نشان دهيد، هر كس امانتى را نزد شما نهاد آنرا سالم تحويلش دهيد، سجده هاى خود را در مقابل خداوند طولانى كنيد و به همسايگان خوشرفتارى و نيكى نمائيد.

497 قال عليه‌السلام : مَنْ تَواضَعَ فِى الدُّنْيا لاِ خْوانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللّهِ مِنْ الصِدّيقينَ، وَمِنْ شيعَةِ علىّ بْنِ أ بى طالِبٍ عليه‌السلام حَقّاً. (568)

فرمود: هر كس در دنيا در مقابل دوستان و همنوعان خود تواضع و فروتنى نمايد، در پيشگاه خداوند در زُمره صِدّيقين و از شيعيان امام علىّ عليه‌السلام خواهد بود.

498 قال عليه‌السلام : إنَّهُ يُكْتَبُ لِحُمَى الرِّبْعِ عَلى وَرَقَةٍ، وَ يُعَلِّقُها عَلَى الْمَحْمُومِ: «يا نارُكُونى بَرْداً»، فَإنَّهُ يَبْرَءُ بِإ ذْنِ اللّهِ. (569)

فرمود: كسى كه ناراحتى تب و لرز دارد، اين آيه شريفه قرآن «سوره أ نبياء آيه 69» را روى كاغذى بنويسيد و بر گردن او آويزان نمائيد تا با اذن خداوند متعال بهبود يابد.

499 قال عليه‌السلام : أ كْثِرُوا ذِكْرَ اللّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ، وَ تَلاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلاةَ عَلى النَّبىِّ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإنَّ الصَّلاةَ عَلى رَسُولِ اللّهِ عَشْرُ حَسَناتٍ. (570)

فرمود: ذكر و ياد خداوند متعال، همچنين مرگ و حالات آن را، تلاوت و تدبّر قرآن را، صلوات و درود فرستادن بر حضرت رسول و اهل بيتش عليهم‌السلام را زياد و بطور مكرّر انجام دهيد، پس به درستى كه پاداش صلوات بر آنها ده حسنه و ثواب بيشتر خواهد بود.

500 قال عليه‌السلام : إنَّكُمْ فى آجالِ مَنْقُوصَةٍ وَأ يّامٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأ تي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ شَرّاً يَحْصَدُ نِدامَةً. (571)

فرمود: همانا شما انسانها در يك مدّت و مهلت كوتاهى بسر مى بريد كه مدّت زمان آن حساب شده و معيّن مى باشد و مرگ ناگهان و بدون اطّلاع قبلى وارد مى شود و شخص را مى ربايد، پس متوجّه باشيد كه هر كس هر مقدار در عبادت و بندگى و انجام كارهاى نيك تلاش كند فرداى قيامت غبطه مى خورد كه چرا بيشتر انجام نداده است و كسى كه كار خلاف و گناه انجام دهد پشيمان و سرافكنده خواهد بود.

501 قال عليه‌السلام : إ نّ الْوُصُولَ إلَى اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَفَرٌ لايُدْرَكُ إلاّبِامْتِطا ءِ اللَّيْلِ. (572)

فرمود: همانا رسيدن به خداوند متعال و مقامات عاليه يك نوع سير و سفرى است كه حاصل نمى شود مگر با شب زنده دارى - و تلاش در عبادت و جلب رضايت او در امور مختلف.

502 قال عليه‌السلام : الْمَقاديرُ الْغالِبَةِ لاتُدَفَعُ بُالْمُغالَبَةِ، وَالاْ رْزاقُ الْمَكْتُوبَةِ لاتُنالُ بِالشَّرَةِ، وَلاتُدَفَعُ بِالاْ مْساكِ عَنْها. (573)

فرمود: مقدّراتى كه در انتظار ظهور مى باشد با زرنگى و تلاش از بين نمى رود و آنچه مقدّر باشد خواهد رسيد، همچنين ارزاق هر كس ثبت و تعيين شده است كه با رعايت شرايطى هر كس سهم خود را دريافت خواهد كرد.

503 قال عليه‌السلام : لا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ. (574)

فرمود: مواظب باش طلب روزى و هزينه ها كه از طرف خداوند متعال تضمين شده تو را از كار و اعمال واجب باز ندارد. يعنى مواظب باش كه به جهت تلاش و كار بيش از حدّ نسبت به واجبات سُست و سهل انگار نباشى.

504 قال عليه‌السلام : الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكافِرِ. (575)

فرمود: وجود شخص مؤمن براى ديگر مؤمنين بركت و سبب رحمت مى باشد و نسبت به كفّار و مخالفين حجّت و دليل است.

505 قال عليه‌السلام : قَلْبُ الاْ حْمَقِ فى فَمِهِ، وَفَمُ الْحَكيمِ فى قَلْبِهِ. (576)

فرمود: تفكّر و انديشه أ حمق در دهان اوست، وليكن تفكّر و سخن عاقل در درون او مى باشد. يعنى افراد أ حمق اوّل حرف مى زنند و سپس در جهت سود و زيان آن فكر مى كنند، بر خلاف عاقل كه بدون فكر سخن نمى گويد.

506 قال عليه‌السلام : جُرْأ ةُ الْوَلَدِ عَلى والِدِهِ في صِغَرِهِ تَدْعُو إلَى الْعُقُولِ فى كِبَرِهِ. (577)

فرمود: رو پيدا كردن و جريئى شدن فرزند هنگام طفوليّت در مقابل پدر، سبب مى شود كه در بزرگى مورد نفرين و غضب پدر قرار گيرد.

507 قال عليه‌السلام : أ جْمِعْ بَيْنَ الصَّلاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، تَرى ما تُحِبُّ. (578)

فرمود: نماز ظهر و عصر را دنباله هم در اوّل وقت انجام ده، كه در نتيجه آن فقر و تنگدستى از بين مى رود و به مقصود خود خواهى رسيد.

508 قال عليه‌السلام : أ وْرَعُ النّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهةِ، أ عْبَدُ النّاسِ مَنْ أ قامَ الْفَرائِضَ، أ زْهَدُ النّاس مَنْ تَرَكَ الْحَرامَ، أ شَدُّ النّاسِ اجْتِهاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ. (579)

فرمود: پارساترين مردم آن كسى است كه از موارد گوناگون شبهه و مشكوك اجتناب و دورى نمايد. عابدترين مردم آن شخصى است كه قبل از هر چيز، واجبات الهى را انجام دهد. زاهدترين انسانها آن فردى است كه موارد حرام و خلاف را مرتكب نشود. قويترين اشخاص آن شخصى است كه گناهان و خطاها را در هر حالتى ترك نمايد.

509 قال عليه‌السلام : لا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إلاَّ الشّاكِرُ، وَلا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إلاَّ الْعارِفُ. (580)

فرمود: كسى قدر نعمتى را نمى داند مگر آنكه شكرگزار باشد و كسى نمى تواند شكر نعمتى را انجام دهد مگر آنكه اهل معرفت و شناخت باشد.

510 قال عليه‌السلام : مِنَ الذُّنُوبِ الَّتى لا يُغْفَرُ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَيْتَنى لاأُؤ اخِذُ إلاّ بِهذا. (581)

فرمود: بعضى از گناهانى كه آمرزيده نمى شود: كارى است كه شخصى انجام دهد و بگويد: اى كاش فقط بهمين خلاف عقاب مى شدم يعنى گناه در نظرش ناچيز و ضعيف باشد -.

511 قال عليه‌السلام : بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذا وَجْهَيْنِ وَ ذالِسانَيْنِ، يَطْرى أ خاهُ شاهِداً وَ يَأ كُلُهُ غائِباً، إنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَ إنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ. (582)

فرمود: بد آدمى است آنكه داراى دو چهره و دو زبان مى باشد، دوست و برادرش را در حضور تعريف و تمجيد مى كند و در غياب، پشت سر او بدگوئى و مذمّت مى نمايد كه همانند خوردن گوشتهاى بدن او محسوب مى شود.

چنين شخص دو چهره اگر دوستش در آسايش و رفاه باشد حسادت مى ورزد و اگر در ناراحتى و سختى باشد زخم زبان مى زند.

512 قال عليه‌السلام : مِنَ التَّواضُعِ السَّلامُ عَلى كُلِّ مَنْ تَمُرُّ بِهِ، وَالْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ. (583)

فرمود: يكى از نشانه هاى تواضع و فروتنى آنست كه بهر كس برخورد نمائى سلام كنى و در هنگام ورود به مجلس هر كجا جا بود بنشينى نه آنكه به زور و زحمت براى ديگران جائى را براى خود باز كنى -.

513 قال عليه‌السلام : مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللّهُ وَ مَلائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتّى يَقُومَ. (584)

فرمود: كسى كه در مجلسى وارد شود و اوّل مجلس را براى نشستن انتخاب كند - كه بر ديگران ايجاد مزاحمت نباشدخداوند متعال و ملائكه تا هنگام خروجش از آن مجلس برايش تحيّت و درود مى فرستند.

514 قال عليه‌السلام : لاتُمارِ فَيَذْهَبُ بَهاؤُكَ، وِلا تُمازِحُ فَيُجْتَرَأُ عَلَيْكَ. (585)

فرمود: با كسى جدال و نزاع نكن كه بهاء و ارزش خود را از دست مى دهى، با كسى شوخى و مزاح ناشايسته و بى مورد نكن وگر نه افراد بر تو جريئى و چيره خواهند شد.

515 قال عليه‌السلام : مَنْ آثَرَ طاعَةَ أ بَوَىْ دينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلي عَلَيْهِمَاالسَّلام عَلى طاعَةِ أ بَوَىْ نَسَبِهِ، قالَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ: لاَُؤَ ثِّرَنَّكَ كَما آثَرْتَنى، وَلاَُشَرِّفَنَّكَ بِحَضْرَةِ أ بَوَىْ دينِكَ كَما شَرَّفْتَ نَفسَكَ بِإ يثارِ حُبِّهُما عَلى حُبِّ أ بَوَىْ نَسَبِكَ. (586)

فرمود: كسى كه مقدّم دارد طاعت و پيروى پيغمبر اسلام حضرت محمّد و اميرالمؤمنين امام علىّ صلوات اللّه عليهما را بر پيروى از پدر و مادر جسمانى خود، خداوند متعال خطاب مى نمايد: همانطورى كه دستورات مرا بر هر چيزى مقدّم داشتى تو را در خيرات و بركات مقدّم مى دارم و تو را همنشين پدر و مادر دينى يعنى حضرت رسول و امام علىّ عليهما‌السلام مى گردانم، همانطوريكه علاقه و محبّت عملى و اعتقادى خود را نسبت به آنها بر هر چيزى مقدّم داشتى.

516 قال عليه‌السلام : لَيْسَ مِنَ الاْ دَبِ إ ظْهارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ. (587)

فرمود: از ادب و اخلاق انسانى و اسلامى نيست كه در حضور شخص ‍ مصيبت ديده و غمگين اظهار شادى و سرور كنى.

517 قال عليه‌السلام : مَنْ كانَ الْوَرَعُ سَجّيَتُهُ، وَالْكَرَمُ طَبيعَتُهُ، وَالْحِلْمُ خُلَّتَهُ، كَثُرَ صديقُهُ وَالثَّناءُ عَلَيْهِ. (588)

فرمود: هر كس ورع در روش زندگيش باشد، بزرگوارى و سخاوت عادت او باشد، صبر و بردبارى برنامه اش باشد، دوستانش زياد و تعريف كنندگانش ‍ بسيار خواهندبود.

518 قال عليه‌السلام : أ عْرَفُ النّاسِ بِحُقُوقِ إ خْوانِهِ، وَأ شَدُّهُمْ قَضاءً لَها، أ عْظَمُهُمْ عِنْدَاللّهِ شَأ ناً. (589)

فرمود: هر كس حقوق همنوعان خود را بشناسد و رعايت كند و مشكلات و نيازمنديهاى آنها را برطرف نمايد، در پيشگاه خداوند داراى عظمت و موقعيّت خاصّى خواهد بود.

519 قال عليه‌السلام : اِتَّقُواللّهُ وَكُونُوا لَنا زِيْناً وَلاتَكُونُوا شَيْناً، جُرُّوا إ لَيْنا كُلَّ مَوَّدَةٍ، وَادْفَعُوا عَنّا كُلَّ قَبيحٍ، فَإنَّهُ ما قيلَ فينا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أ هْلُهُ، وَ ما قيلَ فينا مِنْ سُوءٍ فَما نَحْنُ كَذلِكَ. (590)

فرمود: تقواى الهى را در همه امور رعايت كنيد، و زينت بخش ما اهل بيت باشيد و مايه ننگ ما قرار نگيريد، سعى كنيد محبّت و علاقه افراد را نسبت به ما جذب كنيد و زشتيها را از ما دور نمائيد. درباره ما آنچه از خوبيها بگويند صحيح است و ما هيچگونه عيب و نقصى نخواهيم داشت.

520 قال عليه‌السلام : يَأ تي عُلَماءُ شيعَتِنَاالْقَوّامُونَ لِضُعَفاءِ مُحِبّينا وَ أ هْلِ وِلايَتِنا يَوْمُ الْقِيامَةِ، وَالاْ نْوارُ تَسْطَعُ مِنْ تيجانِهِمْ عَلى رَأ سِ كُلِّ واحِدٍ مِنْهُمْ تاجُ بَهاءٍ، قَدِ انْبَثَّتْ تِلْكَ الاْ نْوارُ فى عَرَصاتِ الْقِيامَةِ وَ دُورِها مَسيرَةَ ثَلاثِمْائَةَ أ لْفِ سَنَةٍ. (591)

فرمود: آن دسته از علماء شيعيان ما كه در هدايت و رفع مشكلات دوستان و علاقمندان ما، تلاش كرده اند، روز قيامت در حالتى وارد صحراى محشر مى شوند كه تاج كرامت بر سر نهاده و نورشان همه جا را روشنائى مى بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره مند خواهند شد.

## خلاصه حالات چهاردهمين معصوم دوازدهمين امام حجة بن الحسن العسكرى عليه‌السلام

آن حضرت نزديك طلوع فجر روز جمعه، نيمه شعبان، سال 254 هجرى قمرى (592) در شهر سامراء به طور مخفى و پنهان از ديد عموم، پا بعرصه وجود نهاد.

نام : م ح م م د (593) صلوات اللّه و سلامه عليه، و عجّل اللّه تعالى فى فرجه الشريف (594).

كنيه : ابوالقاسم، ابوجعفر و...

لقب : بيش از نهصد لقب براى حضرتش ذكر كرده اند كه در كتب مختلف موجود مى باشد. از آن جمله است : مهدى، حجّت، منتقم، بقية اللّه الاءعظم، قائم آل محمد، صاحب الزمان و...

پدر: امام حسن عسكرى عليه‌السلام.

مادر: به نامهاى نرجس، ريحانه، صيقل، سوسن معروف است.

نقش انگشتر: «أ نَا حُجَّةُاللّهِ وَ خاصَّتُهُ».

دربان : چهار نفر به نامهاى عثمان بن سعيد، محمدبن عثمان، حسين بن روح، علىّ بن محمّد سمرى، در غيبت صغرى وكالت و وساطت حضرت را بر عهده داشتند.

جريان ولادت آن حضرت همانند حضرت موسى عليه‌السلام در كنار كاخ طاغوت زمان، مخفى و پنهان از ديد جاسوسها و عموم مردم انجام گرفت.

حضرت داراى دو غيبت بوده است يكى صغرى كه حدود هفتاد و پنج سال بطول انجاميد و ديگرى غيبت كبرى مى باشد كه تقريبا از سال 330 هجرى قمرى شروع شد.

و از آن زمان به بعد براى حضرت وكيل و نائب خاصّى معيّن و معرّفى نشده است بلكه مجتهدين جامع الشّرايط به عنوان وكيل و نائب عامّ امور جامعه را بر عهده داشته و دارند.

آن حضرت در همين جامعه بين افراد رفت و آمد و در مجالس به صورت ناشناس شركت مى نمايد و همه را مى بيند و شاهد اعمال همگان خواهد بود، ولى ديگران هم گرچه او را مى بينند امّا شخص حضرتش را نمى شناسند كه كدام يك از اشخاص مى باشد.

افراد بسيارى در غيبت كبرى به محضر مباركش شرفياب شده اند و كسب فيض كرده اند.

علائم و نشانه هاى متعدّد و گوناگونى جهت ظهور و قيام آن حضرت توسط معصومين ( عليهم‌السلام) بيان شده است كه در كتابهاى اهل سنّت و شيعه مذكور است.

وقتى حضرت در مكه معظّمه ظهور نمايد، 313 نفر اصحاب و فرماندهان او از اطراف و شهرهاى مختلف در كنار كعبه الهى جمع شوند و در دست هر كدام شمشيرى خواهد بود.

و سپس منادى بين زمين و آسمان گويد: اين مهدى موعود است كه ظهور كرده و به شيوه حضرت داود و سليمان ( عليهما‌السلام) قضاوت خواهد نمود و بيّنه و شاهد لازم ندارد.

طبق آنچه در روايات آمده است حكومت آن حضرت بين هفت تا نه سال به طول خواهد انجاميد.

مدّت امامت : حضرت بنابر مشهور، روز جمعه، نهم ربيع الاوّل سال 260 هجرى قمرى پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنين پنج سالگى به منصب عظمى و والاى امامت و خلافت نائل گرديد.

و از آن زمان تا كنون حدود 1158 سال مى باشد و در آينده تا هر لحظه كه خداوند متعال اراده نمايد امامت و هدايت جامعه را به عهده خواهد داشت.

مدّت عمر: حدود پنج سال همزمان با پدر بزرگوارش امام حسن عسگرى عليه‌السلام و پس از آن تا اين زمان كه رويهم 1163 سال عمر پربركت آن حضرت مى باشد و در آينده تا هر زمان كه خداوند بخواهد تداوم خواهد يافت.

نماز امام زمان عليه‌السلام دو ركعت است، در هر ركعت سوره حمد يك مرتبه و چون به جمله «إ يّاك نعبد و ايّاك نستعين» برسد، صد مرتبه آن را تكرار نمايد و يك مرتبه سوره توحيد خوانده شود.

همچنين هر يك از ذكر ركوع و سجود را هفت مرتبه بگويد.

و چون سلام نماز دهد تسبيح حضرت زهراء عليها‌السلام را بگويد و در بعضى عبارات آمده است كه بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و بعد از آن حوائج مشروعه خود را از خداوند طلب نمايد. (595)

## چهل حديث گهربار، از امام زمان، حضرت مهدى، عليه‌السلام

قال الا مام المهدي صاحب العصر عجّل اللّه تعالى فرجه :

521 الَّذى يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ اءنْ تَقُولُوا: إ نّا قُدْوَةٌ وَاءئِمَّةٌ وَخُلَفاءُاللّهِ فى اءرْضِهِ، وَاُمَناؤُهُ عَلى خَلْقِهِ، وَحُجَجُهُ فى بِلادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلالَ وَالْحَرامَ، وَ نَعْرِفُ تَاءْويلَ الْكِتابِ وَ فَصْلَ الْخِطابِ. (596)

فرمود: بر شما واجب است و به سود شما مى باشد كه معتقد باشيد براينكه ما اهل بيت رسالت، محور و اءساس امور، پيشوايان هدايت و خليفه خداوند متعال در زمين هستيم.

همچنين اءمين خداوند بر بندگانش و حجّت او در جامعه خواهيم بود، حلال و حرام را مى شناسيم، تاءويل و تفسير آيات قرآن را عارف و آشنا هستيم.

522 - قال عليه‌السلام : اءنَاخاتَمُ الاَْوْصِياءِ، بى يَدْفَعُ الْبَلاءُ عَنْ اءهْلى وَ شيعَتى. (597)

فرمود: من آخرين وصيّ پيغمبر خدا هستم، به وسيله من بلاها و فتنه ها از آشنايان و شيعيانم دفع و برطرف خواهد شد.

523 قال عليه‌السلام : اءمَّاالْحَوادِثُ الْواقِعَةُ فَارْجِعُوا فيها إلى رُواةِ حَديثِنا (اءحاديثِنا)، فَإنَّهُمْ حُجَّتي عَلَيْكُمْ وَاءنَا حُجَّةُاللّهِ عَلَيْكُمْ. (598)

فرمود: جهت حلّ مشكلات و حوادث - امور سياسى، عبادى، اقتصادى، نظامى، فرهنگى، اجتماعى و... - به راويان حديث و فقهاء مراجعه كنيد كه آنها در زمان غيبت خليفه و حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوند بر ايشان مى باشم.

524 قال عليه‌السلام : الحَقُّ مَعَنا، فَلَنْ يُوحِشَنا مَنْ قَعَدَعَنّا، وَنَحْنُ صَنائِعُ رَبِّنا. (599)

فرمود: حقانيّت و واقعيّت با ما اهل بيت رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله مى باشد و كناره گيرى عدّه اى از ما، هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، بلكه ما مجريان و مبلّغان دستورات الهى هستيم.

525 - قال عليه‌السلام : إنَّ الْجَنَّةَ لاحَمْلَ فيها لِلنِّساءِ وَلاوِلادَةَ، فَإ ذَااشْتَهى مُؤْمِنٌ وَلَدا خَلَقَهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيرِ حَمْلٍ وَلاوِلادَةٍ عَلَى الصُّورَةِالَّتى يُريدُ كَما خَلَقَ آدَمَ عليه‌السلام عِبْرَةً. (600)

فرمود: همانا بهشت جايگاهى است كه در آن آبستن شدن و زايمان براى زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنى آرزوى فرزند نمايد، خداوند متعال بدون جريان حمل و زايمان، فرزند دلخواهش را به او مى دهد همانطورى كه حضرت آدم عليه‌السلام را آفريد.

526 - قال عليه‌السلام : لايُنازِعُنا مَوْضِعَهُ إلاّ ظالِمٌ آثِمٌ، وَلا يَدَّعيهِ إلاّج احِدٌ كافُرٌ. (601)

فرمود: كسى با ما در رابطه با مقام ولايت و امامت مشاجره و منازعه نمى كند مگر آنكه ستمگر و معصيت كار باشد، همچنين كسى مدّعى ولايت و خلافت نمى شود مگر كسى كه منكر و كافر باشد.

527 - قال عليه‌السلام : إنَّ الْحَقَّ مَعَنا وَ فينا، لايَقُولُ ذلِكَ سِوانا إلاّكَذّ ابٌ مُفْتَرٌ. (602)

فرمود: حقيقت - در همه موارد و امور - با ما و در بين ما اهل بيت عصمت و طهارت خواهد بود و چنين سخنى را هر كس غير از ما بگويد دروغگو و مفترى مى باشد.

528 - قال عليه‌السلام : اءبَى اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إلاّ إتْماما وَلِلْباطِلِ إلاّ زَهُوقا. (603)

فرمود: همانا خداوند متعال امتناع دارد نسبت به حقّ مگر آنكه به إتمام و كمال برسد و باطل نابود و مضمحل گردد.

529 - قال عليه‌السلام : إنّى اءخْرُجُ حينَ اءخْرُجُ، وَلابَيْعَةَ لِاءحَدٍ مِنَ الطَّواغيتِ فى عُنُقى. (604)

فرمود: در آن هنگامى كه من خروج و ظهور نمايم هيچ طاغوتى بر عهده من منّتى و بيعتى نخواهد داشت.

530 - قال عليه‌السلام : اءنَاالَّذى اءخْرُجُ بِهذاالسَيْفِ فَاءمَلَاءُ الاَْرْضَ عَدْلا وَ قِسْطا كَما مُلِئَتْ ظُلْما وَ جَوْرا. (605)

فرمود: من آن كسى هستم كه در آخر زمان با اين شمشير - ذوالفقار - ظهور و خروج مى كنم و زمين را پر از عدل و داد مى نمايم همان گونه كه پر از ظلم و جور شده است.

531 - قال عليه‌السلام : اِتَّقُواللّهُ وَ سَلِّمُوا لَنا، وَرُدُّواالْاءمْرَ إ لَيْنا، فَعَلَيْنا الاْ صْدارُ كَما كانَ مِنَّاالاْ يرادُ، وَلاتَحاوَلُوا كَشْفَ ما غُطِّيَ عَنْكُمْ. (606)

فرمود: از خدا بترسيد و تسليم ما باشيد، و امور خود را به ما واگذار كنيد، چون وظيفه ما است كه شما را بى نياز و سيراب نمائيم همانطورى كه ورود شما بر چشمه معرفت به وسيله ما مى باشد. و سعى ننمائيد به دنبال كشف آنچه از شما پنهان شده است باشيد.

532 - قال عليه‌السلام : اءمّا اءمْوالُكُمْ فَلا نَقْبَلُها إلاّ لِتُطَّهِرُوا، فَمَنْ شاءَ فَلْيَصِلْ، وَ مَنْ شاءَ فَلْيَقْطَعْ. (607)

فرمود: اموال - خمس و زكات - شما را جهت تطهير و تزكيه زندگى و ثروتتان مى پذيريم، پس هر كه مايل بود بپردازد، و هر كه مايل نبود نپردازد.

533 - قال عليه‌السلام : إ نّا نُحيطُ عِلْما بِاءنْبائِكُمْ، وَلايَغْرُبُ عَنّا شَيْئىٌ مِنْ اءخْبارِكُمْ. (608)

فرمود: ما بر تمامى احوال و اخبار شما آگاه و آشنائيم و چيزى از شما نزد ما پنهان نيست.

534 - قال عليه‌السلام : مَنْكانَتْ لَهُ إلَى اللّهِ حاجَةٌ فَلْ يَغْتَسِلْ لَيْلَةَالْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ يَاءْتى مُصَلاّهُ. (609)

فرمود: هر كه خواسته اى و حاجتى از پيشگاه خداوند متعال دارد بعد از نيمه شب جمعه غسل كند و جهت مناجات و راز و نياز با خداوند، در جايگاه نمازش قرار گيرد.

535 - قال عليه‌السلام : يَابْنَ الْمَهْزِيارِ، لَوْلاَ اسْتِغْفارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهَلَكَ مَنْ عَلَيْها، إلاّ خَواصُّ الشّيعَةِ الَّتى تَشْبَهُ اءقْوالَهُمْ اءفْعالَهُمْ. (610)

فرمود: اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضى شماها براى همديگر نبود، هر كس روى زمين بود هلاك مى گرديد، مگر آن شيعيان خاصّى كه گفتارشان با كردارشان يكى است.

536 - قال عليه‌السلام : وَاءمّا قَوْلُ مَنْ قالَ: إنَّ الْحُسَيْنَ عليه‌السلام لَمْ يَمُتْ فَكُفْرٌ وَ تَكْذيبٌ وَ ضَلالٌ. (611)

فرمود: و امّا كسانى كه معتقد باشند حسين عليه‌السلام زنده است و وفات نكرده، در كفر و تكذيب و گمراهى هستند.

537 - قال عليه‌السلام : مِنْ فَضْلِهِ، اءنَّ الرَّجُلَ يَنْسِى التَّسْبيحَ وَ يُديرُاالسَّبْحَةَ، فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبيحُ. (612)

فرمود: از فضائل تربت حضرت سيّدالشّهداء عليه‌السلام آن است كه چنانچه تسبيح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبيح و ذكر دارد، گرچه دعائى هم خوانده نشود.

538 - قال عليه‌السلام : فيمَنْ اءفْطَرَ يَوْما مِنْ شَهْرِ رَمَضان مُتَعَمِّدا بِجِماعٍ مُحَرَّمٍ اَوْ طَعامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إنَّ عَلَيْهِ ثَلاثُ كَفّاراتٍ. (613)

فرمود: كسى كه روزه ماه رمضان را عمدا با چيز يا كار حرام افطار - و باطل نمايد، هر سه نوع كفاره (60 روزه، إ طعام 60 مسكين، آزادى يك بنده و قضاى روزه ) بر او واجب مى شود.

539 - قال عليه‌السلام : اءلا اءُبَشِّرُكَ فِى الْعِطاسِ؟ قُلْتُ: بَلى، فَقالَ: هُوَ اءمانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلاثَةَ اءيّامٍ. (614)

نسيم خادم گويد: در حضور حضرت عطسه كردم، فرمود: مى خواهى تو را بر فوائد عطسه بشارت دهم ؟

عرض كردم : بلى.

فرمود: عطسه انسان را تا سه روز از مرگ نجات مى بخشد.

540 - قال عليه‌السلام : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمّانى فى مَحْفِلٍ مِنَ النّاسِ. (615)

فرمود: ملعون و مغضوب است كسى كه نام مرا در جائى بيان كند.

541 - قال عليه‌السلام : مَنْ سَمّانى فى مَجْمَعٍ مِنَ النّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُاللّهِ. (616)

فرمود: هر كه نام مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند مى باشد.

542 - قال عليه‌السلام : إنَّ الاْءرْضَ تَضِجُّ إلَى اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَوْلِ الاْ غْلَفِ اءرْبَعينَ صَباحا. (617)

فرمود: زمين تا چهل روز از ادرار كسى كه ختنه نشده است ناله مى كند.

543 - قال عليه‌السلام : سِجْدَةُالشُّكْرِ مِنْ اءلْزَمِ السُّنَنِ وَ اءوْجَبِها. (618)

فرمود: سجده شكر پس از هر نماز از بهترين و ضرورى ترين سنّتها است.

544 - قال عليه‌السلام : إنّى لاَ مانٌ لاِ هْلِ الاْ رْضِ كَما أ نَّ النّجُومَ أ مانٌ لاِ هْلِ السَّماءِ. (619)

فرمود: به درستى كه من سبب آسايش و امنيّت براى موجودات زمينى هستم، همانطورى كه ستاره ها براى اهل آسمان أ مان هستند.

545 - قال عليه‌السلام : قُلُوبُنا اَوْعِيَةٌ لِمَشيَّةِاللّهِ، فَإذا شاءَ شِئْنا. (620)

فرمود: قلبهاى ما ظرفهائى است براى مشيّت و اراده الهى، پس هر گاه او بخواهد ما نيز مى خواهيم.

546 - قال عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ مَعَنا، فَلافاقَةَ بِنا إلى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنا فَلَنْ يُوحِشُنا مَنْ قَعَدَ عَنّا. (621)

فرمود: خدا با ماست و نيازى به ديگرى نداريم، و حقّ با ماست و هر كه از ما روى گرداند باكى نداريم.

547 - قال عليه‌السلام : مااءرْغَمَ اءنْفَ الشَّيْطانِ بِشَيْى ءٍ مِثُلُ الصَّلاةِ. (622)

فرمود: هيچ چيزى و عملى همانند نماز بينى شيطان را به خاك ذلّت نمى مالد و او را ذليل نمى كند.

548 - قال عليه‌السلام : لايَحِلُّ لِاءحَدٍ اءنْ يَتَصَرَّفَ فى مالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إ ذْنِهِ. (623)

فرمود: براى هيچكس جائز نيست كه در اموال و چيزهاى ديگران تصرّف نمايد مگر با اذن و اجازه صاحب و مالك آن.

549 - قال عليه‌السلام : فَضْلُ الدُّعاءِ وَالتَّسْبيحِ بَعْدَالْفَرائِضِ عَلَى الدُّعاءِ بِعَقيبِ النَّوافِلِ كَفَضْلِ الْفَرائِضِ عَلَى النَّوافِلِ. (624)

فرمود: فضيلت تعقيب دعا و تسبيح بعد از نمازهاى واجب نسبت به بعد از نمازهاى مستحبّى همانند فضيلت نماز واجب بر نماز مستحبّ خواهد بود.

550 - قال عليه‌السلام : اءفْضَلُ اءوْقاتِها صَدْرُاالنَّهارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (625)

فرمود: براى انجام نماز جعفر طيّار بهترين و با فضيلت ترين اوقات پيش از ظهر روز جمعه خواهد بود.

551 - قال عليه‌السلام : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اءخَّرَالْغَداةَ إلى اءنْ تَنْقَضِى النُّجُومُ. (626)

فرمود: ملعون و نفرين شده است آن كسى كه نماز صبح را عمدا تاءخير بيندازد تا موقعى كه ستارگان ناپديد شوند.

552 - قال عليه‌السلام : إنَّ اللّهَ قَنَعَنا بِعَوائِدِ إ حْسانِهِ وَ فَوائِدِ اِمْتِنانِهِ. (627)

فرمود: همانا خداوند متعال، ما اهل بيت را به وسيله احسان و نعمتهايش ‍ قانع و خودكفا گردانده است.

553 - قال عليه‌السلام : إنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَيْنَ اءَحَدٍ قَرابَةٌ، وَ مَنْ اءنْكَرَنى فَلَيْسَ مِنّى، وَ سَبيلُهُ سَبيلُ ابْنِ نُوحٍ. (628)

فرمود: بين خداوند و هيچيك از بندگانش خويشاوندى وجود ندارد - و هر كس به وسيله اعمال و نيّات او پاداش داده مى شود - هر كس مرا انكار نمايد از شيعيان و دوستان ما نيست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح عليه‌السلام خواهد بود.

554 - قال عليه‌السلام : اءما تَعْلَمُونَ اءنَّ الاْءرْضَ لاتَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إمّا ظاهِرا وَ إمّا مَغْمُورا. (629)

فرمود: آگاه و متوجّه باشيد كه در هيچ حالتى زمين خالى از حجّت خداوند نخواهد بود، يا بطور ظاهر و آشكار و يا مخفى و پنهان.

555 - قال عليه‌السلام : إذا أ ذِنَ اللّهُ لَنا فِى الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَاضْمَحَلَّ الْباطِلُ، وَانْحَسَرَ عَنْكُمْ. (630)

فرمود: چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بيان حقايق را به ما دهد، حقانيّت آشكار مى گردد و باطل نابود مى شود و خفقان و مشكلات بر طرف خواهد شد.

556 - قال عليه‌السلام : وَ اءمّا وَجْهُ الاْ نْتِفاعِ بى فى غَيْبَتى فَكَالْ إنْتِفاعِ بِالشَّمْسِ إذا غَيَّبَها عَنِ الاْ بْصارِالسِّحابُ. (631)

فرمود: چگونگى بهره گيرى و استفاده از من در دوران غيبت همانند انتفاع از خورشيد است در آن موقعى كه به وسيله ابرها از چشم افراد ناپديد شود.

557 - قال عليه‌السلام : وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إ لَيْنا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْواضِحَةِ. (632)

فرمود: هدف و قصد خود را نسبت به محبّت و دوستى ما اءهل بيت عصمت و طهارت بر مبناى عمل به سنّت و اجراء احكام الهى قرار دهيد.

558 - قال عليه‌السلام : اءمّا ظُهُورُالْفَرَجِ فَإنَّهُ إلَى اللّهِ، وَ كَذِبَ الْوَقّاتُونَ. (633)

فرمود: زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند متعال مى باشد و هر كس ‍ زمان آن را معيّن و معرّفى كند دروغ گفته است.

559 - قال عليه‌السلام : اءكْثِرُواالدُّعاءَ بِتَعْجيلِ الْفَرَجِ، فَإنَّ ذلِكَ فَرَجَكُمْ. (634)

فرمود: براى تعجيل ظهور من - در هر موقعيّت مناسبى - بسيار دعا كنيد كه در آن فرج و حلّ مشكلات شما خواهد بود.

560 - دَفَعَ إ لَيَّ دَفْتَرا فيهِ دُعاءُالْفَرَجِ وَ صَلاةٌ عَلَيْهِ، فَقالَ عليه‌السلام : فَبِهذا فَادْعُ. (635)

يكى از مؤمنين به نام اءبومحمدحسن بن وجناء گويد: زيرناودان طلا در حرم خانه خداوند بودم كه حضرت ولىّ عصر امام زمان (عجّ) را ديدم، دفترى را به من عنايت نمود كه در آن دعاى فرج و صلوات بر آن حضرت بود.

سپس فرمود: به وسيله اين نوشته ها بخوان و براى ظهور و فرج من دعا كن و بر من درود و تحيّت فرست.

و آن دعا بر حسب مشهور چنين نقل شده است :

اللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ «الْحُجَّةِبْنِ الْحَسَنِ» صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلى آبائِهِ، فى هذِهِ السّاعَةِ وَ فى كُلِّ ساعَةٍ، وَليّا وَ حافِظا وَ قاعِدا وَ ناصِرا وَ دَليلا وَ عَيْنا، حَتّى تُسْكِنَهُ اءرْضَكَ طَوْعا وَ تُمَتِّعَهُ فيها طَويلا. (636)

## پی نوشت ها :

1- بحارالا نوار: ج 28، ص 29، س 13 و ج 36، ص 336، س 11، با تفاوت.

2- مصدر قبل : ج 10، ص 432، س 9 و ج 28، ص 368، س 12.

3- مصدر قبل : ج 38، ص 36، ح 10.

4- مصدر قبل : ج 25، ص 19، س 1.

5- إكمال الدين صدوق : ص 234 240، در اين باب احاديث معتددى است.

6- نورالثقلين : ج 1، ص 507، ح 360.

7- نام آن حضرت به عنوان محمد رسول اللّه به عدد حروف أ بجد 92، 332 مى باشد.

8- خصال شيخ صدوق : ج 2 ص 600 ح 3

9- وسائل الشيعه : ج 4 ص 302

10- بحارالا نوار، ج 17 ص 301 ح 13

11- مطابق با دهم فروردين، سال نهم شمسى.

12- امام صادق عليه‌السلام فرمود:... به وسيله آن دو زن... مسموم و مقتول گرديد: تفسير عياشى : ج 1 ص 200 ح 152، البرهان : ج 1 ص 320، نورالثقلين : ج 1 ص 401 ح 390، بحارالا نوار: ج 28 ص 20 ح 28

13- مطابق با هفدهم خرداد، سال دهم شمسى.

14- عدّه اى از بزرگان بر اين عقيده اند: حضرت خديجه عليها‌السلام، عذراء باكره بوده است، و در اين رابطه كتابهائى مانند: هداية الكبرى حضينى ص 40 س 16 و بحار الا نوار: ج 22 ص 8 ملاحظه و دقت گردد.

15- تاريخ ولادت و شهادت و ديگر حالات حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله، برگرفته شده است از:

اصول كافى : ج 1، بحار الا نوار: 15 22، اعيان الشيعة : ج 1، تهذيب الاحكام : ج 6، كشف الغمّة : ج 1، ينابيع المودّة، مناقب ابن شهرآشوب : ج 1، تذكرة الخوّاص، الفصول المهمّه، مجموعه نفيسه، إعلام الورى طبرسى : ج 1، تاريخ اهل البيت، الهداية الكبرى، اثبات الوصيّة مسعودى، جمال الا سبوع، دعوات راوندى...

16- وسائل الشيعه : ج 4 ص 30 ح 4431.

17- عقاب الا عمال : ص 343، س 14، وسائل الشيعة : ج 5، ص 201 ح 6328.

18- وسائل الشيعة : ج 4 ص 116 ح 4665.

19- وسائل الشيعه : ج 4 ص 31 ح 4434.

20- امالى طوسى : ج 2 ص 142، بحارالا نوار: ج 74، ص 80، ح 3.

21- من لا يحضره الفقيه : ج 4، ص 353، ح 5762 چاپ مدرّسين.

22- امالى طوسى : ج 1 ص 158، بحارالا نوار: ج 10، ص 368، ح 15.

23- اماالى طوسى : ج 1 ص 13، بحارالا نوار: ج 70، ص 373، ح 7.

24- امالى طوسى : ج 1 ص 87، بحارالا نوار: ج 90، ص 291، ح 11.

25- امالى طوسى : ج 1 ص 219، بحارالا نوار: ج 73، ص 4، ح 13.

26- امالى طوسى : ج 1 ص 157، بحارالانوار: ج 93، ص 177، ح 8.

27- مسكّن الفؤ اد شهيد ثانى : ص 50 س 1.

28- امالى طوسى : ج 2 ص 92، بحارالا نوار: ج 66، ص 375، ح 24.

29- امالى صدوق : ص 246 ح 14، بحارالا نوار: ج 63، ص 430، ح 12.

30- امالى طوسى : ج 1 ص 56، بحارالا نوار: ج 72، ص 120، ح 7.

31- اعيان الشيعه : ج 1 ص 305، بحارالا نوار: ج 100، ص 151، ح 17.

32- امالى طوسى : ج 1 ص 360، بحارالا نوار: ج 27، ص 261، ح 2.

33- امالى طوسى : ج 2 ص 92، بحارالا نوار: ج 28، ص 47، ح 9.

34- مستدرك الوسائل : ج 11 ص 376 ح 13301.

35- بحارالا نوار: ج 1، ص 172، ح 25.

36- مستدرك الوسائل : ج 17 ص 300 ح 21406.

37- مستدرك : ج 14 ص 270 ح 16685.

38- تهذيب : ج 7 ص 399، ح 5.

39- تنبيه الخواطر: ص 548، بحارالا نوار: ج 59، ص 268، ح 53.

40- مستدرك الوسائل : ج 16، ص 218، ح 19646.

41- تاريخ إاسلام : ج 101-120 ص 285.

42- وسائل الشيعه ج 16 ص 122 ح 21139.

43- مستدرك الوسائل : ج 7 ص 184 ح 7984.

44- بحارالا نوار: ج 70، ص 347، ح 34.

45- تنبيه الخواطر: ص 264

46- مستدرك الوسائل : ج 15 ص 112 ح 17688.

47- اعيان الشيعه : ج 1 ص 301

48- امالى طوسى : ج 2 ص 132، بحارالا نوار: ج 71، ص 192، ح 12.

49- مستدرك الوسائل : ج 7، ص 194، ح 8010.

50- جامع الاحاديث : ج 3 ص 89 ح 35، مستدرك الوسائل : ج 2، ص 66، ح 1422.

51- بحارالانوار: ج 7، ص 302، ح 53، كافى : ج 2 ص 658، ح 3.

52- ثواب الا عمال : ص 211 ح 1، بحارالا نوار: ج 46، ص 100، ح 88.

53- اعيان الشيعه : ج 1 ص 302، بحارالا نوار: ج 68، ص 350، ح 1.

54- امالى طوسى : ج 2 ص 203، بحارالا نوار: ج 68، ص 188، ح 54.

55- اعيان الشيعه، ج 1 ص 300، بحارالا نوار: ج 74، ص 139، ضمن ح 1.

56-نام آن حضرت به عنوان علىّ مرتضى به ترتيب حروف اءبجد: 110، 1450 مى باشد.

57- عمدة ابن بطريق : ص 74، فصل 7، س 14.

58-مطابق با آذر ماه، سال 35 شمسى.

59-مطابق با خرداد ماه، سال 36 شمسى.

60-مطابق با ارديبهشت ماه، سال 37 شمسى.

61-آمار مذكور طبق جمع بندى كتاب ارشاد القلوب ديلمى، صفحه 219 مى باشد.

62-مطالق بادهم فروردين ماه، سال نهم شمسى.

63-مطابق با يازدهم بهمن ماه، سال 39 شمسى.

64-ولادت و ديگر حالات امام على عليه‌السلام برگرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، اعيان الشيعه ج 1، مستدرك الوسائل، ناسخ التواريخ، دلائل الا مامه طبرى، مناقب ابن شهر آشوب، بحار الانوار، إحقاق الحقّ، كشف الغمّه، إعلام الورى طبرسى، انساب الاشراف، عيون المعجزات شيخ حسين عبدالوّهاب، تهذيب الاحكام شيخ طوسى، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل البيت، جمال الا سبوع، دروس شهيد: ص 152 154، تذكرة الخوّاص، الفصول المهمّه، عُهدة ابن بطريق و...

65-امالى صدوق : ص 97، بحارالا نوار: ج 90، ص 343، ح 1.

66-امالى طوسى : ج 1 ص 114 ح 29، بحارالا نوار: ج 1، ص 169، ح 20.

67-وسائل الشيعه : ج 25 ص 434 ح 32292.

68-وافى : ج 4 ص 402.

69-أعيان الشيعه : ج 1 ص 350، بحارالا نوار: ج 41، ص 150، ضمن ح 40.

70-أمالى طوسى : ج 1 ص 55، بحارالا نوار: ج 2، ص 48، ح 7.

71-اءمالى صدوق : ص 95، بحارالا نوار: ج 68، ص 181، ح 35.

72-بحار الا نوار: ج 5 ص 317، ح 16 به نقل از ثواب الا عمال.

73-أمالى طوسى : ج 1 ص 372، بحارالا نوار: ج 63، ص 152، ح 5.

74-أمالى طوسى : ج 1 ص 372، بحارالا نوار: ج 63، ص 155، ح 5.

75-عدّة الدّاعى : ص 85 ص 1، بحارالا نوار: ج 101، ص 73، ح 24.

76-مستدرك الوسائل : ج 16 ص 291 ح 19920.

77-بحار الا نوار: ج 69، ص 68، س 2، ضمن ح 28.

78-محبّة البيضاء: ج 5 ص 144، تنبيه الخواطر: ص 195، س 16.

79-مستدرك الوسائل : ج 3 ص 210 ح 3386.

80-بحار الا نوار: ج 1 ص 96 ح 40.

81-بحارالا نوار: ج 70 ص 13.

82-نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 70 ح 65.

83-عدّة الدّاعى : ص 75 س 8.

84-نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 52 ح 26.

85-نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 46 ح 12.

86-اختصاص شيخ مفيد: ص 189، س 5.

87-وسائل الشيعة : ج 5 ص 318، ح 6662.

88-وسائل الشيعة : ج 1 ص 334 ح 880.

89-وسائل الشيعة : ج 18 ص 316 ح 23750.

90-وسائل الشيعة : ج 16 ص 270 ح 21539.

91-تحف العقول : ص 120، بحارالا نوار: ج 77 ص 271 ح 1.

92-بحار الا نوار: ج 76، ص 155، ح 36، و ص 229 ح 10.

93-اصول كافى : ج 1، ص 27، بحارالا نوار: ج 1 ص 161 ح 15.

94-تحف العقول : ص 152، بحارالا نوار: ج 78 ص 54 ح 97.

95-خصال : ج 2 ص 170، بحارالا نوار: ج 73 ص 142 ح 18.

96-شرح نهج البلاغه ابن عبده : ج 3 ص 165.

97-شرح نهج البلاغه فيض الاسلام : ص 1193.

98-شرح نهج البلاغه فيض الاسلام : ص 1235.

99-اصول كافى، ج 2، ص 627 ح 2.

100-بحار الا نوار: ج 75، ص 53 ح 10.

101-وسائل الشيعه : ج 15، ص 23 ح 19934.

102-شرح نهج البلاغة فيض الاسلام : ص 1183.

103-شرح نهج البلاغه ابن عبيده، ج 1، ك 41.

104-شرح نهج البلاغه ابن عبده : ج 3، ص 324.

105-نام مبارك آن حضرت به عنوان فاطمه، زهراء به عدد حرف اءبجد، چنين است : 135، 213.

106-به ترتيب مطابق بيست و هشتم مرداد، و يا هفدهم شهريور سال دهم هجرى شمسى خواهد بود.

107-ولادت و ديگر حالات حضرت زهراء عليها‌السلام بر گرفته شده است از:

اصول كافى : ج 2، اءعيان الشيعه : ج 1، مناقب ابن شهر آشوب : ج 1، بحارالا نوار: ج 43 و 44، عيون المعجزاب شيخ حسين عبدالوهّاب، كشف الغمّه : ج 1، ببعد، اءنساب الا شراف : ج 2، تهذيب الاحكام : ج 6، اعلام الورى : ج 1، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل بيت عليهم‌السلام، تذكرة الخواصّ، الفصول المهمّه، ينابيع المودّة، فاطمة الزهراء عليها‌السلام، دلائل الامامه و....

108-شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد: ج 16، ص 211.

109-رياحين الشريعة : ج 1، ص 93.

110-تفسير الامام العسكرى : ص 330، ح 191، بحارالا نوار: ج 23 ص 259 ح 8.

111-تنبيه الخواطر: ص 437 و 108، بحارالا نوار: ج 67 ص 249 ح 25.

112-شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد: ج 2، ص 449 مجمع الزوائد: ج 9، ص 132.

113-كوكب الدّرىّ: ج 1، ص 254.

114-بحارالا نوار: ج 68، ص 155 ح 11.

115-اصول كافى : ج 1، ص 460، بيت الاحزان : ص 104، بحارالا نوار: ج 28 ص 250 ح 30.

116-صحيح مسلم : ج 2، ص 72، صحيح بخارى : ج 6، ص 176.

117-صحيح مسلم : ج 2، ص 72، بخارى : ج 5، ص 5، بحارالا نوار: ج 28، ص 303.

118-بيت الا حزان : ص 113، كشف الغمّة : ج 2، ص 494.

119-خصال : ج 1، ص 173، احتجاج : ج 1، ص 146.

120-رياحين الشريعة : ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء (س) : ص 360، قطعه اى از خطبه طولانى و معروف آن مظلومه در جمع مهاجرين و انصار.

121-بحارالا نوار: ج 43، ص 200 ح 30.

122-بحارالا نوار: ج 43، ص 185، ح 17.

123-الا مامة والسياسة : ص 30، بحارالانوار: ج 28 ص 355 ح 69.

124-بحارالا نوار: ج 43، ص 54 ح 48.

125-زهرة الرياض كوكب الدّرى : ج 1، ص 253.

126-تهذيب شيخ طوسى : ج 1، ص 429، كشف الغمّه : ج 2، ص 67، بحارالا نوار: ج 43، ص 189، ح 19.

127-بحارالا نوار: ج 43، ص 91، ح 16، إحقاق الحقّ: ج 10، ص 258.

128-دلائل الا مامه : ص 128 ح 38، معانى الا خبار: ص 355 ح 2.

129-تفسير الا مام العسكرى عليه‌السلام: ص 320، ح 191، بحارالا نوار: ج 65، ص 155 ح 11.

130-بحارالا نوار: ج 43، ص 192 ح 20، اعيان الشيعه : ج 1، ص 321.

131-كنزل العمال : ج 16، ص 426.

132-مستدرك الوسائل : ج 7، ص 336، ح 2، بحارالا نوار: ج 93 ص 294 ح 25.

133-تفسير الا مام العسكرى عليه‌السلام : ص 354، ح 243، مستدرك الوسائل : ج 12، ص 262، بحارالا نوار: ج 72، ص 401 ح 43.

134-كنزل العمّال : ج 15، ص 242، ح 40759.

135-دلائل الا مامة : ص 71 س 16، معانى الا خبار: ص 399 ضمن ح 9.

136-تفسير التبيان : ج 9، ص 37.

137-علل الشرايع : ج 1، ص 183، بحارالا نوار: ج 43، ص 82 ح 4.

138-مجمع الزوائد: ج 8، ص 108، مسند فاطمه : ص 33 و 52.

139-كشف الغمّة : ج 2، ص 57، بحار الا نوار: ج 8، ص 53، ح 62.

140-إحقاق الحقّ: ج 19، ص 129.

141- بحارالا نوار: ج 79 ص 27، ضمن ح 13.

142-امالى شيخ طوسى : ج 2، ص 228.

143-مدينة المعاجز: ج 3، ص 430.

144-رياحين الشريعة : ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء عليها السلام ص 360، قطعه اى از خطبه طولانى و معروف آن مظلومه.

145- همان مدرك قبل.

146-الامامة والتبصرة : ص 1، بحارالا نوار: ج 36 ص 352 ح 224.

147-مطابق با دوازدهم اسفند، سال سوّم شمسى.

148-نام و لقب حضرت به عنوان حسن مجتبى عليه‌السلام به رقم حروف اءبجد كبير چنين مى شود: 118، 446.

149-مرحوم سيّد محسن امين از بعضى روايات و تواريخ استفاده كرده است بر اينكه امام حسن مجتبى عليه‌السلام شش ماهه به دنيا آمده است : اءعيان الشيعه ج 1 ص 562 578.

150-مطابق با يازدهم بهمن ماه سال سى و نهم شمسى.

151-ولادت و ديگر حالت امام حسن مجتبى عليه‌السلام برگرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، كشف الغمّه ج 2، اءعيان الشيعه ج 1، دلائل الا مامه طبرى، مناقب ابن شهرآشوب، عيون المعجزات حسين عبد الوهّاب، تهذيب الا حكام شيخ طوسى، بحار الانوار: ج 43 و 44، مستدرك الوسائل، مجموعه نفيسه، جمال الا سبوع، إعلام الورى ج 1، إحقاق الحقّ ج 19، تذكرة الخواصّ، الفصول المهمّة، تاريخ اهل البيت، ...

152-تنبيه الخواطر: ص 427، بحار الانوار: ج 68 ص 184 س 11، ضمن ح 44.

153-كلمه الا مامُ الْحَسَن عليه‌السلام : 7، ص 211.

154-كلمه الا مامُ الْحَسَن عليه‌السلام : 7، ص 25، بحارالا نوار: ج 44 ص 23 ح 7.

155-احقاق الحق : ج 11 ص 183 س 2 و ص 185.

156-دعوات الراوندى : ص 24 ح 13، بحارالا نوار: ج 89 ص 204 ح 21.

157- بحارالا نوار: ج 75 ص 111 ضمن ح 6.

158-وافى : ج 4 ص 1553 ح 2، التهذيب ج 2 ص 321 ح 166. 2

159-تحف العقول : ص 234 ص 14، الفقيه : ج 1 ص 511 ح 1479.

160-تحف العقول : ص 235 س 7، مستدرك : ج 3 ص 359 ح 3778.

161-احقاق الحقّ : ج 1 ص 238 س 2.

162-احقاق الحقّ: ج 11 ص 235 س 7.

163- كلمة الامام الحسن عليه‌السلام : ص 140.

164-اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالا نوار: ج 75 ص 111 ح 6.

165- تحف العقول : ص 229 س 5، بحارالا نوار: ج 10 ص 130 ح 1.

166-كلمة الا مام حسن عليه‌السلام : ص 138، تحف العقول ص 234 س 6، بحارالا نوار: ج 75 ص 105 ح 4.

167-تحف العقول ص 236 س 13، بحارالا نوار: ج 75 ص 105 ح 4.

168-تحف العقول : ص 232 س 2، بحارالا نوار: ج 75 ص 110 ح 5.

169-مستدرك الوسائل : ج 3 ص 245 ح 4.

170-اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالا نوار: ج 75 ص 113 ح 7.

171-كلمة الا مام حسن عليه‌السلام : ص 212، بحارالا نوار: ج 73 ص 318 ح 6.

172-همان مدرك : ص 57.

173-تحف العقول : ص 233، اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالا نوار: ج 75 ص 105 ح 4.

174-تحف العقول : ص 234 س 7، بحارالا نوار: ج 75 ص 105 ح 4.

175-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 35، بحارالا نوار: ج 75 ص 111 ح 6.

176-احقاق الحقّ: ج 11 ص 242 س 2.

177-تحف العقول : ص 234 س 3، بحارالا نوار: ج 75 ص 106 ح 4.

178-تحف العقول : ص 235 س 14، بحارالا نوار: ج 73 ص 312 ح 3.

179-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام، ص 39، بحارالا نوار: ج 1 ص 218 ح 43.

180-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 46.

181-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 129.

182-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 198.

183-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 209.

184-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 209.

185-احقاق الحقّ: ج 11 ص 234 س 8.

186-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 139، بحارالا نوار: ج 75 ص 113 ح 7.

187-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 139، بحارالا نوار: ج 75 ص 105 ح 4.

188-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 139.

189-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام : ص 36، بحارالا نوار: ج 44 ص 138 ح 6.

190-كلمة الا مام الحسن عليه‌السلام ص 37، بحارالا نوار: ج 44 ص 138 ح 6.

191-احقاق الحقّ : ج 11 ص 20 س 1.

192- مطابق با بيستم دى ماه، سال چهارم شمسى.

193- برخلاف اعيان الشيعه كه اظهار داشته است : امام حسن مجتبى عليه‌السلام شش ماهه به دنيا آمده و امام حسين عليه‌السلام طبق روال عادى مدّت حمل را گذرانده است.

194- نام حضرت به عنوان حسين، شهيد به رمز حروف اءبجد : 128، 319 مى باشد.

195- مطابق با نهم فروردين ماه، سال چهل و نه شمسى.

196- مطابق با بيست و يكم مهرماه، سال پنجاه و نه شمسى.

197- بحارالا نوار: ج 97 ص 87.

جهت تدوين و تنظيم خلاصه حالات حضرت كتابهاى ذيل مورد استفاده قرار گرفته است :

اصول كافى ج 1، مستدرك الوسائل، اعيان الشيعه ج 1، مناقب ابن شهرآشوب ج 2، بحارالا نوار ج 43 و 44، كشف الغمّه ج 1، عيون معجزات شيخ حسين عبدالوهاب، دلائل الامامة، تاريخ اهل البيت، مجموعه نفيسه، تذكرة الخواصّ، الفصول المهمّه، ينابيع المودّة، جمال الا سبوع، حلية الابرار ج 3، جامع المقال طريحى : ص 187...

198- تحف العقول : ص 177، بحارالا نوار: ج 75 ص 117 ح 5.

199- نهج الشهادة : ص 39، بحارالا نوار: ج 75 ص 121 ح 4.

200- مستدرك الوسائل : ج 9 ص 24 ح 10099 به نقل از مجموعه شهيد.

201- محجّة البيضاء : ج 4 ص 228، بحارالا نوار: ج 75 ص 116 ح 2.

202- تحف العقول : ص 179، بحارالا نوار: ج 75 ص 119 ح 2.

203- بحارالا نوار: ج 2 ص 130 ح 15، بحارالا نوار: ج 75 ص 127 ح 10.

204- نهج الشهادة : ص 47.

205- بحارالا نوار : ج 75 ص 127 ح 10.

206- وسائل الشيعه : ج 11، ص 339، بحارالا نوار: ج 46 ص 153 ح 16.

207- بحار الا نوار: ج 44 ص 192 ضمن ح 4، و ص 381 ضمن ح 2.

208- وسائل الشيعه : ج 5، ص 25، كافى : ج 6 ص 445 ح 4.

209- اءمالى شيخ صدوق : ص 118، بحارالا نوار: ج 44 ص 284 ح 19.

210- إحقاق الحق : ج 11، ص 431.

211- تنبيه الخواطر: ص 348.

212- تنبيه الخواطر: ص 427، بحارالا نوار: ج 68 ص 183 ح 44.

213- تنبيه الخواطر : ص 429.

214- محجّة البيضاء : ج 4 ص 228.

215- نهج الشهادة : ص 38.

216- نهج الشهادة ص 59.

217- نهج الشهادة : ص 47.

218- نهج الشهادة ص 196.

219- بلاغة الحسين عليه‌السلام : ص 285.

220- وسائل الشيعة : ج 16 ص 65 ح 20993، كافى : 2/439 ح 8.

221- اصول كافى ج 2 ص 611، بحارالا نوار: ج 89 ص 200 ح 17.

222- تحف العقول : ص 174، و بحارالا نوار: ج 10 ص 137 ح 4.

223- بحارالانوار: ج 70 ص 353 ح 54 به نقل از عيون الاخبار الرّضا عليه‌السلام.

224- وسائل الشيعه : ح 20 ج 3 ص 243، بحارالا نوار: ج 100 ص 292 ح 39.

225- مستدرك الوسائل : ج 9 ص 391 ج 1، بحارالا نوار: ج 69 ص 354 ح 11.

226- مستدرك الوسائل : ج 11 ص 218 ح 15، بحارالا نوار: ج 75 ص 257 ح 108.

227- مستدرك الوسائل : ج 12 ص 416 ح 13، بحارالا نوار: ج 75 ص 121 ح 4.

228- ينابيع المودّة : ج 2 ص 37 ح 58.

229- نهج الشهادة : ص 60.

230- نهج الشهادة : ص 346.

231- اصول كافى : ج 2 ص 373 ح 3، بحارالانوار: ج 75 ص 120 س 6، وسائل الشيعة : 16/153 ح 3.

232- نهج الشهادة : ص 370، مستدرك الوسائل : ج 11 ص 245 ح 12881.

233- نهج الشهادة، ص 356، بحارالا نوار: ج 75 ص 127 ح 11.

234- بحارالانوار : ج 75 ص 54 ح 96.

235- نهج الشهادة : ص 293 ح 193، تفسيرالامام العسكرى عليه‌السلام ص 330، بحارالا نوار: ج 23 ص 260 ح 8.

236- امالى شيخ صدوق : ص 167، نهج الشهادة : ص 260، مستدرك الوسائل : ج 12 ص 209 ح 13902.

237- تفسيرالامام العسكرى عليه‌السلام : ص 309 ح 154، بحارالا نوار: ج 65 ص 156 ح 11

238-ميلاد با سعادت آن حضرت طبق تاريخ شمسى به ترتيب بالا چنين است : 21 آذرماه، سال 35، يا 6 بهمن ماه، سال 37.

239-نام و لقب مبارك آن حضرت به عنوان امام علىّ، زين العابدين عليه‌السلام به عدد حروف اءبجد كبير چنين مى باشد: 110، 235.

240-تاريخ شهادت آن حضرت به تاريخ شمسى به ترتيب بالا چنين مى شود: 29 مهرماه، يا 12 آبان، سال 91، يا سال 92.

241-تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، تهذيب الا حكام ج 6، كشف الغمّة ج 1، تاريخ اهل البيت، إعلام الورى ج 1، اعيان الشيعة ج 1، مجموعة نفيسه، بحارالا نوار: ج 46، مناقب ابن شهرآشوب ج 2، تذكرة الخواصّ، عيون المعجزات، جامع المقال طريحى، مستدرك الوسائل، فصول المهمّه ابن صبّاغ، جمال الا سبوع و...

242-تحف العقول : ص 204، بحارالا نوار: ج 75 ص 141 ح 3.

243-تحف العقول : ص 204، بحارالا نوار: ج 75 ص 140 ح 3.

244-مشكاة الا نوار: ص 172، بحارالا نوار: ج 66 ص 385 ح 48.

245-مشكاة الا نوار: ص 246، بحارالا نوار: ج 67 ص 64 ح 5.

246-تحف العقول : ص 186، بحارالا نوار: ج 71 ص 12 ح 2.

247-تحف العقول : ص 203، بحارالا نوار: ج 75 ص 139 ح 3.

248-تحف العقول : ص 210، بحارالا نوار: ج 75 ص 136 ح 3.

249-تحف العقول : ص 201، بحارالا نوار: ج 75 ص 136 ح 3.

250-مشكاة الا نوار: ص 232 س 20.

251-مشكاة الا نوار: 166 س 3.

252-مشكاة الا نوار: ص 157 س 20.

253-مشكاة الا نوار: ص 207 س 18.

254-مشكاة الا نوار: ص 229 س 10.

255-اعيان الشيعة : ج 1 ص 645.

256-مستدرك الوسائل : ج 7 ص 252 ح 8.

257-مستدرك الوسائل : ج 17 ص 262 ح 25.

258-تنبيه الخواطر: ص 343.

259-وسائل الشيعة : ج 17 ص 647ح 1، ومشكاة الا نوار: ص 262.

260-مستدرك الوسائل : ج 4 ص 238 ح 3.

261-من لايحضره الفقيه : ج 2 ص 146 ح 95.

262-همان مدرك : ج 2 ص 147 ح 97.

263-مستدرك الوسائل : ج 2 ص 413 ح 16.

264-مستدرك الوسائل : ج 2 ص 424 ح 21.

265-بحار الا نوار: ج 75 ص 261 ح 64.

266-بحارالا نوار: ج 1 ص 141 ضمن ح 30، و ج 75 ص 304.

267-كافى : ج 2 ص 99.

268-كافى : ج 2 ص 115، وسائل الشيعة ج 12 ص 189 ح 1.

269-بحار الا نوار: ج 73 ص 92.

270-كافى : ج 1 ص 35.

271-كافى : ج 1 ص 102.

272-تحف العقول : ص 204.

273-تحف العقول : ص 202.

274-تحف العقول : ص 204.

275-تحف العقول : ص 202.

276-بحار الا نوار: ج 6 ص 159 ح 19، بنقل از خصال شيخ صدوق.

277-خصال : ج 2 ص 542.

278-بحار الا نوار: ج 73 ص 127.

279-كافى : ج 2 ص 320.

280-بحار الا نوار: ج 1 ص 94 ح 96، به نقل از تفسير امام حسن عسكرى عليه‌السلام.

281-تحف العقول : ص 202.

282-تاريخ ولادت آن حضرت بر حسب شمسى 27/9/55 و يا 22/2/56 مى باشد.

283-نام حضرت به عنوان امام «محمد باقر» عليه‌السلام طبق عدد حروف اءبجد 92، 303 مى شود.

284-دو نفر از ائمّة عليهم‌السلام داراى كنيه اءبو جعفر هستند: امام پنجم به عنوان اءبوجعفر اءوّل و امام نهم به عنوان ابو جعفر ثانى، در روايات هر كجا ابو جعفر بدون قرينه و قيدى آمده باشد گفته اند: منظور امام پنجم است.

285-تاريخ شهادت بر حسب سال شمسى 12/2/111 و يا 15/11/111 مى باشد.

286-ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از اصول كافى ج 1، تهذيب الا حكام ج 6، مناقب ابن شهرآشوب ج 3، دعوات راوندى، إعلام الورى ج 1، ينابيع المودّة، أعيان الشيعه ج 1، كشف الغمّة ج 1، مستدرك الوسائل ج 6، بحارالا نوار ج 45 و 88، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل البيت، تذكرة الخواصّ، دلائل الا مامة، ارشاد مفيد، جمال الا سُبوع و...

287- اصول كافى : ج 1 ص 102 ح 4.

288- اصول كافى : ج 1، ص 7، ح 7.

289- اثبات الهداة : ج 3، ص 467 و بحارالا نوار: ج 52 ص 125 ح 13 با تفاوت.

290- اصول كافي : ج 1، ص 179، ح 12.

291- بحارالاءنوار: ج 1، ص 137، ح 31.

292- محاسن برقي : ج 1، ص 228، بحارالا نوار: ج 1 ص 214 ح 16.

293- اصول كافي : ج 1 ص 42 ح 3، مستدرك الوسائل : ج 17 ص 244.

294- وسائل الشيعه : ج 4، ص 27، ح 4424.

295- وسائل الشيعه : ج 4، ص 23، ح 4413.

296- وسائل الشيعه : ج 1، ص 18، ح 10.

297- اءمالى شيخ طوسى : ج 1، ص 175.

298- مستدرك الوسائل : ج 6، ص 64، ح 15.

299- وسائل الشيعه : ج 17، ص 21، ح 21876.

300- وسائل الشيعه : ج 21، ص 490، ح 27669.

301- مستدرك الوسائل : ج 3، ص 385.

302- تنبيه الخواطر: ص 523.

303- تنبيه الخواطر: ص 427.

304- عدّة الداعى : ص 99، س 15.

305- مستدرك الوسائل : ج 12، ص 402، ح 6.

306- الجواهرالسنّية : ص 28.

307- محاسن برقى : ص 393، ح 4.

308- بحارالا نوار: ج 7، ص 303، ح 61.

309- وسائل الشيعه : ج 5، ص 322 ح 6675.

310- تنبيه الخواطر: ص 528، وسائل الشيعة : ج 12 ص 306 ح 16370.

311- وسائل الشيعه : ج 4، ص 19، ح 4401.

312- وسائل الشيعه : ج 3، ص 3، ح 153 ح 3265.

313- بحارالا نوار: ج 68 ص 336، ح 22.

314- تنبيه الخواطر: ص 468 س 5.

315-بحارالا نوار: ج 63 ص 394 ح 2.

316- خصال صدوق : ج 1، ص 13، بحارالا نوار: ج 73 ص 20 ح 2.

317- وسائل الشيعه : ج 16، ص 20 ح 20853.

318- تحف العقول : ص 221.

319- تحف العقول : ص 213.

320- تحف العقول : ص 218.

321- وسائل الشيعه : ج 8 ص 286 ح 10679.

322- وسائل الشيعه : ج 15، ص 222، ح 20330.

323- وسائل الشيعه : ج 15، ص 247 ح 20407.

324- وسائل الشيعه : ج 16، ص 113 ح 21119.

325- وسائل الشيعه : ج 16، ص 173 ح 21271.

326- تحف العقول : ص 215، بحارالا نوار: ج 75 ص 175 ح 5.

327- تاريخ ولادت آن حضرت طبق شمسى 4/3/78 يا 12/5/81 خواهد بود.

328- نام مبارك آن حضرت به عنوان امام (جعفر، صادق) عليه‌السلام طبق عدد حروف أ بجد 353، 195 مى باشد.

329- تارخ شهادت آن حضرت طبق سال شمسى 26/9/144 مى باشد.

330- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، تذكرة الخواص، اعيان الشيعه ج 1، مستدرك الوسائل 6، كشف الغمه ج 2، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل البيت، ينابيع الموده، اعلام الورى طبرسى ج 1، جمال الا سبوع، دعوات راوندى، بحارالا نوار ج 47 و 88، عيون المعجزات، دلائل الا مامة طبرى، ارشاد مفيد و...

331- جامع الاحاديث الشيعه : ج 1 ص 127 ح 102.

332- اءمالى الصدوق : ص 252 ح 13.

333- اءمالى الصدوق : ص 197 س 3.

334- وسائل الشيعه : ج 4 ص 34 ح 4442.

335- وسائل الشيعة : ج 8 ص 13 ح 10007 به از كافى و تهذيب.

336- اختصاص شيخ مفيد: ص 240.

337- مستدرك الوسائل : ج 9 ص 16 ح 4.

338- وسائل الشيعه : ج 11 ص 412 ح 15133.

339- اءمالى طوسى : ج 2 ص 279.

340- وسائل الشيعة : ج 1 ص 380 ح 1005.

341- امالى طوسى : ج 2 ص 343.

342- وسائل الشيعة : ج 1 ص 474 ح 1258.

343- من لايَحضره الفقيه : ج 2 ص 51 ح 13.

344- وسائل الشيعه : ج 10 ص 157 ح 13102.

345- وسائل الشيعه : ج 6 ص 204 ح 7734.

346- وسائل الشيعه : ج 6 ص 225 ح 7792.

347- وسائل الشيعه : ج 25 ص 147 ح 31472.

348- وسائل الشيعه : ج 25 ص 208 ح 31699.

349- جامع احاديث الشيعة : ج 5 ص 358 ح 12.

350- جامع احاديث الشيعة : ج 6 ص 178 ح 78.

351- وسائل الشيعة : ج 2 ص 124 ح 1684.

352- اءمالى طوسى : ج 2 ص 278 وسائل الشيعة : ج 16 ص 36 ح 10.

353- بحارالا نوار: ج 79 ص 116 ح 7 و ح 8، و ص 123 ح 16.

354- مصادقة الاخوان : ص 82 ح 8.

355- امالي شيخ طوسى : ج 1 ص 125.

356- مستدرك الوسائل : ج 7 ص 163 ح 1.

357- مستدرك الوسائل : ج 6 ص 431 ح 8357.

358- مستدرك الوسائل : ج 16 ص 288 ح 1.

359- اعيان الشيعة : ج 1 ص 672.

360- وسائل الشيعة : ج 4 ص 112 ح 4650.

361- وسائل الشيعة : ج 15 ص 162 ح 20215.

362- وسائل الشيعة : ج 16 ص 93 ح 21070.

363- وسائل الشيعة : ج 16 ص 76 ح 21023.

364- مستدرك الوسائل : ج 6 ص 66 ح 22.

365- اصول كافى : ج 2 ص 272.

366- اءمالى صدوق : ص 321 ح 2.

367- وسائل الشيعة : ج 7 ص 363 ح 9587، و ص 356 ح 9564.

368- دعوات راوندى ص 123 ح 302.

369- خصال : ص 639 ح 14.

370- الا مام الصّادق عليه‌السلام : ص 143، بحارالا نوار: ج 1 ص 224 ح 13.

371- مطابق با بيستم آبان 124 شمسى.

372- نام مبارك حضرت با عنوان امام «موسى كاظم» عليه‌السلام طبق حروف ابجد كبير 116، 961 مى شود.

373- مطابق با 13 شهريور 178 شمسى.

374- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، تاريخ اهل البيت عليهم‌السلام، مجموعه نفيسه، مستدرك الوسائل، تذكرة الخواصّ، اعيان الشيعه ج 2، ينابيع المودّه، الفصول المهمّه، كشف الغمّة ج 2، عيون المعجزات، إعلام الورى، بحارالا نوار: ج 47، دلائل الا مامة، جمال الاسبوع، دعوات راوندى و...

375- اءعيان الشيعة : ج 2 ص 9، نزهة الناظر: ص 121 ح 1، بحارالا نوار: ج 77 ص 328 ح 5.

376- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 122 ح 2.

377- تحف العقول : ص 213.

378- بحارالا نوار: ج 73 ص 91.

379- تحف العقول : ص 291.

380- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 123 ح 6.

381- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 123 ح 13.

382- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 124 ح 15.

383- بحارالا نوار: ج 98 ص 136 ح 76، مصباح المتهجّد شيخ طوسى : ص 735 ب 3.

384- وسائل الشيعة : ج 2 ص 52 ح 1454.

385- وسائل الشيعة : ج 12 ص 118 ح 15812.

386- وسائل الشيعة : ج 25 ص 78 ح 21240.

387- تحف العقول : ص 388 س 17، بحارالا نوار: ج 75 ص 303 ضمن ح 25.

388- اصول كافى : ج 1 ص 38.

389- تحف العقول : ص 301.

390- بحارالا نوار: ج 75 ص 327 س 2 ضمن ح 4.

391- تحف العقول : ص 297.

392- تحف العقول : ص 304، بحارالا نوار: ج 75 ص 325 ح 2.

393- تحف العقول : ص 302.

394- تحف العقول : ص 303.

395- تحف العقول : ص 209.

396- وسائل الشيعة : ح 4 ص 73 ح 4547.

397- تحف العقول : ص 292.

398- تحف العقول : ص 292.

399- تحف العقول : ص 302.

400- اصول كافى : ج 1 ص 72 ح 10.

401- وسائل الشيعة : ج 17 ص 58 ح 21972.

402- وسائل الشيعة : ج 15 ص 273 ح 20497.

403- وسائل الشيعة : ج 21 ص 540 ح 27805.

404- وسائل الشيعة : ج 16 ص 95 ح 21074.

405- تحف العقول : ص 285، بحارالا نوار: ج 1 ص 136 ضمن ح 30.

406- اءصول كافى : ج 2 ص 494 ح 15.

407- تحف العقول : ص 286.

408- وسائل الشيعة : ج 2 ص 65 ح 1499.

409- وسائل الشيعة : ج 5 ص 340 ح 3، محاسن برقى ص 622 ح 69.

410- اصول كافى ج 1 ص 179 ح 9.

411- خصال : ج 1 ص 9 ح 30.

412- مستدرك الوسائل : ج 17 ص 278 ح 35.

413- وسائل الشيعة : ج 15 ص 350 ح 1، مستدرك ج 11 ص 381 ح 1.

414- وافى : ج 4 ص 145 ح 1، بحارالا نوار: ج 67 ص 136 ح 2.

415- سال ولادت آن حضرت بين محدثين اختلاف است كه از 148 تا 153 گفته اند. و برحسب 11 / ذى القعدة / 148 قمرى، طبق سال شمسى 11 / آذرماه / 144 مى باشد.

416- نام و لقب مبارك حضرت به عنوان امام «علىّ، رضا» عليه‌السلام، طبق حروف اءبجد كبير، عدد 110، 1001 مى باشد.

417- تاريخ شهادت حضرت طبق سال شمسى : 19 / شهريور / 197، يا 17 / مرداد / 200 خواهد بود.

418- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:

بحارالا نوار ج 49، اعيان الشيعه ج 2، ناسخ التواريخ، اصول كافى ج 1، كشف الغمّة ج 2، فصول المهمّة، إعلام الورى طبرسى ج 2، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل بيت، ينابيع المودّه، تهذيب الاحكام ج 6، جمال الا سبوع سيّد بن طاووس، دعوات راوندى، دلائل الا مامه، عيون المعجزات، دروس شهيد ص 152 154 و...

419- مستدرك الوسائل : ج 10 ص 250 ح 38.

420- مستدرك الوسائل : ج 10 ص 359 ح 2.

421- مستدرك الوسائل : ج 3 ص 25 ح 4.

422- تهذيب الاحكام : ج 2 ص 242 ح 957.

423- وسائل الشيعة : ج 4 ص 43 ح 4469.

424- وسائل الشيعه : ج 21 ص 460 ح 27580.

425- وسائل الشيعة : ج 1 ص 467 ح 1238.

426- بحارالانوار: ج 2 ص 30 ح 13.

427- الدرّة الباهرة : ص 38 س 3، بحارالا نوار: ج 75 ص 354 س 10.

428- جامع الاخبار: ص 59، بحارالا نوار: ج 91 ص 47 ح 2.

429- امالى صدوق : ص 68، بحارالا نوار: ج 91 ص 47 ضمن ح 2.

430- علل الشرايع : ص 198 ح 21.

431- بصائرالدرجات : ص 308 ح 5 ج 2 ص 70.

432- وسائل الشيعة : ج 21 ص 540 ح 27807.

433- بحار: 78 ص 183 ح 35 ثواب الاعمال : ص 175.

434- محاسن برقى : ص 422 ح 208.

435- امالى طوسى : ج 1 ص 82، بحارالا نوار: ج 71 ص 276 ح 4.

436- وسائل الشيعة : ج 21 ص 561 ح 27873.

437- مستدرك الوسائل : ج 2 ص 155 ح 30.

438- مصادقة الاخوان : ص 52 ح 1.

439- وسائل الشيعة : ج 25 ص 183 ح 31693.

440- مستدرك الوسائل : ج 15 ص 358 ح 8.

441- جامع الاحاديث : ج 1 ص 171 ح 234، بحارالا نوار: ج 65 ص 167 ح 24.

442- وسائل الشيعة : ج 14 ص 502 ح 19693.

443- وسائل الشيعه : ج 16 ص 63 ح 20990.

444- اءمالى شيخ صدوق : ص 233 ح 17.

445- بحارالا نوار: ج 4 ص 97 ح 3.

446- مستدرك الوسائل : ج 6 ص 49 ح 6.

447- امالى طوسى : ج ص 82، مستدرك : ج 6 ص 188 ح 1.

448- وسائل الشيعة : ج 6 ص 497 ح 8533.

449- وسائل الشيعة : ج 16 ص 372 ح 6، اصول كافى : ج 2 ص 160 ح 4.

450- اعلام الورى : ج 2 ص 70، بصائرالدرجات : ج 8 ص 308 ح 5.

451- بحارالا نوار: ج 75 ص 334 ح 1، مستدرك الوسائل : ج 9 ص 37.

452- مستدرك الوسائل : ج 9 ص 16 ح

453- وسائل الشيعة : ج 20 ص 80 ح 22040.

454- من لايحضره الفقيه : ج 1 ص 115 ح 541، وسائل الشيعة : ج 3 ص 227 ح 3479.

455- وسائل الشيعة : ج 20 ص 283 ح 25636.

456- عيون اخبارالرّضا عليه‌السلام : ج 1 ص 292 ح 44.

457- الكافى : ج 5 ص 260 ح 5.

458- عيون اخبارالرّضا عليه‌السلام : ج 1 ص 299.

459- مطابق با 22 فروردين، سال 190 شمسى.

460- نام مبارك حضرت با عنوان امام «محمّد جواد» عليه‌السلام به عدد حروف ابجد كبير 88، 18 مى باشد.

461- مطابق با 13 آذر، سال 212 شمسى.

462- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت گرفته شده است از:

اصول كافى ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، مستدرك الوسائل ج 6، بحارالانوار ج 48، اعيان الشيعه ج 2، ناسخ التواريخ ج 12، اعلام الورى طبرسى ج 2، عيون المعجزات، ينابيع المودّه، كشف الغمّه ج 2، تاريخ اهل البيت عليه‌السلام، مجموعه نفيسه، هداية الكبرى، دروس شهيد ص 152 - 154، جمال الاسبوع، ...

463- مستدرك الوسائل : ج 8 ص 329 ح 1.

464- امالى شيخ مفيد: ص 328 ح 13.

465- مستدرك الوسائل : ج 8، ص 351، ح 4.

466- عيون اخبار الرضا عليه‌السلام : ج 2 ص 256 ح 6.

467- بحارالا نوار: ح 68 ص 155 ح 69.

468- بحارالا نوار: ص 34 ح 13.

469- بحارالا نوار: ج 71 ص 181.

470- تنبيه الخواطر: ص 428، بحارالا نوار: ج 67 ص 245 ح 19.

471- وسائل الشيعة : ج 16 ص 242 ح 21466.

472- مستدرك الوسائل : ج 7 ص 230 ح 5.

473- مستدرك الوسائل : ج 17 ص 308 ح 5.

474- بحارالا نوار: ج 75 ص 380 ح 42.

475- تهذيب الا حكام : ج 7 ص 396 ح 9.

476- كشف الغمّة : ج 2 ص 349، بحارالا نوار: ج 75 ص 81 ح 75.

477- كشف الغمّة : ج 2 ص 349، بحارالا نوار: ج 75 ص 82 ح 79.

478- بحارالا نوار: 68 ص 340 ح 13.

479- الا مام الجواد عليه‌السلام : ص 387.

480- خصال : ج 2 ص 650 ح 46.

481- اختيار معرفة الرّجال : ص 564 ح 1066.

482- بحارالا نوار: ج 68 ص 53 ح 69.

483- كشف الغمّه : ج 2 ص 350 س 11.

484- بحارالا نوار: ج 75 ص 80 ح 63.

485- حلية الاءبرار: ج 4 ص 599 س 11.

486- كشف الغمّة : ج 2 ص 347، بحارالا نوار: ج 75 ص 80، ضمن ح 65.

487- بحارالا نوار: ج 75 ص 358.

488- كافى : ج 3 ص 321 ح 7.

489- نورالا بصار: ص 331 س 12، بحارالا نوار: ج 75 ص 80 س 12.

490- خصال صدوق : ص 42 ح 32.

491- كافى : ج 3 ص 218 ح 3.

492- احقاق الحقّ: ج 12 ص 439 س 11.

493- كشف الغمّه : ج 2 ص 349، بحارالا نوار: ج 75 ص 82 ح 78.

494- ارشادالقلوب ديلمى : ص 160 س 19.

495- كشف الغمّه : ج 2 ص 349 س 13.

496- بحارالا نوار: ج 75 ص 81 ح 74.

497- كشف الغمّة : ج 2 ص 349 س 3.

498- بحارالا نوار: ج 75 ص 466.

499- كامل الزيارات : ص 536 ح 827، بحارالا نوار: ج 99 ص 265.

500- بحارالا نوار: ج 71 ص 367.

501- بحارالا نوار: ج 73 ص 351.

502- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 134 ح 2، بحارالا نوار: ج 75 ص 364، ضمن ح 4.

503- مطابق با نهم مهر ماه، سال 206 هجرى شمسى مى باشد.

504- بين تاريخ نويسان و راويان حديث اختلاف است كه ولادت حضرت در چه تاريخى واقع شده، بين 15 و يا 27 ذى الحجّه، يا آنكه دوّم، يا 13 رجب سال 212.

505- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «علىّ، هادى» عليه‌السلام طبق عدد حروف أ بجد كبير 110، 20 مى شود.

506- مطابق با يازدهم تيرماه، سال 247 هجرى شمسى مى باشد.

507- تاريخ ولادت و ديگر حالات برگرفته شده از: اصول كافى ج 1، تهذيب الا حكام ج 6، تاريخ اهل البيت ع، مجموعه نفيسه، اعيان الشيعه ج 2، اعلام الورى طبرسى ج 2، كشف الغمّه ج 2، بحارالا نوار 48، جمال الاسبوع، دروس شهيد: ص 152 154، دعوات راوندى...

508- بحارالا نوار: ج 68 ص 182 ح 41، اعيان الشيعه : ج 2 ص 39.

509- غدة الداعى مرحوم راوندى : ص 208.

510- بحارالا نوار: ج 84 ص 172 به نقل از اءعلام الدين ديلمى.

511- بحار الانوار: ج 75 ص 369 ح 4، اعلام الدين : ص 312 س 14.

512- بحارالا نوار: ج 69 ص 199 ح 27.

513- امالى شيخ مفيد: ص 329، ح 13.

514- اعيان الشيعة : ج 2 ص 39، تحف العقول : ص 438.

515- اعيان الشيعة : ج 2 ص 39، بحارالا نوار: ج 17.

516- مستدرك الوسائل : ج 12 ص 308 ح 2.

517- عيون اخبار الرضا عليه‌السلام : ج 2 ص 260 ح 22.

518- امالى طوسى : ج 2 ص 580 ح 8.

519- مستدرك الوسائل : ج 12 ص 11 ح 18.

520- بحارالا نوار: ج 2 ص 6 ضمن ح 13.

521- وسائل الشيعة : ج 25، ص 210، ح 2.

522- بحارالا نوار: ج 73، ص 115 ح 16.

523- اعلام الدين : ص 311 س 16، بحارالا نوار: ج 75 ص 369 ح 4.

524- كافى : ج 5، ص 125، ح 7.

525- نزهة الناظر: ص 141 ح 23، اعلام الدين : ص 311 س 20.

526- بحارالا نوار: ج 69 ص 316 ح 24.

527- اعلام الدين : ص 311 س 4، بحارالا نوار: ج 75 ص 369.

528- تحف العقول : ص 357، بحارالا نوار: ج 98 ص 130 ضمن ح 34.

529- تحف العقول : ص 358.

530- تحف العقول : ص 383، بحارالا نوار: ج 75 ص 365.

531- محجّة البيضاء: ج 5، ص 225.

532- بحارالا نوار: ج 57، ص 81.

533- بحارالا نوار: ج 57، ص 83.

534- بحارالا نوار: ج 50، ص 264.

535- بحارالا نوار: ج 71، ص 182.

536- بحارالا نوار: ج 71 ص 324، مستدرك الوسائل : ج 11 ص 184 ح 4.

537- بحارالا نوار: ج 75، ص 65 ح 4.

538- بحارالا نوار: ج 75، ص 173 ح 2.

539- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 141 ح 21.

540- بحارالا نوار: ج 78 ص 368، ضمن ح 3، نزهة الناظر: ص 139 ح 12.

541- الدرة الباهرة : ص، نزهة الناظر: ص 138 ح 7.

542- بحارالا نوار: ج 50 ص 239 ح 4 به نقل از إكمال الدين صدوق.

543- بحارالا نوار: ج 73 ص 197 ح 17 به نقل از درّة الباهرة.

544- بحارالا نوار: ج 50 ص 215 ح 1 س 18، به نقل از امالى طوسى.

545- وسائل الشيعة : ج 16، ص 221 ح 21382.

546- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص 138 ح 5.

547- تحف العقول : ص 358، بحارالا نوار: ج 75 ص 365، ضمن ح 1.

548- مطابق با پانزدهم آذر ماه، سال 225 هجرى شمسى مى باشد.

549- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «حسن، عسكرى» عليه‌السلام طبق عدد حروف أ بجد كبير 118، 360 مى شود.

550- مطابق با پانزدهم ديماه، سال 252 هجرى شمسى مى باشد.

551- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول كافى : ج 1، تهذيب الاحكام : ج 6، تذكرة الخواصّ، أعيان الشيعة : ج 2، مستدرك الوسائل : ج 6، كشف الغمّه : ج 2، مجموعه نفيسه، تاريخ أ هل البيت، ينابيع المودّة : إعلام الورى طبرسى : ج 2، جمال الاسبوع، دعوات راوندى، دلائل الامامه طبرى، ارشاد مفيد، دروس شهيد: ص 152 154 و...

552- اصول كافى : ج 1 ص 519 ح 11.

553- حديقة الشيعة : ج 2 ص 194، وافى : ج 4 ص 177 ح 42.

554- مستدرك الوسائل : ج 11 ص 184 ح 3.

555- تحف العقول : ص 489 س 13، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 26.

556- مستدرك الوسائل : ج 12 ص 261 ح 1.

557- مستدرك الوسائل : ج 12 ص 261 س 15، بحارالا نوار: ج 75 ص 401، ضمن ح 42.

558- مستدرك الوسائل : ج 8 ص 351 ح 5، بحارالا نوار: ج 71 ص 198 ح 34.

559- تحف العقول : ص 361.

560- بحارالا نوار: ج 1 ص 95 ح 27.

561- تحف العقول : ص 489 س 20، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 33.

562- بحارالا نوار: ج 68 ص 336 س 21 ضمن ح 22.

563- تحف العقول : ص 498 س 22، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 35.

564- بحارالا نوار: ج 71 ص 188 ح 15.

565- تحف العقول : ص 489 س 17، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 24.

566- بحارالا نوار: ج 75 ص 372 ح 11.

567- اعيان الشيعة : ج 2 ص 41 س 30، بحارالا نوار: ج 75 ص 372 ح 12.

568- احتجاج طبرسى : ج 2 ص 517 ح 340، بحارالا نوار: ج 41 ص 55 ح 5.

569- طب الائمّه سيّد شبّر: ص 331 س 8.

570- بحارالا نوار: ج 75 ص 372 س 21، ضمن ح 12.

571- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 2، بحارالا نوار: ج 75 ص 373 ح 19.

572- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 29، بحارالا نوار: ج 75 ص 380 س 1.

573- اعلام الدين : ص 313 س 3، بحارالا نوار: ج 75 ص 379 س 18.

574- تحف العقول : ص 489 س 9، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 22.

575- تحف العقول : ص 489 س 7، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 20.

576- تحف العقول : ص 489 س 8، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 21.

577- تحف العقول : ص 489 س 14، بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 27.

578- كافى : ج 3 ص 287 ح 6.

579- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 1، بحارالا نوار: ج 75 ص 373 ح 18.

580- اعلام الدين ديلمى : ص 313 س 3، بحارالا نوار: ج 75 ص 378 س 16.

581- غيبة شيخ طوسى : ص 207 ح 176، بحارالا نوار: ج 50 ص 250 ح 4.

582- بحارالا نوار: ج 75 ص 373 ح 14.

583- بحارالا نوار: ج 75 ص 372 ح 9.

584- بحارالا نوار: ج 72 ص 466 ح 12.

585- اعيان الشيعة : ج 2 ص 41 س 23، بحارالا نوار: ج 75 ص 370 ح 1.

586- تفسير الا، مام العسكرى عليه‌السلام : ص 333 ح 210.

587- بحارالا نوار: ج 75 ص 374 ح 28.

588- أعلام الدين : ص 314 س 7، بحارالا نوار: ج 75 ص 379 س 22.

589- احتجاج طبرسى : ج 2 ص 517 ح 340.

590- بحارالا نوار: ج 75 ص 372 س 18.

591- تفسير الا مام العسكرى عليه‌السلام : ص 345 ح 226.

592- مطابق با بيست و دوّم مرداد ماه، سال 247 هجرى شمسى مى باشد.

593- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «محمّد، مهدى» عليه‌السلام طبق عدد حروف اءبجد كبير - 92، 95 مى باشد.

594- طبق احاديث وارده : گفتن نام صريح امام زمان در زمان غيبت حرام و غيرمجاز است.

595- ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول كافى ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، تاريخ اهل البيت، مجموعه نفيسه، اعيان الشيعه ج 2، كشف الغمّه ج 2، ينابيع المودّة، بحارالا نوار، جمال الاسبوع، دعوات راوندى، اعلام الورى طبرسى ج 2، دلائل الامامة، دروس شهيد: ص 152 154، و...

596- تفسير عيّاشى : ج 1 ص 16، بحارالا نوار: ج 89 ص 96 ح 58.

597- دعوات راوندى : ص 207 ح 563.

598- بحارالا نوار: ج 2 ص 90 ح 13، و ج 52 ص 181 ح 10، و ج 75 ص 380 ح 1.

599- بحارالا نوار: ج 53 ص 178.

600- بحارالا نوار: ج 53 ص 163.

601- بحارالا نوار: ج 53 ص 179.

602- بحارالا نوار: ج 53 ص 191.

603- بحارالا نوار: ج 53 ص 196.

604- بحارالا نوار: ج 56 ص 181.

605- بحارالا نوار: ج 55 ص 41.

606- بحارالا نوار: ج 53 ص 191، اكمال الدين : ج 2 ص 510.

607- بحارالا نوار: ج 53 ص 180، اكمال الدين : ج 2 ص 484.

608- بحارالا نوار: ج 53 ص 175، احتجاج : ج 2 ص 497.

609- مستدرك الوسائل : ج 2 ص 517 ح 5.

610- مستدرك الوسائل : ج 10 ص 247 ح 4.

611- وسائل الشيعه : ج 28 ص 351 ح 39، غيبة الطوسى : ص 177.

612- بحارالا نوار: ج 53 ص 165.

613- وسائل الشيعه : ج 10 ص 55.

614- وسائل الشيعة : ج 12 ص 89 ح 1.

615- وسائل الشيعة : ج 16 ص 242 ح 12.

616- وسائل الشيعة : ج 16 ص 242 ح 12.

617- وسائل الشيعة : ج 21 ص 442 ح 1.

618- وسائل الشيعة : ج 6 ص 490 ح 3، بحارالا نوار: ج 53 ص 161.

619- الدرّة الباهرة : ص 48 س 3.

620- بحارالا نوار ج 52 ص 52.

621- بحارالا نوار: ج 53 ص 191، إكمال الدين ج 2 ص 511.

622- بحارالا نوار: ج 53 ص 182.

623- بحارالا نوار: ج 53 ص 183.

624- بحارالا نوار: ج 53 ص 161.

625- بحارالا نوار: ج 56 ص 168.

626- بحارالا نوار: ج 55 ص 16.

627- بحارالا نوار: ج 55 ص 37.

628- بحارالا نوار: ج 50 ص 227.

629- بحارالا نوار: ج 53 ص 191.

630- بحارالا نوار: ج 53 ص 196.

631- بحارالا نوار: ج 53 ص 181.

632- بحارالا نوار: ج 53 ص 179.

633- بحارالا نوار: ج 53 ص 181.

634- بحارالا نوار: ج 53 ص 182.

635- إكمال الدين شيخ صدوق : ص 443 ح 17.

636- كافى : ج 4 ص 162 ح 4، فلاح السائل سيّدبن طاووس : ص 46.

فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc384034800)

[خلاصه حالات اوّلين معصوم آخرين پيامبر، اشرف مخلوقات 8](#_Toc384034801)

[چهل حديث گهربار، از آخرين پيامبر، اشرف مخلوقات 13](#_Toc384034802)

[خلاصه حالات دوّمين معصوم اميرمؤمنان على عليه‌السلام 23](#_Toc384034803)

[چهل حديث گهربار، از اميرمؤمنان على عليه‌السلام 28](#_Toc384034804)

[خلاصه حالات سوّمين معصوم حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام 38](#_Toc384034805)

[چهل حديث گهربار از حضرت فاطمه زهراء عليها‌السلام 42](#_Toc384034806)

[خلاصه حالات چهارمين معصوم دوّمين امام حضرت امام حسن مجتبى عليه‌السلام 52](#_Toc384034807)

[چهل حديث گهربار، از حضرت امام حسن مجتبى عليه‌السلام 55](#_Toc384034808)

[خلاصه حالات پنجمين معصوم سوّمين امام ابا عبداللّه الحسين عليه‌السلام 64](#_Toc384034809)

[چهل حديث گهربار، از سالار شهيدان اباعبداللّه الحسين عليه‌السلام 67](#_Toc384034810)

[خلاصه حالات ششمين معصوم چهارمين امام زين العابدين على بن الحسين عليه‌السلام 78](#_Toc384034811)

[چهل حديث گهربار، از امام زين العابدين عليه‌السلام 81](#_Toc384034812)

[خلاصه حالات هفتمين معصوم پنجمين امام حضرت امام محمّد باقر عليه‌السلام 92](#_Toc384034813)

[چهل حديث گهربار، از حضرت امام محمّد باقر عليه‌السلام 94](#_Toc384034814)

[خلاصه حالات هشتمين معصوم ششمين امام حضرت امام جعفر صادق عليه‌السلام 104](#_Toc384034815)

[چهل حديث گهربار، از امام جعفر صادق عليه‌السلام 107](#_Toc384034816)

[خلاصه حالات نهمين معصوم هفتمين امام حضرت امام موسى بن جعفر عليه‌السلام 117](#_Toc384034817)

[چهل حديث گهربار، از امام موسى بن جعفر عليه‌السلام 120](#_Toc384034818)

[خلاصه حالات دهمين معصوم هشتمين امام حضرت امام على بن موسى الرضا عليه‌السلام 128](#_Toc384034819)

[چهل حديث گهربار، از على بن موسى الرضا عليه‌السلام 131](#_Toc384034820)

[خلاصه حالات يازدهمين معصوم نهمين امام حضرت امام جواد الائمه عليه‌السلام 140](#_Toc384034821)

[چهل حديث گهربار، از حضرت امام جواد عليه‌السلام 143](#_Toc384034822)

[خلاصه حالات دوازدهمين معصوم دهمين امام حضرت امام هادى عليه‌السلام 152](#_Toc384034823)

[چهل حديث گهربار، از حضرت امام هادى عليه‌السلام 155](#_Toc384034824)

[خلاصه حالات سيزدهمين معصوم يازدهمين امام حضرت امام حسن عسكرى عليه‌السلام 164](#_Toc384034825)

[چهل حديث گهربار، از حضرت امام حسن عسكرى عليه‌السلام 167](#_Toc384034826)

[خلاصه حالات چهاردهمين معصوم دوازدهمين امام حجة بن الحسن العسكرى عليه‌السلام 177](#_Toc384034827)

[چهل حديث گهربار، از امام زمان، حضرت مهدى، عليه‌السلام 180](#_Toc384034828)

[پی نوشت ها : 189](#_Toc384034829)

[فهرست مطالب 216](#_Toc384034830)